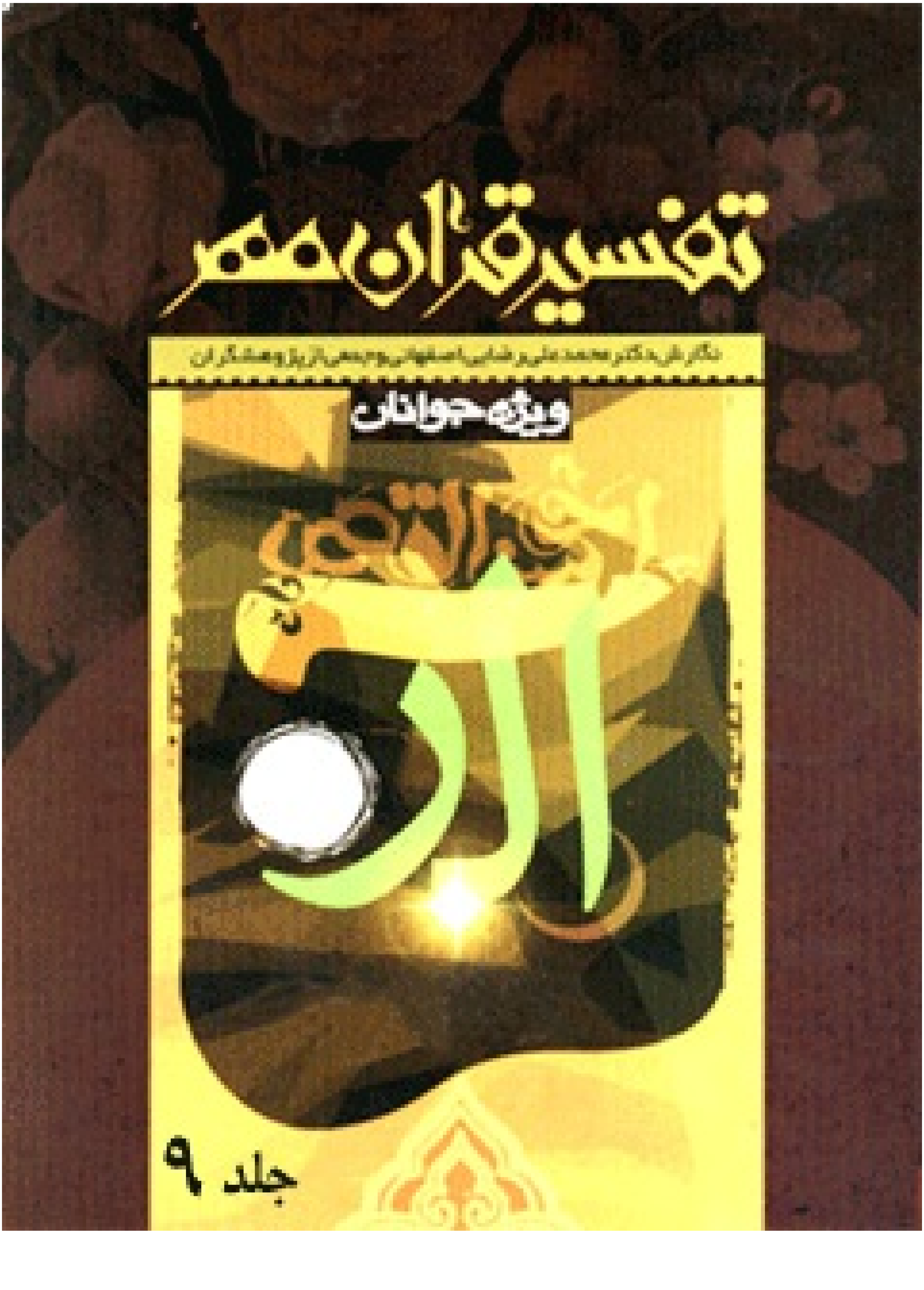

تفسیر قرآن مهر
نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران
ویژه جوانان
جلد ۹

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد نهم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ – عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳– مشخصات ظاهری : ج. شابک : ۴۱۰۰۰ ریال (ج.۹)یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم ۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۹. سوره‌های یونس و هود. رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیةاللَّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیةاللَّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷ بسم اللَّه الرحمن الرحیم وصلی اللَّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰ استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی و جواد و اکبر رحمتی و محمد رضایی و اکبر جعفری سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۱۵/ ۱۲/ ۱۳۸۶ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱

بخش اول: سوره‌ی یونس

اشاره

خداشناسی از طریق هستی شناسی معادشناسی و پیامبر شناسی پند آموزی از تاریخ ملت‌ها تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳

اول: سیمای سوره‌ی یونس

اشاره

سیمای سوره یونس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز شمارگان: سوره‌ی یونس، دارای ۱۰۹ آیه و ۱۸۳۲

کلمه و ۷۵۶۷ حرف است. نزول: این سوره پنجاهمین سوره در ترتیب نزول است و در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده است و در ترتیب فعلی قرآن، دهمین سوره به شمار می‌آید. سوره‌ی یونس بعد از سوره‌ی اسراء و قبل از سوره‌ی هود، یا سوره‌ی معارج «۱» فرود آمده است؛ بنابراین سوره‌ی یونس حدود یک سال قبل از هجرت نازل شده است. نام: این سوره فقط یک نام دارد و آن هم «یونس» است؛ سبب نام گذاری آن نیز داستان یونس پیامبر علیه السلام است که در آیه‌ی ۹۸ این سوره آمده است.

فضایل

در مورد فضیلت قرائت این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس سوره‌ی یونس را در هر دو یا سه ماه بخواند، بیم آن نمی‌رود که از جاهلان و بی‌خبران باشد؛ و در روز رستاخیز از تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴ مقرّبان خواهد بود. «۱» تذکر: این تأثیرات شاید به خاطر آن باشد که آیات هشدار دهنده و بیدار کننده در این سوره زیاد است و اگر با دقت و تأمل خوانده شود، جهل و نادانی را از صفحه‌ی روح انسان تا مدتی پاک می‌کند. ویژگی‌ها: در ترتیب فعلی قرآن، سوره‌ی یونس اولین سوره‌ای است که به نام یکی از پیامبران خدا نام گذاری شده و از سوره‌هایی است که با حروف مقطعه شروع می‌شود.

اهداف

بیان چند محور اساسی درباره‌ی مسائل عقیدتی: ۱. توحید و بیان شواهد وجود خدا و مظاهر قدرت او در هستی؛ ۲. معاد؛ ۳. نبوت؛ ۴. پندآموزی و عبرت‌گیری از تاریخ ملت‌ها و پیامبران گذشته.

مطالب

الف) عقاید: ۱. نشانه‌های عظمت خدا در آفرینش جهان (در آیات ۳ و ۳۰)؛ ۲. مسئله‌ی وحی و مقام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۲)؛ ۳. توجه دادن مردم به معاد (در آیه‌ی ۴). ب) مطلب اخلاقی: توجه دادن مردم به ناپایداری زندگی دنیا (در آیات ۷ و ۲۴). تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵ ج) داستان‌ها: ۱. داستان زندگی حضرت نوح علیه السلام (در آیات ۷۰- ۷۳)؛ ۲. داستان زندگی حضرت موسی علیه السلام (در آیات ۷۴- ۹۰)؛ ۳. داستان غرق شدن سپاه فرعون (در آیات ۹۰- ۹۲)؛ ۴. داستان زندگی حضرت یونس علیه السلام (در آیه‌ی ۹۸). د) مسائل فرعی: ۱. اشاره‌ای به مسئله‌ی فطرت و یاد خدا در مشکلات (در آیات ۱۲ و ۲۲)؛ ۲. دعوت مردم به عمل صالح (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. بیان سرسختی و لجاجت بت‌پرستان مشرک (در آیه‌ی ۱۸)؛ ۴. بشارت به نعمت‌های بی‌پایان الهی برای صالحان (در آیات ۸- ۹)؛ ۵. مبارزه‌طلبی و تحدّی قرآن در آوردن سوره‌ای مثل آن (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۶. بیان صفات قرآن، مثل موعظه، شفا، هدایت و رحمت (در آیه‌ی ۵۷). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷

دوم: محتوای سوره‌ی یونس

اشاره

آیه‌ی اول سوره‌ی یونس با حروف مقطّعه آغاز می‌شود و به آیات قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. الر تِلْکَ آیَاتُ الْکِتَابِ الْحَکِیمِ الف، لام، را، آن آیاتِ کتابِ حکمت‌آمیز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسّران قرآن تفسیرهای مختلفی از آیاتی که به صورت حروف مقطّعه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرو فرستاده شده‌اند، ارائه کرده‌اند، که ذیل آیات آغاز سوره‌ی بقره و آل عمران

در این مورد توضیحاتی بیان کردیم. ۲. تعبیر «تِلک» برای اشاره به دور و به معنای «آنها» است. استفاده کردن از اشاره به دور در این جا برای نشان دادن عظمت مفاهیم آیات قرآن است. «۱» ۳. واژه‌ی «حکیم»، یا اشاره به استحکام و نظم و حساب آیات قرآن است و یا مطالب حکیمانه‌ی آن و یا مقصود مقام داوری و حَکَم بودن قرآن است. آری؛ قرآن حکیم است و از هرگونه باطل و خرافه به دور است و تاریخ و دشمنان او نمی‌توانند خللی در آن وارد سازند. ۴. واژه‌ی «آیات»، جمع آیه و به معنای نشانه است و در فرهنگ قرآن، گاهی به معنای معجزه هم به کار می‌رود. آیات، نشانه‌های خدا و معجزات اوست که در قرآن تبلور یافته است. ۵. حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاه آیه‌های قرآن را مشخص تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸ می‌کردند و اندازه‌ی آیات قرآن، از قرائت و سکوت پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام قرائت قرآن معلوم می‌شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیات قرآن والا و حکیمانه است. ۲. از آیات والای قرآن و حکمت‌های آن استفاده کنید. ***

قرآن کتابی حکمت آمیز

قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی یونس به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و تهمت مخالفان به او اشاره کرده، می‌فرماید: ۲. أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ آیا برای مردم شگفت‌آور است، که به سوی مردی از آنان وحی نمودیم که: «مردم را هشدار ده، و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده: که برای آنان گامی راستین (و پیشرو در شرافت) نزد پروردگارشان است»؟! کافران گفتند: «بی‌شک این ساحری آشکار است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان بارها اشکال می‌کردند که چرا وحی الهی بر انسانی نازل شده و چرا فرشته‌ای به عنوان پیامبر نیامده است؟! این آیه با تعبیر «مِنْهُم» پاسخی به این اشکال داده است؛ یعنی اگر رهبر و پیامبر از جنس خود شماست تا دردها و نیازهای شما را بداند، تعجبی ندارد، اگر از غیر جنس شما پیامبری فرستاده می‌شد تعجب داشت. ۲. در مورد تعبیر «قَدَم صِدْق» سه تفسیر شده است: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹ «سابقه‌ی فطری» انسان در ایمان؛ «۱» مقام و منزلت مؤمنان در پیشگاه خدا در آخرت؛ «۲» سوم: پیشوا و رهبر صادق برای مؤمنان. «۳» البته مانعی ندارد که هر سه مورد مقصود آیه باشد. ۳. در برخی احادیث آمده است که مقصود از «قَدَم صِدْق» شخص پیامبر صلی الله علیه و آله، یا ولایت امام علی علیه السلام است. «۴» البته این گونه احادیث مصداق‌های کامل پیشوای صادق را بیان کرده‌اند. ۴. کافران و مشرکان با تأکیدهای مکرر و تحقیرآمیز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را جادوگر می‌خواندند. «۵» آنان چون در برابر سخنان اعجازآمیز و قوانین درخشان و معجزات او پاسخ قانع کننده‌ای نداشتند، آنها را سحر می‌نامیدند تا ساده‌لوحان را فریب دهند. ۵. تأکید مخالفان بر تهمت سحر و اشاره‌ی خدا به آن، نشان می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله کارهای خارق‌العاده‌ای داشته و آیات قرآنش دارای جاذبه‌ی فوق‌العاده‌ای بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله از میان خود شماست (پس او الگو و دردآشنای شماست). ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی هشدار دادن (به کافران و گناهکاران) و مژده تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰ دادن به مؤمنان است. ۳. کافران اهل منطق نیستند، بلکه در برابر رهبران الهی از شیوه‌ی انکار و تهمت استفاده می‌کنند. ***

آفرینش

قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی یونس به معرفی پروردگار و مراحل آفرینش آسمان‌ها و زمین اشاره کرده، می‌فرماید: ۳. إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الأَمْرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلا تَذَكَّرُونَ در واقع پروردگار شما، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره آفرید؛ سپس بر تخت (جهانداری) تسلّط یافت، [و] به تدبیر کار [ها] پرداخت؛ هیچ شفاعتگری، جز پس از رخصت او، نیست؛ این خدا پروردگار

شماست، پس او را بپرستید؛ آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «یوم»، در اصل، به معنای «روز» است، اما گاهی به معنای «دوران» نیز می‌آید؛ یعنی به یک عصر و زمان طولانی، یک دوره یا روز گفته می‌شود؛ پس مفهوم آیه این است که خدا آسمان‌ها و زمین را در شش دوره آفرید. «۱» ۲. واژه‌ی «عَرْش» به معنای «سَقف» یا چیزی است که دارای سقف است و نیز به معنای تخت‌های پایه بلند نیز می‌آید؛ و از این رو کنایه از قدرت است. همان طور که گفته می‌شود: «فلانی بر تخت نشست ...» در حالی که ممکن است اصلًا بر تخت واقعی ننشسته باشد. این تعبیر کنایه از تسلّط بر حکومت است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱ این واژه در مورد خدا نیز به معنای کنایی به کار می‌رود؛ یعنی: «خدا زمام امور جهان را به دست گرفت». «۱» ۳. آفرینش جهان براساس برنامه‌ریزی و مرحله‌بندی و تدبیر «۲» صورت پذیرفته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پروردگارتان را بشناسید که همین شناخت زمینه‌ساز پرستش اوست. ۲. در دستگاه خدا شفاعت هست، اما با رخصت اوست. ۳. انسان (فطرتاً) مبدأ و پروردگارش را می‌شناسد، اما نیازمند تذکر است. ***

رستاخیز و اهداف آن

قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی یونس به معاد و دلیل و هدف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴. إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعْدَ اللَّهِ حَقّاً إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ بازگشت همه‌ی شما فقط به سوی اوست؛ [این وعده حق خداست. او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را تجدید می‌کند، برای آن که کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، به دادگری پاداش دهد؛ و کسانی که کفر ورزیدند، نوشابه‌ای از آب سوزان و عذابی دردناک، برای آنان است، بدان سبب که همواره کفر می‌ورزیدند! تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بیش‌ترین اشکال مشرکان در مورد امکان معاد بود. آیه‌ی فوق با اشاره به یکی از استدلال‌های معاد می‌فرماید: هر کس در امکان معاد تردید دارد، به آغاز خلقت بنگرد؛ کسی که جهان را ایجاد کرد، توانایی رستاخیز مجدد آن را دارد. «۱» ۲. در مورد «رجوع انسان‌ها به سوی خدا» چند تفسیر شده است: برخی گفته‌اند منظور بازگشت انسان‌ها به سوی پاداش و جزای خداست. و برخی دیگر بر آن‌اند که جهان هم چون کاروانی است که حرکت خود را شروع کرده و به سوی بی‌نهایت، که ذات پاک خداست، به پیش می‌رود و این سیر تکاملی او هرگز متوقف نمی‌شود. و از آن جا که آغاز این حرکت از ناحیه‌ی خدا بوده است، از حرکت تکاملی انسان‌ها تعبیر به بازگشت به سوی خدا می‌شود. ۳. هدف نهایی تکامل انسان و جهان، ذات پاک خداست. از مقدم شدن تعبیر «الیه»، که دلیل بر انحصار است، استفاده می‌شود که هیچ وجودی جز ذات پاک خدا نمی‌تواند مقصد و هدف حرکت تکاملی انسان باشد؛ چراکه همه محدودند و مسیر انسان یک مسیر نامحدود است. هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟ ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست خود ز فلک برتریم، وز ملک افزون‌تریم زین دو چرا نگذریم، منزل ما کبریاست (دیوان شمس) تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳ ۴. «قِسْط» به معنای پرداختن سهم دیگری است و از این رو مفهوم «دادگری» در آن نهفته است. این واژه در آیه‌ی فوق تنها در مورد پاداش نیکوکاران آمده است؛ به خاطر آن که مجازات و کیفر، سهمیه و درآمد به شمار نمی‌آید. و یا به خاطر آن که مؤمنان به جهت قسط و عدالتی که دارند، پاداش می‌بینند. «۱» ۵. از تعبیر «يَبْدَؤُ» که مضارع است استفاده می‌شود که آفرینش جهان مستمر و ادامه‌دار است. ۶. هدف معاد، حساب‌رسی مردم و پاداش دادن به آنهاست؛ یعنی از آن جا که جهان مادی ظرفیت کافی برای پاداش‌های بی‌نهایت ندارد، پس براساس حکمت و عدالت الهی، لازم است که جهانی دیگر باشد تا همگان به پاداش خود برسند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز حق است و همه به سوی خدا باز می‌گردند (پس در آن تردید نکنید). ۲. هدف از برپایی رستاخیز، پاداش دادن به انسان‌هاست. ۳. کفر نورزید که کفر زمینه‌ساز عذاب الهی است. ***

نشانه های خدا

قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی یونس به برخی از نشانه‌های باعظمت خدا و گاه‌شمار طبیعی جهان اشاره کرده، می‌فرماید: ۵. هُوَ الَّذِی جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیاءً وَالْقَمَرَ نُوراً وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِینَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِکَ إِلَّا بِالْحَقِّ یُفَصِّلُ الآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴ او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی معیّن کرد، تا عدد سال‌ها و حساب را بدانید؛ خدا این [ها] را جز به حق نیافرید. [او] آیات (و نشانه‌های خود را) برای گروهی که می‌دانند، شرح می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ممکن است واژه‌ی «ضیاء» «۱» و «نور» مترادف و هم‌معنا باشند؛ و یا این که «ضیاء» به معنای نور قوی و «نور» به معنای نور ضعیف باشد. اما برخی از مفسران احتمال داده‌اند که «ضیاء» به معنای نور ذاتی است و «نور» مفهوم اعم دارد که شامل نور ذاتی و عرضی می‌شود؛ یعنی در مورد خورشید که منبع نور آن از خودش است واژه‌ی «ضیاء» به کار برده شده اما در مورد ماه که نور آن با واسطه و اکتسابی است، واژه‌ی «نور» به کار برده شده است. «۲» ۲. در این آیه، نور ماه و خورشید نشانه‌های خدا شمرده شده‌اند. آری؛ نور ماه چراغ شب‌های تار انسان‌های صحراگرد و کشتی‌ها و مایه‌ی آرامش ساکنان زمین است و نور خورشید جهان را روشن می‌کند و گیاهان و حیوانات را پرورش می‌دهد. و اساساً بدون نور در زمین جنبشی نخواهد بود و سکوت مرگ و سرما همه جا را فرا خواهد گرفت. ۳. ضمیر «قَدَّرَهُ مَنازِل» به ماه برمی‌گردد و این عبارت به حرکت ماه به دور زمین و منزلگاه‌های سی‌گانه‌ی آن اشاره دارد که هر شب به صورت کوچکی و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۵ بزرگی ماه به نمایش گذاشته می‌شود. «۱» ۴. حرکت ماه به دور زمین یک تقویم طبیعی است که از یک بار گردش ماه به دور زمین، ماه قمری و با ۱۲ بار گردش، سال قمری پدید می‌آید. این گاه‌شمار برای انسان‌های صحرانشین و شهرنشین، و باسواد و بی‌سواد، قابل استفاده است و اسلام ماه و سال قمری را به رسمیت شناخته است. ۵. در این آیه به مسئله‌ی عدد و حساب اشاره شده که یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشر است به طوری که زندگی بدون عدد، حساب، روزها، ماه‌ها و سال‌ها بسیار مشکل است و همه چیز انسان را دچار هرج و مرج می‌کند. و از آن جا که خدا انسان را برای یک زندگی سعادت بخش و منظم آفریده است، وسایل حساب و نظم را نیز در اختیار او گذارده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان براساس نظم و حق آفریده شده است. ۲. در نور خورشید و ماه و فواید آنها نظر کنید و خدا را بشناسید. ۳. در تقویم از گاه‌شمار طبیعی (حرکت ماه) استفاده کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی یونس به نشانه‌های دیگر خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. إِنَّ فِی اخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یَتَّقُونَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۶ مسلّماً در، پی در پی آمدن شب و روز، و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است، برای گروهی که خودنگهداری می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نه تنها خود آسمان‌ها و زمین، بلکه موجودات و ذراتی که در آنها وجود دارند، هر یک نشانه‌ای برای خدا هستند، ولی کسانی آنها را درک می‌کنند که در پرتو خودنگه‌داری و تقوا و پرهیز از گناه، صفای روح و دید روشن یافته‌اند و می‌توانند چهره‌ی حقیقت و جمال یار را ببینند. ۲. در این آیه، رفت و آمد شب و روز یکی از نشانه‌های خدا شمرده شده است. این مطلب وقتی روشن می‌شود که بدانیم اگر همیشه روز بود، حرارت زمین به قدری بالا ـ می‌رفت که قابل سکونت نبود و اگر همیشه شب بود، همه چیز از شدّت سرما خشک می‌شد، ولی خدا این دو را پشت سر هم قرار داد تا بستر زندگی را در کره‌ی زمین آماده سازد. ۳. «اختلاف» گاهی به معنای رفت و آمد و گاهی به معنای تفاوت است؛ «۱» پس احتمالًا در این جا مقصود آن است که تفاوت‌های شب و روز یکی از نشانه‌های خداست. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از: الف) شب برای آرامش و روز برای تلاش است. ب) شب تاریک و روز روشن است. ج) ساعات شب و روز به عکس یک‌دیگر کم و زیاد می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پدیده‌ی شب و روز و آفرینش موجودات نشانه‌های خدا هستند. ۲. شناخت نشانه‌های خدا در جهان، روحی پاک و باتقوا می‌طلبد. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم،

ص: ۳۷ قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی یونس به عوامل زمینه‌ساز دوزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷ و ۸. إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ* أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ در حقیقت کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، و به زندگی پست (دنیا) خشنود شدند و بدان آرامش یافتند، و کسانی که آنان از آیات (و نشانه‌های) ما غافلند،* آنان به سبب آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان آتش است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از ملاقات پروردگار، ملاقات حسّی نیست؛ چون خدا جسم نیست. منظور، علاوه بر ملاقات پاداش و کیفرهای پروردگار، نوعی شهود باطنی است که انسان در قیامت به ذات مقدس خدا پیدا می‌کند؛ چراکه آیات و نشانه‌های او را همه جا آشکارتر می‌بیند و درک تازه‌ای برای شناخت خدا می‌یابد. «۱» ۲. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس دیدار خدا را دوست بدارد، خدا نیز ملاقات با او را دوست دارد. «۲» ۳. در حقیقت، نتیجه‌ی ایمان نداشتن به معاد و امید نداشتن به نعمت‌های اخروی، دلبستگی به این دنیای محدود و مادی و اتکا به آن است، که ثمره‌اش آلودگی عملی و سرانجامش آتش است. ۴. غفلت از آیات و نشانه‌های الهی، سرچشمه‌ی بیگانگی از خداست که تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۸ ثمره‌اش عدم احساس مسئولیت و آلودگی به ظلم و فساد و گناه است و سرانجام این‌ها چیزی جز آتش نیست. ۵. برای اصلاح جامعه و نجات از آتش، دو شرط اساسی وجود دارد: تقویت پایه‌های ایمان به خدا و معاد؛ و بدون این دو، احساس مسئولیت و ترس از مجازات از بین می‌رود و اصلاحات اجتماعی غیرممکن می‌شود. ۶. دنیا و نعمت‌های آن برای انسان‌ها آفریده شده‌اند و قرآن استفاده‌ی صحیح از آنها را تأیید می‌کند اما آنچه در آیه‌ی فوق ناپسند شمرده شده، رضایت دادن به دنیا در برابر آخرت و تکیه بر مادیات ناپایدار دنیوی است. ۷. امید به آخرت کارساز است و نقش مفیدی در اصلاح فرد و جامعه دارد و اگر این امید به مرحله‌ی یقین و ایمان به معاد برسد، تمام زندگی و افکار انسان را دگرگون می‌کند و جهت می‌دهد. ۸. عوامل دوزخی شدن عبارت‌اند از: الف) انکار معاد و امید نداشتن به پاداش‌های آن؛ ب) راضی شدن به زندگی زودگذر دنیا؛ ج) غفلت از آیات الهی؛ د) عملکرد ناپسند انسان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهنّم، نتیجه‌ی کردار، موضع‌گیری شما نسبت به رستاخیز، دنیاطلبی و غفلت شماست. ۲. به آخرت و پاداش‌های آن امیدوار باشید و به زندگی ناپایدار دنیا اطمینان نکنید. ۳. از نشانه‌ها و آیات الهی غافل نشوید که فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۹ قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی یونس به عوامل بهشتی شدن و ویژگی‌های بهشتیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ براستی کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنان را به وسیله ایمانشان راهنمایی می‌کند؛ [و] در بوستان‌های پر نعمت (بهشت)، نهرها از زیر (درختان) شان روان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «هدایت انسان در پرتو ایمان»، این است که در این جهان انسان مؤمن در پرتو ایمانش از بسیاری اشتباهات و فریبکاری‌ها که زاییده‌ی طمع، خودخواهی و هوس‌هاست، نجات می‌یابد و در پرتو ایمان راه خود را در جهان دیگر به سوی بهشت پیدا می‌کند. ۲. فعل «يَهْدِيهِم» در آیه به صورت مضارع آمده که دلالت بر استمرار دارد، یعنی هدایت الهی برای مؤمنان یک جریان مداوم و ادامه‌دار است. ۳. در آیات دیگر قرآن آمده است که: در روز (قیامت) مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که شعاع نورشان، پیشاپیش آنان و در طرف راستشان حرکت می‌کند. «۱» و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده: هنگامی که مؤمن از قبر خارج می‌شود، اعمالش به صورت زیبایی نمایان می‌گردد و با او سخن می‌گوید که من اعمال تو هستم و به صورت نوری درمی‌آید که او را به سوی بهشت هدایت می‌کند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۰ ۴. در برخی آیات قرآن نیز آمده است که «از زیر درختان بهشت نهرها روان است.» و در آیه‌ی فوق می‌خوانیم که «از زیر (پای) بهشتیان نهرها روان است.» این مطلب، یا اشاره به آن است که قصرهای بهشتیان بر روی نهرها ساخته شده است که این زیبایی خاصی به آنها می‌بخشد و یا اشاره به آن است که نهرهای بهشتیان به فرمان آنها هستند و برخی گفته‌اند احتمالًا مقصود آن است که نهرها در مقابل بهشتیان جریان دارند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و عمل

شایسته از عوامل بهشتی شدن انسان است. ۲. در پرتو نور ایمان، به هدایت الهی دست یابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی یونس به حالات مؤمنان در بهشت اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰. دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ندا (و نیایش) آنان در آن (بوستان‌ها، این است که:) «خدایا، منزّهی تو!» و زنده بادِ آنان در آن جا: «سلام» است؛ و پایان ندا (و نیایش) آنان (این است) که: «ستایش، مخصوصِ خدایی است که پروردگارِ جهانیان است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به سه حالت یا نعمت بهشتیان اشاره کرده است: نخست آن که جذبه‌ی توجه به ذات و صفات خدا وجودشان را روشن تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۱ می‌کند و لذتی می‌برند که قابل مقایسه با هیچ لذتی نیست و از این رو زبان به تسبیح حق می‌گشایند. دوم آن که در اثر برخورد با مؤمنان و در آن محیط پر از صلح و تفاهم، لذتی می‌برند که بعد از توجه به خدا، از هر چیز برتر است. سوم آن که بر اثر استفاده از نعمت‌های بهشتی لذتی می‌برند که آنان را متوجه خدا می‌سازد و سپاس او را می‌گویند. ۲. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که تسبیح، دعا (و وسیله‌ی صدا زدن) اهل بهشت است. «۱» ۳. «سلام» کلام بهشتیان است که فضای بهشت را فرامی‌گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشت نیز جای تسبیح و سپاس حق است. ۲. با تسبیح و حمد و سلام، فضایی بهشتی ایجاد کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی یونس به سبب تأخیر مجازات بدکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱. وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُم بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَايَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ اگر (بر فرض) خدا برای مردم (در پذیرش نفرین و مجازات) بدی [ها]، شتاب می‌کرد هم چون شتاب جویی آنان در نیکی [ها]، حتماً برای آنان سرآمد (عمر) شان فرا می‌رسید؛ و [لی کسانی را که امید به ملاقات ما ندارند، وا می‌گذاریم در حالی که در طغیانشان سرگردان می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد این آیه سه تفسیر شده که همگی ممکن است: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۲ نخست آن که اگر مجازات بدکاران با سرعت انجام می‌گرفت، حالت اختیار، که پایه‌ی تکلیف است، از میان می‌رفت و اطاعت آنان جنبه‌ی اضطراری پیدا می‌کرد و ارزش نداشت. و دوم آن که ممکن است این آیه پاسخ گروهی از کافران باشد که به پیامبران می‌گفتند اگر شما راست می‌گویید از خدا بخواهید هر چه زودتر ما را مجازات یا نابود سازد. آیه پاسخ داد که اگر خدا می‌خواست این تقاضا را بپذیرد، کسی باقی نمی‌ماند. «۱» و سوم آن که این آیه می‌رساند که خدا دعاها و نفرین‌های مردم را زود اجابت نمی‌کند، وگرنه در اثر نفرین‌هایشان به زودی نابود می‌شدند. ۲. در این آیه به سنت استدراج اشاره شده است؛ یعنی رها کردن و مهلت دادن به بدکاران، ستمکاران و کافران منکر معاد، نوعی عذاب آنهاست؛ چراکه آنان حق و باطل را نمی‌شناسند و بر طغیان و گناه خود می‌افزایند تا سرانجام گرفتار آتش شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خدا بدکاران را در دنیا فوراً کیفر می‌داد، کسی باقی نمی‌ماند. ۲. خدا به بدکاران و منکران مهلت می‌دهد تا بر گناهان خود بیفزایند (و گرفتار آتش شوند). ۳. در کیفر بدکاران عجله روا مدارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۳ قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی یونس به ناسپاسی انسان و اسرافکاری او اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲. وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِداً أَوْ قَائِماً فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَسَّهُ كَذلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و هنگامی که به انسان زیان (و رنج) رسد، ما را، در حالی که به پهلویش خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده، می‌خواند؛ و هنگامی که زیان (و رنج) او را از وی برطرف ساختیم، [چنان می‌رود که گویا ما را برای (دفع رنج و) زیانی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، آنچه را که همواره انجام می‌دادند، آراسته شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اثر مشکلات، پرده‌ی حجاب از روی فطرت آدمی کنار می‌رود و درخشش نور توحید آشکار می‌شود و از این روست که انسان‌های گرفتار، خدا را می‌خوانند. ۲. انسان در اثر مداومت بر اعمال زشت، بدان عادت می‌کند و کم‌کم زشتی آن‌ها در نظرش از بین می‌رود و به صورت عملی شایسته مجسّم می‌شود. ۳. این آیه انسان‌های ناسپاس را اسرافکار معرفی می‌کند؛ زیرا آنان مهم‌ترین سرمایه‌های خود، مثل عمر، سلامتی و جوانی را در راه گناه و فساد و یا برای به دست آوردن کالای ناپایدار دنیا به هدر می‌دهند و حتی فرصت سپاس نعمت‌های خدا را از دست می‌دهند. ۴. در قرآن کریم دو دسته صفات

برای انسان شمرده شده است: در برخی آیات انسان‌هایی این گونه معرفی شده‌اند: در بهترین ساختمان آفریده شده و خدا او را آموزش داده و بیان آموخته و او در مسیر تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۴ پروردگارش تلاش می‌کند. «۱» این مربوط به انسان‌هایی است که تحت تربیت الهی و رهبران دینی قرار گرفته‌اند و با به کار انداختن فکر خود، در مسیر حرکت تکاملی، حق و عدالت گام می‌نهند. و در برخی دیگر از آیات، انسان‌ها این گونه معرفی شده‌اند: فراموشکارِ عجول، ضعیف ستمگر، کفران کننده، بخیل، پرخاشگر، جَهُول پر جزع و کم‌ظرفیت، مغرور و سرکش. «۲» این مربوط به انسان‌هایی است که تحت تربیت رهبران الهی قرار نگرفته و به صورت گیاهی خودرو پرورش یافته‌اند و پیرو هوس‌های خود هستند و سرمایه‌های وجودی خود را در مسیر انحرافی به کار می‌اندازند و موجودی خطرناک می‌شوند. ۵. دعا در هر حال (نشسته، ایستاده، یا خوابیده) جایز است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان در برابر خدا ناسپاس است (شما این گونه نباشید). ۲. اسرافکاری و خودفریبی، انسان را از یاد خدا و سپاس او غافل می‌سازد. ۳. پس از برآورده شدن حاجاتتان، خدا را فراموش نکنید و ناسپاس نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی یونس به عوامل نابودی امت‌های پیشین اشاره کرده، می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۵ ۱۳. وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذٰلِكَ نَجْزِى الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ و بیقین گروه‌های پیش از شما را، هنگامی که ستم کردند، هلاک نمودیم؛ در حالی که فرستادگانشان دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند، و [لی هرگز ایمان نمی‌آورند؛ این گونه گروه خلافکاران را کیفر می‌دهیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به این سنت و قانون تاریخی الهی اشاره شده که خدا برخی ملت‌های خلافکار را بر اثر ستمکاری هلاک و عذاب کرده است؛ البته این نوع عذاب بعد از اتمام حجّت توسط پیامبران و دیدن دلایل روشن و معجزات بوده است. «۱» ۲. مقصود از «ستمکاری» در این آیه معنای اعم آن است که شامل ستم به خود و دیگران و هر گونه گناه و فسادی می‌شود. ۳. از جمله‌ی «چنان نبود که ایمان بیاورند» در آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که خدا تنها آن گروهی را به هلاکت افکند که امیدی به ایمان آوردن آنها در آینده هم نبود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستم‌کاری زمینه‌ساز سقوط تمدن‌ها و نابودی ملت‌هاست (واین قانون الهی است). ۲. خلافکاران را پس از اتمام حجّت مجازات کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۶ قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی یونس به استمرار قانون آزمایش الهی در مورد ملت‌های جدید اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۴. ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ سپس شما را پس از آنان، جانشینانی در زمین قرار دادیم، تا ببینیم چگونه عمل می‌کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قانون آزمایش و مجازات برای همگان یکسان است و در مورد همه‌ی ملت‌های آینده نیز اجرا خواهد شد؛ یعنی هر ملتی که دست به ستمکاری و خلافکاری بزند وایمان نیاورد؛ هلاک می‌شود. ۲. مقصود از «دیدن» در این آیه حالتی شبیه انتظار است، نه نگاه با چشم و تفکر؛ چون خدا از این اعمال پیراسته است. ۱. اکنون نوبت شماست، خدا منتظر است که چه خواهید کرد. ۲. راه ستمکاران خلافکار را نروید، که تحت نظر خدا هستید. ***

آیا تعبیر و تبدیل قرآن ممکن است؟

قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی یونس به بهانه‌جویی مشرکان و تغییرناپذیری قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵. وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَايَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِن تِلْقَاءِ نَفْسِى إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّى أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّى عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ و هنگامی که آیاتِ ما در حالی که روشن است بر آنان تلاوت می‌شود، کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، می‌گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تغییر ده.» (ای پیامبر) بگو: «برای من (ممکن) نیست، که از پیش خودم آن را تغییر دهم، (زیرا) جز آنچه به سوی من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم؛ [چرا] که اگر من پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم!» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۷ شأن نزول: حکایت شده که گروهی از بت‌پرستان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند که آنچه در قرآن در مورد بت‌ها آمده برای ما قابل تحمّل نیست. اگر

می‌خواهی از تو پیروی کنیم، قرآن دیگری بیاور یا مطالب این قرآن را تغییر بده. این آیه در پاسخ آنان فرود آمد و تغییرناپذیری قرآن را اعلام کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از سخنان مشرکان بت‌پرست استفاده می‌شود که آنان پیامبر صلی الله علیه و آله را برای رهبری خود نمی‌خواستند، بلکه او را به پیروی از خرافات خویش فرا می‌خواندند و از او قرآنی می‌خواستند که تأیید کننده‌ی انحرافات آنان باشد. ۲. مشرکان از پیامبر می‌خواستند که یا اقدام به تعویض قرآن کند که به کلی قرآن از صفحه‌ی روزگار محو شود و یا آن را تغییر دهد و آیات مخالف بت‌ها را از آن حذف کند. ۳. پاسخ قرآن به مشرکان با نوعی فصاحت در تعبیر همراه است و در نهایت فشردگی همه‌ی مسائل را بازگو می‌کند؛ از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من نمی‌توانم از پیش خود آن را تغییر دهم.» و با این جمله به هر دو درخواست مشرکان جواب منفی می‌دهد؛ چون اگر تغییر در قرآن در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله نباشد، حتماً تعویض کلّ قرآن در اختیار او نیست. ۴. آیات و الفاظ و معانی قرآن، هیچ کدام ساخته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و در اختیار او نیست تا بتواند آنها را تغییر دهد و همه‌ی آنها بر اساس وحی الهی شکل گرفته است. این به مصونیت وحی و معصوم بودن پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن از تغییر و تعویض مصون است. ۲. ترس از عذاب رستاخیز، عامل بازدارنده از گناه است. ۳. جز از وحی پیروی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی یونس سوابق پیامبر صلی الله علیه و آله را دلیل حقانیّت قرآن معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. قُل لوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُراً مِن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ بگو: «اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، آن (آیات) را بر شما نمی‌خواندم (و پیروی نمی‌کردم)، و (خدا) شما را بدان آگاه نمی‌ساخت؛ چه این که پیش از این، مدتی طولانی در میان شما درنگ کرده‌ام و (هرگز آیه‌ای نیاوردم)؛ آیا خردورزی نمی‌کنید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خطاب آیه به مشرکانی است که خواستار تغییر قرآن بودند و حقّانیّت آن را با استناد به سوابق پیامبر صلی الله علیه و آله اثبات می‌کند. این نوعی استفاده از قراین تاریخی برای اثبات حقانیت قرآن است. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چهل سال سابقه‌ی پاکی و امانت دارد. او فردی عرب‌زبان و بدون سواد خواندن و نوشتن بود. پس اگر این آیات قرآن از ناحیه‌ی خودش بود، می‌بایست در این چهل سال، بخشی از آنها بر زبانش جاری می‌شد. ۳. برخی دانشمندان معتقدند که نبوغ فکری و اکتشافات بشری و ابتکارات انسان معمولًا از بیست تا چهل‌سالگی اتفاق می‌افتد ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا چهل‌سالگی ابتکار آوردن سوره‌ای از قرآن را هم از خود نشان نداد؛ و عادتاً ممکن نیست که انسان چهل سال در میان ملتی زندگی کند ولی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۴۹ روش و مکتب و نبوغ خود را بروز ندهد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن محصول فکر بشری نیست. ۲. (نه تنها نزول قرآن) بلکه خواندن و ابلاغ آن نیز به اراده‌ی خداست. ۳. سوابق نیک افراد می‌تواند دلیل پذیرش و تصدیق سخنان آنها باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی یونس با معرفی ستمکارترین افراد می‌فرماید: ۱۷. فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا آیات (و نشانه‌های) او را دروغ انگاشته است؟! براستی که خلافکاران رستگار نخواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز پاسخ کسانی است که درخواست تغییر قرآن را داشتند. در این آیه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان پاسخ می‌دهد که هر کس تغییری از نزد خود در قرآن ایجاد کند، ستمکارترین افراد است. ۲. واژه‌ی «أظلَمُ» (: ستمکارترین) در قرآن مکرر در مورد افراد مختلف آمده است که همه‌ی موارد به شرک و کفر و عناد بازمی‌گردد. «۲» ۳. از دیدگاه قرآن، دروغ‌بندان بر خدا و تکذیب کنندگان آیات الهی، مجرم هستند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ظلم فرهنگی و تغییر دادن قرآن از بزرگ‌ترین ظلم‌هاست. ۲. (ستمکاری و خلافکاری نکنید که) خلافکاران پیروز و رستگار نمی‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی یونس به پرستش بی‌ثمر بت‌ها و عقاید خرافی مشرکان در مورد آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّؤُنَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعلَمُ فِي السَّماوَاتِ وَلَا فِي الأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ و (مشرکان) غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند

که به آنان زیان نمی‌رساند، و سودی به ایشان نمی‌بخشد؛ و می گویند: «این‌ها شفاعتگران، در پیشگاه خدا هستند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمان‌ها و زمین نمی‌داند، خبر می‌دهید؟!» او منزه و برتر است از آنچه شریک [او] قرار می‌دهند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بیان کرده که بت‌ها سود و زیانی ندارند که به خاطر آنها عبادت شوند، حال آن که اگر سود و زیانی هم داشتند باز شایسته‌ی عبادت نبودند؛ پس آیه به این نکته اشاره دارد که بت‌پرستان کوچک‌ترین بهانه و دلیلی برای بت‌پرستی خود ندارند. «۱» ۲. تعبیر «خدا از شفاعتگری بت‌ها اطلاع ندارد.» کنایه از آن است که هیچ چیزی از علم خدا خارج نیست و وجود نداشتن شفاعتگری بت‌ها در علم تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۱ الهی دلیل بر عدم وجود چنین شفاعتگرانی است. ۳. این آیه دلیل نفی مطلق شفاعت نیست؛ زیرا اولًا، کسانی که معتقد به شفاعت هستند، شفاعت کنندگان را نمی‌پرستند، حال آن که در آیه تصریح شده که آنان بت‌ها را می‌پرستند و شفیع خود قرار می‌دهند. ثانیاً، آیه شفاعت بدون فرمان خدا را نفی می کند ولی در آیات متعددی از قرآن شفاعت با اجازه‌ی خدا تأیید شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بت‌پرستی، کاری بی‌منطق و بدون دلیل است. ۲. کسی را بپرستید که سود و زیان و شفاعت شما به دست اوست. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی یونس به وحدت اولیه و پراکندگی ثانوی مردم اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۹. وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ و مردم (در آغاز)، جز یک امّت نبودند، و اختلاف کردند؛ و اگر نبود سخن (سنت گونه‌ا) ی از طرف پروردگارت، (در مورد مجازات نکردن سریع گناهکاران) که از پیش مقرر شده است، حتماً در میان آنان در مورد آنچه در آن اختلاف کردند داوری شده بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بشر بر اساس فطرتش توحیدگراست، اما برخی بر اثر گرایش‌های شیطانی دست خوش دگرگونی شده به شرک و بت‌پرستی کشیده می‌شوند. ۲. واژه‌ی «کلمه» در این آیه اشاره به سنّت الهی در آفرینش دارد که تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۲ براساس آزادی انسان نهاده شده است. آزادی بشر در مسیر هدایت و گمراهی که رمز تکامل و پیشرفت اوست. ۳. اگر خدا زود در مورد اختلافات انسان‌ها داوری می کرد و مشرکان را مجازات می کرد، ایمان مردم براساس ترس و اضطرار به وجود می‌آمد و چنین ایمانی نه مایه‌ی افتخار و نه دلیل تکامل انسان بود؛ از این رو داوری و مجازات را به رستاخیز واگذارده تا مردم در این دنیا آزادانه راه خود را انتخاب کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل در انسانیّت، وحدت و توحید فطری است (و شرک نوعی بدعت و انحراف از فطرت است، که بعداً به وجود می‌آید). ۲. به وحدت توحیدی و فطری خود توجه کنید (وبازگردید) که بشر در آغاز یک امت واحد و هم فکر بوده است. ۳. سنّت و روش الهی، مهلت دادن به افراد برای آزادی انتخاب و عمل است. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی یونس به بهانه‌جویی‌های مشرکان در مورد معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۰. وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِن رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّى مَعَكُم مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ و می‌گویند: «چرا نشانه (معجزه‌واری) از پروردگارش بر او فرو فرستاده نمی‌شود؟!» پس بگو: « (آنچه از حسّ) پوشیده، تنها برای خداست؛ پس منتظر باشید، [چرا] که من (هم) با شما از منتظرانم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «آیه» در اصل به معنای نشانه و در این جا به معنای معجزه‌ی اقتراحی است؛ یعنی معجزه‌ای که مشرکان به میل خود به پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۳ پیشنهاد می کردند که بیاورد. «۱» همان طور که در آیات دیگر قرآن آمده است که مشرکان تقاضای قصری از طلا و چشمه‌ی آب و پرواز به آسمان می کردند. «۲» ۲. مشرکان می‌پنداشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله هر وقت اراده کند می‌تواند معجزه بیاورد. آیه‌ی فوق به این پندار مشرکان پاسخ داد و گفت که معجزه به دست خداست. ۳. معجزه یک عمل خارق‌العاده است که تنها با فرمان و رخصت الهی و به دست پیامبر صلی الله علیه و آله و یا یکی از امامان انجام می گیرد و هدف آن اثبات مقام نبوت یا امامت و هدایت مردم است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معجزه‌ی جاویدان قرآن و معجزات دیگری داشت که هر کدام برای اثبات مقام نبوت کافی بود، ولی درخواست هوس‌آلود مشرکان آوردن معجزات اقتراحی بود و هدف آنها شناخت نبوت و پیروی از او نبود. ۴. ممکن است مقصود از جمله‌ی «غیب تنها برای خداست.» آن باشد که معجزه، امری مربوط به عالم غیب و مخصوص

خداست و یا آن که حکمت‌های زمان و مکان و نوع نزول معجزه، جزئی از اسرار غیب است که مخصوص خداست.» ولی تفسیر دوم تناسب بیش‌تری با آیه دارد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (زمان و مکان و نوع) نزول معجزه به دست خداست، نه در اختیار پیامبر یا تمایلات مردم. ۲. در برابر پیامبر بهانه‌جویی نکنید و با وجود معجزه‌ی قرآن، باز معجزه نطلبید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی یونس به نیرنگ‌های مشرکان و واکنش دستگاه الهی بدانها اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۱. وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْراً إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ و هنگامی که مردم را پس از زیان (و ناراحتی) که به آنان رسیده، رحمتی بچشانیم، به ناگاه آنان در مورد آیات ما فریبی دارند؛ بگو: «ترفند خدا سریع‌تر است. [چرا] که فرستادگانِ (از فرشتگان) ما، آنچه را فریبکاری می‌کنید می‌نویسند.» شأن نزول: حکایت شده که در مکه، بعد از هفت سال خشک‌سالی و قحطی، خدا بارانی فرو فرستاد، ولی مشرکان گفتند که باران به خاطر بت‌ها بوده است و پیامبر صلی الله علیه و آله را اذیت کردند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «مَکْر» در اصل به معنای هرگونه چاره‌اندیشی همراه با پنهان‌کاری است و با معنای فارسی آن که «اعمال شیطنت‌آمیز» است تفاوت دارد. ۲. مکْر در مورد خدا به معنای چاره‌اندیشی و طرح نقشه است که در این تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۵ جا مقصود همان مجازات‌های پروردگار است که گاهی مخفیانه و با سرعت انجام می‌گیرد. ۳. مقصود از مکر مشرکان، همان توجیهات ناروا و راه‌های فراری است که مشرکان در برابر آیات و نشانه‌ها و ظهور نعمت‌ها و بلاها می‌اندیشیدند و همه را معلول تصادفات و یا بت‌ها معرفی می‌کردند. «۱» ۴. مشرکان به جای شکر نعمت‌های الهی، ناسپاسی و نیرنگ می‌کنند. ۵. فرشتگان الهی نقشه‌ها و طرح‌ها و تدابیر انسان را نیز ثبت می‌کنند. ۶. در این آیه واژه‌ی «ضَرّاء» که به معنای «زیان و ناراحتی» است، در برابر واژه‌ی «رحمت» آمده است. «۲» این تعبیر اشاره بدان دارد که هرگونه خوشی و خوبی که به انسان برسد از ناحیه‌ی رحمت الهی است، اما ناراحتی‌ها از تأثیرات اعمال خود انسان است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا پاسخ نیرنگ ناسپاسان را به سرعت می‌دهد. ۲. در برابر رحمت الهی ناسپاسی نکنید که اعمال شما ثبت می‌شود. ***

نشانه های دیگر خدا

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی یونس با اشاره به بیدار شدن فطرت انسان در هنگام مشکلات می‌فرماید: ۲۲. هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۶ او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند؛ تا هنگامی که در کشتی‌ها قرار می‌گیرید. و با بادی دلپسند (و ملایم) آنان را روان می‌سازند و بدان شادمان شوند. [ناگهان باد شدیدی می‌وزد، و امواج از هر جایی به سراغ آنان می‌آید، و یقین می‌کنند که آنان محاصره شده‌اند (و هلاک خواهند شد؛ در این هنگام) خدا را، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند، می‌خوانند که: «اگر ما را از این [گرفتاری نجات دهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جمله‌ی «اُحِيطَ بهم» یعنی امواج بلا سرنشینان کشتی را از هر سو احاطه کرده است، ولی در این آیه کنایه از هلاکت و نابودی است. «۱» ۲. این آیه یک اصل کلی را درباره‌ی همه‌ی افراد آلوده و دنیاپرست بیان می‌کند و مخصوص مشرکان نیست. یعنی هنگامی که امواج بلا انسان‌های فراموشکار را احاطه می‌کند آنان به درگاه الهی پناه می‌برند و با او عهدها می‌بندند که اگر نجات یافتیم چه خواهیم کرد. این بیداری موقت انعکاسی از روح توحید فطری انسان‌هاست که در افرادی که آلودگی مختصری دارند سبب بیداری بلندمدت و اصلاح آنان می‌شود، اما در افرادی که آلودگی زیادی دارند، اثری ندارد و فقط حجّت را بر آنان تمام می‌کند. ۳. در این آیه سیر انسان در خشکی و دریا به خدا نسبت داده شده تا نشان دهد که قوانین حاکم بر جهان به دست خداست و همه چیز به او نسبت

داده می‌شود؛ چون اصل قدرت‌ها از اوست. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فطرت انسان در هنگام خطر بیدار می‌شود و او را به مبدأ نجات و خدای بزرگ متوجه می‌سازد. ۲. خدا را در هنگام خطر بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی یونس به ناسپاسی انسان‌ها و سرکشی آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۳. فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنفُسِكُم مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُم تَعْمَلُونَ و هنگامی که [خدا] آنان را نجات بخشید، ناگهان آنان به ناحق، در زمین ستم می‌کنند! ای مردم! ستم شما، تنها به زیان خود شماست؛ بهره زندگی پست (دنیا را می‌برید)، سپس بازگشت شما فقط به سوی ماست؛ و شما را به آنچه همواره انجام می‌دادید، خبر می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان پس از نجات از خطرها، پیمان خود را با خدا فراموش می‌کنند و به ستمکاری می‌پردازند و حقوق دیگران را پایمال می‌کنند «۱» تا از دنیا بهره‌ی بیش‌تری ببرند ولی در نهایت خودشان ضرر می‌کنند؛ چون گرفتار عذاب الهی می‌شوند، در حالی که بهره‌ی آنان از دنیا تفاوتی نکرده است. ۲. ناسپاسی و سرکشی انسان با بهره‌مندی و دل‌بستگی او به دنیا رابطه دارد و غالباً دنیاپرستی انسان‌هاست که آنان را به انحراف، ناسپاسی و سرکشی سوق می‌دهد. دشمن به دشمن آن نکند که بی‌خرد با نفس کند به مراد و هوای خویش (سعدی) ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «سه چیز به صاحب خود بازمی‌گردد: پیمان شکنی، ستمکاری و نقشه‌کشی.» سپس حضرت آیه‌ی فوق را تلاوت کردند. «۱» از دست دیگران چه شکایت کند کسی سیلی به دست خویش زند بر قفای خویش (سعدی) ۴. در آیات پیشین ضمیرها به صورت مخاطب اما در این آیه به صورت غایب آمده است. مفسران قرآن در مورد این تغییر لحن سه احتمال داده‌اند: نخست آن که حال مشرکان گرفتار بلا را به عنوان درس عبرت، به صورت غایب آورده است. دوم آن که برای تحقیر مشرکان آنان را غایب آورده است؛ گویی خدا نخست آنان را به حضور می‌پذیرد و سپس طرد می‌کند. سوم آن که به خاطر حالت طبیعی سرنشینان کشتی است که در آغاز نزدیک ساحل هستند و می‌توان آنها را مخاطب ساخت اما وقتی دور شدند، مثل افراد غایب می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان (مشرک) ناسپاس و بی‌وفاست. ۲. ظلم به دیگران، نوعی ستم به خویشتن است. ۳. ناسپاس و ستمکار نباشید که به زیان خودتان تمام می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۵۹ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی یونس با مثالی جالب، دورنمای زندگی دنیا را به ما نشان می‌دهد و می‌فرماید: ۲۴. إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَاراً فَجَعَلْنَاهَا حَصِيداً كَأَن لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ مثال زندگی پست (دنیا)، فقط همانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم، و به آن گیاهان زمین- از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند- آمیخته شود، تا هنگامی که زمین، زیبایی‌اش را برگرفت و آراسته شد، و اهلِ آن یقین می‌کنند که آنان بر آن توانایی دارند؛ (ناگهان) در شبی یا روزی، فرمان (نابودی) ما بدان در رسد، و آن را درو می‌کنیم چنانکه گویا دیروز هرگز برپا نبوده است! این گونه، آیات را برای گروهی که تفکّر می‌کنند، شرح می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه اشاره به این حقیقت دارد که خدا از آب باران که یک چیز بیش‌تر نیست، انواع و اقسام گیاهان را می‌رویاند که نیازمندی‌های انسان‌ها و حیوانات را تأمین می‌کند. «۱» ۲. قرآن کریم که کتاب تربیت انسان است، در بسیاری از موارد، برای روشن کردن حقایق عقلی یا تاریخی، مثال می‌آورد و موضوعات طولانی را در برابر چشم انسان مجسّم می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۰ در این آیه، زندگی دنیایی یک نسل انسان را که صد سال طول می‌کشد، در عمر کوتاه یک گیاه به تصویر می‌کشد. ۳. زندگی انسان هم چون باغ خرّمی است که بر اثر باران بهاری سرسبز شده است، اما ناگهان بر اثر طوفان و تگرگ، در هم کوبیده می‌شود. «۱» آری؛ شهرهای آباد انسان‌ها گاهی با یک زلزله یا جنگ چند ساعته در هم کوبیده می‌شود و جز ویرانه‌ای از آن باقی نمی‌ماند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای تربیت مردم از مثال‌های طبیعت استفاده کنید. ۲. زندگانی هم چون عمر سبزه‌ها و گل‌ها، کوتاه و زودگذر است. ۳. مثال‌ها و آیات الهی برای اهل تفکر بیان شده است. ۴. دنیا انسان را می‌فریبد، به طوری که گمان

می کند تواناست. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی یونس به دعوت خدا به سوی صلح و هدایت اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۵. وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و خدا (شما را) به سرای سلامت فرا می‌خواند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)، به راهی راست راه‌نمایی می کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «دارُ السّلام» به معنای خانه‌ی صلح و سلامت و امنیت است. «سَلام» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۱ یکی از نام‌های خداست و مقصود از خانه‌ی او بهشت است؛ «۱» پس این یکی از نام‌های بهشت است که در آن جا کینه‌ای در دل‌ها نیست و خبری از کشمکش‌های دنیایی، جنگ، استعمار، مزاحمت‌های ثروت‌اندوزان و مخاطرات دیگر نیست. آری؛ اگر زندگی این دنیا نیز به رنگ توحیدی و رستاخیزی درآید، آن هم دارالسلام دیگری می‌شود. ۲. خدای متعال آن قدر به بندگانش لطف دارد که هم آنان را به سرای سلامت دعوت می کند و هم راه مستقیم را به آنان نشان می‌دهد؛ البته هر کس زمینه‌ها را خودش فراهم کند و سزاوار هدایت شود، خدا راه‌نمایی‌اش می کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا همگان را به بهشت دعوت می کند (پس اگر کسی به آن جا نرفت، خودش کوتاهی کرده است). ۲. از راه مستقیم به سوی سرای سلامت بروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی یونس به نیکوکاران روسفید اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۶. لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ برای کسانی که نیکی کردند، [پاداش نیکو و زیاده‌ایست؛ و هیچ سیاهی و خواری، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند؛ اینان اهل بهشت‌اند، در حالی که آنان در آن جا ماندگارند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نیکوکاری چند پیامد برای نیکوکاران دارد: اول آن که عقیده‌ی نیک، گفتار نیک و کردار نیک خواهند داشت. «۱» دوم این که خواری وغبار غم بر چهره‌ی آنان نخواهد نشست و سیه‌روی نمی‌شوند. «۲» و سوم آن که بهشت جاویدان برای آنان خواهد بود. ۲. مقصود از «زیاده» در آیه، یا پاداش‌های مضاعفی است که از ده تا هفتصد برابر در قرآن به نیکوکاران وعده داده شده است «۳»؛ یا توجه به جلوه‌ی ذات پاک پروردگار و رحمت او و استفاده از این موهبت معنوی است؛ یا نعمت‌های دنیایی است که علاوه بر پاداش‌های اخروی به نیکوکاران داده می‌شود و یا پاداش‌های ویژه در بهشت است. در احادیث به سه مورد اخیر اشاره شده است «۴» و مانعی ندارد که تمام این موارد مقصود آیه باشد. ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر چیز اندازه‌ای دارد، جز اشک، که قطره‌ای از آن، آتش‌ها را خاموش می کند. سپس فرمودند: کسی که اشکی برای خدا بریزد، چهره‌اش تیرگی و خواری نخواهد دید. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نیکوکاران، هم پاداش نیکی را بدهید و هم زیادتر (تا آنان تشویق شوند). ۲. نیکوکاران روسفیدان رستاخیز و اهل بهشت‌اند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی یونس به گناهکاران روسیاه اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۷. وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُم مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعاً مِنَ اللَّيْلِ مَظْلِماً أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و کسانی که [کارهای بد را کسب کردند، کیفر بدی همانند آن است؛ و خواری آنان را فرا می‌گیرد؛ [و] هیچ نگهدارنده‌ای از جانب خدا، برای آنان نیست. گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب تاریک، پوشیده شده! آنان اهل آتش‌اند، در حالی که آنان در آن جا ماندگارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گرد ذلّت و تاریکی که بر چهره‌ی گناهکاران می‌نشیند، در حقیقت، آثار وضعی اعمال آنهاست که از درون جانشان به بیرون منعکس می‌گردد. ۲. در آیه‌ی قبل به نیکوکاران وعده‌ی پاداش اضافی داده شد که از مرحمت و فضل الهی است، اما در این آیه به بدکاران، وعده‌ی زیاده در مجازات داده نشده است، چراکه کیفر براساس عمل و مثل آن است و عدالت ایجاب می کند که زیادتر از عمل نباشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدکاران، روسیاهان رستاخیز و اهل آتش‌اند. ۲. هیچ کس نمی‌تواند مانع مجازات گناهکاران شود و به یاری آنان بشتابد (پس تا دیرنشده اندیشه کنید). ۳. با گناهکاران عادلانه رفتار کنید و به اندازه‌ی گناهشان کیفرشان دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۴ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی یونس به تبرّی و جدایی معبودهای مشرکان از آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۸. وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ و [یاد کن

روزی را که همه‌ی آنان را گردآوری می کنیم، سپس به کسانی که شرک ورزیدند، می گوییم: «شما و شریک‌هایتان (که آنان را شریک خدا می‌پنداشتید) در جایتان باشید.» و بین آنان جدایی می‌افکنیم، و شریکانشان می گویند: «شما (در واقع) هرگز ما را نمی‌پرستیدید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از معبودها و بت‌ها با تعبیر «شریکان شما» یاد شده است، در حالی که مشرکان بت‌ها را شریک خدا قرار می‌دادند. این تعبیر اشاره‌ی لطیفی است به آن که این بت‌ها در حقیقت شریک خدا نیستند بلکه اینان معبودهای خیالی‌اند که توسط مشرکان به عنوان شریک خدا انتخاب شده‌اند. ۲. جدا کردن مشرکان و معبودها برای آن است که از هر کدام به صورت جداگانه بازپرسی می‌شود. ۳. معبودها و بت‌ها به مشرکان می گویند شما براساس فرمان و رضایت، ما را نمی‌پرستیدید بلکه در حقیقت خیالات و هوس‌های خود را می‌پرستیدید؛ پس در واقع عبادت شما، عبادت نبوده است. ۴. قیامت مخصوص انسان‌ها نیست بلکه معبودهای ساختگی نیز حاضر می‌شوند و سخن می گویند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معبودهای ساختگی در قیامت برای شما سودی ندارند (پس به آنها دل نبندید). ۲. به یاد رستاخیز و بی‌یاوری خود باشید و شرک نورزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی یونس به سخنان معبودان و بت‌ها با مشرکان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۹. فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ و گواهی خدا بین ما و بین شما، کافی است که قطعاً ما از پرستش شما غافل بودیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد سخن گفتن معبودها با مشرکان در صحنه‌ی قیامت، چند احتمال داده‌اند: نخست آن که این معبودها از جنس انسان یا شیطان و یا فرشتگان بوده‌اند که در غیاب آنان و یا پس از مرگشان مورد پرستش قرار گرفته‌اند. «۱» دوم آن که مقصود از معبودها همان بت‌ها هستند که خدا به آنان قدرت سخن گفتن داده است تا حقایق را بازگو کنند. سوم آن که این معبودها شامل معبودهای باشعور مثل انسان و فرشته و معبودهای بی‌شعور مثل بت‌های سنگی می‌شود که به زبان حال و از طریق منعکس ساختن آثار عمل سخن می گویند؛ «۲» همان طور که نوار و دیسک رایانه سخن می گویند. ۲. از این آیه استفاده می‌شود که معبودهای دروغین مشرکان، در قیامت تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۶ خدا را به داوری می‌طلبند و از مشرکان بی‌زاری می‌جویند. ۳. در آیه‌ی قبل معبودهای مشرکان می گفتند «شما ما را عبادت نمی کنید.» و در این آیه می گویند «ما از عبادت شما غافل بودیم.»؛ یعنی شما در خیال خود بت‌ها را عبادت می کردید و در حقیقت، عبادت خیالی که معبود از آن اطلاع نداشته باشد، عبادت نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غیر خدا کسی را نپرستید. آنان حتی متوجه عبادت شما نمی‌شوند (و پرستیدن آنان بی‌ارزش و بی‌ثمر است). ۲. خدا شاهد مشرکان و معبودان آنهاست (پس مراقب اعمال و عقاید خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی یونس به آثار رستاخیز اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۰. هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ در آن جا، هر کس آنچه را از پیش فرستاده، می‌آزماید، و به سوی خدا که مولای بحق آنهاست، بازگردانده می‌شوند؛ و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند از ایشان گم شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رستاخیز، عرصه‌ی ظهور و بروز تمام اسرار پنهان است و هیچ حقیقتی نمی‌ماند مگر آن که آشکار می‌شود؛ از این رو در آن جا اعمال خود را می‌بینیم و نفع و زیان آن را می‌آزماییم و مشرکان نابودی کارها و دروغ‌های خود را مشاهده می کنند. ۲. در رستاخیز که پرده‌ها کنار می‌رود، روشن می‌شود که تنها مولای تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۷ حقیقی، خداست و هر معبود غیر او باطل می گردد؛ چون حق و مطابق واقع و حقیقی نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بازگشت همه به سوی مولای حقیقی، یعنی خداست. ۲. شرک نورزید، که جلوه‌های دروغین معبودهای دنیوی در آخرت نابود می‌شود. ۳. در رستاخیز اعمال شما مجسّم و قابل آزمایش می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی یونس به نشانه‌های پروردگار در جهان اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۱. قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی صاحب اختیار گوش [ها] و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌سازد؟ و چه کسی کار [ها] را

تدبیر می‌کند؟» پس بزودی (مشرکان) می‌گویند: «خدا (چنین می‌کند.)» و بگو: «آیا (بر گمراهی اصرار می‌ورزید) و خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «رِزْق» به معنای «بخشش مستمر» است و از آن جا که بخشنده‌ی حقیقیِ تمام نعمت‌ها خداست، رازق حقیقی، تنها اوست و به غیر او مجازاً «روزی دهنده» گفته می‌شود. ۲. در این آیه، نخست به رزق‌های آسمانی و بعد به رزق‌های زمینی اشاره تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۸ شده است؛ شاید بدان سبب که بیش‌تر روزی‌های انسان از آسمان است؛ مثل باران، هوا، آفتاب و نور که منشأ بسیاری از نعمت‌های دیگر است. ۳. در آیه به دو حسّ کلیدی انسان، یعنی دیدن و شنیدن اشاره شده است که بدون آنها کسب علم و استفاده از نعمت‌های مادی بسیار مشکل است. ۴. در آیه به پدیده‌ی «مرگ و حیات» که از عجیب‌ترین پدیده‌های جهان آفرینش است اشاره شده است. موضوع پیدایش حیات، همان موضوعی است که تاکنون فکر دانشمندان را به خود مشغول کرده است. آری؛ پدیده پیچیده‌ی حیات، نیازمند علم و قدرت فوق‌العاده‌ی پدیدآورنده‌ی آن است. ۵. سنت خدا آن است که حیات موجودات در دنیا جاودانی نباشد؛ از این رو مرگ را در دل حیات آفرید، تا راه را برای دگرگونی و تکامل باز گذارد. ۶. در برخی احادیث آمده است که مقصود از آیه‌ی فوق، تولد انسان‌های باایمان از انسان‌های گمراه و بی‌ارزش است که در حقیقت مردگانی در بین مردم هستند و گاهی عکس این مطلب نیز اتفاق می‌افتد. «۱» البته این گونه احادیث به مرگ و حیات معنوی اشاره دارد و بیان بطن آیه است و مانعی ندارد که آیه‌ی فوق مرگ و حیات طبیعی و معنوی هر دو را شامل شود؛ چون هر دو از عجایب آفرینش و نشانه‌های خداست. ۷. مشرکان عصر جاهلیت «اللَّه» را قبول داشتند و او را خالق و رازق و مدبّر جهان هستی می‌دانستند؛ یعنی این حقیقت را از طریق فطرت دریافته بودند، اما انحراف فکری پیدا کرده و بت‌پرست شده بودند. در اندرون منِ خسته‌دل ندانم کیست که من خموشم و او در خروش و در غوغاست (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۶۹ ۸. قرآن کریم در آیه‌ی فوق از شیوه‌ی پرسش و رجوع به فطرت و وجدان، برای تربیت افراد استفاده کرده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معبودی شایسته‌ی پرستش و پیروی است که آفرینش، رزق و تدبیر جهان به دست اوست. ۲. رزق، شنیدن، دیدن، زندگی و مرگ شما به دست خداست. ۳. اگر همه کاره‌ی هستی خداست؛ پس خودنگه‌داری کنید (و به دنبال غیر او نروید). ۴. وجود وصفات خدا آن قدر روشن است که حتی مشرکان بدان اعتراف دارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی یونس به حقانیت پروردگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. فَذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ و این خدا، پروردگارِ حقّ شماست، و بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چگونه (از حق) روی گردانیده می‌شوید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یک راه منطقی برای شناخت باطل پیشنهاد می‌کند و آن این که نخست حق را بشناسید، آن گاه هر چه غیر آن و مخالف آن بود باطل است و باید کنار گذاشته شود. «۱» خلوت دل نیست جای صحبت اغیار دیو چو بیرون رود فرشته درآید (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۰ ۲. این آیه با اشاره به مطالب آیه‌ی قبل این گونه پیام می‌دهد که پروردگار حقیقی، خدایی است که رازق، مالک و مدبّر جهان است و مرگ و زندگی به دست اوست؛ پس بت‌ها و معبودهای دروغین پروردگار شما نیستند. ۳. میان حق و باطل، راه سومی وجود ندارد و هر چه حق نبود باطل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فقط ربوبیّت خدا حق است و هر چه غیر آن است باطل و گمراهی است. ۲. از حق روی نتابید که به هر چه غیر آن رو کنید باطل است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی یونس به نافرمانان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۳۳. كَذلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ این گونه سخن پروردگارت بر کسانی که نافرمانی کردند، به حقیقت پیوست، که آنان ایمان نمی‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یک قانون و سنت الهی را بیان می‌کند و از این رو با واژه‌ی «حق و کلمه» آن را تأکید کرده است. ۲. نتیجه‌ی اعمال نادرست و مستمر فاسقان نافرمان آن است که قلبشان تاریک و روحشان آلوده می‌شود و حق روشن را نمی‌بینند و به بیراهه می‌روند. ۳. این آیه دلالتی بر مسئله‌ی جبر ندارد؛ چراکه نتایج اعمال خود انسان‌ها را بیان می‌کند. «۱» هر چند وجود این اعمال و آثار آنها، در نهایت، از تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۱ خداست، اما این انسان است که تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند و

مسئول اعمال خویش است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فسق و نافرمانی زمینه‌ساز کفر است. ۲. اگر می‌خواهید با ایمان شوید، از عصیانگری فاصله بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی یونس با اشاره به نشانه‌های خدا در آفرینش و بازآفرینی جهان، بطلان شرك را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ۳۴. قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَن يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (ای پیامبر) بگو: «آیا از شریکان (معبود) شما، کسی هست که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را باز گرداند؟!» بگو: « (تنها) خدا آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را باز می‌گرداند؛ پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اعتقاد به مبدأ و معاد را با هم مطرح کرده است؛ زیرا هر کس آفرینش را آغاز کرد، قادر به اعاده‌ی آن نیز هست، یعنی این دو با هم‌دیگر ملازمه دارند. ۲. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شد که به جای مشرکان، اعتراف کند که خدا آغازگر آفرینش و معاد است؛ چراکه مشرکان توجه به ملازمه‌ی مبدأ و معاد نداشتند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آغازگر آفرینش و بازآفرین او یکی است. ۲. با پرسش‌های مکرر، ناتوانی بت‌ها و بطلان شرك را آشکار سازید. ۳. به دنبال معبودان ناتوان نروید و شرك نورزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی یونس به نشانه‌ی خدا در هدایتگری و ناتوانی معبودان دروغین اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۵. قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمْ مَن لَا يَهِدِّي إِلَّا أَن يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ بگو: «آیا از شریکان (معبود) شما، کسی هست که به سوی حق راهنمایی کند؟!» بگو: « (تنها) خدا به سوی حق راهنمایی می‌کند؛ و آیا کسی که به سوی حق راهنمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود، یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر آن که راهنمایی شود؟! پس شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. معبود باید پیروان خود را به سوی حق، رهبری و راهنمایی کند و این مطلب نیاز به عصمت و حمایت الهی دارد، اما معبودهای مشرکان این گونه نیستند. ۲. «هدایت تنها به دست خداست.»؛ و پیامبران نیز تنها از طریق راهنمایی خدا، از راه‌های هدایت آگاه می‌شوند. ممکن است این انحصار هدایت در خدا بدان سبب باشد که مقصود از «هدایت» در این آیه تنها ارائه‌ی طریق نیست، بلکه «رساندن به مقصد» نیز مراد است، که این تنها به دست خداست. ۳. یکی از برنامه‌های اصلی پروردگار برای بندگان، هدایت آنان به سوی حق است که از چند طریق صورت می‌گیرد: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۳ الف) نهادن فطرت حق‌گرا در جان انسان؛ ب) بخشیدن عقل و خرد حق‌شناس به انسان؛ ج) قرار دادن آیات و نشانه‌های خدا در سراسر آفرینش؛ د) فرستادن پیامبران به سوی مردم و نصب امامان معصوم علیهم السلام؛ ه) فرو فرستادن کتاب‌های الهی برای هدایت مردم. ۴. معبودهای مشرکان به دو قسم جاندار و بی‌جان تقسیم می‌شدند. معبودهای جاندار و باشعور مثل فرشتگان بودند که خود نیازمند هدایت الهی‌اند. اما معبودهای بی‌جان، بر فرض آن که عقل و شعور هم می‌داشتند، باز بدون راهنمایی الهی ره به جایی نمی‌بردند. ۵. «حق» در اصل به معنای «مطابقت و موافقت» است ولی در قرآن در چند معنا به کار رفته است: الف) ایجاد کننده‌ی چیزی بر اساس حکمت؛ از این رو به خدا حق می‌گویند. ب) چیزی که بر اساس حکمت به وجود آمده است؛ از این رو به مخلوقات الهی حق می‌گویند. ج) اعتقادات مطابق واقع. د) به کار یا گفتاری که به اندازه و در زمان خود و بر اساس برنامه انجام گرفته است حق می‌گویند. «۱» «حق» در آیه‌ی فوق ممکن است به معنای اول یا سوم باشد. ۶. از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از کسانی که به حق فرا می‌خوانند محمّد صلی الله علیه و آله و آل محمّد علیهما السلام هستند و مقصود از کسانی که به حق دعوت نمی‌کنند، مخالفان آنها هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۴ البته این گونه احادیث مصداق‌های کامل دعوت کنندگان به حق را بیان می‌کند، مفهوم آیه منحصر در این مورد نیست. ۷. در برخی از احادیث شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که «همواره، حق با علی و علی با حق است.» «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تنها خدا انسان را به سوی حق راهنمایی می‌کند. ۲. کسانی که به حق راهنمایی نمی‌کنند سزاوار پیروی نیستند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی یونس به نارسا بودن گمان و پندار و پیروی مشرکان از آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۶. وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنّاً إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ و بیش‌تر آن (مشرک) ان جز از گمان پیروی نمی‌کنند؛ براستی که گمان، چیزی را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد؛ در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند، داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که «اکثر مشرکان به دنبال پندار هستند.» و پندار را به تمام مشرکان نسبت نداد؛ به خاطر آن که بیش‌تر مشرکان افرادی خرافاتی و نادان هستند، که به دنبال پندارهای غلط می‌روند. این گروه قابل تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۵ هدایت و مورد نظر قرآن هستند. اما گروه کوچکی از رهبران مشرکان، باآگاهی و برای حفظ منافع خود به کج‌راهه می‌روند، که قابل هدایت نیستند؛ از این رو قرآن از آنان صرف نظر کرده است. «۱» ۲. «ظن» در اصل به معنای «گمانی است که از نشانه‌ها به دست می‌آید.» و آن مرحله‌ای است که انسان از توهم و شک بالاتر رفته، ولی به مرحله‌ی علم نرسیده است. این واژه در قرآن کریم گاهی به معنای گمان ضعیف یا پندار و گاهی به معنای گمان قوی یا اطمینان و علم عرفی به کار رفته است. «۲» علم را دو پر گمان را یک پر است ناقص آمد ظن، به پرواز ابتر است ۳. برخی دانشمندان علم اصول بر آنانـد که از این آیه استفاده می‌شود که ظن و گمان حجّت نیست و تنها دلیل قطعی معتبر است. و برخی دیگر بر آن‌اند که با توجه به ظاهر آیه و سیاق آن استفاده می‌شود که مقصود آیه، پندارها و گمان‌های بی‌اساس بت‌پرستان است و مربوط به گمان‌های قابل اعتماد عقلا، مثل خبر واحد و یا گواهی افراد عادل نیست. «۳» در آیه‌ی فوق واژه‌ی ظن دو بار و در دو جمله به کار رفته است که جمله‌ی دوم یک قاعده‌ی کلی را بیان می‌کند؛ یعنی هرگونه گمانی انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد. از این جمله می‌توان عدم حجیت مطلق ظن را استفاده کرد. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گمان و پندار ارزش ذاتی ندارد (ارزش ذاتی از آنِ علم است). تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۶ ۲. در عقاید به دنبال علم باشید و از گمانه‌زنی بپرهیزید. ۳. گاهی بیش‌تر مردم به دنبال پندارها می‌روند و به حق نمی‌رسند (از این رو همیشه حق با اکثریت نیست). ***

عظمت قرآن و حقانیت آن

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی یونس به حقانیت قرآن و ارتباط آن با کتاب‌های آسمانی دیگر اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۷. وَمَا كَانَ هذَا الْقُرْآنُ أَن يُفْتَرَى مِن دُونِ اللَّهِ وَلكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَبِّ الْعَالَمِينَ و سزاوار نیست که این قرآن، به دروغ، به غیر خدا نسبت داده شود؛ و لیکن مؤیّد آنچه که پیش از آن است، می‌باشد؛ و شرح کتاب (های الهی) است؛ در حالی که هیچ تردیدی در آن نیست، [و] از طرف پروردگار جهانیان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه پاسخی است به مشرکان که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند و قرآن را ساخته‌ی او معرفی می‌کردند و خواستار تغییر آن بودند. ۲. در این آیه به جای نفی ساده‌ی تهمت از قرآن، نفی شأنیت شده است که رساتر باشد؛ یعنی به جای آن که بگوید: «قرآن دروغ نمی‌گوید»، گفته است: «در شأن قرآن نیست که دروغ بگوید.» ۳. آیه برای اثبات حقانیت قرآن به کتاب‌های آسمانی پیشین استدلال کرده است که تمام بشارت‌ها و نشانه‌هایی که در آنها آمده بود کاملًا بر قرآن منطبق است. ۴. قرآن کریم تمام محتوای تورات و انجیل موجود در آن زمان را مورد تأیید قرار نمی‌دهد بلکه نشانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن را که در آنها وجود تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۷ داشته است تأیید می‌کند. «۱» ۵. قرآن به نوعی شرح و تکامل برنامه‌های پیامبران پیشین و کتاب‌های آسمانی آنهاست و از این روست که با تعالیم پیامبران قبلی تضادی ندارد. به عبارت دیگر، تعلیمات پیامبران مثل سطوح دبستان، دبیرستان و دانشگاه است که در اصول اساسی با هم اختلاف ندارند بلکه مکمّل یک‌دیگرند، اما در جزئیات قوانین اجرایی متفاوت هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محتوای قرآن دلیل حقانیّت آن است؛ آفتاب آمد دلیل آفتاب. ۲. کتاب‌های آسمانی مؤیّد و مکمّل یک‌دیگرند. ۳. قرآن را از هر آنچه در شأن آن نیست (هم چون افترا و شک) مبرا بدانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی یونس با اعلام اعجاز قرآن، همگان را به مبارزه می‌طلبد و می‌فرماید: ۳۸. أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ آیا می گویند: « (او) به دروغ آن (قرآن) را (به خدا) نسبت داده است؟!» بگو: «اگر راست

گوییـد پس سوره‌ای هماننـد آن بیاوریـد؛ و غیر از خـدا، هر کس را می‌توانید (به یاری) فرا خوانید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۸ ۱. این آیه به اعجاز قرآن اشـاره دارد و هر سوره از آن را معجزه می‌دانـد و این در حالی است که در برخی دیگر از آیـات مبـارزه‌جویی و اعجـاز را نسـبت به همه‌ی قرآن یا ده سوره از آن مطرح کرده بود. این نشان می‌دهـد که کلّ قرآن و تک تک سوره‌های آن معجزه‌انـد. «۱» ۲. مبـارزه‌جویی قرآن، «تَحَدّی» خوانـده می‌شود. قرآن در این مبارزه‌طلبی، همه‌ی مخالفان، بلکه همه‌ی جهانیـان را به مبـارزه دعوت می‌کنـد که یـک سوره مثـل آن بیاورنـد. ۳. اعجـاز قرآن مخصوص زمـان و مکان و نسـل خاصـی نیست، بلکه مبارزه‌طلبی و اعجاز آن برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و افراد تا قیامت است. آری؛ این است معجزه‌ی جاویدان اسلام. ۴. قرآن کریم همه‌ی مردم، از طبقات تحصیل کرده، ادیبان و مردم عادی را به مبارزه دعوت می‌کند و حتی آنان را به مبارزه تحریک می‌کند و به آنان تخفیف می‌دهد که مثل همه‌ی قرآن را نیاورید، مثل یک سوره کافی است. ۵. مشرکان عرب و کافران و مخالفان و دشـمنان اسـلام چهارده قرن با مسـلمانان و اسـلام مبارزات پرهزینه و جنگ‌ها کردند و تلفات زیادی دادند، ولی اقدام به آوردن یـک سوره مثـل سوره‌هـای قرآن نکردنـد، در حـالی که این کار به ظاهر بی‌هزینه و آسان می‌نمود. یعنی هر بار که اقـدام به آوردن مثل قرآن کردند، با شکست سخت و رسوایی میدان را ترک کردند «۲» و همین دلیل اعجاز و برتری و حقانیت قرآن است. ۶. اعجـاز قرآن دارای ابعـاد گونـاگونی است که مفسـران قرآن به صورت مفصل آنها را ذکر کرده‌انـد؛ از جمله: جنبه‌ی فصاحت و بلاـغت و شـیرینی بیان و رسایی تعبیرات قرآن؛ بیان معارف دینی و علومی که تا آن زمان شـناخته شـده نبود؛ بیان قوانین و احکام و تاریخ‌های پیشـینیان، به دور از خطا و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۷۹ خرافـات؛ و نیز نبودن اختلاف و تناقض و تضاد در قرآن و اعجـاز علمی و نظم و نظـام شـگفت‌آور آن، همگی از ابعـاد اعجازآمیز این کتاب مقـدّس است که به دست انسانی درس ناخوانـده آورده شـده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن حق و معجزه است و دلیـل آن نـاتوانی مخالفان است. ۲. مخالفـانِ قرآن را به مبارزه‌ی علمی فراخوانیـد تـا نـاتوانی آنـان و حقّـانیّت قرآن ثابت شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی و نهم سوره‌ی یونس به عامل اساسـی مخـالفت مشـرکان با قرآن، یعنی جهل آنان، اشاره کرده، می‌فرمایـد: ۳۹. بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ بلکه چیزی را دروغ انگاشـتند که به علم آن احاطه نداشـتند، و هنوز سـرانجام (واقعیت) آن برایشان نیامـده است. کسانی (هم) که پیش از آنان بودنـد، همین گونه (پیامبران را) تکـذیب کردند؛ پس بنگر فرجام ستمکـاران چگونه بوده است! نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. «تأویـل» در اصـل به معنـای «بازگشـتن یا برگشت دادن چیزی» است و در قرآن گاهی به معنای عاقبت و نهایت و توجیه آیات متشابه و دلیل و فلسـفه‌ی کارها می‌آیـد. «۱» برخی لغویین و مفسران بر آن‌اند که هر کار یا سخنی که به هدف نهایی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۰ برسد، تأویل آن آمده است؛ از این رو به بیان هدف اصلی یک کـار یا تفسیر واقعی سـخن یا نتیجه و تفسیر یک خواب یا تحقّق یافتن واقعیت یک مطلب، تأویل گفته می‌شود. «۱» در آیه‌ی فوق، ممکن است تأویـل به معنـای واقعیت آیات قرآن یا توجیه و تفسـیر آن باشـد. ۲. آیـات قرآن علاوه بر ظاهر، تأویلی دارد که بـدون آگـاهی از آن انسـان احاطه‌ی علمی لازم را پیـدا نمی‌کنـد و از این روست که مخالفان جاهلانه با قرآن برخورد می‌کننـد. ۳. بخش مهمی از مخالفت‌هـا و دشـمنی‌های بـا حق، از جهـل و نادانی سرچشـمه می‌گیرد و عامل انکار آیات قرآن نیز، جهل و عـدم آگاهی مشـرکان از حقایق قرآن بود. ۴. مقصود از جهل مشـرکان که در این آیه بـدان اشاره شـده، همان جهل به معارف دینی، مثل مبدأ و معاد «۲» و اسـرار احکـام و جهـل نسـبت به مفهوم آیـات متشـابه و حروف مقطعه‌ی قرآن و نـادانی نسـبت به سـرنوشت عـبرت‌انگیز پیشـینیان است که مجموع این بی‌خبری‌ها آنان را به انکار و تکذیب حق می‌کشاند. ۵. از امام صادق علیه السلام حکایت شده است کـه فرمـود: خـدا بـا دو آیـه‌ی قرآن، دو درس مهم به این امت داده است: نخست آن که جز آنچه می‌داننـد نگوینـد و دیگر آن که آنچه را نمی‌دانند انکار نکنند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۱ سـپس حضرت آیه‌ی فوق و آیه‌ی ۱۶۹ اعراف را تلاوت کردند. «۱» ۶. ممکن است مقصود از امت‌های پیشـین که قبل از مشـرکان مکه سـخنان جاهلانه می‌گفتند، یهودیان و مسیحیان باشند که در

قرآن کریم در آیه‌ی ۱۱۳ و ۱۱۸ سوره‌ی بقره به سخنان ناآگاهانه‌ی آنان اشاره شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفت بدون شناخت و احاطه‌ی علمی کاری جاهلانه و نوعی ستمکاری (به جامعه‌ی علمی) است. ۲. بدون آگاهی چیزی را ردّ نکنید که بسیاری از مخالفت‌ها با پیامبران، براساس جهل بوده است. ۳. اگر کسی از محتوای قرآن و تاویل آن آگاه شود، آن را تکذیب نمی‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی یونس مشرکان را به دو گروه تقسیم می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. وَمِنْهُم مَّن یُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُم مَن لَا یُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّکَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِینَ و از آن (مشرک) ان کسی است که به آن (قرآن) ایمان می‌آورد؛ و از آنان کسی است که بدان ایمان نمی‌آورد؛ و پروردگارت به (حال) فسادگران داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفانی که حق را نمی‌پذیرند، افرادی فسادگر هستند که نظام جامعه را از هم می‌گسلند. ۲. این آیه به اختیار انسان در انتخاب راه ایمان و کفر اشاره کرده است. آری: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۲ این که گویی این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم! آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انتظار نداشته باشید همه‌ی مخالفان اسلام ایمان آورند. ۲. افراد بی‌ایمان، فسادگر هستند (پس مواظب آنها باشید). ۳. خدا حالات افراد را زیر نظر دارد (پس فسادگران مراقب اعمال خود باشند). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی یونس راه مبارزه‌ی منفی و زندگی مسالمت‌آمیز با مشرکان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. وَإِن کَذَّبُوکَ فَقُل لِی عَمَلِی وَلَکُمْ عَمَلُکُمْ أَنتُم بَرِیئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِیءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ و اگر تو را تکذیب کردند، پس بگو: «کردار من فقط برای من، و کردار شما فقط برای شماست؛ شما نسبت به آنچه من انجام می‌دهم، غیر متعهدید، و من (نیز) نسبت به آنچه شما انجام می‌دهید غیر متعهدم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اعلام بی‌اعتنایی و بیزاری نسبت به مشرکان، با اعتقاد کامل به مکتب خویش همراه است. این مبارزه‌ی منفی تأثیر روانی خاصی در منکران لجوج دارد؛ چراکه به آنان می‌فهماند که هیچ اصراری در پذیرش اسلام توسط آنان نیست، بلکه اسلام نیاوردن آنان سبب محرومیت و انزوای خودشان می‌شود. ۲. محتوای این آیه منافاتی با دستور تبلیغ اسلام و جهاد در برابر مشرکان ندارد و این آیات نسخ نشده‌اند. این بی‌اعتنایی و بیزاری، مرحله‌ای از مبارزه، یعنی مبارزه‌ی منفی با مخالفان مشرک است که در شرایطی مانند مکه لازم است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۳ ۳. از این آیه و آیات مشابه «۱» در قرآن استفاده می‌شود که روش پیامبر صلی الله علیه و آله مجبور کردن مردم برای ایمان آوردن نبود، بلکه او مردم را ارشاد و هدایت می‌کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسبت به مخالفان لجوج اعلام بی‌اعتنایی و بی‌تعهدی کنید و مرز خود را با آنان جدا سازید. ۲. پیام اسلام زندگیِ مسالمت‌آمیز با حفظ عقاید، در کنار مخالفان است. *** قرآن کریم در آیات چهل و دوم و چهل و سوم سوره‌ی یونس به کور و کر بودن مشرکان اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۲ و ۴۳. وَمِنْهُم مَن یَسْتَمِعُونَ إِلَیْکَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ کَانُوا لَا یَعْقِلُونَ* وَمِنْهُم مَن یَنظُرُ إِلَیْکَ أَفَأَنتَ تَهْدِی الْعُمْیَ وَلَوْ کَانُوا لَا یُبْصِرُونَ و برخی از آن (مشرک) ان کسانی هستند، که به (ظاهر، به سخنان) تو گوش فرا می‌دهند و آیا (تو می‌توانی سخن خود را) به گوش ناشنوایان برسانی، و گرچه هرگز خردورزی نکنند؟!* و از آن (مشرک) ان کسی است که به (ظاهر به سوی) تو می‌نگرد، و آیا تو (می‌توانی) نابینایان را راه‌نمایی کنی، و گرچه هرگز نبینند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، دلایل انحراف و انکار مشرکان و مخالفت آنان با قرآن را بیان تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۴ کرده است و اشاره دارد که برای هدایت انسان تنها آیات اعجازآمیز کافی نیست، بلکه آمادگی و گوشی شنوا و چشمی بینا و فکری روشن لازم است. ۲. مشرکان به سخنان پیامبر گوش می‌دهند و معجزات او را می‌بینند، که همگی دلیل حقانیت اوست، اما از این دیدن و شنیدن بهره نمی‌برند؛ زیرا در آنها تفکر نمی‌کنند. آنان به قصد عیب جویی نگاه می‌کنند و به قصد انکار می‌شنوند. ۳. دیدن و شنیدن آیات قرآن به تنهایی انسان را به حق رهنمون نمی‌کند، بلکه تفکّر در آنها و بصیرت یافتن لازم است تا انسان به عمق مفاهیم بلند آنها برسد و هدایت شود. ۴. مقصود از ناشنوا و نابینا بودن مشرکان در این آیه، وجود مشکل ظاهری در گوش و چشم آنان نیست، زیرا مشرکان نیز مانند دیگران چشم و گوش سالمی داشتند، بلکه مقصود ناشنوایی عقل و نابینایی دل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان قرآن و اسلام اهل تفکر و عبرت‌آموزی نیستند، آنان بی‌خردانی کوردل هستند. ۲. شنیدن و دیدن، به تنهایی برای هدایت کافی نیست، بلکه

تعقّل و بصیرت هم لازم است. ۳. اگر انسان آمادگی پذیرش حق را نداشته باشد، شنیدن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن او و وجود رهبر و برنامه‌ی قرآنی نیز به حال او سودی ندارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی یونس به ستمکاری مردم و ستم نکردن خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۴. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ براستی که خدا هیچ‌گونه به مردم ستم نمی‌کند؛ ولیکن مردم بر خودشان ستم می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عامل نارسایی فکری و بصیرت نداشتن و ناشنوایی مشرکان در برابر حق، خود آنان هستند؛ و این اعمال نادرست آنهاست که دامن‌گیرشان شده تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۵ و چشم و گوش و فکر آنان را از کار انداخته است به طوری که حقایق را نمی‌بینند و نمی‌شنوند. ۲. اگر انسان از رهبر و برنامه‌ی قرآنی و هدایت الهی استفاده نکند، به خود ستم کرده است؛ چون از سرمایه‌های خود استفاده نکرده و فرصت‌ها را از دست داده است. چو نیک درنگری آن که می‌کند فریاد ز دست خوی بد خویشتن به فریاد است (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا ستمکار نیست (بلکه عادل است). ۲. به خودتان ستم نکنید تا گرفتار محرومیت و مجازات نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی یونس به صحنه‌ی رستاخیز و حالات مشرکان در آن جا اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۵. وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ و (یاد کن) روزی را که (خدا) آنان را گرد می‌آورد؛ گویا جز ساعتی از روز، (در دنیا) درنگ نکرده‌اند، (به اندازه‌ای که) هم‌دیگر را می‌شناسند؛ مسلماً کسانی زیان کردند، که ملاقات خدا (و روز رستاخیز) را دروغ انگاشتند؛ و ره یافته نبودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «کم جلوه کردن اقامت در دنیا»، «۱» یا به خاطر عظمت رستاخیز است؛ به تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۶ خاطر آن که دنیا با سرعت می‌گذرد؛ و یا به خاطر عدم استفاده‌ی صحیح از عمر است؛ یعنی دنیا برای آنان به اندازه ساعتی کاربرد و ارزش داشته است. ۲. چون در برزخ حالتی شبیه خواب به انسان‌ها دست می‌دهد گمان می‌کنند سال‌ها و قرن‌های دوره‌ی برزخ، بیش از ساعتی نبوده است. «۱» ۳. مقصود از جمله‌ی «یک‌دیگر را می‌شناسند.»، شناخت آنان در دنیاست؛ یعنی مدت عمر را آن چنان کوتاه احساس می‌کنند که گویا تنها به اندازه‌ای بوده که دو نفر یک‌دیگر را ببینند و بشناسند و از هم‌دیگر جدا شوند. «۲» ۴. مقصود از ملاقات پروردگار، ملاقات حسّی نیست؛ زیرا خدا جسم نیست، بلکه ملاقات شهودی و یا ملاقات ثواب و کیفر الهی در رستاخیز مراد است. «۳» ۵. مؤمنان هم از زندگی دنیا و هم از آخرت و هم از ملاقات پروردگار لذّت می‌برند، اما کافران و منکرانِ ملاقات خدا و روز رستاخیز، تنها از زندگی مادی و کوتاه دنیا بهره می‌برند و این نشانه‌ای از زیان کاری آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زندگی قبل از قیامت نسبت به روز رستاخیز بسیار اندک است. ۲. ملاقات خدا (در رستاخیز) را انکار نکنید که موجب زیان کاری است. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۷ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی یونس کافران را تهدید می‌کند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تسلّی خاطر می‌دهد و می‌فرماید: ۴۶. وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ و اگر، پاره‌ای از آنچه (از مجازات‌ها) که به آنان وعده می‌دهیم، به تو بنمایانیم، یا (قبل از عذاب آنان، جان) تو را کامل بگیریم، پس بازگشتشان تنها به سوی ماست؛ سپس خدا بر آنچه انجام می‌دهند گواه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حیات و وفات پیامبر صلی الله علیه و آله در حکم خدا نسبت به کافران تأثیری ندارد و به هر حال آنان مجازات خواهند شد. ۲. این آیه از طرفی کافران را تهدید می‌کند که در نهایت به سوی خدا بازمی‌گردید و در مورد شما حکم می‌کند و از طرفی دیگر به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد که نگران نباش که حساب کافران با ماست و ما آنها را تحت نظر داریم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بازگشت کافران به سوی خداست (و از عدل خدا نمی‌توانند فرار کنند). ۲. کارهای کافران تحت نظر خداست (پس مراقب اعمال خود باشند). ۳. نگران کافران نباشید که حساب آنان با خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی یونس به قانون کلی فرستادن رسول برای همه‌ی ملت‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۷. وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۸ و برای هر امّتی، فرستاده‌ای است؛ و هنگامی که فرستاده آنان بیاید، بینشان به دادگری داوری می‌شود؛ در حالی که آنان مورد ستم

واقع نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از داوری در این آیه، یـا داوری در قیـامت است و یا داوری تکوینی و اجرایی در دنیا؛ «۱» یعنی سـرانجام گروه کـافران از صـحنه‌ی اجتمـاع طرد می‌شونـد و مؤمنـان زمام امور را به دست می گیرنـد و این داوریِ عملی و عادلانه‌ی خـداست. ۲. در برخی احـادیث از امـام بـاقر علیـه السـلام حکـایت شـده کـه منظور از داوری در ایـن آیـه آن اسـت که فرسـتادگان الهی به عدالت بین مردم داوری می کنند و ستم روا نمی‌دارند. «۲» ۳. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه حکایت شده که باطن آیه آن است که برای هر نسلی از مسلمانان فرستاده‌ای از آل محمد صلی الله علیه و آله وجود خواهد داشت. «۳» در این حدیث واژه‌ی «رسول» توسعه داده شده به طوری که شامل فرستادگان مستقیم و غیر مستقیم الهی بشود. ۴. آیه‌ی فوق بیان کرده که «برای هر ملتی و امتی رسولی از جانب خدا تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۸۹ قرار داده شده است». در حالی که بعد از پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله برای ملت‌ها رسولی نیامده است، پس مقصود آن است که گاهی این رسول مستقیم به سراغ مردم می‌آید و گاهی نماینده یا کتاب و یا پیامش را می‌فرستد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از سنّت‌های الهی آن است که هیچ امّتی بـدون رهبر الهی باقی نمی‌ماند. ۲. تاریـخ ملت‌ها با دین گره خورده است. ۳. رهبران الهی بر اساس عـدالت بین مردم داوری کنند. *** قرآن کریم در آیـات چهل و هشـتم و چهل و نهم سوره‌ی یونس به بهانه‌جویی انکارآمیز مشـرکان در مورد وعـده‌ی عـذاب و پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان و مرگ ملت‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۸ و ۴۹. وَيَقُولُونَ مَتَى هذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ* قُل لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِى ضَرّاً وَلَا نَفْعاً إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ و (مشـرکان) می گوینـد: «اگر راست گوییـد، این وعده (عذاب الهی) چه وقت است؟»* بگو: «برای خودم هیچ زیان و سودی را مالک نیستم جز آنچه خدا بخواهد. برای هر امّتی سـرآمد (عُمر معیّن) است؛ هنگامی که سرآمد (عمر) آنان فرا رسد، پس ساعتی تأخیر نمی کنند، و پیشـی نمی‌گیرنـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بیـان سـخن مشـرکان عصـر پیامبر صـلی الله علیه و آله است و از آن نوعی مسـخره کردن و انکار فهمیده می‌شود. آنان با این تعبیر می‌خواسـتند بی‌اعتنایی خود را نسـبت به تهدیدهای پیامبر صـلی الله علیه و آله نشان دهند و روحیه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۰ متزلزل دوستان خود را تقویت کنند. ۲. آیه به بهانه‌جویی‌ها و شبهه‌پراکنی‌های مشـرکان پاسخ داده که هرگاه ملتی از مسـیر حق منحرف شود، از مجازات الهی مصون نیست و سرانجام سقوط می کند و این همان مرگ ملت‌ها و تمدن‌هاست که در تاریخ بشـر نمونه‌های فراوانی دارد. پس وعده‌ی مجازات الهی بدون تأخیر و تقدیم خواهد آمد، ولی به اراده‌ی خداست، نه به دست پیامبر صـلی الله علیه و آله. ۳. این که فرمود پیامبر بدون اراده‌ی الهی و به طور اسـتقلالی مالك چیزی نیست، در مورد همه‌ی انسان‌هـا صادق است و مقتضای توحیـد افعالی همین است. ۴. جمله‌ی «پیـامبر مالك سود و زیان خود نیست و کارهـا به دست خـداست.»، اشـاره به توحیـد افعـالی است؛ یعنی همه چیز در جهـان از نـاحیه‌ی خـداست. این به معنی جـبر نیست؛ زیرا مانعی نـدارد که خدا به ما نیروهایی داده باشد که به وسیله‌ی آنها مالك قسـمتی از سود و زیان خویش باشـیم. به تعبیر دیگر، آیه‌ی فوق نفی مـالکیت بالـذات از پیـامبر صـلی الله علیه و آله می کنـد، امـا مالکیت بالغیر را از او نفی نمی کنـد؛ چون این با خواست خداست. ۵. «سـاعت» به معنای مقـداری از زمان است که گاهی به معنای لحظه هم می‌آیـد، هر چنـد امروزه به معنای ۱۲۴ شبانه‌روز به کار می‌رود. ۶. واژه‌ی «امّت» به معنـای «گروه و جماعت و ملت» است و به معنای دین یا پیروان یك مـذهب نمی‌آیـد؛ پس آیه‌ی فوق بر مرگ و حیـات ملت‌هـا و تمـدن‌ها اشاره دارد، نه مرگ و حیات ادیان. ۷. سـرآمدن اجل امت، به معنای نابودی و عـذاب و یـا از بین رفتن شوکت و عزّت آنهاست. ۸. هر جـامعه‌ای ممکن است دچار عـذاب و مجازات در این جهان شود. جامعه‌ی مسـلمانان نیز از این حکم مسـتثنی نیست و تنها شـرطی که برای رفع مجازات آنان تعیین شده است، بودن پیامبر صـلی الله علیه و آله در میان امت یا تفسـیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۱ استغفار و توبه‌ی مردم است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان و مخالفان اسلام، منطق و دلیل ندارند، بلکه بهانه‌جویی و شبهه‌پراکنی می کنند. ۲. منکران و مشرکان برای عذاب عجله نکنند، وقتی زمانش فرا برسد، لحظه‌ای جلو و عقب نمی‌افتـد. ۳. پیامبر به صورت اسـتقلالی و بـدون اراده‌ی الهی صاحب اختیار خود نیست (چه رسد به دیگران).

۴. ملت‌ها و تمدن‌ها نیز، مثل افراد، دارای مرگ و حیات هستند. ۵. سنت خدا آن است که به ملت‌ها مهلت می‌دهد، ولی قدرت ملت‌ها ابدی نیست. *** قرآن کریم در آیات پنجاهم تا پنجاه و دوم سوره‌ی یونس به احتمال عذاب ناگهانی مجرمان و بی‌ثمر بودن ایمان در هنگام نزول عذاب و نقش عملکرد ستمکارانه در آمدن عذاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۰- ۵۲. قُلْ أَرَأَیْتُمْ إِنْ أَتَاکُمْ عَذَابُهُ بَیَاتاً أَوْ نَهَاراً مَاذَا یَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ* أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُم بِهِ آلْآنَ وَقَدْ کُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ* ثُمَّ قِیلَ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا کُنتُمْ تَکْسِبُونَ بگو: «آیا به نظر شما اگر عذاب او، شبانگاه یا در روز به سراغ شما آید (، می‌توانید آن را دفع کنید؟!)» (پس) چه چیزی را خلافکاران از (آمدن) آن به شتاب می‌طلبند.* سپس، آیا آنگاه که (عذاب) واقع شد، به آن ایمان می‌آورید؟! (به شما گفته می‌شود:) حالا (ایمان می‌آورید؟) در تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۲ حالی که به (آمدن) آن همواره شتاب می‌کردید!* سپس به کسانی که ستم کردند گفته می‌شود: «عذاب ماندگار را بچشید! آیا جز به (کیفر) آنچه همواره به دست می‌آوردید، مجازات خواهید شد؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه با مطرح کردن احتمال عذاب ناگهانی، به قاعده‌ی لزوم دفع ضرر محتَمل اشاره دارد؛ یعنی هنگامی که چنین احتمال پرضرری وجود دارد، عقل حکم می‌کند که انسان احتیاط کند و لجاجت و گناه نکند. ۲. احتمال عذاب ناگهانی خلافکاران چه در شب و چه روز وجود دارد و هیچ مانعی برای جلوگیری آن نیست؛ پس چرا مجرمان در مورد آن عجله می‌کنند. ۳. ایمان آوردن در هنگام نزول عذاب الهی فایده ندارد و (آن ایمان و توبه) پذیرفته نمی‌شود؛ چرا که توبه در این هنگام، اجباری و اضطراری و بی‌ارزش است. ۴. مشرکان «ستمگر» هستند؛ چرا که شرک و انکار آیات الهی نوعی ستم به خویشتن است؛ همان طور که در آیات دیگر قرآن به این مطلب اشاره شده است. «۱» ۵. عذاب اخروی نتیجه‌ی اعمال خود انسان است که دامان او را می‌گیرد و در برابر او مجسّم می‌شود و آزارش می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با وجود احتمال عذاب، عجله نکنید (و احتیاط نمایید.) که در آن زمان ایمان از کسی پذیرفته نمی‌شود. ۲. خلافکاران هر زمان در معرض خطر عذاب الهی هستند. ۳. شرک نورزید که نوعی ستم و موجب آتش است. ۴. کیفر الهی طبق عمل انسان و عادلانه است. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۳ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی یونس به حتمی بودن عذاب الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۳. وَیَسْتَنْبِئُونَکَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَرَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِینَ از تو خبر می‌گیرند: «آیا آن (وعده عذاب) حقّ است؟» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند، که آن حتماً حق است! و شما عاجز کننده (خدا) نیستید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حق» گاهی در مقابل «باطل» است و گاهی معنای وسیعی دارد که شامل هر واقعیت موجود می‌گردد که در این صورت در برابر واژه‌ی معدوم است. در این آیه واژه‌ی «حق» به معنای واقعیت داشتن و تحقق یافتن وعده‌ی عذاب الهی است. «۱» ۲. پرسش مشرکان در مورد تحقق وعده‌ی عذاب، ممکن است برای تمسخر و یا واقعاً سؤال حقیقی بوده باشد. در هر صورت، جواب مناسب لازم دارد و خدا دستور می‌دهد پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان پاسخ دهد. ۳. در مورد مشرکان، هم مقتضی عذاب وجود دارد، چون وعده‌ی الهی حق است و هم مانعی بر سر راه آن نیست، چون کسی نمی‌تواند خدا را عاجز و ناتوان سازد. ۴. در این آیه چند تأکید آورده شده است: اول سوگند، دوم واژه‌ی «إنَّ»، سوم لام تأکید و چهارم جمله‌ی آخر آیه که همگی بر حتمی بودن مجازات الهی برای خلافکاران دلالت دارند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۴ ۵. از این که خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که سوگند به پروردگار یاد کند، می‌آموزیم که سوگند به او در برخی موارد جایز و لازم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبر، ابهامات و تردیدها را از مردم برطرف سازد و در این موارد با قاطعیت سخن بگوید و حتی سوگند یاد کند. ۲. قطعاً وعده‌های الهی تحقق می‌یابد و هیچ قدرتی مانع او نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی یونس به عظمت عذاب الهی و دادگاه عادلانه‌ی رستاخیز اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۴. وَلَوْ أَنَّ لِکُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِی الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِیَ بَیْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ و اگر (بر فرض) برای هر شخصی که ستم کرده، آنچه در زمین است می‌بود، حتماً آن را (برای نجات خویش) تاوان می‌داد؛ و هنگامی که عذاب را ببینند، پشیمانی (خود) را رازداری می‌کنند؛ و بینشان به دادگری داوری شود؛

و آنـان مورد سـتم واقع نمی‌شونـد. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. عـذاب الهی آن قـدر عظیـم است که مشـرکان ثروتمنـد که به خـود سـتم کرده‌انـد، حاضـرند که بزرگ‌ترین رشوه‌ی جهـان را برای رهایی از چنگال عـذاب بدهنـد، اما کسـی از آنان نمی‌پـذیرد. ۲. عذاب ستمکاران جنبه‌ی انتقام‌جویی و کینه‌ورزی ندارد، بلکه مجازات آنان بر اساس عدالت است و به آنها سـتم نمی‌شود. ۳. «ندامت» آن است که انسان از انجام کاری که آثار نامطلوب آن ظاهر شده پشیمان شود؛ خواه بتواند کاری برای جبران آن بکند و خواه نتواند و پشیمانی قیامت از نوع دوم است. ستمکاران در رستاخیز پشیمان‌اند، ولی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۵ قادر به کاری نیستند، به طوری که پشیمانی خود را نیز پنهـان می‌کننـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در قیامت راه نجاتی از عـذاب الهی برای سـتمکاران نیست. ۲. تـاوان دادن در رسـتاخیز کارساز نیست. ۳. دادگـاه رسـتاخیز عادلانـه است و احتمـال خطـای داور و سـتم به افراد منتفی است. ۴. به خویشـتن سـتم نکنیـد تا گرفتار عـذاب الهی و درمانده نشوید. ۵. در بیـن مردم به عـدالت داوری کنیـد و به سـتمکاران نیز سـتم روا نداریـد. *** قرآن کریم در آیـات پنجـاه و پنجم و پنجاه و شـشم سوره‌ی یونس به قـدرت بی‌پایان الهی و تحقق وعـده الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵ و ۵۶. أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ* هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ آگاه باشـید که در حقیقت آنچه در آسـمان‌ها و زمین است، فقط از آنِ خـداست. آگاه باشـید که در واقع وعده خدا حق است، و لیکن بیش‌تر آنان نمی‌داننـد.* اوست که زنـده می‌کنـد و می‌میرانـد، و تنها به سوی او بازگردانـده می‌شویـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خـدایی که مالک همه‌ی هستی است می‌تواند وعده‌های خود را تحقق بخشد و کمبودی ندارد و مانعی نیز بر سـر راه او نیست. ۲. عبارت «اکثر مشـرکان و سـتمکاران ناآگاه‌انـد.» اشاره دارد که برخی از مشـرکان و سـتمکاران از روی علم و آگاهی و با توجه به قدرت الهی و حتمی بودن وعده‌ی عذاب او، باز هم به بیراهه می‌روند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وعـده‌های الهی حتمی است و تحقق می‌یابد. ۲. اکثر سـتمکاران و مخالفان بر اساس جهل حرکت می‌کننـد. ۳. حیات و مرگ و فرجام کارها، همه به دست خـداست. ۴. مبدأ قدرتمند هستی و فرجام آن را بشناسـید (و مخالفت و سـتم نکنید). *** خدای متعال در آیه‌ی پنجـاه و هفتم سوره‌ی یونس به چهـار ویژگی مهم قرآن اشاره کرده، می‌فرمایـد: ۵۷. يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَوْعِظَةٌ مِن رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدىً وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ای مردم! بیقین از طرف پروردگارتان برای شما، پندی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان، آمـده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «موعِظَة» در اصل به معنای «یادآوری نیکی‌ها همراه با مهربانی» و یا «نهی همراه با تهدیـد است.» و در واقع، هر گونه اندرزی که در مخاطب اثر کند و از بدی‌ها بترساند و قلب انسان را متوجه نیکی‌ها گردانـد، موعظه نامیـده می‌شود. «۱» ۲. مقصـود از «هـدایت» قرآن همـان راهبری به سوی مقصود، یعنی پیشـرفت و تکامل انسان در تمام جنبه‌های مثبت است. ۳. مقصود از «رحمت قرآن برای مؤمنان» همان نعمت‌های مادی و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۷ معنوی است که شامل حال انسان‌های شایسـته می‌شود. «۱» البته هـدایت و رحمت قرآن مراتبی دارد که مرتبه‌ی عادی آن برای همـه‌ی مردم، و مراتـب عـالی آن ویژه‌ی حق‌بـاوران مـؤمن اسـت. ۴. «شِـفاء» در ایـن آیه، به معنـای معـالجه‌ی بیماری‌هـا و آلودگی‌های معنوی و روحی انسان، مثل بُخل، کینه، حسـد، ترس، شـرک و نفاق است. با خوانـدن و عمل به آیات شـفابخش قرآن این بیماری‌ها شـفا می‌یابـد و روح انسان پاک می‌شود. ۵. این آیه چهـار مرحله از مراحـل تربیت و تکامل انسان به وسیله‌ی قرآن را شرح می‌دهد که عبارت‌اند از: الف) موعظه و اندرز؛ در این مرحله قرآن به همه‌ی انسان‌ها نصیحت می‌کند. ب) پاک‌سازی روحی از آلودگی‌های اخلاقی؛ در این مرحله قرآن آلودگی‌های روحی و صفات زشت را از قلب انسان می‌شوید. ج) هدایت و راه‌نمایی و راهبری؛ در این مرحله قرآن نور هـدایت را در دل انسان می‌تابانـد. د) سـرازیر کردن نعمت‌های الهی به سوی مؤمنان؛ در این مرحله انسـان شایسـتگی آن را یافته که مشـمول رحمـت حق شود. ۶. واژه‌ی «قلب» که به معنـای قلب صـنوبری درون سـینه است، گاهی به معنـای «عقـل و روح» آدمی و گاهی به معنای کانون روحی احساسات انسان به کار می‌رود و همان طور که موقع تفکر، روح انسان بر مغز او تـأثیر دارد، در هنگـام احساسـات عاطفی، ضـربان قلب انسان واکنش نشان می‌دهـد. این نکته رمز این تعبیر قرآنی را نشان

می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۸ ۷. از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: از قرآن برای بیماری‌های خود شفا بطلبید و از آن برای حلّ مشکلاتتان کمک جویید؛ زیرا قرآن شفای بزرگ‌ترین دردهاست که درد کفر و نفاق است. «۱» ۸. قرآن کریم از چند جهت شفای دردهای مردم است: اول، اجتماعی؛ که سبب رفع فتنه، تفرقه و شرک می‌شود و با بیان قوانین الهی، روابط اجتماعی مردم را سامان می‌دهد و آنها را در برابر دشمنان بیمه می‌کند و از فساد و آلودگی نجات می‌دهد. دوم، از جهت فردی؛ که انس با قرآن، تلاوت آن و عمل به این کتاب آسمانی سبب می‌شود که الف) آلودگی‌های اخلاقی انسان شسته و پاک شود؛ ب) بیماری‌های قلبی و روحی انسان، هم چون حسد، کینه و نفاق معالجه گردد؛ ج) آرامش روحی و روانی برای انسان به ارمغان آید و بهداشت روانی او تأمین شود. د) دردهای جسمی انسان کاهش یابد؛ همان طور که در تحقیقات اخیر برخی پزشکان، تأثیر آوای قرآن بر کاهش درد زایمان و دردهای دیگر بیماران به اثبات رسیده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۹۹ ۹. حقیقت قرآن چیست؟ امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: قرآن همه چیز است ... قرآن الفاظ نیست، از مقوله‌ی چیزهای سمعی و بصری نیست، از مقوله‌ی الفاظ نیست، از مقوله‌ی اعراض نیست، لیکن متنزّلش کرده‌اند برای ما که کور و کر هستیم. ... «۱» به یک آدمی که کور است شما چطور می‌توانید بفهمانید که نور چیست؟! با چه زبانی؟ با چه حرفی؟ غیر از آن که [بگویید] نور یک چیزی است که [فضا را] روشن می‌کند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن تأمین کننده‌ی بهداشت روانی شماست. ۲. مراتب عالی هدایت و رحمت قرآن مخصوص حق‌باورانِ حق‌پذیر است. ۳. از قرآن، بهداشت روانی، اندرز، هدایت و رحمت بجویید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۰ بهداشت روانی و قرآن الف) عوامل فشار روانی (استرس‌ها): ۱. بر هم خوردن تعادل حیاتی بدن (دغدغه‌ی بیماری و ...)؛ ۲. نقش سازمانی (دغدغه‌ی مقام)؛ ۳. بحران‌های خانوادگی (طلاق، سوگ نزدیکان و ...)؛ ۴. محیط (آلودگی صوتی، هوا، مهاجرت و ...)؛ ۵. سیاست (جنگ روانی و شایعه‌پراکنی، رابطه‌ی سلطه گری و سلطه‌پذیری و ...)؛ ۶. شخصیت (بدبینی، وسواس، دودلی و ...)؛ ۷. احساس خلأ اخلاقی (احساس گناه، حسادت، تهمت و ...)؛ ۸. احساس خلأ معنوی (خلأ وجودی، احساس تنهایی، نداشتن تکیه گاه و پشتیبان، خرافات و ..)؛ ۹. باورهای اعتقادی (فشار مسئولیت، ترس از مرگ و ...). ب) قرآن شفا است: ۱. قرآن را نازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است (اسراء، ۸۲). ۲. در حقیقت، از سوی پروردگارتان پند و شفادهنده‌ی دل‌ها به سوی شما آمد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۱ ۳. بگو آن (قرآن) مایه‌ی رهنمود و شفا برای مؤمنان است (فصّلت، ۴۴). از امام علی علیه السلام حکایت شده که از قرآن برای بیماری‌های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بجویید که در این کتاب درمان بزرگ‌ترین بیماری‌هاست و آن درد کفر و نفاق و گمراهی است. «۱» ج) جلوه‌هایی از تأثیر آموزه‌های قرآن در بهداشت روانی انسان: ۱. دعوت به فطرت، عامل آرامش روانی است (روم، ۳۰)؛ ۲. ایمان موجب آرامش روحی است (انعام، ۸۲)؛ ۳. توکّل و تکیه کردن بر خدا موجب آرامش روانی است (غافر، ۴۴ و ...)؛ ۴. اصل قضا و قدر و تصادفی نبودن رویدادها (توبه، ۵۲ و ...)؛ ۵. نگاه مثبت به مرگ و آن را پل بین دو جهان دانستن (فجر، ۲۷ و ...)؛ ۶. مأمور بودن انسان به وظیفه، نه نتیجه (بقره، ۲۳۳ و ...)؛ ۷. محبت نسبت به خویشاوندان و حمایت عاطفی و اجتماعی (اسراء، ۳۴؛ بقره، ۸۳ و ...)؛ ۸. دعوت به صبر در برابر مشکلات، مصائب و سوگ عزیزان (بقره، ۱۵۵)؛ ۹. وحدت شخصیت انسان از راه عقیده به توحید (سوره‌ی توحید و ....)؛ ۱۰. کاهش افسردگی با تقویت روح امید و دوری از یأس و ناامیدی. (یوسف، ۸۷)؛ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۲ ۱۱. یاد خدا موجب آرامش دل و رفع اضطراب و نگرانی (رعد، ۱)؛ ۱۲. ممنوعیت خودکشی در دین، عاملی موثر در پایین آمدن آمار خودکشی (نساء، ۲۹)؛ ۱۳. حجاب، عامل موثر در سلامت روان بانوان (نور، ۳۱ و احزاب، ۸۳)؛ ۱۴. اعتقاد به معاد، عاملی در جهت تامین بهداشت روانی؛ ۱۵. نماز موجب آرامش روانی (طه، ۱۴ و ...)؛ ۱۶. امر بـه معروف و نهی از منکر و تاثیر آن بر جلوگیری از رشد عوامل آلوده کننده‌ی فضای جامعه و تاثیرات اجتماعی دیگر آن (آل‌عمران، ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴؛ توبه، ۷۱ و ۱۱۲ و لقمان، ۱۷)؛ ۱۷. ممنوعیت سوء ظن تجسّس، تهمت و غیبت و تأثیر آنها در پاکی فضای جامعه و امنیت اجتماعی و

حفظ شخصیت افراد (حجرات، ۱۱- ۱۲)؛ ۱۸. ایجاد فضای سالم جنسی در اجتماع از طریق الزام حجاب و ممنوعیت فحشاء (نور، ۳۰- ۳۱ و احزاب، ۵۹)؛ ۱۹. توصیه به ازدواج و تشکیل خانواده و تاثیر شگرف آن در آرامش فردی و سلامت محیط (روم، ۲۱ و ...). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۳ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی یونس به برتری رحمت و بخشش الهی اشاره، کرده، می‌فرماید: ۵۸. قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذلِکَ فَلْیَفْرَحُوا هُوَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ بگو: «به بخشش خدا و به رحمت او (خوشحال شدن نیکوست؛) پس باید (مؤمنان) بدان شادمان شوند، (چراکه) آن از هر آنچه گرد می‌آورند، بهتر است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد مقصود آیه از «فَضْل» و «رَحْمت» الهی، چند دیدگاه دارند: الف) فضل به نعمت‌های ظاهری و رحمت به نعمت‌های باطنی اشاره دارد. ب) فضل به آغاز نعمت و رحمت به استمرار آن اشاره دارد. ج) فضل به نعمت‌های بهشتی و رحمت به آمرزش از گناه اشاره دارد. د) فضل به نعمت عام پروردگار به دوست و دشمن و رحمت به رحمت ویژه‌ی الهی نسبت به مؤمنان اشاره دارد. ه) فضل به ایمان و رحمت به قرآن اشاره دارد. البته این معانی غالباً با هم منافات ندارد و ممکن است مقصود آیه همه‌ی این‌ها باشد. اما با توجه به آیه‌ی قبل، بعید نیست که مقصود آیه همان تمسّک به قرآن باشد. هزاران در از خلق به خود به بندی گرت باز باشد در آسمانی (سعدی) ۲. در برخی احادیث آمده است که مقصود از فضل الهی، وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۴ نبوت و منظور از نعمت الهی، وجود امام علی علیه السلام و نعمت ولایت است. «۱» شاید این احادیث اشاره به آغاز نعمت الهی به وسیله‌ی نبوت و استمرار آن به وسیله‌ی امامت باشد. به هر صورت، این احادیث مصداق کامل فضل و رحمت را بیان می‌کنند و مفهوم آیه منحصر در این مصادیق نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به خاطر نعمت‌های معنوی شادی کنید. ۲. نعمت‌های معنوی از اندوخته‌های دنیایی بهتر است. ***

کدام قانون گذاری مخصوص خداست؟

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی یونس به قوانین ساختگی مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹. قُلْ أَرَأَیْتُم مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَکُم مِن رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَاماً وَحَلَالًا قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی اللَّهِ تَفْتَرُونَ بگو: «آیا نگریسته‌اید، به آنچه از روزی [ها] که خدا برای شما فرود آورده، و برخی از آن را حرام، و (برخی را) حلال نموده‌اید؟!» بگو: «آیا خدا به شما رخصت داده، یا بر خدا [دروغ می‌بندید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان برخی از چهارپایان و محصولات کشاورزی را حرام و ممنوع اعلام می‌کردند؛ همان طور که در آیه‌ی ۱۰۳ مائده و ۱۳۹ انعام بیان شد. ۲. هر کس به خدا ایمان دارد و می‌داند که ارزاق از ناحیه‌ی خداست، باید تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۵ این حقیقت را بپذیرد که بیان احکام و قوانین آن نیز به دست خداست؛ زیرا او مالک اصلی همه چیز است، پس او قانون‌گذار است. ۳. وضع قانون یا باید با اجازه‌ی خدا باشد و یا تهمت و دروغ بر خداست و راه سومی ندارد. از آن جا که قوانین ساختگی مشرکان از راه اول نبوده روشن می‌شود که دروغ و تهمت بر خداست. ۴. در برخی از احادیث آمده است که خدا اختیار قانون‌گذاری را در محدوده‌ای خاص در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گذاشت که با عنوان «فَرضْ النبی» یا «ولایت تشریعی» خوانده می‌شود. «۱» ۵. در این آیه آمده است که «ارزاق» نازل می‌شود، این مطلب یا به خاطر آن است که ریشه‌ی اصلی همه‌ی روزی‌ها باران است که از آسمان فرود می‌آید و یا به معنای «نزول مقامی» است، یعنی این روزی‌ها از طرف مقام والای الهی به ما رسیده است. ۶. قوانینی که بشر وضع می‌کند دو گونه است: اول، قوانینی که در برابر قانون خداست؛ مثل قوانین مشرکان و قوانین بسیاری از کشورهای جهان که بر اساس خرافات یا خواسته‌های افراد وضع می‌شود. دوم، قوانینی که در چهارچوب احکام الهی وضع می‌شود و در راستای اجرای آنهاست نه در برابر قوانین خدا؛ مثل آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع شده است. آنچه در آیه‌ی فوق مورد سرزنش قرار گرفته و تهمت به خدا معرفی شده، قوانین نوع اول است. ۷. برخی دانشمندان علم اصول فقه از این آیه استفاده کرده‌اند که حکم الهی را فقط در صورت قطع و یقین می‌توان اثبات کرد و به

خدا نسبت داد، نیز در تفسیر قرآن فقط مطالب یقینی را می‌توان به خدا نسبت داد و نسبت دادن احکام و مطالب ظنّی به خدا تهمت بر او و حرام است. این اصل را «اصل عدم حجیّت ظن» می‌خوانند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون‌گذاری حقّ خداست و هر کس بدون رخصت او قانونی وضع کند، به خدا تهمت زده است. ۲. بدون رخصت الهی چیزی را حرام اعلام نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی یونس به تهمت زنندگان بر خدا و به ناسپاسان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۰. وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ و کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، در (باره مجازاتِ) روز رستاخیز، چه گمان دارند؟ قطعاً خدا نسبت به مردم دارای بخشش است؛ و لیکن بیش‌تر آنان سپاسگزاری نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «فضل الهی» در این آیه، یا مهلتی است که خدا به تهمت زنندگان می‌دهد و فوراً آنان را مجازات نمی‌کند و یا حلال بودن نعمت‌های الهی است که خود نعمت بزرگی است، ولی مردم سپاس آن را به جای نمی‌آورند. ۲. تهمت زدن به خدا مجازات دارد و نباید مهلت دادن خدا در دنیا، سبب غفلت انسان از دادگاه قیامت و ناسپاسی او به درگاه خدا شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با وجود نعمت‌های الهی، باز هم اکثر مردم ناسپاس‌اند (شما این گونه نباشید). ۲. تهمت زنندگان برخدا، بیش‌تر اندیشه کنند و از فضل و مهلت الهی سوء استفاده ننمایند. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۷ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی یونس به نظارت همه‌جانبه‌ی خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و انسان‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۱. وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُوداً إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَبِّكَ مِن مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّماءِ وَلَا أَصْغَرَ مِن ذلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ و در هیچ کاری (و حالی) نباشی، و از طرف آن [خدا] هیچ (آیه‌ای) از قرآن را تلاوت (و پیروی) نمی‌کنی، و هیچ عملی را انجام نمی‌دهید، مگر این که [ما] گواه بر شما هستیم در آن هنگام که بدان می‌پردازید؛ و در زمین و در آسمان، از پروردگارت هیچ هم وزن ذرّه‌ای و نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از آن مخفی نمی‌ماند! مگر این که (همه آنها) در کتاب روشن‌گر (علم خدا ثبت شده) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا هم از نیّت‌ها و افکار انسان باخبر است، هم سخنان او را می‌شنود و هم اعمال او را می‌بیند. «۱» ۲. حالات روحی و نیّت انسان در مرحله‌ی نخست قرار دارد، پس از آن گفتار و سپس اعمال انسان براساس آنهاست. در این آیه نیز همین ترتیب ذکر شده است. ۳. «کتاب مُبین» به علم وسیع الهی اشاره دارد که گاهی از آن با عنوان «لوح محفوظ» یاد می‌شود و همه چیز در آن ثبت است و هیچ ذرّه‌ای «۲» در تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۸ آسمان و زمین از آن مخفی نمی‌ماند. «۱» ۴. در این آیه مسئله‌ی نیت و حالت و تلاوت قرآن به صورت مفرد و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است، در حالی که در مسئله‌ی اعمال، به صورت جمع به عموم مسلمانان خطاب شده است. این مطلب شاید اشاره به آن است که مراقبت از پیامبر صلی الله علیه و آله شدیدتر از سایر مردم است، به طوری که افکار و قرآن خواندن او هم تحت کنترل و نظارت الهی است. ۵. همه‌ی نگاه‌ها و اندیشه‌ها و حرکات انسان تحت نظر خداست و ثبت می‌شود، همان طور که تمام موجودات جهان تحت نظارت خدا هستند. توجه به این حقیقت انسان را از کج‌روی باز می‌دارد و جامعه را پاک و سالم می‌سازد. ۶. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه این آیه را تلاوت می‌کرد، به شدت گریه می‌نمود. «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله با آن همه اخلاص و بندگی، گریه می‌کرد، پس دیگران چه باید بکنند! آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان محضر خداست و او شاهد شماست و حتی افکار و سخنان و اعمال پیامبر نیز تحت نظر اوست (پس مراقب باشید). ۲. همه چیز جهان ثبت می‌شود (پس ببینید از شما چه چیزی ثبت می‌شود). ۳. خود را رها ندانید، بلکه تحت مراقبت شدید الهی به شمار آورید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۰۹ قرآن کریم در آیات شصت و دوم و شصت و سوم سوره‌ی یونس به آرامش دوستان خدا اشاره کرده و با معرفی آنان می‌فرماید: ۶۲ و ۶۳. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ آگاه باشید! که دوستان خدا، هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند؛* (همان) کسانی که ایمان آوردند، و همواره خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اولیاء» در اصل

به معنای دو چیزی است که بینشان واسطه‌ای نیست و نزدیک و در پی هم هستند؛ از این رو به دوست، سرپرست و مانند آنها نیز «ولی» گفته می‌شود و در این جا مقصود دوستان خاص خداست. ۲. اولیای خدا کسانی هستند که بین آنان و خدا فاصله و حجابی نیست و در پرتو معرفت و عمل پاک، خدا را با چشم دل می‌بینند و غیر او در نظرشان کوچک، ناپایدار و کم ارزش است و از این روست که به خاطر از دست دادن نعمت‌های دنیوی ناراحت نمی‌شوند و از کسی غیر از خدا نمی‌ترسند. آری؛ آنان که به اقیانوس متصل شده‌اند، قطره در نظرشان ارزشی ندارد؛ دوستان خدا، زاهدان شب و شیران روزند و غم گذشته و ترس از آینده که دیگران را مضطرب می‌کند، در وجود آنان راهی ندارد. ۳. به بیان عرفان اسلامی، اولیای خدا آن چنان غرق صفات جمال و جلال او هستند که غیر خدا را به فراموشی می‌سپارند. هنگامی که غیر خدا در دل آنان جای نمی‌گیرد و به آن نمی‌اندیشند؛ چگونه از آن بترسند و برایش ناراحت باشند. ۴. مقصود از «غم و ترس» در این آیه همان ناراحتی‌ها و ترس‌های مادی و دنیوی است، وگرنه دوستان خدا نسبت به امور برتر غمناک هستند. آنان به تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۰ خاطر از دست دادن توفیق‌های معنوی ناراحت‌اند و یا به خاطر عدم انجام وظایف الهی خود ترسان هستند. «۱» البته ترس و اندوه دنیوی مانع تکامل انسان و سبب انحطاط اوست، اما ترس و اندوه معنوی حرکت آفرین و سبب رشد و تکامل است. ۵. همان طور که دوستان خدا نمی‌ترسند و غمی ندارند و بهداشت روانی آنان به وسیله‌ی ارتباط با خدا تامین شده است، افراد آلوده و ستمکاران و مشرکان و دشمنان خدا، به خاطر اعمال زشت خود دائماً در هراس‌اند و حتی از سایه‌ی خود می‌ترسند و آرامش و راحتی و بهداشت روانی ندارند. ۶. در این آیه بیان شده که اولیای الهی دو صفت دارند: نخست آن که ایمان آورده‌اند. دوم این که تقوا پیشه و خود نگهدارند. نکته‌ی جالب این است که ایمان به صورت فعل ماضی مطلق، اما تقوا و خودنگه‌داری به صورت فعل ماضی استمراری آمده است؛ یعنی تقوا و خودنگه‌داری آنان برنامه‌ای روزمره و مستمر است. ۷. در برخی احادیث از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: مقصود از «اولیای خدا» در این آیه، ما و پیروان ما هستیم. «۲» و در احادیث دیگری از امام صادق علیه السلام حکایت شده که منظور آیه پیروان امام عصر علیه السلام و منتظران ظهورش و فرمانبرداران دوران ظهورش هستند، که هیچ ترس و غمی ندارند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۱ البته این گونه احادیث مصادیق بارز یا کامل اولیای الهی را بیان می‌کند، ولی مفهوم آیه منحصر در این موارد نیست بلکه همه‌ی مؤمنان باتقوا را شامل می‌شود. ۸. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق و امام باقر علیهما السلام حکایت شده که اولیای خدا کسانی هستند که دیدن آنها انسان را به یاد خدا می‌اندازد و سکوتشان یاد خداست و نگاهشان عبرت‌آمیز و سخنانشان حکمت‌آمیز و راه رفتن آنها بین مردم سبب برکت است و حقوق واجب الهی را می‌پردازند و سنت‌های پیامبر را عمل می‌کنند و از گناهان پرهیز می‌کنند و نسبت به دنیا زاهدند و خواهان رزق پاک و پاکیزه‌اند و مایل به نعمت‌های الهی (اخروی) هستند و تفاخر نمی‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دوستان خدا، آینده‌ای روشن و بدون بیم و اندوه دارند. ۲. اگر می‌خواهید بهداشت روانی شما تأمین شود، در زمره‌ی اولیای الهی درآیید. ۳. اگر می‌خواهید از اولیای الهی شوید، مؤمنانی تقواپیشه باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۲ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی یونس با اشاره به سنت تغییرناپذیر الهی، به دوستان خدا مژده می‌دهد و می‌فرماید: ۶۴. لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ تنها برای آنان در زندگی پست (دنیا) و در آخرت، مژده است. هیچ تغییری برای سخنان (سنت گونه و وعده‌های) خدا نیست؛ تنها این کامیابی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بُشری در اصل به معنای «ظاهر پوست بدن» است و چون در هنگام شنیدن مژده آثار آن در چهره‌ی انسان نمایان می‌شود، به آن بشری گفته می‌شود؛ «۱» و مقصود از «بشارت» در این آیه، یا همان بشارت فرشتگان به بهشت است که در آستانه‌ی مرگ به مؤمنان داده می‌شود «۲»، یا وعده‌ی پیروزی بر دشمنان و حکومت شایستگان در زمین است و یا خواب‌های خوش و رؤیاهای نیکویی است که مؤمنان در دنیا می‌بینند یا برای آنان دیده می‌شود که در مورد هر کدام از این احتمالات احادیثی حکایت شده است. «۳» تعبیر «بُشری» دارای مفهوم وسیعی است و می‌تواند همه‌ی این معانی را شامل شود. ۲. در

برخی احادیث آمده است که مقصود از بشارت در آیه‌ی فوق آن است که مؤمنان در هنگام مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را می‌بینند، که به آنان بشارت می‌دهند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۳ و این قسمتی از بشارت‌های مطرح شده در آیه است. البته مقصود از مشاهده در این جا، مشاهده‌ی برزخی است. ۳. در آیه‌ی قبل اشاره شده که دوستان خدا ترس و ناراحتی ندارند و در این آیه آمده است که آنان در دنیا و آخرت دلشادند. این اثر طبیعی و تکوینی ایمان و تقواست که هر کس تکیه‌گاهی معنوی در درون داشته باشد و از روح و جسمی پاک برخوردار باشد، احساس آرامش می‌کند و دلشاد می‌گردد. ۴. سنت‌های الهی، همان قوانین خداست که بر طبیعت، انسان و تاریخ حاکم است و تغییر نمی‌کند؛ زیرا براساس نظام علت و معلولی، نظام تکوین و اراده‌ی حتمی الهی استوار است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دوستان خدا در دنیا و آخرت مژده‌ها دریافت می‌دارند و دلشادند (شما نیز بکوشید از آنان باشید). ۲. وعده‌ها و سنت‌های الهی تخلّف‌ناپذیر است. ۳. دوستان مؤمن و تقواپیشه‌ی خدا شوید تا مژده‌های الهی را دریافت کنید و به کام‌یابی بزرگ دست یابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی یونس با اشاره به عزّت خدا، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد و می‌فرماید: ۶۵. وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۴ سخن آن (مشرک) ان تو را اندوهگین نسازد! [چرا] که عزّت همه از آنِ خداست؛ او شنوا [و] داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله (و در واقع به مؤمنان پیرو او) دلداری می‌دهد که تحت تأثیر سخنان مسموم و تبلیغات منفی کافران قرار نگیرند و اندوهگین نشوند؛ چراکه عزّت به دست خداست. ۲. «عزّت» به معنای حالتی برای شخص است که مانع غلبه‌ی دیگران بر او می‌شود و «عزّت» خدا به معنای پیروزمندی و شکست ناپذیری اوست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عزّت به دست خداست و با سخنان ناروای مخالفان نمی‌شکند. ۲. به تبلیغات منفی مخالفان اسلام توجه نکنید و خود را ناراحت نسازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی یونس به پندارگرایی مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۶. أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي السَّماوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ آگاه باش، در حقیقت، هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، فقط از آنِ خداست. و کسانی که (معبودانی) غیر از خدا را می‌خوانند، شریک‌های (خیالی او را) پیروی نمی‌کنند (بلکه اینان) جز از گمان پیروی نمی‌نمایند؛ و جز این نیست که آنان حدس می‌زنند (و دروغ می‌بافند.) نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. به صورت طبیعی، هر کس از گمان‌های بی‌اساس و حدس‌ها «۲» پیروی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۵ کند، سرانجام به دروغ‌گویی کشانده می‌شود؛ زیرا راستی بر یقین استوار است و دروغ‌گویی بر پندار و حدس. ۲. بت‌پرستی، نوعی پندارگرایی و تکیه بر اوهام است، به طوری که انسان مجسمه‌ای بی‌روح می‌سازد و سپس او را صاحب اختیار و معبود خویش می‌انگارد. ۳. مقصود از «گمان و ظن» که در این آیه محکوم شده است، همان پندارهای خرافی و بی‌اساس مشرکان است، نه گمان‌های حساب شده‌ی عقلایی، هم چون خبر واحد و شهادت شهود که حجّت است؛ پس این آیه دلیلی بر عدم حجیّت ظن نیست. ۴. این آیه بیان کرده که خدا مالک همه چیز است، پس آنچه شریک او قرار می‌دهند، در ردیف او نیست، بلکه مملوک اوست؛ بنابراین مشرکان خیال می‌کنند که شریک خدا را می‌پرستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک و بت‌پرستی نوعی پندارگرایی و دروغ‌بافی است. ۲. از گمان‌ها و حدس‌های بی‌اساس پیروی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی یونس به نشانه‌های خدا در پهنه‌ی هستی اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۷. هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۶ او کسی است که شب را برای شما (تاریک) قرار داد، تا در آن آرام گیرید؛ و روز را روشنی‌بخش (قرار داد)؛ قطعاً در این [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که گوش شنوا دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به نظام شگفت‌آور نور و ظلمت در شبانه‌روز اشاره شده است که نشانه‌ای از تدبیر هدفمند و حکیمانه‌ی خداست. ۲. «مُبصِراً» در اصل به معنای «بینا کننده» است؛ یعنی خدا روز را بینا کننده قرار داد، در حالی که روز بینا کننده نیست بلکه در روز بینا می‌شویم و روشنی بخش است. این یک تشبیه و مجاز زیباست. «۱» ۳. در این آیه به آرامش‌بخشی

شب اشاره شده است. این یک واقعیت علمی است که پرده‌های تاریک شب علاوه بر آن که وسیله‌ای اجباری برای تعطیل کارهای روزانه است، تأثیر مستقیمی بر اعصاب و عضلات آدمی دارد و آنها را به حالت سکون و خواب آرام‌بخشی فرو می‌برد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آرامش شب و روشنی روز از نشانه‌های خداست. ۲. گوشی شنوا داشته باشید تا (حقایق و) نشانه‌های خدا را بشنوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی یونس به تهمت فرزند داشتن خدا پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۶۸. قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِیُّ لَهُ مَا فِی السَّماوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ إِنْ عَندَکُم مِن سُلْطَانٍ بِهذَا أَتَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۷ (مشرکان) گفتند: «خدا فرزندی گزیده است.» او منزّه است (چرا که) تنها او توانگر است! [و] آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست. نزد شما هیچ دلیلی بر این (ادعا) نیست؛ آیا چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت می‌دهید؟ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان بت‌پرست، فرشتگان را فرزندان خدا می‌پنداشتند، همان طور که یهودیانْ عُزَیر و مسیحیانْ عیسی را فرزند او می‌پنداشتند. «۱» ۲. مشرکان نمی‌گفتند که خدا فرزندی به دنیا آورده است، بلکه می‌گفتند: خدا فرزندی انتخاب و اختیار کرده است؛ همانند کسی که دارای فرزند نمی‌شود و برخی افراد را به فرزندخواندگی می‌پذیرد؛ یعنی خدا را به مخلوقات محدود و نیازمند تشبیه می‌کردند. ۳. قرآن کریم دو پاسخ به فرزند انگاری مشرکان می‌دهد: نخست این که، نیاز به فرزند به خاطر احتیاج و نقص است، ولی خدا از هر نقصی پاک و بی‌نیاز است و مالک همه‌ی هستی است، پس نیازی به فرزند ندارد. دوم این که، هر سخنی باید دلیل داشته باشد و شما دلیلی ندارید؛ پس سخن شما یک تهمت است. ۴. «سُلطان» به معنای دلیلی است که انسان را بر طرف مقابل مسلّط می‌سازد و متناسب با مورد بحث و گفت‌وگو است و عقاید انسان نسبت به خدا، چنین دلیلی می‌طلبد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عقاید خود را براساس دلایل قوی بنیان نهید. ۲. خدا نیازی به فرزند و فرزندخوانده ندارد (پس برای او فرزند قرار ندهید). ۳. مشرکان بی‌دلیل و منطق سخن می‌گویند (شما این گونه نباشید). *** قرآن کریم در آیات شصت و نهم و هفتادم سوره‌ی یونس به بهره‌ی اندک تهمت زنندگان بر خدا و فرجام شوم آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۹ و ۷۰. قُلْ إِنَّ الَّذِینَ یَفْتَرُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ لَا یُفْلِحُونَ* مَتَاعٌ فِی الدُّنْیَا ثُمَّ إِلَیْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِیقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِیدَ بِمَا کَانُوا یَکْفُرُونَ بگو: «در حقیقت کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند؛* (این دروغ پردازی برای اندک) بهره‌ای در دنیاست؛ سپس بازگشتشان تنها به سوی ماست؛ آنگاه بدان سبب که همواره کفر می‌ورزیدند، عذاب شدید را به آنان می‌چشانیم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات فوق دو نوع عذاب را برای تهمت زنندگان به خدا، اعلام می‌کند: نخست آن که، دروغ و تهمتشان مایه‌ی رستگاری آنان نیست و آنان را به هدفشان نمی‌رساند و شکست و بدبختی دامن‌گیرشان می‌شود. و دوم آن که، در رستاخیز به عذاب شدیدی گرفتار می‌شوند. ۲. «مَتاع» به معنای چیزی است که انسان در موردی از آن بهره می‌گیرد و شامل تمام وسایل زندگی می‌شود. «۱» برخی گفته‌اند: این واژه به معنای بهره‌گیری کوتاه مدت است و از آن جا که مدت بهره‌ی انسان از دنیا کوتاه است، تعبیر متاع در مورد آن به کار رفته است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۱۹ ۳. ممکن است دروغ‌پردازان بتوانند با اغفال مردم و ترویج شرک، چند صباحی به ثروتی دست یابند، اما این متاع زودگذر دنیاست و بقایی ندارد. ۴. جمله‌ی «عذاب شدید را به آنان می‌چشانیم.» اشاره به آن است که این مجازات چنان به آنان می‌رسد که گویی با زبان و دهان خویش آن را می‌چشند. این تعبیر رساتر از تعبیر مشاهده و لمس عذاب است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تهمت زنندگان بر خدا، به رستگاری و پیروزی نمی‌رسند، بلکه با عذاب شدیدی کیفر می‌شوند. ۲. برای دست‌یابی به بهره‌ی دنیوی، به خدا دروغ نبندید که فرجامی عذاب‌آلود دارد. ***

سرگذشت نوح(ع)

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی یونس به داستان نوح علیه السلام و مبارزات او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۱. وَاتْلُ عَلَیْهِمْ

نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَاقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ خبر بزرگ نوح را بر آنـان بخوان (و پیروی کن)، آنگاه که به مردمش گفت: «ای قوم [من ! اگر جایگاه من و تـذکّرات من نسبت به آیات خـدا، بر شـما گران است، پس (من) تنها بر خـدا توکّل می‌کنم. و کار (وفکر) تان و شـریک‌های (معبود) تان را جمع کنیـد؛ سپس کارتان بر شـما هیـچ پوشیده نمانـد، آنگاه به (حیات) من پایان دهیـد، و [مرا] مهلت مدهیـد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۰ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیه نشـان می‌دهـد که نوح علیه السـلام پیامبر بزرگ الهی، چگونه با یاران انـدک خویش، در برابر دشـمنان نیرومند، با شـجاعت و شـهامت می‌ایستد و با بی‌اعتنایی به قدرت و بت‌های مشـرکان، ضـربه‌ای روانی به آنان وارد می‌سازد. ۲. برخی از مفسـران قرآن، تعبیرات نوح علیه السـلام را نوعی اعجـاز دانسـته‌اند که بـدون هیـچ گونه امکاناتی، دشـمن را تهدیـد می‌کنـد و پیروزی خود را نوید می‌دهد. «۱» ۳. نکته‌ی جـالب آن است که بـا آن که مخالفان نوح وجود او و آیات الهی را تحمّل نمی‌کردنـد، ولی نوح با مهربانی و عاطفه و تعبیر «ای قوم من» با آنان سـخن می‌گوید. ۴. این آیه در مکه فرود آمـد و پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله در آن زمان در شـرایطی مشابه شـرایط حضـرت نوح علیه السـلام زنـدگی می‌کرد؛ پس این آیه می‌خواهـد به پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله بیاموزد که همراه جمع کم مؤمنان در برابر جمع کثیر مشـرکان بایسـتد و بر خـدا تکیه کند. ۵. در روایـات تـاریخی حکـایت شـده که امـام حسـین علیه السـلام نیز در کربلاـ قبل از ظهر عاشورا، این آیه را برای سپاهیان کوفه تلاوت کردند. «۲» ۶. «غُمَّه» در اصل به معنای «پوشاندن چیزی» است و از آن جا که «اندوه» قلب انسان را می‌پوشانـد، به آن «غم» گفته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آموزه‌ی نظامی آیه برای رهبران الهی آن است که از انبوه دشـمن و شـهادت نهراسید و بـا توکـل به خـدا آنان را به مبارزه بطلبیـد. ۲. رهبران الهی، تاریـخ مقـاومت گذشـتگان را برای مردم یادآوری کنند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۱ ۳. پیامبران الهی به هـدف خود ایمان داشـتند و با تکیه بر خدا مخالفان نیرومند خود را به مبارزه می‌طلبیدند و از شهادت نمی‌هراسیدند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی یونس به بی‌نیازی و مناعت طبع نوح علیه السـلام اشـاره کرده، می‌فرمایـد: ۷۲. فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ و اگر (از قبول دعوتم) روی برتابید، پس (من) از شـما هیچ پاداشی نمی‌طلبم پاداش من جز بر [عهده خدا نیست؛ و فرمان دارم که از مسلمانان باشم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه که از زبان نوح علیه السلام بیان شده، به همه‌ی رهبران الهی و مبلغان دینی می‌آموزد که پاداش مادی و معنوی از مردم نخواهنـد تا مبادا وابسته به مردم شوند و نتوانند آزادانه و صـریح به فعالیت بپردازند. ۲. وابسـتگی مالی رهبران و مبلغان دینی به مردم، تبلیغات دینی را کم اثر می‌کنـد و مانعی برای فعالیت آزاد آنان می‌شود؛ زیرا همیشـه باید رعایت حریم افراد را بنمایند و سـخنی خلاف سلیقه و منافع آنان نگویند؛ از این روست که در اسلام (و به ویژه در شیعه) تأمین مـالی رهبران و مبلغان دینی بر عهـده‌ی بیت المال گذاشـته شـده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغـان دینی چنان رفتار کنند که سـرپیچی مردم در سـرنوشت هدایت و تبلیغ آنان تأثیری نداشته باشد. ۲. نوح پیامبر مسـلمان بود (شما نیز این گونه باشید). تفسـیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۲ ۳. پـاداش رهبران الهی و مبلغان دینی بر خـداست، از مردم درخواست مالی نکننـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و سوم سوره‌ی یونس به نجات عبرت‌آموز نوح و همراهانش و هلاکت مخالفان او اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۳. فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ و او را تکـذیب کردنـد؛ و (مـا) وی و کسانی را که با او در کشتی بودنـد، نجات دادیم؛ و آنان را جانشـینانی (برای کافران) قرار دادیم؛ و کسانی را که نشانه‌هـای مـا را دروغ انگاشـتند، غرق کردیم. پس بنگر فرجـام هشـدار داده شـدگان، چگونه بود! نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که یاران نوح حدود هشتاد نفر بودند که نجات یافتند «۱» و وارثان زمین شدند، اما کافران که بسیار بودند به وسـیله‌ی سیلابی بزرگ نابود شدند. «۲» ۲. همراهی بـا پیـامبر و رهبر الهی یکی از عوامل نجات انسان از عـذاب الهی است (البته اگر از این هم‌نشینی بهره ببرد). تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام مبارزات نوح و مؤمنان، نجات آنان

و حکومت بر زمین بود (و همین سرنوشت پیروزمندانه در انتظار مؤمنان دیگر است). ۲. در سرگذشت پیشینیان بنگرید و درس عبرت بگیرید. ۳. همراه رهبران الهی باشید تا نجات یابید و آنان را تکذیب نکنید که هلاک می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و چهارم سوره‌ی یونس به فرستادگان بعد از نوح و واکنش مردم در برابر آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۴. ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِن قَبلُ كَذلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ سپس بعد از او (: نوح)، فرستادگانی به سوی قومشان برانگیختیم؛ و دلایل روشن (معجزه‌آسا) برای شان آوردند؛ و (ایشان) هرگز به چیزی که قبلًا آن را دروغ انگاشته بودند، ایمان نمی‌آورند؛ این گونه بر دل‌های تجاوزکاران مهر می‌نهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه دو گونه تفسیر شده است: الف) گروهی در امت پیشین مخالف پیامبر بودند و بعداً نیز همان‌ها به راه خود ادامه دادند و در برابر دعوت پیامبران بعدی ایستادگی کردند. «۱» ب) آیه اشاره به دو گروه دارد، گروهی که در برابر دعوت نوح ایستادند و او را تکذیب کردند و گروه دیگر که بعد از نوح در برابر پیامبران جدید ایستادند و ایمان نیاوردند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۴ با توجه به این که ستمکاران قوم نوح دچار سیلاب شدند و به کلی از بین رفتند، احتمال دوم در تفسیر آیه قوی‌تر است. ۲. آیه اشاره دارد به این که تجاوزکاری افراد سبب مهر نهادن بر دل‌های آنان می‌شود، البته این به معنای جبرگرایی نیست بلکه تجاوز پی در پی از حق و حریم احکام الهی، تدریجاً بر دل‌های آنان اثر می‌گذارد و قدرت تشخیص را از آنان می‌گیرد و گناه و سرکشی طبیعت آنان می‌شود و هیچ حقی را درک نمی‌کنند و در برابر آن تسلیم نمی‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب حق و تجاوزکاری زمینه‌سازِ مُهر نهادن بر دل‌ها و درک نکردن حقایق است. ۲. مخالفت با رهبران الهی شیوه‌ی تاریخی مردم تجاوزگر بوده است (پس ناراحت نباشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی یونس به رسالت موسی و هارون و واکنش فرعونیان اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۵. ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْماً مُجْرِمِينَ سپس بعد از آن (پیامبر) ان موسی و هارون را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ و [لی تکبر ورزیدند، و گروهی خلافکار شدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَلأ» به اشراف پر زَرق و برق گفته می‌شود که ظاهری چشم پرکن دارند و در این جا به معنای درباریان، اطرافیان و مشاوران فرعون است که در برابر نهضت موسی صف کشیده بودند و مقاومت می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۵ ۲. موسی علیه السلام و هارون علیه السلام به سوی همه‌ی فرعونیان و بنی اسرائیل فرستاده شده بودند، اما در این آیه فقط سخن از هیئت حاکمه، یعنی فرعون و اشراف قوم اوست؛ چرا که نبض جامعه به دست هیئت حاکمه است و هدف برنامه‌های اصلاحی و انقلابی نیز سران رژیم هستند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اولین هدف قیام رهبران الهی، طاغوتیان زمان و رهبران کفر هستند. ۲. طاغوتیان و اشراف در برابر نهضت رهبران الهی متکبرانه می‌ایستند (ولی نباید از آنان هراسید). ۳. استکبار و خلافکاری زمینه‌ساز درگیری با رهبران الهی است. ***

سرگذشت موسی و هارون

قرآن کریم در آیات هفتاد و ششم و هفتاد و هفتم سوره‌ی یونس با اشاره به مرحله‌ی اول مبارزات فرعونیان با موسی و تهمت سحر و پاسخ آن می‌فرماید: ۷۶ و ۷۷. فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا إِنَّ هذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ* قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ و هنگامی که حقّ از نزد ما به سوی آنان آمد، گفتند: «قطعاً این، سحری آشکار است!»* موسی گفت: «آیا درباره حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می‌گویید؟! آیا این سحر است در حالی که ساحران رستگار (و پیروز) نمی‌شوند؟!» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نخستین مرحله‌ی مبارزات طاغوتیان با پیامبران، انکار و تکذیب و تهمت زدن بود. معمولًا مخالفان پیامبران به آنان تهمت سحر می‌زدند، همان طور که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز ساحر می‌گفتند. ۲. موسی علیه السلام، هم دعوتی باجاذبه و قوی داشت، هم معجزاتی چشم‌گیر داشت و هم نفوذی روزافزون

پیدا کرده بود و به خاطر همین شرایط فرعونیان به فکر چاره افتادند و به او تهمت سحر زدند تا جلوی پیشرفت معنوی او را بگیرند. ۳. نکته‌ی جالب آن است که مخالفان پیامبران با قاطعیت و تأکیدهای متعدد بر ساحر بودن پیامبران اصرار دارند. «۱» آنان می‌دانند که دروغ می گویند اما همین دروغ را محکم می گویند تا مردم را بهتر بفریبند. ۴. معجزه با سحر تفاوت دارد. تفاوت‌های عمده‌ی آنان عبارت‌انداز: الف) معجزه، عملی است که مغلوب واقع نمی‌شود و شکست نمی‌خورد، در حالی که سحر با سحری قوی‌تر مغلوب می‌شود. ب) معجزه، هدف مقدس و روشن و تربیتی دارد، در حالی که سحر برای اهداف مادی و پست و بی‌ارزش به کار می‌رود. ج) معجزه، همراه با تحدّی و مبارزه‌طلبی برای آوردن همانند آن است، اما سحر این گونه نیست. «۲» ۵. جادوگران انسان‌هایی سودجو و منحرف و اغفالگر و فریب‌کار هستند و از این رو هیچ گاه رستگار و پیروز نمی‌شوند؛ اما پیامبران معجزه‌گر، انسان‌هایی پاک، حق‌طلب و پارسا و به دنبال اصلاح جامعه‌ی انسانی در ابعاد معنوی و مادی هستند و از این رو به رستگاری و پیروزی می‌رسند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از تهمت‌های رایج به پیامبران در طول تاریخ، جادوگری بوده است. ۲. معجزه با جادوگری تفاوت‌های روشن دارد (آن‌ها را بشناسید و مرزها را جدا سازید). ۳. فرجام، جادوگران، رستگاری و پیروزی نخواهد بود. ۴. رهبران الهی و مبلغان دینی منتظر تهمت‌های مخالفان باشند و به آن‌ها پاسخ مناسب بدهند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی یونس به تبلیغات فرعونیان علیه موسی و هارون علیهما السلام اشاره می کند و می‌فرماید: ۷۸. قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آباءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (فرعونیان به موسی) گفتند: «آیا به سراغ ما آمده‌ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، بازگردانی، و بزرگی (و ریاست) در زمین، از آنِ شما دو (نفر) باشد؟! و ما تصدیق کننده شما دو (نفر) نیستیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان پیامبران، با تمسّک به سنت‌های نیاکان، چنین وانمود می کردند که موسی و هارون می‌خواهند با مقدّسات جامعه و کشور بازی کنند و بدین ترتیب مردم را نسبت به موسی و هارون بدبین می کردند. ۲. انسان نسبت به فرهنگ و سنت‌های گذشتگان سه گونه رفتار می‌تواند داشته باشد: الف) تمام آنها را بپذیرد و کورکورانه از نیاکان خویش پیروی کند؛ این کار منتهی به عقب افتادگی می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۸ ب) تمام فرهنگ و سنت‌های گذشتگان را رد کند؛ این کار نیز صحیح نیست و انسان را بی‌هویّت می‌سازد. ج) عناصر مثبت فرهنگ نیاکان را بپذیرد و عناصر منفی آن را طرد کند؛ یعنی آن دسته از سنت‌های فرهنگی را که با فطرت، عقل و دین سازگاری دارد بپذیرد و سنت‌های خرافی و ضد فطرت، عقل و دین را که مانع پیشرفت است رد کند. به نظر می‌رسد که این روش سوم مورد قبول اسلام و قرآن است و از این روست که قرآن حجّ ابراهیمی را به عنوان یک سنّت صحیح می‌پذیرد و احیا می کند، اما عقاید نیاکان عرب در مورد شرک و بت‌پرستی را رد می کند. ۳. اشراف و اطرافیان فرعون که تمام سعیشان بر ادامه‌ی حکومت ستمگرانه بر مردم بود، می‌پنداشتند که موسی و هارون نیز این گونه‌اند و از این رو به آنان تهمت قدرت‌طلبی می‌زدند. و شاید هم می‌دانستند که چنین نیست اما این گونه تبلیغ می کردند تا موسی و هارون را از چشم مردم بیندازند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. طاغوتیان به نام حفظ میراث فرهنگی نیاکان و به خاطر تقلید کورکورانه از آنان، در برابر نهضت پیامبران مقاومت می کنند. ۲. دستگاه تبلیغاتی مستکبران با تبلیغات مسموم علیه رهبران الهی، آنان را متهم به ریاست‌طلبی می‌نمایند تا مردم را به دین و رهبری دینی بدبین کنند. ۳. از نیاکانتان تقلید کورکورانه نکنید که شما را به کفر می کشانند. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۲۹ قرآن کریم در آیات هفتاد و نهم و هشتادم سوره‌ی یونس به مرحله‌ی دوم مبارزات فرعونیان و ساحران با موسی اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۹ و ۸۰. وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ* فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ و فرعون گفت: «هر ساحر دانایی را نزد من آورید.»* و هنگامی که ساحران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنان گفت: «آنچه را شما (از وسایل سحر می‌توانید) بیفکنید، بیندازید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به مرحله‌ی دوم مبارزات فرعونیان با موسی علیه السلام اشاره می کند. هنگامی که فرعون برخی معجزات موسی را دید متوجه شد که ادعای موسی بی‌دلیل نیست و ممکن است این معجزات بر مردم و اطرافیانش

تأثیر بگذارد؛ از این رو تصمیم گرفت که با کمک ساحران به مقابله با موسی بشتابد. ۲. شاید فرعون می‌خواست موسی و معجزات او را بیازماید و شاید هم شکّی در حقانیّت موسی نداشت، اما فکر می‌کرد که غوغاسالاری جادوگردان و مشابه‌سازی آنان می‌تواند تأثیر معجزات موسی را کم کند و از نفوذ او در افکار عمومی بکاهد. ۳. این آیه اشاره کرده که جباران و فرعونیان، متخصّصان زمان خویش را در راه اهداف شوم خود به خدمت می‌گرفتند. ۴. بر اساس این آیه موسی علیه السلام به ساحران گفت: «آنچه می‌توانید بیفکنید، بیفکنید.» منظور موسی علیه السلام طناب‌ها و عصاهای مخصوصی بود که جادوگران تهیه کرده بودند و مواد شیمیایی مخصوصی در آنها ریخته بودند که در اثر گرمای تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۰ خورشید و زمین حرکت می‌کردند؛ «۱» همان طور که در آیات سوره‌ی شعراء به این مطلب اشاره شده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. طاغوت‌ها همه‌ی توان خود را برای مبارزه با رهبران الهی به کار می‌گیرند. ۲. از مبارزه با جادوگران ترسی نداشته باشید و قاطعانه در برابر آنان بایستید. ۳. متخصصان مواظب باشند طاغوت‌ها آنان را در خدمت اهداف خود نگیرند. *** قرآن کریم در آیات هشتاد و یکم و هشتاد و دوم سوره‌ی یونس به مبارزات موسی با ساحران و بطلان سحر، و پیروزی حق اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۱ و ۸۲. فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ* وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ و هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه (شما) آن را آوردید، سحر است؛ [چرا] که خدا بزودی آن را باطل می‌کند؛ [زیرا] که خدا کار فسادگران را اصلاح نمی‌کند.* و خدا حق را با کلمات (و وعده‌های) ش تثبیت می‌کند؛ و گرچه خلافکاران ناخشنود باشند.» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی علیه السلام جادوگران را انسان‌هایی فسادگر می‌خواند؛ چراکه آنان دانش خود را در خدمت حکومت ستمکار و فاسد در آورده بودند و خدمت به چنین حکومتی شریک شدن در ستم و فساد آنان بود. ۲. سحر می‌تواند در چشم مردم تأثیر بگذارد و آنان را به وحشت افکند، «۱» اما حقیقت ندارد و در اصل امری باطل است. ساحران عصر فرعون نیز از خواص شیمیایی و فیزیکی اجسام استفاده می‌کردند و حرکاتی در طناب‌ها و عصاها ایجاد می‌کردند و یا با تردستی در چشم مردم تصرف می‌کردند و این‌ها را در چشم آنان زنده جلوه می‌دادند، به طوری که خیال می‌کردند مارهایی در حرکت هستند و وحشت می‌کردند. «۲» ۳. مقصود از ابطال سحر توسط خدا، آن‌است که خدا خیالی بودن و باطل بودن سحر را نمایان می‌سازد. ۴. جادوگری و سحر در اسلام حرام است و طبق احکام اسلامی، دادگاه‌های اسلامی می‌توانند ساحران را به مرگ محکوم سازند. «۳» ۵. در قرآن کریم به قوانین و سنّت‌ها و وسایل تحقّق اراده‌ی الهی «کلمه» گفته می‌شود و مقصود از «کلمات خدا» در آیه‌ی فوق، یا وعده‌ی خدا در زمینه‌ی پیروزی فرستادگان بر حق است و یا معجزات نیرومند او. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جادوگران فسادگر هستند و خدا کار فسادگران را اصلاح نمی‌کند. ۲. با جادوگران مبارزه کنید که سحر و جادو باطل است و خدا بطلان آن را آشکار می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۲ ۳. پیروزی حق از وعده‌ها و سنّت‌های الهی است (پس امیدوار باشید). ۴. از ناراحتی خلافکاران نگران نباشید که نمی‌تواند مانع پیروزی حق شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و سوم سوره‌ی یونس با اشاره به مرحله‌ی سوم انقلاب موسی، یعنی مرحله جذب نیروهای جوان می‌فرماید: ۸۳. فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ و موسی را تصدیق نکردند، مگر نسلی از قوم او؛ در حال ترس از فرعون و اشراف آنان، که مبادا آنان را در بلا- افکنند! و قطعاً فرعون در زمین (مصر)، برتری‌جویی کرد، و مسلماً او از اسرافکاران بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جوانان «۱» نخستین گروهی بودند که به انقلاب و رهبر الهی ایمان آوردند و موسی علیه السلام را تصدیق کردند؛ «۲» چرا که قلب و فکر جوانان پاک‌تر و دلبستگی‌های آنان کم‌تر است و جوشش انقلابی زیادتری دارند. ۲. ضمیر «ه» در «مِنْ قومِه» ممکن است به موسی یا فرعون بازگردد؛ یعنی این گروه اندک جوانان که ایمان آورده بودند، یا از فرعونیانی بودند که مخفیانه به موسی ایمان آوردند (هم‌چون همسر فرعون و مؤمن آل فرعون) و یا اولین گروه، جوانان بنی اسرائیل بودند که به موسی ایمان آوردند و کم‌کم بقیه‌ی افراد بنی اسرائیل نیز ایمان آوردند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۳

این احتمال نیز هست که مقصود آیه هر دو مورد باشد. «۱» ۳. «فِتْنه» در اصل به معنای تحت فشار قرار دادن چیزی برای جدا کردن مواد خالص از غیر آن است و در این جا، یا منظور منحرف ساختن مؤمنان از دین موسی با تهدید و شکنجه است و یا ایجاد هر گونه ناراحتی برای آنان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرعون صفتان افرادی برتری‌جو هستند که مرزها را رعایت نمی‌کنند (شما این گونه نباشید) . ۲. در نظام طاغوتی، ترس و فشار حاکم است، اما این‌ها نمی‌توانند مانع گرایش به حق شود. ۳. برای جذب و تربیت نیروهای انقلابی، جوانان مناسب‌ترند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و چهارم سوره‌ی یونس با اشاره به کادر سازی و تربیت جوانان مؤمن توسط موسی علیه السلام می‌فرماید: ۸۴. وَقَالَ مُوسَي يَاقَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُسْلِمِينَ و موسی گفت: «ای قوم [من ! اگر به خدا ایمان آورده‌اید، [و] اگر مسلمانید، پس فقط بر او توکّل کنید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز به مرحله‌ی سوم انقلاب، یعنی جذب نیروهای جوان و کادرسازی برای انقلاب اشاره کرده است. ۲. موسی علیه السلام در این مرحله به پرورش و تقویت روحی مردم می‌پردازد و این مؤمنان جوان را با مفهوم «توکّل» آشنا می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۴ ۳. توکّل به معنای واگذاری کار به دیگری و انتخاب وکیل است، اما مفهوم توکّل آن نیست که شخص متوکّل دست از تلاش بردارد، بلکه مقصود آن است که نهایت کوشش خود را به کار بندد و در حال موفقیت و توانایی خود را بی‌نیاز از لطف خدا نداند؛ زیرا همه‌ی نیروها از ناحیه‌ی خداست. توکّل نوعی استمداد از قدرت بی‌پایان الهی و تکیه بر اوست که مانع ناامیدی انسان در مشکلات می‌شود. در آیات قرآن آمده است که هر کس بر خدا توکّل کند، خدا او را دوست می‌دارد و او را تأمین و کفایت می‌کند. «۱» ۴. لازمه‌ی ایمان داشتن و تسلیم بودن در برابر خدا، توکل بر اوست؛ افراد باایمان و تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا، به قدرت و وعده‌های الهی اعتقاد دارند و بر او تکیه می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبر الهی لازم است کادرسازی کند و با تربیت نیروهای انقلابی آنان را با مفاهیم دینی آشنا سازد. ۲. توکّل به خدا، لازمه‌ی ایمان به خدا و تسلیم شدن در برابر اوست. *** قرآن کریم در آیات هشتاد و پنجم و هشتاد و ششم سوره‌ی یونس به تربیت‌پذیری جوانان و دعاهای آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۵ و ۸۶. فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ و گفتند: «فقط بر خدا توکّل داریم؛ [ای پروردگار ما! ما را [وسیله آزمایشی برای گروه ستمکاران قرار مده؛* و ما را به رحمت خویش از (شرّ) گروه کافران نجات بخش.» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل، از فرعونیان با عنوان «اسرافکاران» یاد شد و در این دو آیه با عنوان «ستمگران و کافران» از آنها یاد شده است، این تفاوت تعبیر شاید بدان سبب است که انسان در مسیر گناه نخست از اسراف و تجاوز از مرزها شروع می‌کند و بعد بنای ستمکاری می‌گذارد و سرانجام کارش به کفر و انکار منتهی می‌شود. ۲. در این آیات، جوانان مؤمن، نخست برای حفظ هویت فرهنگی خویش از فتنه‌ها و سپس برای نجات خود دعا کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مسیر مبارزه با طاغوت‌ها، تکیه بر خدا و دعا لازم است. ۲. نجات در سایه‌ی رحمت الهی است، که باید از خدا درخواست کنید. ۳. به صورت دسته‌جمعی و برای جمع دعا کنید. ۴. به ندای رهبر الهی لبیک بگویید و بر خدا تکیه کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هفتم سوره‌ی یونس به ادامه‌ی مرحله‌ی کادرسازی و آماده کردن مردم توسط موسی و هارون علیهما السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۷. وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَي وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتاً وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قومتان در مصر خانه‌هایی آماده کنید؛ و خانه‌هایتان را مقابل یک‌دیگر (و محل عبادت) قرار دهید؛ و نماز را به پا دارید؛ و مؤمنان را مژده ده.» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که بنی اسرائیل در عصر موسی علیه السلام گروهی پراکنده و وابسته بودند که خانه‌های شخصی و تمرکزی نداشتند؛ از این رو موسی و هارون مأموریت یافتند که اقدام به خانه‌سازی و ایجاد تمرکز اجتماعی برای آنان کنند. «۱» ۲. «قِبله» در اصل به معنای «مقابل هم بودن»، و نیز به معنای جهت گیری به طرف کانون عبادت است، و مقصود از آن در این آیه، یا رو به قبله ساختن خانه‌ها، یا رو به روی هم‌دیگر ساختن خانه‌ها و ایجاد تمرکز محلّی برای بنی‌اسرائیل و یا آن است که وقتی فرعون از عبادت

در مساجد منع کرد مراسم عبادی خود را در خانه‌هایشان برپا دارند تا خطر برطرف شود، «۲» ولی به نظر می‌رسد که معنای دوم در این جا مناسب‌تر است. ۳. تمرکز بنی اسرائیل و اجتماع آنان در یک محلّه و رو به رو بودن خانه‌های آنها چند فایده‌ی مهم داشت: الف) آنان را از وابستگی به فرعونیان نجات می‌داد و شهرکی مستقل پیدا می‌کردند. ب) آنان به خاطر مالک شدن، علاقه بیش‌تری به دفاع جمعی از خود پیدا می‌کردند و پیوندهای اجتماعی آنان تقویت می‌شد. ج) ایجاد شهرک مخصوص بنی اسرائیل سبب می‌شد که اسرار و نقشه‌های آنان زود به دست دشمن نیفتد و بیگانگان به خوبی قابل شناسایی باشند. د) بنی اسرائیل می‌توانستند از این اجتماع برای انجام مراسم مذهبی به صورت دسته جمعی استفاده کنند و مشورت نمایند و نقشه‌های لازم را طرح کنند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۷ ۴. در این آیه به برپایی نماز سفارش شده است؛ چرا که نماز انسان‌ها را به خدا پیوند می‌دهد و روح را از آلودگی پاک می‌سازد و روح تازه‌ای در کالبد انسان می‌دمد. ۵. نماز یکی از پر سابقه‌ترین عبادات بشری است که در شریعت موسی وجود داشته است؛ هر چند ممکن است شکل و شرایط آن در ادیان متفاوت باشد. ۶. این آیه به موسی علیه السلام دستور می‌دهد که روح امید را در جامعه بدمد و به مردم مژده‌ی پیروزی، لطف و رحمت الهی را بدهد تا از وحشت آنان کاسته شود و قوی و با شهامت شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معماری و شهرسازی متناسب با زمان، یکی از برنامه‌های مورد توجه وحی و یکی از وظایف رهبران الهی است. ۲. جهت‌گیری‌های اصلی معماری و شهر سازی را دین تعیین می‌کند و شهرسازی‌ها باید در خدمت مکتب الهی باشد. ۳. مؤمنان منطقه‌ی مسکونی جداگانه‌ای داشته باشند (تا زمینه‌ساز عزّت و قدرت و استقلال آنان از کفار شود). ۴. با برپایی نماز، کادرسازی انقلابی کنید. ۵. با بشارت دادن، روح امید را در کالبد جامعه بدمید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی یونس به نفرین‌های موسی علیه السلام در مورد فرعونیان اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۸. وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الأَلِيمَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۸ و موسی گفت: « [ای پروردگار ما! براستی که تو فرعون و اشراف او را زیور و اموالی در زندگی پست (دنیا) داده‌ای؛ ای پروردگار ما! (آنان) در نهایت (مردم را) از راه تو گمراه می‌سازند؛ [ای پروردگار ما! اموالشان را بی‌اثر (و بی‌ارزش) کن؛ و دل‌هایشان را (از درک حقایق) بر بند، که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اشراف ثروتمند، فرجام کارشان آن است که مردم را گمراه می‌سازند. «۱» برنامه‌های الهی برای بیداری مردم و جلوگیری از چپاولگران ثروتمند آمده است؛ بنابراین اشراف مستکبر مردم را از دین منحرف می‌کنند، تا بتوانند به غارتگری خود ادامه دهند. پس موسی علیه السلام نفرینشان می‌کند و نابودی اقتصادی آنان را از خدا می‌طلبد. ۲. موسی علیه السلام در نفرین خود دو چیز از خدا می‌خواهد: اول، بی اثر شدن اموال فرعونیان؛ دوم، سخت‌دلی و از کار افتادن فکر آنان. «۲» آری؛ این‌ها سرمایه‌های اصلی همه‌ی ملت‌هاست که اگر از کار بیفتد راه نابودی و شکست آنان هموار می‌شود. ۳. موسی علیه السلام در مناجات خود نخست متذکر می‌شود که همه‌ی اموال از آنِ خداست و در حقیقت فرعونیان چیزی از خود ندارند و این اموالی هم که دارند، تنها در چند صباح دنیا در اختیار آنان است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۳۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرمایه‌ها هنگامی که به دست افراد ناشایست بیفتد، در راه گمراهی و انحراف مردم مصرف می‌شود. ۲. در دعاهای خود نفرین‌های سیاسی را فراموش نکنید و برای نابودی دشمنان راه خدا دعا کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی یونس به موسی و هارون بشارت می‌دهد که دعای آنان مستجاب شده و می‌فرماید: ۸۹. قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (خدا) فرمود: «دعای هر دوی شما پذیرفته شد؛ پس پایداری کنید؛ و راه کسانی را که نمی‌دانند، پیروی مَکنید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پیشین درخواست و دعای موسی علیه السلام در مورد نابودی فرعونیان بیان شد، اما در این آیه از قبولی دعای موسی و هارون هر دو یاد شده است. شاید به خاطر آن که درخواست موسی، در حقیقت تقاضای قلبی هارون نیز بوده است و در هنگام دعای موسی، هارون نیز آمین گفته است؛ همان گونه که در برخی احادیث به این مطلب اشاره شده است. «۱» ۲. در برخی احادیث آمده است

که فاصله‌ی بین دعای موسی علیه السلام و اجابت آن و نابودی فرعونیان، چهل سال بوده است؛ «۲» و شاید به همین سبب است که در ادامه‌ی آیه، دستور استقامت می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا دعای پیامبران الهی را می‌پذیرد. ۲. در کار دین و انقلاب شکیبا باشید و با قاطعیت به راه خود ادامه دهید. ۳. از افراد نادان و ناآگاه پیروی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نودم سوره‌ی یونس به پیروزی بنی اسرائیل و پشیمانی و هلاکت فرعون اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۰. وَجَاوَزْنَا بِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْیاً وَعَدْواً حَتَّی إِذَا أَدْرَکَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلهَ إِلَّا الَّذِی آمَنَتْ بِهِ بَنُوا إِسْرَائِیلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ و بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) را از دریا عبور دادیم، و فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز، در پی آنان رفتند؛ تا هنگامی که او در (شُرُف) غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم [به این که هیچ معبودی نیست، جز کسی که بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) به او ایمان آورده‌اند، و من از تسلیم شدگان هستم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مرحله‌ی چهارم انقلاب موسی علیه السلام، بنی اسرائیل در هنگام عبور از مصر به طرف فلسطین، به صورت معجزه‌آسایی از دریا عبور کردند «۱» و بر فرعون پیروز شدند. ۲. فرعونیان به خاطر ستم و تجاوزکاری به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند «۲» وگرنه بنی‌اسرائیل افرادی مستضعف بودند و گناهی جز ایمان نداشتند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۱ ۳. ایمان فرعون در هنگام مرگ، یا از روی ترس بود و یا به خاطر آن که در این هنگام پرده‌های غرور و ناآگاهی از جلوی چشمان او کنار رفت و فطرت توحیدی او جلوه‌گر شد و به توحید اقرار کرد. ۴. پشیمانی و اظهار ایمان آوردن فرعون با سه عبارت مختلف بود، تا شاید خدا بپذیرد، ولی از آن جا که این ایمان اضطراری و در هنگام دیدن عذاب و نزدیک مرگ بود پذیرفته نشد. چنان چه او در حال اختیار ایمان می‌آورد و یک مرتبه می‌گفت کافی بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با اراده‌ی خدا، بنی‌اسرائیل مستضعف پیروز شدند و مستکبران نیرومند شکست خوردند (پس به لطف او امیدوار باشید). ۲. ستمکاران مستکبر قبل از آن که شکست بخورند و به التماس بیفتند، بیدار شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی یونس با اشاره به فسادگری فرعون و ایمان بی‌ثمر او می‌فرماید: ۹۱. آلْآنَ وَقَدْ عَصَیْتَ قَبْلُ وَکُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِینَ (به فرعون گفته شد:) آیا اکنون (ایمان می‌آوری)؟! در حالی که پیش [از آن بیقین نافرمانی می‌کردی، و از فسادگران بودی! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایمان فرعون در هنگام مرگ و ظاهر شدن نشانه‌های عذاب الهی صورت گرفت، پس ایمانی اضطراری و بی ارزش بود، نه ایمانی اختیاری و صادقانه و کمال‌آفرین. این همان پشیمانی و ایمانی است که هر انسان جانی و مجرمی در هنگام گرفتاری از آن دم می‌زند. ۲. در آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی نساء بیان شد که توبه‌ی بدکاران به هنگام فرا تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۲ رسیدن مرگ پذیرفته نمی‌شود. ۳. در اندیشه‌ی روز حسرت و پشیمانی باشید: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: ای انسان بیچاره! چه حسرتی خواهی داشت آن روزی که پرده‌ی طبیعت از چشم برداشته شود و معاینه کنی که آنچه در عالم قدم زدی و کوشش کردی در راه بیچارگی و شقاوت و بدبختی خودت بوده و راه چاره و طریق جبران نیز مسدود شده و دستت از همه جا کوتاه! نه راه فرار از سلطنت قاهره‌ی الهیّه و نه راه جبران نقایص گذشته و عذرخواهی از معاصی الهیّه (الآن و قد عصیت قبل). «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان آوردن در هنگام مرگ، سودی ندارد (پس در فرصت باقی‌مانده ایمان آورید و توبه کنید). ۲. به عصیانگری و فسادگری نپردازید که مانع پذیرش توبه و ایمان شما می‌گردد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی یونس به عبرت‌آموزی از سرگذشت فرعون اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۲. فَالْیَوْمَ نُنَجِّیکَ بِبَدَنِکَ لِتَکُونَ لِمَنْ خَلْفَکَ آیَةً وَإِنَّ کَثِیراً مِنَ النَّاسِ عَنْ آیَاتِنَا لَغَافِلُونَ و [لی امروز تو را با زره‌ات نجات می‌دهیم (و بدنت را بر بلندی می‌نهیم)، تا برای کسانی که پس از تو هستند، نشانه‌ی (عبرت آموزی) باشی! و قطعاً بسیاری از مردم، از نشانه‌های ما غافلند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «بَدَن» در لغت، یا به معنای جَسَد عظیم است و یا به معنای «زره». بنابر معنای اول، مقصود آیه آن است که آن بدن بزرگ و رفاه‌زده‌ی فرعون از آب بیرون انداخته شد، تا همگان باور کنند که این مدعی مقام پروردگاری مرده است. و بنابر معنای دوم، اشاره به آن است که فرعون با زره‌پوش سنگین خود، می‌بایست به قعر دریا می‌رفت، اما خدا او را از آب بیرون

انـداخت تـا شـناخته شود و تردیـدی در مورد مرگ او بـاقی نمانـد و عبرت روزگـار شود. همـان گونه که در برخی احادیث به این مطلب اشـاره شـده است. «۱» ۲. برخی مفسـران از این آیه اسـتفاده کرده‌انـد که بـدن فرعـون در مکـان بلنـدی از آب بیرون آمـد تا همگان ببیننـد و تردیـدها در مورد مرگ او برطرف شود. «۲» ۳. هم اکنون در موزه‌های مصـر و انگلسـتان بدن‌هایی مومیایی شده از فراعنه‌ی مصـر وجود دارد؛ و تعبیر قرآن در مورد نشانه بودن و عبرت‌آموز بودن جسـد فرعون برای آینـدگان، این احتمال را تقویت می‌کنـد که جسد فرعونِ زمان موسـی در میان این جسدها باشد، اما هنوز دلیل قاطعی برای این مطلب در دست نیست. «۳» ۴. از این آیه می‌توان اسـتفاده کرد که حفـظ آثـار عبرت‌آموز گذشـتگان و تشـکیل موزه‌ها برای تماشای آنها، مفیـد است و قرآن از همگان انتظار دارد که به آثار باسـتانی به عنوان نشانه‌های قهر و لطف الهی نگاه کنند. به صحرای وجود اندر، بُوَد صد چشمه‌ی حیوان گناهِ کیست چـون هرگز نمی‌نوشـی و عطشـانی تفسـیر قرآن مهر جلـد نهـم، ص: ۱۴۴ آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. آثـار سـتمگران نشانه‌های خـداست، بـا دیـده‌ی عبرت به آنها نظر کنیـد. ۲. بسـیاری از مردم از نشانه‌هـای خـدا غافل‌انـد (پس مواظب باشـید که شـما از آنـان نباشـید). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی یونس به نجات بنی اسرائیل و اختلافات درونی آن‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۳. وَلَقَـدْ بَوَّأْنَـا بَنِی إِسْـرَائِیلَ مُبَوَّأَ صِـدْقٍ وَرَزَقْنَاهُم مِنَ الطَّیِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّی جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّکَ یَقْضِـی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَـهِٔ فِیما کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ و بیقین بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) را در جایگاه درستی مستقّر ساختیم؛ و آنان را از پاکیزه‌ها روزی دادیم؛ و [لی اختلاـف نکردنـد تـا این که علم برای آنـان [حاصـل آمـد؛ در حقیقت پروردگـار تو روز رسـتاخیز، درباره آنچه همواره در آن اختلاـف می‌کردنـد، میـان آنان داوری می‌کنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «منزلگـاه راسـتین» در این آیه، یـا صـدق و راسـتی وعـده‌ی الهی نسبت به اسـتقرار بنی اسـرائیل در فلسـطین، یا سـرزمین پاک و نیک آن جاست که منزلگاه پیامبران بوده و یا منزلگاه شایسـته و خـوب از نظر آب و هوا و نعمت‌هـاست. البته برخی مفسـران نیز احتمـال داده‌انـد که مقصود سـرزمین مصـر باشـد که بنی اسـرائیل پس از شـکست فرعونیان آن را تصـرف کردند. «۱» ۲. مقصود از «اختلافـات» در این آیه، یـا اختلاف درونی بنی اسـرائیل است تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۵ که از روی آگاهی و با مشاهده‌ی معجزات موسی علیه السلام باز هم با یک‌دیگر اختلاف می‌کردند و یا اشاره به اختلافات یهودیان معاصـر پیامبر صـلی الله علیه و آله است که با وجود نشانه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کتاب‌هایشـان، بـاز هم در مـورد پـذیرش دعوت او اختلاـف کردنـد؛ ولی بـا توجه به مکی بودن سوره‌ی یونس احتمـال اول قوی‌تر است. ۳. از این آیه اسـتفاد می‌شود که در انقلاب‌هـای الهی، علاـوه بر معنویات، ابعاد مادی زنـدگی بشـر، هم چون مسـکن منـاسب و غـذای نیکو مورد توجه بوده و برای مردم فراهم می‌شـده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بعـد از آگاه شدن اختلاف نکنید که اختلاف‌های آگاهانه از نظر قرآن محکوم است. ۲. خدا نعمت‌های خود را بر بنی اسـرائیل فرود آورد، اما آنان ناسپاسی کردند و به اختلافات پرداختند (پس مواظب باشـید که شما مسلمانان این گونه نباشید). *** خدای متعال در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی یونس به گواهی اهل کتاب بر حقانیّت قرآن اشاره کرده و شک و تردید را از مسـلمانان دور می‌سازد و می‌فرماید: ۹۴. فَإِن کُنْتَ فِی شَکٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَیْکَ فَسْأَلِ الَّذِینَ یَقْرَءُونَ الْکِتَابَ مِن قَبْلِکَ لَقَـدْ جَاءَکَ الْحَقُّ مِن رَبِّکَ فَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ و اگر در مورد آنچه به سـوی تـو فرو فرسـتادیم، در شـک هسـتی، پس از کسـانی بـپرس، کـه پیش از تـو کتـاب [الهی را می‌خواندنـد؛ بیقین حقّ از طرف پروردگارت به تو رسـیده است، پس هرگز از تردیـد کنندگان مباش. تفسـیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۶ شأن نزول: حکایت شده که گروهی از کفّار قریش می‌گفتند: این قرآن از طرف خدا فرود نیامده، بلکه شـیطان بر محمّد صلی الله علیه و آله القا می‌کند. این آیه فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله وحی را از طریق شهودی دریافت می‌کرد و در مسائل شهودی تردید معنا ندارد؛ چراکه انسان خود واقعیت و حقیقت را می‌یابد همان طور که وجود داشتنِ خود را درک می‌کند و می‌یابد. پس اگر چه خطاب آیات فوق به پیامبر صـلی الله علیه و آله است، اما از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد وحی تردید ندارد، پس مخاطبان واقعی آیات، کافران و مشـرکان هستند که در مورد حقانیّت پیامبر و قرآن تردید دارند. ۲. نکته‌ی جالب

آن است که این آیه به صورت جمله‌ی شرطیه آمده است؛ یعنی می گوید: «اگر شک داری.» و جمله‌ی شرطیه دلالت بر تحقّق و وجود شرط ندارد، بلکه گاهی برای تأکید بر مطلب یا بیان یک قانون کلی است. «۲» به عبارت دیگر، مخاطب آیه پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما مقصود کنایی آن دیگران هستند. ۳. «مُمتَرین» در اصل به معنای تمرین در مورد چیزی برای به دست آوردن نفعی است، و این أخص از شک است و برخی مشتقات آن به معنای تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۷ ادامه‌ی بحث با طرف مقابل برای به دست آوردن چیزی به نفع خود است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام شک از دانشمندان بپرسید. ۲. با آمدن حق، تردیدها می‌رود. ۳. نشانه‌های حقانیّت قرآن و پیامبر را در کتاب‌های آسمانی دیگر بیابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی یونس نتیجه‌ی تکذیب آیات الهی را زیان کاری معرفی می کند و می‌فرماید: ۹۵. وَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِ اللَّهِ فَتَکُونَ مِنَ الْخَاسِرِینَ و هرگز از کسانی مباش که آیات‌خدا را دروغ انگاشتند، که از زیان کاران می‌شوی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند خطاب این آیه نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله است اما از آن جا که پیامبر هرگز آیات الهی را تکذیب نمی کرد، بلکه مدافع سرسخت قرآن و اسلام بود، روشن می‌شود که منظور آیه مخالفان و کافران و مشرکان هستند. ۲. در آیه‌ی قبل فرمود: اگر تردید دارید از دانشمندان بپرسید. و در این آیه می‌فرماید: هنگامی که عوامل تردید برطرف شد، تسلیم حق شوید و آیات الهی را تکذیب نکنید. ۳. انکار و تکذیب آیات الهی انسان را از ایمان و رهبری محروم می‌سازد و در نتیجه سرمایه‌های وجودی او هدر می‌رود و این زیان کاری روشنی است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نتیجه‌ی تکذیب آیات و نشانه‌های خدا، چیزی جز زیان کاری نیست. ۲. موضع مثبتی نسبت به آیات و نشانه‌های الهی داشته باشید. *** قرآن کریم در آیات نود و ششم و نود و هفتم سوره‌ی یونس به گروهی اشاره می کند که امیدی به ایمان و نجات آنها وجود ندارد و می‌فرماید: ۹۶ و ۹۷. إِنَّ الَّذِینَ حَقَّتْ عَلَیْهِمْ کَلِمَتُ رَبِّکَ لَا یُؤْمِنُونَ* وَلَوْ جَاءَتْهُم کُلُّ آیَةٍ حَتَّی یَرَوُا الْعَذَابَ الأَلِیمَ در واقع کسانی که سخن پروردگارت بر آنان به حقیقت پیوست ایمان نمی‌آورند؛* و گرچه هر نشانه (معجزه‌آسا) یی برای شان بیاید، (ایمان نمی‌آورند،) تا این که عذاب دردناک را ببینند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اعلام می کند که در میان مخالفان تو گروهی متعصّب و لجوج هستند که انتظار ایمان آوردن از آنها بیهوده است. آنان آن قدر در راه باطل گام برداشته‌اند که به موجودی نفوذناپذیر و اصلاح ناپذیر تبدیل شده‌اند؛ پس از بی‌ایمان آنها دل‌سرد نباش و نیروی هدایت خود را صرف آنان نکن و به سراغ کسانی برو که قابل هدایت هستند. ۲. این آیات دلیلی بر جبرگرایی نیست بلکه بیان آثار اعمال انسان‌هاست، ولی از آن جا که همه چیز به فرمان خدا و به وسیله‌ی قدرت‌هایی است که او داده است، ایمان آوردن یا نیاوردن افراد نیز به خدا نسبت داده می‌شود. ۳. برخی کافران زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هم چون فرعون هستند که تا نشانه‌های عذاب را مشاهده نکنند ایمان نمی‌آورند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۴۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان لجوج سزاوار عذاب هستند. ۲. انتظار نداشته باشید همه‌ی افراد ایمان بیاورند.

***

سرگذشت یونس

قرآن کریم در آیه‌ی نود و هشتم سوره‌ی یونس به سرگذشت قوم یونس و نجات استثنایی آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۸. فَلَوْلَا کَانَتْ قَرْیَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِیمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ یُونُسَ لَمَّا آمَنُوا کَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْیِ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَی حِینٍ و چرا هیچ آبادی نبود که (اهل آن) ایمان آورند و ایمانشان به آنان سود بخشد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی پست (دنیا) از آنان برطرف ساختیم؛ و تا زمان (مرگ) بهره‌مندشان ساختیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یک قانون کلی در زندگی بشر اشاره دارد و آن این که هیچ قوم و ملّتی که در شهرها و روستاها در گذشته زندگی داشتند، به صورتی ایمان نیاوردند که به حالشان سودمند باشد، «۱» (یعنی در هنگامی که در آستانه‌ی مرگ و عذاب قرار می گرفتند، ایمان می‌آوردند

که برای آنان سودمند نبود)، مگر قوم یونس که ایمان آوردند و عذاب از آنان برطرف شد. ۲. حکایت شده که یونس با قوم خود در سرزمین نینوا (در عراق) زندگی می‌کردند و هنگامی که یونس از ایمان آوردن آنان مأیوس شد، به آنان نفرین کرد و از میان آنان بیرون رفت و هنگامی که نشانه‌های عذاب ظاهر شد، مردم تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۰ به نزد حکیم و دانشمند قوم خود رفتند و با راهنمایی او همگی از شهر بیرون رفتند و دست به دعا و توبه و تضرّع بلند کردند و حتی مادران را از فرزندان جدا کردند و به جست و جوی یونس نیز برآمدند ولی او را نیافتند. این جریان سبب شد که عذاب از آنان برطرف شود و پس از مدتی یونس به میان آنان بازگشت و مردم از او استقبال کردند. «۱» ۳. قوم یونس دارای چند ویژگی بودند که سبب نجات آنان از عذاب شد: الف) آنان همگی توبه کردند و ایمان آوردند، در حالی که در اقوام دیگری که گرفتار عذاب می‌شدند همیشه گروهی سرسختانه به مخالفت می‌پرداختند. ب) نشانه‌های مجازات قوم یونس ظاهر شده بود، اما مجازات آنان قطعی نبود، وگرنه قابل برطرف شدن نمی‌بود و توبه‌ی آنان پذیرفته نمی‌شد. ج) آنان در برابر هشدارهایی که معمولًا قبل از مجازات نهایی می‌آید هوشیار بودند و زود بیدار شدند، در حالی که مثلًا قوم فرعون اخطارهای عذاب را جدّی نگرفتند. د) قوم یونس رهبری دانشمند داشتند که از او پیروی کردند و نجات یافتند. ه) توبه و برگزاری دعای دسته جمعی و به صورت ویژه توسط قوم یونس، بسیار مؤثر بود و دریای رحمت الهی را به خروش آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و توبه در زمان مناسب سودمند است. ۲. خدا نه تنها ایمان و توبه‌ی قوم یونس را پذیرفت، بلکه به آنان پاداش نیز عطا کرد. ۳. ملت‌هایی که گرفتار عذاب شدند، خودشان کوتاهی کردند و به موقع ایمان نیاوردند. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۱ قرآن کریم در آیه‌ی نود و نهم سوره‌ی یونس به مطلوب نبودن ایمان اجباری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۹. وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمیعاً أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، حتماً تمام کسانی که در روی زمین هستند، همگی آنان، ایمان می‌آوردند؛ و آیا تو مردم را وا می‌داری تا این که مؤمن شوند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دل داری می‌دهد که از ایمان نیاوردن گروهی از مردم دل‌گیر مباش که این لازمه‌ی اصل آزادی اراده و اختیار مردم است. ۲. این آیه بار دیگر اشاره کرده که خدا انسان‌ها را آزاد آفریده و نمی‌خواهد آنان را بر دین و ایمان مجبور سازد و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله را از اکراه کردن مردم برحذر می‌دارد. ۳. «اکراه» بدان معناست که انسان شرایطی را فراهم آورد که شخص دیگری با اراده‌ی خود و بدون رضایت قلبی، دست به کاری بزند یا چیزی را بپذیرد. اگر ایمان آوردن افراد نیز این گونه باشد ارزشی ندارد؛ چراکه براساس آزادی، اراده‌ی شخصی و رضایت قلبی نیست. آری؛ ایمان و دین چیزی است که از درون جان برمی‌خیزد و نمی‌توان آن را با اسلحه بر مردم تحمیل کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا نمی‌خواهد مردم را به ایمان مجبور سازد، وگرنه همه‌ی مردم مؤمن می‌شدند. ۲. مردم را با اکراه مؤمن نسازید که ایمان آوردن از روی اکراه و اجبار، مطلوب نیست (بلکه ایمان آگاهانه و آزادانه ارزشمند است). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۲ قرآن کریم در آیه‌ی صدم سوره‌ی یونس انسان‌های بی‌خرد را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۰. وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ و برای هیچ کس (ممکن) نیست که جز با رخصت خدا ایمان آورد. و [خدا] بر کسانی که خردورزی نمی‌کنند، پلیدی قرار می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه با توجه به آیه‌ی قبل اشاره دارد که نه جبرگرایی صحیح است و نه تفویض تمام اختیار به بشر قابل قبول است، بلکه راهی میان آن دو صحیح است؛ یعنی انسان آزاد و مختار است، اما به خود واگذار نشده است و نیازمند امداد الهی است. ۲. اگر لطف الهی و یاری و هدایت او از طریق عقل و پیامبران نباشد، انسان توفیق ایمان آوردن پیدا نمی‌کند؛ پس در عین آزادی انسان، سرچشمه‌ی موهبت‌ها از ناحیه‌ی خداست. ۳. افرادی که تفکر و تعقّل نمی‌کنند، سرانجام گرفتار پلیدی شک و تردید و بینش نادرست می‌شوند و توفیق ایمان پیدا نمی‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرچشمه‌ی همه‌ی توفیقات ایمانی به دست خداست. ۲. هر کس اهل خردورزی نباشد، مشمول لطف خدا نمی‌شود و گرفتار پلیدی می‌شود. ۳. خردورزی کنید که زمینه‌سازِ ایمان است. ۴. بی‌ایمانی نوعی پلیدی و نشانه‌ی بی‌خردی است.

*** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۳ قرآن کریم در آیه‌ی صد و یکم سوره‌ی یونس مردم را به نگرش در نشانه‌های الهی فرامی‌خواند و می‌فرماید: ۱۰۱. قُلِ انْظُرُوا مَاذَا فِی السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِی الْآیَاتُ وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَا یُؤْمِنُونَ (ای پیامبر) بگو: «بنگرید در آسمان‌ها و زمین چه چیزی است؟» و [این نشانه‌ها و هشدارها برای گروهی که (به خاطر لجاجت) ایمان نمی‌آورند، (چیزی از عذاب را) دفع نمی‌کند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم جهان هستی با ستارگان درخشان و منظومه‌ها و کهکشان‌ها و نظام دقیق آن را نشانه‌ای از خدای یکتا معرفی می‌کند که هر کس بیش‌تر در این‌ها بنگرد و مطالعه کند، با مبدء هستی آشناتر می‌شود. این ساده‌ترین و بهترین و عمومی‌ترین راه خداشناسی است. ۲. این همه نشانه‌ها و هشدارها، «۱» تنها برای کسانی مفید است که آمادگی پذیرش حق را دارند، اما کسانی که آمادگی ندارند و لجاجت می‌ورزند، هیچ یک از این آیات و اخطارها برایشان مؤثر و مفید نخواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد جهان هستی ژرف‌نگر باشید تا نشانه‌های خدا شما را به ایمان رهنمون سازد. ۲. نشانه‌ها و هشدارهای الهی برای همگان کارساز نیست. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۴ قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوم سوره‌ی یونس با یادآوری سرگذشت پیشینان، به تهدید کافران می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۰۲. فَهَلْ یَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَیَّامِ الَّذِینَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُم مِنَ الْمُنتَظِرِینَ و آیا (مشرکان) جز همانند روزگاران کسانی که پیش از آنان در گذشتند، انتظار می‌کشند؟! بگو: «پس منتظر باشید که من (هم) با شما از منتظرانم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به صورت پرسشی (: استفهام انکاری) مطرح شده است، اما لحنی تهدیدآمیز و هشداردهنده دارد و مشرکان و کافران عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را از سرنوشت عذاب‌آلود اقوام گذشته می‌ترساند. «۱» ۲. مشرکان در انتظار شکست رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز منتظر فرجام عذاب‌آلودی هم چون سرنوشت مستکبران پیشین برای آنان بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تاریخ و سرنوشت گذشتگان برای آیندگان عبرت‌آموز است. ۲. مشرکان منتظر سرنوشتی عذاب‌آلود، هم چون مستکبران گذشته، باشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۵ قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی یونس به سنت الهی در مورد نجات مؤمنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۳. ثُمَّ نُنَجِّی رُسُلَنَا وَالَّذِینَ آمَنُوا کَذلِکَ حَقّاً عَلَیْنَا نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ سپس فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آوردند، نجات می‌دهیم؛ همچنین بر ما حقّ است که مؤمنان را نجات دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق این قانون و سنت الهی را بیان می‌کند که خدا بر خویش این حق را لازم کرده که: «مؤمنان را نجات بخشد.» ۲. از آن جا که خدا مالک و خالق همه چیز و همه کس است، کسی بر او حقّی ندارد، اما گاهی بر اساس لطف و حکمتش، حقّی برای دیگران تعیین می‌کند و این همان وعده‌ها و سنت‌های الهی است که در مورد افراد جاری می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آینده‌ی روشن و نجات نهایی از آنِ مؤمنان است و این وعده‌ی حتمی الهی است. ۲. ایمان آورید تا نجات یابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی یونس به قاطعیت پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۴. قُلْ یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنْ کُنتُمْ فِی شَکٍّ مِنْ دِینِی فَلَا أَعْبُدُ الَّذِینَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلکِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِی یَتَوَفَّاکُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ بگو: «ای مردم! اگر از دین من در شک هستید، پس کسانی را که غیر از خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم؛ و لیکن خدایی را پرستش می‌کنم که (جان) شما را به طور کامل می‌گیرد؛ و فرمان داده شده‌ام که از مؤمنان باشم. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. لحن آیه نشان می‌دهد که مشرکان گاهی توهم می‌کردند که ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله نرمشی در اعتقادات خود نشان دهد و روش تساهل و تسامح را در پیش گیرد و با عقاید مشرکان کنار آید، ولی قرآن با قاطعیت به این توهم پاسخ می‌دهد که جز اللّه معبودی نیست و سازشی هم در کار نخواهد بود. ۲. در این آیه از میان صفات خدا بر مسئله‌ی قبض روح و «میراندن» تأکید شده است. شاید بدان سبب که مسئله‌ی مرگ قابل شک و تردید نیست و یا برای توجه دادن مشرکان به مرگ و عذاب‌های پس از آن است و نوعی تهدید آنهاست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرگونه تساهل و تسامح با مشرکان ممنوع است. ۲. شک دیگران سبب تردید شما نشود. ۳. با قاطعیت مواضع توحیدی خود را بیان کنید و جبهه‌ی کفر را از خودتان ناامید سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجم

سوره‌ی یونس به فطری بودن دین اسلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۵. وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ و (به من فرمان داده شده:) که روی (وجود) خود را به دین حق گرایانه، راست دار؛ و هرگز از مشرکان مباش! تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حَنیف» به معنای کسی است که از انحراف به راستی می‌گراید؛ یعنی از آیین‌های منحرف چشم می‌پوشد و متوجه آیین مستقیم الهی می‌شود. آیینی که موافق فطرت است و به همین جهت مستقیم است. ۲. حنیف بودن و مستقیم بودن دین اسلام، اشاره‌ای به فطری بودن توحید دارد؛ چراکه انحراف چیزی است که بر خلاف فطرت باشد «۱» و شرک یکی از انحرافات است. تو را پاک آفرید ایزد، ز خود شرمت نمی‌آید که روزی پاک بودستی، کنون آلوده دامانی ۳. روی سخن آیه با پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما مخاطب حقیقی آیه همه‌ی مسلمانان هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین اسلام بدون انحراف و موافق فطرت است (پس به آن بگرایید). ۲. خود را با شرک آلوده نسازید، بلکه حق‌گرا و توحیدگرا باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و ششم سوره‌ی یونس پرستش غیر خدا را ستمکاری معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۶. وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذاً مِنَ الظَّالِمِينَ و غیر از خدا، چیزی را که سودی به تو نمی‌رساند و زیانی به تو نمی‌رساند، مخوان (و پرستش مکن)؛ و اگر (چنین) کنی، پس آنگاه در واقع تو از ستمکاران خواهی بود. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یک دلیل عقلی بر توحید اشاره دارد و آن این که انسان یا برای به دست آوردن سود و یا برای دفع ضرر و خطر کار می‌کند و خرد انسان اجازه نمی‌دهد که او چیزهایی را بپرستد «۱» که نه هیچ گونه سود و زیانی دارند و نه در سرنوشت او مؤثرند. ۲. شرک ستم به خویشتن است، چون مشرک سرمایه‌های خود را هدر می‌دهد؛ و ستم به جامعه‌ی بشری است، چون نوعی ارتجاع و انحراف بشریت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک نوعی ستمکاری (به خود و جامعه) است. ۲. غیرخدا را نپرستید که شرک است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتم سوره‌ی یونس به قدرت مطلق و تأثیر گذار خدا در سود و زیان انسان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۷. وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و اگر خدا، (برای امتحان یا مجازات،) زیانی به تو رساند، پس جز او هیچ برطرف کننده‌ای برای آن، نیست؛ و اگر نیکی برای تو اراده کند، پس هیچ برگرداننده‌ای برای بخشش او نیست؛ آن را به هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند) می‌رساند؛ و او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۵۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند ظاهراً روی سخن آیه با پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت یک قانون کلی را بیان می‌کند که شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود. ۲. در این آیه در مورد ناراحتی و زیان تعبیر «إلّا هو» آمده است، اما در مورد نیکی‌ها نیامده است؛ زیرا خدا ناراحتی‌های انسان را برطرف می‌کند، اما نیکی‌هایی را که به انسان می‌رسد برطرف نمی‌سازد مگر آن که اعمال ما آن را تغییر دهد. ۳. در این آیه در مورد نیکی کردن به انسان‌ها تعبیر «اراده‌ی خدا» به کار رفته، اما در مورد زیان رساندن به انسان‌ها تعبیر «یَمسَسْك» به کار رفته است که به معنای لمس و رساندن است. «۱» ۴. از تفاوت این تعبیرها روشن می‌شود که اراده و خواست اصلی خدا نیکی کردن به انسان است. ۴. نیکی‌ها و ناراحتی‌ها و زیان‌ها از طرف خداست؛ یعنی همه‌ی اسباب و عوامل در نهایت به خدا می‌رسد، هر چند انسان با اراده‌ی خود از آنها استفاده می‌کند و آنها را به دست می‌آورد. ۵. اراده‌ی خدا برای نیکی و زیان انسان بی‌حساب نیست، بلکه بر اساس حکمت الهی و شایستگی‌های انسان‌هاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اراده و قدرت خدا مطلق است و چیزی مانع او نیست. ۲. اراده‌ی خدا همراه با مهر و آمرزش است. ۳. بر طرف شدن مشکلات را از خدا بخواهید که غیر از او برطرف کننده‌ای نیست. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶۰ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی یونس به سود هدایت و زیان گمراهی و مسئولیت رهبری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۸. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِن رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ بگو: «ای مردم! بیقین، حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ و هر کس (در پرتو آن) راه یابد، پس فقط به سود خودش راه یافته است. و هر کس گمراه شود، پس فقط به زیان خود گمراه می‌شود؛ و من حمایتگر شما نیستم.»

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه با اشاره به مسئله‌ی اختیار و آزادی اراده‌ی انسان تأکید می‌کند که انسان مجبور نیست و می‌تواند راه هدایت یا گمراهی را برگزیند. ۲. پذیرش حق و هدایت یافتن به سود خود انسان است، همان گونه که گمراهی و مخالفت با حق به زیان خود اوست؛ یعنی برنامه‌های رهبران الهی برای تربیت و تکامل خود انسان است. ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله وکیل مردم نیست؛ یعنی نه کسی را در پذیرش حق مجبور می‌سازد و نه کسی را از مجازات الهی، در صورت مخالفت با حق، حفظ می‌کند، بلکه او راه‌نمایی می‌کند و مردم راه خود را انتخاب می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سود و زیانِ هدایت و گمراهی، فقط به خود انسان می‌رسد و خدا از این‌ها بی‌نیاز است. ۲. وظیفه‌ی رهبر دینی، ارشاد و تبلیغ است و او کسی را مجبور نمی‌سازد و نگهبان و وکیل کسی هم نیست. ۳. قرآن و تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله حق است که از طرف پروردگار (برای تربیت انسان) آمده است. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶۱ قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی یونس وظایف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مشخص می‌سازد و می‌فرماید: ۱۰۹. وَاتَّبِعْ مَا یُوحَی إِلَیْکَ وَاصْبِرْ حَتَّی یَحْکُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَیْرُ الْحَاکِمِینَ و از آنچه به سوی تو وحی می‌شود پیروی کن، و شکیبایی کن! تا (این که) خدا داوری کند، و او بهترین داوران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حقیقت، پیروی از وحی، راه و برنامه را برای رهبر مشخص می‌سازد و از انحرافات احتمالی جلوگیری می‌کند و شکیبایی و صبر، تداوم راه را تضمین می‌کند. ۲. خدا بهترینِ حاکمان است، چون فرمان و حکم او طبق حق و عدالت است و وعده‌اش تخلّف نمی‌پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظایف رهبران الهی، پیروی از وحی و استقامت است. ۲. برنامه‌ی الهی و استقامت و امید به داوری خدا، لوازم رهبری جامعه است. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶۳

بخش دوم: سوره‌ی هود

اشاره

شناخت مبانی دین پیامبر شناسی معاد شناسی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶۵

اول: سیمای سوره‌ی هود

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز شمارگان: سوره‌ی مبارك هود، دارای ۱۲۳ آیه، ۱۷۱۵ کلمه و ۷۵۱۳ حرف است. نزول: این سوره پنجاه و یکمین سوره‌ای است که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده است (بعد از سوره‌ی یونس و قبل از سوره‌ی یوسف) و در ترتیب فعلی قرآن یازدهمین سوره به شمار می‌آید. نام: تنها نام این سوره «هُود» است و به مناسبت داستان حضرت هود پیامبر علیه السلام که در آیات ۵۰ تا ۶۰ این سوره ذکر شده، بدین اسم نامیده شده است. نام هود در این سوره پنج بار آمده است.

فضایل

در مورد فضیلت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر که این سوره را بخواند، پاداشی به تعداد کسانی که به حضرت هود و سایر پیامبران ایمان آوردند و کسانی که آنان را انکار نمودند، خواهد داشت. «۱» تذکر این نکته لازم است که این ثواب‌ها برای کسانی است که سوره‌ی هود را بخوانند و از دستورات آن پیروی کنند و آن را الگوی برنامه‌های زندگی خویش سازند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶۶ ویژگی‌ها: این سوره به ترتیب نزول در قرآن جای گرفته است؛ یعنی این سوره

بعد از سوره‌ی یونس و قبل از سوره‌ی یوسف فرود آمده و در قرآن نیز همین گونه جای گرفته است. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمود: سوره‌ی هود مرا پیر کرد. «۱» (این سخن به خاطر آیه‌ی ۱۱۲ آن گفته شده است).

اهداف

اهداف عمده‌ی این سوره عبارت‌اند از: الف) تبیین اصول و مبانی دین؛ ب) بیان راستی و درستی دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله؛ ج) توجه به معاد و جهان پس از مرگ.

مطالب

در این سوره مطالب زیر به چشم می‌خورد: الف) عقاید: ۱. استدلال کردن برای اصول و مبانی دین؛ ۲. پاسخ به شبهاتی درباره‌ی دعوت اسلامی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۳. سخن از پاداش‌ها و کیفرهای قیامت (در آیات ۲۲- ۲۳)؛ ۴. بحث اعجاز قرآن و دعوت به تحدّی و مبارزه‌طلبی با آوردن ده سوره مثل آن (در آیه‌ی ۱۳). ب) اخلاق: ۱. دعوت به توبه (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. بیان ادب پیامبران الهی در گفتار که الگویی برای همه‌ی بشریت است؛ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶۷ ۳. ارتباط عقاید و اعمال انسان با یکدیگر و تأثیر آن در سرنوشت انسان. ج) احکام: ۱. فرمان به نماز در صبح و شام (در آیه‌ی ۱۱۴). د) داستان‌ها: ۱. داستان نوح علیه السلام و پیروزی او بر دشمنان (در آیات ۲۵- ۴۹)؛ ۲. سرگذشت هود علیه السلام و قوم او، یعنی عاد (در آیات ۵۰- ۶۰)؛ ۳. داستان صالح علیه السلام (در آیات ۶۰- ۶۸)؛ ۴. داستان ابراهیم علیه السلام و فرشتگان (در آیات ۶۹- ۷۶)؛ ۵. داستان لوط علیه السلام (در آیات ۷۷- ۸۳)؛ ۶. داستان شعیب علیه السلام (در آیات ۸۴- ۹۴)؛ ۷. داستان موسی علیه السلام (در آیات ۹۷- ۱۰۹). ه) مطالب فرعی: ۱. بیان پیوستگی و هم بستگی آیات قرآن (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. بیان مطالبی درباره‌ی مبارزه با شرک، کفر و انحراف؛ ۳. تسلّی دادن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در برابر مشکلات؛ ۴. دستور استقامت به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان (در آیه‌ی ۱۱۲)؛ ۵. تهدیدهای شدید نسبت به دشمنان؛ ۶. بحث خلقت آسمان‌ها و زمین (در آیه‌ی ۷)؛ ۷. بیان هدف خلقت، یعنی رحمت الهی (در آیه‌ی ۱۱۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۶۹

دوم: محتوای سوره‌ی هود

کتابی استوار و هدفی توحیدی

خدای متعال در آیه‌ی اول سوره‌ی هود به بنیان استوار قرآن و وحدت توحیدی آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱. الر کِتَابٌ أُحْکِمَتْ آیَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَدُنْ حَکِیمٍ خَبِیرٍ الف، لام، را. (این قرآن) کتابی است که آیاتش محکم شده است، سپس از نزد فرزانه‌ای آگاه تشریح شده است، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران حروف مقطعه را رمزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند، اما برخی دیگر معتقدند که این حروف اشاره به آن است که قرآن از همین حروف معمولی تشکیل شده است. «۱» ۲. منظور از «احکام» در این آیه ارتباط و پیوستگی اجزای قرآن است، به طوری که همگی به یک چیز واحد منتهی می‌شوند. و مقصود از «تفصیل»، جدا کردن اجزای چیزی است که به هم دیگر متصل است، که در این جا منظور آیات به ظاهر متفرق قرآن است. «۲» ۳. قرآن با وجود آیات و سوره‌های متعدد آن، هدفی واحد دارد که همان توحید است؛ یعنی تمام معارف قرآن به توحید بازمی‌گردد و اگر عقیده به توحید را بشکافیم و تحلیل کنیم، همین معارف، عقاید، اخلاقیات و اصول و فروع دینی از آن به دست می‌آید. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۰ ۴. محکم و پیوسته بودن قرآن در این امور تبلور یافته است: الف) تناقض در آن نیست؛ ب)

روح توحید بر تمام مطالبش حاکم است؛ ج) تغییر و تحریف و تردید در آن راه ندارد؛ د) کتابی علمی است و بر مبنای حدس و فرض بنا نشده است؛ پس با پیشرفت علوم بشری، متزلزل نمی‌شود، بلکه اسرار آن بیش‌تر کشف می‌شود. «۱» ۵. در پایان این آیه دو صفت «حکیم» و «خَبیر» بیان شده است و این اشاره به آن است که خدا حکیم و فرزانه است، پس قرآن او محکم و استوار است؛ و خدا خبیر و داناست، پس نیازهای بشر را می‌داند و در قرآن تشریح کرده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن هم محکم و استوار است و هم روشن و واضح (از آن بهرمند شوید). ۲. قرآن را یک واحد به هم پیوسته به شمارید (که تنها هدف آن توحید است و با توجه به این وحدت، آیات آن را تفسیر کنید). *** خدای متعال در آیه‌ی دوم سوره‌ی هود هدف قرآن و وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله را ترسیم می‌کند و می‌فرماید: ۲. أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ که: جز خدا را نپرستید! درحقیقت من از سوی او برای شما هشدارگر و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۱ بشارتگرم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در حقیقت تفسیر آیه‌ی قبل است. در آیه قبل به پیوستگی و وحدت هدف قرآن اشاره شد و این آیه توحید را هدف واحد قرآن معرفی می‌کند «۱» که هم چون روحی در تمام آیات قرآن جاری است. ۲. توحید و یکتاپرستی، که هدف قرآن است، سر لوحه‌ی دعوت همه‌ی پیامبران نیز هست و از همین جاست که همه‌ی کتاب‌های آسمانی و پیامبران در جبهه‌ای واحد قرار می‌گیرند و هم‌دیگر را تأیید می‌کنند. ۳. پیامبران در راستای دعوت به توحید دو وظیفه‌ی عمده دارند: الف) هشدار دادن به مردم و بیدار ساختن آنان از خواب غفلت و جلوگیری از سقوط آنان در جهنّم. ب) مژده دادن مردم به خشنودی خدا و نعمت‌های بهشتی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف قرآن، توحید و دعوت به یکتاپرستی است. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی و مبلغان دینی هشدارگری و مژده‌رسانی در راستای توحید است. *** خدای متعال در آیه‌ی سوم سوره‌ی هود به هدف دیگر قرآن اشاره کرده و با هشدار به مخالفان می‌فرماید: ۳. وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَتاعاً حَسَناً إِلَى أَجَلٍ مُسَمّىً وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ و این که: از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به سوی او بازگردید؛ تا شما را از بهره نیکویی تا سرآمد معیّنی، برخوردار سازد؛ و به هر تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۲ صاحب فضیلتی، (به مقدار) فضیلتش بدهد. و اگر روی برتابید، پس در حقیقت من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز در حقیقت تفسیری برای آیه‌ی اول این سوره است؛ یعنی آیه‌ی اول به پیوستگی و وحدت هدف قرآن اشاره کرد؛ آیه‌ی دوم این هدف را توحید معرفی کرد، و این آیه مردم را به بازگشت به مدار توحید فرا خواند. «۱» ۲. مقصود از «بهره و کالای نیکو» زندگی دل‌نشین و نیکوست. زندگی آن گاه نیکوست که انسان را به سعادت ممکن، یعنی نعمت و امنیت و رفاه و عزّت و شرافت برساند. ۳. مقصود از دادن فضیلت هر کس به او، آن است که هر انسانی که دارای صفات و اعمال نیک بیش‌تری است، در برابر آن پاداش زیادتری می‌گیرد و حق او از بین نمی‌رود. «۲» ۴. در این آیه استغفار و توبه با هم آمده است و منظور از استغفار، ترک بت‌پرستی و طلب آمرزش است و منظور از توبه ایمان آوردن به خداست «۳». ۵. انسان نخست باید طلب آمرزش کند و از گناهان پاک گردد، سپس آماده‌ی بازگشت و پرواز به سوی خدا شود. ۶. استغفار و توبه عاملی برای بهره‌مند شدن انسان از نعمت‌های نیکوی دنیوی است. ۷. توبه کردن از شرک، واجب است و ترک آن از گناهان کبیره است که عذاب به دنبال دارد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از اهداف قرآن فراخواندن مردم به توبه و بازگشت به مدار توحید است. ۲. استغفار و توبه، زندگی نیکوی انسان را تا آخر عمر بیمه می‌کند. ۳. هر کس فضیلت بیش‌تری کسب کند، لطف و پاداش بیش‌تری دریافت خواهد کرد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی هود به معاد و قدرت الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۴. إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بازگشت شما فقط به سوی خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به معاد و قدرت مطلق الهی اشاره کرده است؛ یعنی اگر به قدرت الهی توجه کنید، امکان معاد را متوجه می‌شوید و آن را جدّی می‌گیرید و انکار نمی‌کنید. ۲. این آیه در حقیقت بیان می‌کند که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله برای مخالفان در روز رستاخیز بیمناک است؛ یعنی اشاره دارد که همه‌ی شما به سوی خدا بازمی‌گردید و به

حساب کارهای شما رسیدگی خواهد شد؛ پس، از مخالفت خدا بترسید و توبه کنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بازگشت شما تنها به سوی خداست (پس برای حضور در رستاخیز آماده شوید). ۲. به قدرت الهی توجه کنید تا امکان معاد برای شما روشن شود (و آن را جدی بگیرید). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۴ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی هود به روی‌گردانی و مخفی‌کاری مشرکان و آگاهی همه‌جانبه‌ی الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۵. أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخفُوا مِنْهُ أَلَّا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آگاه باشید، که آن (مشرک) ان سینه‌هایشان را نزدیک هم قرار می‌دهند، تا (رازشان را) از آن (پیامبر) پنهان دارند؛ آگاه باشید، آنگاه که لباس‌هایشان را بر سر می‌کشند، (خدا) آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند؛ [چرا] که او، به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مشرکان هنگامی که از برابر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گذشتند، سر خود را به زیر افکنده و حتی آن را با لباس خویش می‌پوشاندند تا پیامبر آنها را نبیند. آیه‌ی فوق فرود آمد و به آگاه بودن خدا از حال آنان اشاره کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ممکن است اشاره به هرگونه مخفی‌کاری و روی‌گردانی ظاهری و باطنی دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که در هنگام گفت و گو یا حرکت، تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۵ سر خود را به زیر می‌انداختند و به هم‌دیگر نزدیک می‌شدند «۱» و حتی لباس‌ها را بر سر می‌کشیدند تا خودشان و سخنانشان و کینه‌ای را که در دل داشتند، مخفی کنند. ۲. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد که نگران واکنش‌های منفی مخالفان نباشد که همه زیر نظر خدا هستند و به مخالفان هشدار می‌دهد که مخفی کاری‌شان سودی ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان واکنش منفی نسبت به رهبران الهی نشان می‌دهند و از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله روی برمی‌تابند و مخفی‌کاری می‌کنند. ۲. مخالفان اسلام مخفی کاری نکنند که خدا از همه‌ی چیزهای مخفی و آشکار آگاه است. ***

رزق همگان بیمه شده

قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی هود روزی همه‌ی جنبندگان زمین را بیمه می‌کند و با اشاره به آگاهی خدا می‌فرماید: ۶. وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر [این که روزیش بر خداست؛ و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۶ قرارگاه ثابت او و ناپایدارش را می‌داند؛ (زیرا) همه در کتاب روشن‌گر (علم خدا ثبت) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «رِزْق» به معنای بخشش مستمر است و به روزی جنبندگان «۱» که عطای مستمر الهی است، رزق گفته می‌شود. البته رزق هم شامل بخشش‌های مادی می‌شود و هم معنوی؛ یعنی همان طور که شامل غذا می‌شود، شامل علم و معنویت و شهادت نیز می‌شود. ۲. «کتاب مُبین» به معنای نوشته‌ی روشن و روشن‌گر است. این تعبیر به علم وسیع الهی اشاره دارد؛ یعنی نام و محل همه‌ی جنبندگان در علم الهی ثبت است و روزی کسی از قلم نمی‌افتد، پس کسی نباید نگران باشد که نامش از قلم بیفتد. جمله را رزّاق روزی می‌دهد قسمت هر یک به پیشش می‌نهد (مولوی) ۳. خدا به همه چیز آگاه است و دلیل این مطلب آن است که به همه‌ی موجودات زمین روزی می‌دهد و محل استقرار و محل نقل و انتقال آنها را می‌داند. «۲» او به همه‌ی جنبندگان از حیوانات قعر دریاها تا موجودات ذره‌بینی و انسان‌ها و حیوانات خشکی و پرندگان روزی می‌دهد و کسی را از قلم نمی‌اندازد. ۴. مقصود از این که می‌فرماید: «روزی همه‌ی جنبندگان زمین بر خداست.»، آن نیست که انسان‌ها برای تهیه‌ی معاش خود تلاش نکنند و به تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۷ سستی و تنبلی روی آورند و یا فرصتی به استثمارگران بدهند تا فقر مردم را توجیه کنند، بلکه منظور آیه آن است که رزق مردم به دست خدا ولی مشروط به تلاش مردم است؛ و از این روست که می‌بینیم پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام نیز کار می‌کردند تا محتاج دیگران نباشند. «۱» ۵. این آیه در حقیقت ترمزی بر دنیاپرستی و حرص گروهی است که برای به دست آوردن ثروت دست به هر ستم و گناهی می‌آلایند، به گمان این که اگر چنین نکنند رزق

آنها نمی‌رسد. این آیه و احادیث اسلامی به آنان هشدار می‌دهد که از طریق نامعقول و نامشروع و غیر قانونی برای تأمین زندگی اقدام نکنند و مطمئن باشند که خدا نیازمندی همگان را تأمین می‌کند. تشنه می‌نالد که: ای آب گوار آب هم نالد که کو آن آب خوار؟ (مولوی) ۶. روایت شده که امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب بر فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: ای فرزندم! بدان که روزی دو گونه است: یک نوع روزی‌ای که تو باید به جست و جوی آنها برخیزی و نوع دوم روزی‌ای که در جست و جوی تو است. «۲» آن چنان که عاشقی بر رزق زار هست عاشق رزق هم بر رزق خوار (مولوی) آری برخی روزی‌ها مثل آفتاب، هوا، باران و هدایت‌های الهی و فطری، بدون کوشش به سراغ ما می‌آیند که اگر آنها را با تلاش خود حفظ نکنیم، از دست می‌روند و یا بی‌اثر می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزق خود را به دست خدا بدانید (و در برابر دیگران تن به ذلت ندهید و نترسید و حرص نورزید). ۲. همه چیز شما ثبت است و خدا بدانها آگاه است (پس نگران نباشید و مراقب کردار خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی هود به هدف آفرینش جهان و بهانه‌جویی کافران در برابر معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَکَانَ عَرْشُهُ عَلَی الْمَاءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتَ إِنَّکُم مَبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَیَقُولَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِینٌ و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره آفرید؛ و تخت (جهانداری و تدبیر هستی) او بر آب بود؛ تا شما را بیازماید که کدامین شما نیکوکارتر است. و اگر بگویی: «در حقیقت شما بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید.» حتماً کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «این، جز سحری آشکار نیست!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از آفرینش جهان در «شش روز»، همان شش دوره (طولانی یا کوتاه) است؛ چراکه هنگام آفرینش، روز معمولی بیست و چهار ساعتی وجود نداشت و خورشید و زمین نبود. «۱» ۲. خدا با این که قادر بود، جهان را در یک لحظه بیافریند، آن را در شش دوره آفرید، تا هر زمان چهره‌ی تازه‌ای پیدا کند و قدرت و عظمت پروردگار را بنمایاند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۷۹ ۳. «عَرْش» در اصل به معنای سقف یا چیز سقف‌دار است و به تخت‌های بلند پادشاهان هم عرش گفته می‌شود. این واژه بعداً به معنای قدرت به کار رفت. «۱» گاهی هم به معنای مجموعه‌ی جهان هستی به کار می‌رود که قدرت خدا همه‌ی آن را فرا گرفته است. ۴. «ماء» به معنای آب است اما به هر چیز مایع هم «ماء» گفته می‌شود؛ مانند فلزات مایع و امثال آن. در آغاز آفرینش، جهان به صورت مواد مذاب بود و جهان هستی و پایه‌ی تخت قدرت خدا بر ماده‌ی عظیم آب گونه‌ای قرار داشت. سپس در مراحل بعدی، با حرکات و انفجارات عظیم، سیارات و ستارگان شکل گرفت. «۲» ۵. این آیه، هدف خلقت را آزمایش انسان‌ها معرفی کرده است. البته آزمایش الهی برای کشف حال و پی بردن به وضع درونی و فکری و علمی افراد نیست، بلکه به معنای پرورش و تربیت انسان‌هاست. ۶. آیه ارزش هر انسانی را به نیکو بودن عمل او می‌داند؛ یعنی به جای تأکید بر کثرت و کمیّت، بر کیفیت عمل تأکید دارد. ۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا کثرت عمل نمی‌خواهد بلکه درستی عمل شما را می‌خواهد و درستی عمل به آن است که با خشوع در برابر خدا و نیّت پاک توأم باشد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۰ ۸. در این آیه، پس از بیان هدف آفرینش، به معاد اشاره شده است؛ چرا که این دو با هم پیوند دارند؛ یعنی آفرینش جهان هدفش تکامل انسان‌هاست و تکامل انسان به خاطر آماده شدن برای جهان متکامل‌تر است؛ و به عبارت دیگر، معاد، خود هدف آفرینش جهان است. ۹. جمله‌ی آخر آیه، یا اشاره به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله است، یعنی کافران می‌گویند: این ادعای تو در باره‌ی معاد، سحری آشکار (و سخنی بی‌اساس) است. «۱» و یا اشاره به قرآن است، یعنی کافران می‌گویند: این قرآن سحری آشکار است. «۲» اما احتمال اول با سیاق آیه، که سخن از معاد می‌گوید، سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف آفرینش جهان، آزمایش انسان‌ها بوده است (پس بکوشید در این آزمایش موفق شوید). ۲. کیفیت عمل مهم‌تر از کمیّت آن است (پس به کیفیّت عمل بیندیشید). ۳. منکران معاد دلیلی نمی‌آورند، بلکه تهمت می‌زنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی هود به شوخی کردن کافران با حقایق و عذاب الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸. وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَی أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَیَقُولُنَّ مَا

یَحْبِسُهُ أَلَا یَوْمَ یَأْتِیهِمْ لَیْسَ مَصْرُوفاً عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِءُونَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۱ و اگر عذاب را تا مدّت معیّنی از آنان به تأخیر اندازیم، قطعاً می گویند: «چه چیزی آن را باز می‌دارد؟!» آگاه باشید! روزی که (عذاب) به آنان برسد، از آنان باز گردانده نخواهد شد؛ و آنچه که همواره آن را ریشخند می کردند، آنان را فرو گیرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «امّت» در اصل به معنای منضم کردن چیزها به هم‌دیگر است و از این رو به گروهی که در زمان و مکان واحدی جمع می‌شوند «امت» گفته می‌شود. این واژه به معنای زمان نیز می‌آید که در این آیه به همین معنای وقت و زمان است. «۱» ۲. در احادیث متعددی حکایت شده که مقصود از «امت مَعدُودة»، نفرات کم یاران مهدی علیه السلام است؛ یعنی عذاب بدکاران را به عهده‌ی یاران مهدی علیه السلام گذاشته‌ایم. «۲» البته این روایات اشاره به باطن آیه است که یک قانون کلی در مورد ستمکاران را بیان می کند. ۳. کافران حقایق هستی و عذاب الهی را مسخره می کنند و تهدیدهای تکان دهنده‌ی مردان حق را به شوخی می گیرند و با آتش بازی می کنند. ۴. عذاب‌های خدا زمان‌بندی دارد و تأخیر آن، به معنای برداشته شدن عذاب و رها کردن ستمکاران کافرکیش نیست، بلکه گاهی خدا (بر اساس مصلحت یا لطفی) عذاب افراد را به تأخیر می‌اندازد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تأخیر عذاب را به شوخی نگیرید که مجازات الهی حتماً خواهد آمد. ۲. خدا پاسخ کوبنده‌ای به مسخره کنندگان عذاب می‌دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی هود به انسان‌های کم‌ظرفیت و صفات آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۹. وَلَئِنْ أَذَقْنَا الإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَیَئُوسٌ کَفُورٌ و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بر گیریم، قطعاً او بسیار نا امید [و] ناسپاس خواهد شد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «انسان» در این آیه به معنای همه‌ی انسان‌ها نیست، بلکه به افراد تربیت نایافته و بی‌ارزش اشاره دارد «۱» که ظرفیت کافی برای تحمّل مشکلات و آزمایش‌های الهی را ندارند و زود ناامید می‌شوند و ناسپاسی می کنند. ۲. انسان‌ها از آن جا که حکمت الهی و مصالح خود را نمی‌دانند، زود قضاوت می کنند و مأیوس می‌شوند یا کفر می‌ورزند، ولی اگر بدانند که همه‌ی نعمت‌ها به دست خداست و دادن هر نعمتی نشانه‌ی لطف و گرفتن هر نعمتی نشانه‌ی خشم خدا نیست، به فضل خدا امیدوار و نسبت به کم و زیاد نعمتش سپاس گزار می‌شوند. ۳. در این آیه از نعمت‌های الهی با واژه‌ی «رحمت» یاد شده است. این اشاره به آن است که نعمت‌های الهی نوعی تفضُّل و رحمت خداست و اگر بنا بود طبق استحقاق افراد به آنان چیزی دهند، نعمت کمی شامل آنان می‌شد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی انسان‌ها کم‌ظرفیت و ناسپاس‌اند. ۲. در اثر از دست دادن نعمت، ناسپاس و ناامید نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی هود بار دیگر به انسان‌های کم‌ظرفیت و صفات آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۰. وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَیَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّیِّئَاتُ عَنِّی إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ و اگر بعد از زیان (و ناراحتی) که به او رسیده، نعمت‌هایی به او بچشانیم، قطعاً می گوید: «بدی‌ها از من (کنار) رفت!» در حالی که او حتماً شادمان [و] فخر فروش است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ممکن است مقصود از «سَیِئات» در این آیه، همان ناراحتی‌ها و گرفتاری‌های دنیوی باشد که برطرف شده است و یا گناهان باشد که مشکلات و ناراحتی‌های انسان کفّاره‌ی آنها به شمار می‌آید. «۱» البته این احتمال نیز هست که مقصود رفع همه‌ی بدی‌های مادی و معنوی باشد. ۲. در این آیه و آیه‌ی قبل چهار صفت برای انسان‌های کم‌ظرفیت بیان شده که معیار شناسایی این افراد است: الف) هنگام از دست دادن نعمت‌ها به شدت ناامید می‌شوند. ب) هنگام از دست دادن نعمت‌ها بسیار ناسپاس می‌شوند. ج) هنگام به دست آوردن نعمت‌ها بسیار خوشحال و ذوق‌زده می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۴ د) هنگام به دست آوردن نعمت‌ها بسیار فخرفروش و خودبرتربین می‌شوند. ۳. تعبیر این آیه و آیه‌ی قبل «أذَقنا» است؛ یعنی نعمت را به آنان «می‌چشانیم». بدین معنا که برخی آن قدر کم‌ظرفیت‌اند که اگر مختصر نعمتی به آنان داده شود، خود را گم می کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌های کم‌ظرفیت با چشیدن نعمتی به تحلیل غلط می‌افتند و همه‌ی بدی‌ها را تمام شده می‌پندارند. ۲. کم ظرفیت نباشید و با چشیدن نعمتی، بسیار شادمان و فخر فروش نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی هود به انسان‌های پرظرفیت و نیکوکار اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱. إِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

أولئِکَ لَهُم مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبِیرٌ مگر کسانی که شکیبایی کردند و [کارهای شایسته انجام دادند؛ آنان برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل صفات انسان‌های کم‌ظرفیت بیان شد، ولی عنوان «انسان» به صورت کلی آمد و در این آیه موارد استثنای آن بیان شده است. انسان‌های شایسته‌کردار و شکیبا، پرظرفیت هستند و هنگام از دست دادن نعمت‌ها مأیوس و ناسپاس نمی‌شوند و وقتی از نعمتی برخوردار می‌گردند مغرور نمی‌شوند. ۲. اعمال نیک و صبر دو اثر دارد: یکی شست و شوی گناهان و دیگری پاداش بزرگ الهی که نصیب انسان می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شکیبایی و شایسته‌کرداری، انسان را پرظرفیت می‌سازد. ۲. اگر آمرزش و پاداش بزرگ الهی را می‌طلبید صبور و نیک‌کردار باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی هود به بهانه جویی‌های کافران و مشکلات پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. فَلَعَلَّکَ تَارِکٌ بَعْضَ مَا یُوحی إِلَیْکَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَن یَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَکٌ إِنَّمَا أَنتَ نَذِیرٌ وَاللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیلٌ و شاید تو، به خاطر این که (کافران) می‌گویند: «چرا هیچ گنجی بر او فرود نیامده یا فرشته‌ای همراه او نیامده است؟!» برخی چیزهایی را که به سوی تو وحی می‌شود، ترک کنی و سینه‌ات به خاطر آن تنگ شود! (نگران مباش و وحی را ابلاغ کن، چراکه) تو فقط هشدارگری؛ و خدا بر هر چیزی کارساز است. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از سران کافران مکه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: اگر راست می‌گویی که پیامبر خدا هستی، کوه‌های مکه را برای ما طلا کن و یا فرشتگانی بیاور که نبوت تو را گواهی کنند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد. برخی نیز حکایت کرده‌اند که این آیه به مناسبت دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد برادری و وصی شدن علی علیه السلام و استجابت آن فرود آمده که مشرکان بهانه‌جویی کردند که چرا پیامبر نخواسته که فرشته‌ای یا گنجی برای او بفرستد. «۱» البته بعید نیست که این وقایع قسمت‌هایی از یک واقعه بوده باشد و یا تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۶ این آیه به مناسبت‌های متعددی فرود آمده باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. درخواست‌های مشرکان نوعی بهانه‌جویی و لجاجت بود نه درخواست واقعی معجزه برای پی بردن به حق. آنان اگر معجزه‌ای هم واقع می‌شد تسلیم نمی‌شدند. این مطلب از آیات مشابه این آیه نیز استفاده می‌شود. «۱» ۲. واژه‌ی «لَعلَّ» معمولاً برای اظهار امیدواری برای انجام چیزی می‌آید، ولی معنای التزامی آن در این جا «منع» از کاری است؛ یعنی می‌فرماید: شاید تو برخی از وحی را ترک کنی (ولی تو چنین کاری نمی‌کنی و نباید بکنی). ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معصوم بود و از وحی پیروی می‌کرد و همه‌ی آن را به مردم ابلاغ می‌کرد، ولی گاهی زمان ابلاغ وحی وسیع بود و پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر ملاحظات عمومی، ابلاغ آن را به تأخیر می‌انداخت، همان طور که در واقعه‌ی غدیر اتفاق افتاد. «۲» آیه‌ی فوق پیامبر را از نظر روانی تقویت می‌کند تا در برابر بهانه‌جویی مشرکان وحشتی به خود راه ندهد و آیات وحی را سریعاً ابلاغ کند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در ابلاغ پیام الهی قاطع باشند و ملاحظه‌ی بهانه‌جویان را نکنند. ۲. کافران، با بهانه‌جویی، رهبران الهی را اذیت می‌کنند (پس آماده باشید). ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی وظیفه‌ی خود را انجام دهند، که خدا خود کارساز است. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۷

مبارزه طلبی و همانند خواهی دلیل اعجاز آن

قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی هود مخالفان را به آوردن سوری همانند قرآن فرامی‌خواند و می‌فرماید: ۱۳. أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِن دُونِ اللَّهِ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ آیا می‌گویند: «به دروغ آن (قرآن را به خدا) نسبت داده است؟!» بگو: «اگر راستگویید، پس شما هم ده سوره ساختگی، همانند این (قرآن) بیاورید؛ و جز خدا، هر کسی را می‌توانید فرا خوانید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم معجزه‌ی جاویدان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که از نظر فصاحت و بلاغت، یعنی شیرینی و جذابیّت عبارات و رسایی مفاهیم و از جهت محتوای عالی و قوانین و اشاره به علومی که از دسترس بشر آن زمان بیرون بود و از جهت خالی بودن از تناقض و خرافات معجزه است. «۱» ۲. چهارده قرن است که قرآن جهانیان را به مبارزه

می‌طلبد که ده سوره مانند آن بیاورند، ولی دشمنان عاجز مانده‌اند. آنان حاضر شدند جنگ‌ها و خسارت‌های مالی را تحمّل کنند، اما اقدامی در راه مبارزه با قرآن نکنند و اگر هم اقدامی کردند با شکست و خواری و ریشخند جهانیان رو به رو شدند. ۳. قرآن کریم گاهی مخالفان را به آوردن مثل قرآن «۲» و گاهی به آوردن ده سوره «۳» و گاهی به آوردن یک سوره «۴» فرا می‌خواند. این تفاوت در تعبیر یا به خاطر پایین آمدن از مرحله‌ی بالا به پایین‌تر و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۸ نشان دادن ناتوانی بیش‌تر مخالفان است «۱» و یا به خاطر آن است که واژه‌ی قرآن به «تمام» یا «بعض» قرآن گفته می‌شود و واژه‌ی سوره نیز به مجموعه‌ای از آیات قرآن گفته می‌شود، هر چند یک سوره‌ی کامل نباشد. «۲» ۴. کافران اهل منطق و دلیل نبودند و به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند که قرآن ساخته‌ی اوست، در حالی که خودشان نمی‌توانستند ده سوره بسازند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن معجزه‌ی جاویدان پیامبر صلی الله علیه و آله است که کسی نمی‌تواند همانند آن را بیاورد. ۲. دشمنان اسلام را به هماوردی با قرآن فرا خوانید (تا ناتوانی آنان و حقّانیت قرآن آشکار شود). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۸۹ هماوردطلبی قرآن و اعجاز آن الف) مراحل هماوردطلبی قرآن: یکی از نشانه‌های اعجاز قرآن همین همانندخواهی و مبارزه‌طلبی آن است که در طی چهارده قرن، از بین همه‌ی بشریت هماوردطلبی کرده است. بسیاری از مخالفان قرآن عرب‌های غیرمسلمان بودند ولی نتوانستند کلامی همانند قرآن بیاورند و هر بار که تلاش کردند با شکست و خواری رو به رو شدند. ۱. اگر راست می‌گویند، سخنی همانند آن بیاورند (طور، ۳۴ و اسراء، ۸۸). ۲. اگر راست می‌گویید، شما ده سوره همانند آن بیاورید (هود، ۱۳). ۳. اگر راست می‌گویید، شما یک سوره همانند آن بیاورید (یونس، ۳۸ و بقره، ۲۳). یادآوری: جالب آن است که هماوردطلبی قرآن نسبت به همه‌ی قرآن، ده سوره و یک سوره است که اگر کسی نتوانست مثل همه‌ی قرآن را بیاورد، حداقل ده یا یک سوره مانند آن بیاورد! ب) ابعاد اعجاز قرآن: قرآن کریم از جهات مختلف برای افراد عادی و متخصصان علوم معجزه است؛ یعنی هر کسی می‌تواند از جهت علمی و تخصصی خود به اعجاز قرآن پی ببرد. ادیبان از ادبیات قرآن، فقیهان و حقوق‌دانان از قوانین عالی و کیهان‌شناسان از آیات علمی کیهان‌شناسی قرآن و ... به اعجاز آن پی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۰ می‌برند. «۱» ۱. فصاحت و بلاغت قرآن (روشن بودن آیات و رسا بودن بی‌نظیر بیان قرآن)؛ ۲. قوانین عالی قرآن؛ ۳. اعجاز علمی قرآن (که در یک بحث مستقل ذیل آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی لقمان مطرح شد)؛ ۴. آهنگ و موسیقی روحانی قرآن؛ ۵. سبک و نظم خاص قرآن؛ ۶. معارف عالی الهی قرآن از یک فردِ درس نخوانده؛ ۷. برهان‌های عالی قرآن؛ ۸. خبرهای غیبی از گذشته و آینده؛ ۹. استقامت بیان (و عدم اختلاف در آن)؛ ۱۰. ایجاد انقلاب اجتماعی. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۱ قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی هود به شکست مخالفان در برابر قرآن و اثبات حقانیّت آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴. فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلمِ اللَّهِ وَأَن لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنتُم مُسْلِمُونَ و اگر (دعوت) شما را نپذیرفتند، پس بدانید که (قرآن) با علم الهی فرود آمده؛ و این که هیچ معبودی جز او نیست. پس آیا شما تسلیم می‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران، مخاطب این آیه را مسلمانان یا مخالفان و کافران دانسته‌اند؛ یعنی اگر مخالفان دعوت شما مسلمانان را پاسخ ندادند، دلیل حقانیت قرآن است؛ و یا این که اگر کافران دیگر دعوت مخالفان قرآن را پاسخ ندادند، دلیل حقانیّت قرآن است. «۱» ۲. معجزه بودن قرآن دو نتیجه‌ی عقیدتی دارد: الف) اثبات حقانیّت و الهی بودن قرآن؛ چرا که هیچ بشری نمی‌تواند مثل آن را بیاورد. ب) اثبات وحدانیّت خدا؛ چرا که اگر معبود دیگری وجود می‌داشت، حتماً به مخالفان اسلام کمک می‌کرد تا کتابی همانند قرآن بیاورند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ناتوانی مخالفان در همانندآوری برای قرآن، دلیل الهی بودن قرآن است. ۲. سرچشمه‌ی قرآن، علم بی‌پایان الهی است. ۳. از اعجاز قرآن به توحید رهنمون شوید و تسلیم خدا گردید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۲ قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی هود به ثمرات کارهای دنیاطلبان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۵. مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ کسانی که زندگی پست (دنیا) و زیور آن را بخواهند، (نتیجه‌ی) اعمالشان را در این (دنیا) به طور کامل به آنان می‌دهیم؛ و به آنان در این (دنیا) کم داده نخواهد شد؛ نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. این آیه به این سنت و قانون الهی اشاره می‌کند که نتایج اعمال مثبت انسان از میان نمی‌رود؛ اگر هدف آن زندگی مادی باشد، ثمره‌اش فقط در این جهان است، اما اگر هدف آن خدا باشد، ثمرات آن در دنیا و آخرت به انسان می‌رسد. «۱» ۲. تعبیر «زینت» در این آیه بدین مطلب اشاره دارد که بهره‌گیری معتدل از دنیا اشکالی ندارد، اما به دنبال زرق و برق دنیا رفتن را سرزنش می‌کند؛ «۲» چون انسان را از آخرت بازمی‌دارد. ۳. تعبیر «اراده» در این آیه اشاره به آن دارد که اگر کسی دنیا را هدف و مقصود خود قرار دهد، از معنویات و آخرت بازمی‌ماند؛ البته استفاده‌ی صحیح و طبیعی از دنیا اشکالی ندارد، چون دنیا مقدمه‌ی آخرت است. ۴. اگر افرادی در دنیا کارهای نیکی انجام دهند (هم چون ساختن بیمارستان و مدرسه و یا خدمات علمی و فنی به بشریت) و هدف آنها رضای خدا نباشد، باز هم خدا آنها را از ثمرات کارشان بهره‌مند می‌کند و در دنیا آثار مادی و مفید کار خود را می‌بینند؛ مثلًا مورد تشویق مردم قرار می‌گیرند و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۳ مشهور می‌شوند؛ اما این کارها در آخرت برای آنها فایده‌ای ندارد. ۵. در این آیه تأکید شده که ثمرات و پاداش کار دنیاطلبان به صورت کامل در دنیا داده خواهد شد. «۱» این اشاره دارد که آنان در آخرت چیزی از خدا طلب نخواهند داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا پاداش دنیاطلبان را در این دنیا به صورت کامل می‌دهد (ولی آنان از پاداش اخروی محروم می‌شوند). ۲. هدف و انگیزه‌ی انسان در کارها مهم است و براساس آن پاداش می‌گیرد. ۳. پاداش افراد را به طور کامل بدهید (اگر چه انگیزه‌ی الهی نداشته باشند). *** قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی هود به نابودی اعمال دنیاطلبان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۶. أُولَـٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ آنان، کسانی هستند که در آخرت، برایشان، جز آتش نیست! و آنچه را در این (دنیا) با زیرکی ساختند تباه شد؛ و آنچه را همواره انجام می‌دادند، باطل است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حَبْط» تعبیر جالبی است برای اعمالی که ظاهراً مفید و انسانی است، تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۴ اما در باطن با نیّتی ناپاک همراه است. «۱» ۲. دنیاطلبان که با اهداف غیر الهی کار می‌کنند، در دنیا پاداش خود را دریافت می‌کنند، پس در آخرت بهره‌ای نخواهند داشت و اعمالشان نابود می‌گردد. ۳. دنیاطلبان چون برای خدا کاری نکرده‌اند و وظایف خود را انجام نداده‌اند، گرفتار آتش می‌شوند. ۴. واژه‌ی «باطل» در این آیه ممکن است اشاره به آن باشد که اعمالشان از آغاز باطل و بی‌اثر بوده است؛ و این در آخرت کشف می‌شود. ۵. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که در روز رستاخیز پیروان من سه گروه می‌شوند: گروه بااخلاص و گروه ریاکار و گروهی که به خاطر دنیاطلبی خدا را پرستش کردند. و در آن حال خدا به گروه دنیاطلب می‌گوید: به عزت و جلالم سوگند! بگو هدف تو از پرستش من چه بود؟ او در پاسخ می‌گوید: دنیا. و خدا می‌گوید: بنابراین، آنچه اندوختی به حال تو سودی نمی‌دهد و به آن بازنمی‌گردی، او را به سوی آتش ببرید. سرنوشت ریاکاران نیز دوزخ است، اما افراد بااخلاص که به خاطر خدا عبادت و کار کرده‌اند نجات می‌یابند و روانه‌ی بهشت می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیا را هدف خود قرار ندهید که در آخرت بهره‌ای نخواهید داشت و اعمالتان باطل خواهد شد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۵ ۲. فرجام دنیامداران دوزخ است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی هود به دو گروه مسلمانان راستین و کافران متفرق، و بی‌ایمانی اکثر مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَاماً وَرَحْمَةً أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَبِّكَ وَلكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ و آیا کسی که از طرف پروردگارش بر دلیلی روشن می‌باشد، و گواهی، از جانب آن (خدا) از او پیروی می‌کند، و (نیز) پیش از آن، کتاب موسی در حالی که پیشوا و رحمت بود (گواه بر آن بود، همانند کسی است که اینچنین نباشد)؟! آنان (که جویای حقیقتند) به او ایمان می‌آورند؛ و هر کس از حزب‌های (مختلف) به او کفر ورزد، پس آتش وعده‌گاه اوست! پس از آن در تردید مباش، [چرا] که آن حق است [و] از جانب پروردگار توست؛ و لیکن بیش‌تر مردم ایمان نمی‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن این آیه را حداقل دو گونه تفسیر کرده‌اند: نخست آن که مقصود اصلی، بیان حال پیامبر صلی الله علیه و آله است و به حال مؤمنان راستین که به او ایمان می‌آورند نیز اشاره شده

است. دوم آن که هدف اصلی، بیان حال مؤمنان راستین است که با دلایل روشن و شواهدی که بر دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده ایمان می‌آورند. «۱» به نظر می‌رسد که آیه مطلبی کلی می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله مصداق روشن آن است، اما تفسیر اول با ظاهر تعبیرات آیه و احادیث مربوط به آن سازگارتر است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۶ ۲. مقصود از «بیّنه» یا دلیل روشن در این آیه، قرآن کریم است. ۳. منظور از شاهد و گواه در این آیه، مؤمنان راستین، هم چون علی علیه السلام هستند؛ «۱» زیرا یکی از نشانه‌های حقانیّت یک مکتب، افراد باایمان، بااخلاص، فداکار و بادرایتی هستند که تربیت کرده است و از این روست که می‌توان گفت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو معجزه داشت: قرآن کریم و علی علیه السلام. ۴. در احادیث متعددی از شیعه و اهل سنت حکایت شده که مقصود از «شاهد» در این آیه امام علی علیه السلام است. «۲» و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام حکایت شده که منظور از شاهد، امیر المؤمنین و جانشینان او یکی پس از دیگری هستند. «۳» البته این گونه احادیث به معنای انحصار آیه نیست، بلکه مصادیق کامل آیه را بیان می‌کند و مفهوم آیه شامل مؤمنان راستین، هم چون ابوذر و سلمان می‌شود. ۵. در این آیه فقط به تورات اشاره شده است؛ شاید بدان سبب است که در محیط جزیرة العرب در هنگام ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله بیش‌تر افکار یهودیان منتشر شده بود و مسیحیان در محیط دورتری بودند و یا این که صفات پیامبر صلی الله علیه و آله در تورات به صورت جامع‌تری آمده بود. ۶. در این آیه از تورات با عنوان «امام» یاد شده است؛ شاید بدان سبب که تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۷ احکام شریعت موسی علیه السلام به صورت کامل در تورات آمده است. ۷. با آن که پیامبر صلی الله علیه و آله مطالب وحی را به صورت شهودی دریافت می‌کرد و در آن شک نمی‌کرد، اما در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد که «هرگز در آنچه بر تو فرود آمد تردیدی به دل راه مده.» و این روش قرآن است که گاهی به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌کند، اما مقصودش عموم مسلمانان هستند. «۱» ۸. حقانیّت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله از سه طریق به اثبات می‌رسد: الف) قرآن که دلیل روشن است. ب) کتاب‌های آسمانی پیشین که نشانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در آنهاست و به همین دلیل برخی اهل کتاب در انتظار آمدن پیامبر اسلام بودند. ج) مطالعه در وضع پیروان و حامیان راستین اسلام هم چون علی علیه السلام و فرزندان معصوم او. ۹. در این آیه آمده است که بیش‌تر مردم ایمان نخواهند آورد. این مطلب بار دیگر نشان می‌دهد که قرآن معیار حقانیّت را اکثریت مردم نمی‌داند، بلکه معیار حق یا باطل بودن، عقاید و نظرها و اعمال افراد است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کسانی را که دلیل و شاهد دارند، با کسانی که دلیل ندارند برابر ندانید. ۲. معیار حقانیّت، دلیل و شاهد است، نه کثرت افراد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی هود ستمکارترین مردم را معرفی و آنان را نفرین می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِباً أُولئِکَ یُعْرَضُونَ عَلَی رَبِّهِمْ وَیَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِین کَذَبُوا عَلَی رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۸ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بندد؟! آنان (در رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند، و گواهان خواهند گفت: «اینان، کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بستند؛ هان، لعنت خدا بر ستمکاران باد!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در موارد متعددی تعبیر «اظلَم» یعنی ستمکارترین را به کار برده و گروه‌های مختلفی را با این عنوان خوانده است که ریشه‌ی انحراف همه‌ی آنها به شرک و تکذیب آیات الهی بازمی‌گردد که بالاترین تهمت‌هاست. «۱» ۲. در نظر قرآن، بالاترین ظلم‌ها، دروغ بستن بر خداست که نفی دعوت پیامبران راستین و نسبت دروغ به آنان دادن نیز در حقیقت تکذیب خداست. ۳. مقصود از شاهدان در این آیه، پیامبران یا فرشتگان یا مأموران ثبت اعمال هستند و در این جا ممکن است مفهوم وسیع آیه شامل همه‌ی آنها بشود. اما در آیات دیگر قرآن، از خدا، پیامبران، فرشتگان و اعضای بدن، به عنوان شاهدان قیامت یاد شده است. «۲» ۴. «لعنت» به معنای دوری از رحمت خداست و در این آیه ستمکاران مورد لعنت قرار گرفته‌اند، که ظاهراً گوینده و درخواست کننده‌ی لعنت، همان شاهدان هستند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۱۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دروغ بستن بر خدا، نوعی ظلم فرهنگی است. ۲. در قیامت گواهان زیادی علیه انسان شهادت می‌دهند (پس مواظب کردار خود باشید). ۳. علیه ستمکاران

دروغ‌پرداز شعار دهید و به آنان لعنت بفرستید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی هود سه ویژگی ستمکاران را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجاً وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (همان) کسانی که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند، و می‌خواهند آن [راه را منحرف سازند؛ و آنان همان منکران آخرتند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ستمکاران با انواع وسایل و از طریق القای شبهات و تهدید و تطمیع، مردم را از راه خدا بازمی‌دارند. ۲. ستمکاران با استفاده از تحریف، تفسیر به رأی و مخفی ساختن حقایق، راه خدا را کژراهه جلوه می‌دهند تا حق‌طلبان راه اصلی را پیدا نکنند و نتوانند به راه مستقیم الهی بروند. ۳. ستمکاران نسبت به رستاخیز کفر می‌ورزند و آن را منکر می‌شوند و در حقیقت همین مطلب منشأ انحرافات دیگر آنها می‌شود. ۴. واژه‌ی «ظلم» هرگونه انحراف و تغییر موضع واقعی اشیا، اعمال، صفات تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۰ و عقاید را شامل می‌شود و از این رو ویژگی‌های سه‌گانه‌ی فوق، همگی در مفهوم ظلم جمع می‌شود «۱» و به خاطر همین است که ستمکاران با این ویژگی‌ها توصیف می‌شوند. ۵. در برخی احادیث آمده است که مقصود از ستمکاران در این آیه، دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله هستند و حتی نام برخی سران آنان برده شده است که مانع راه الهی امامت شدند و آن را منحرف کردند. «۲» روشن است که این گونه روایات برخی مصادیق آیه را در بستر تاریخ بیان می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بستن راه خدا یا کج نشان دادن آن نوعی ظلم است. ۲. با راه خدا مبارزه نکنید که فرجامی کفرآمیز دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی هود به چند ویژگی دیگر ستمکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ آنان در زمین عاجز کننده (خدا) نبوده‌اند، و غیر از خدا برایشان هیچ سرپرستی نبود. عذاب برای آنان دو [یا چند] برابر می‌شود! (زیرا) هرگز توان شنیدن (سخن حق را) نداشتند؛ و هرگز (حقیقت را) نمی‌دیدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به «چند برابر شدن عذاب ستمکاران» اشاره شده است؛ شاید بدان سبب که هم خودشان گمراه و گناهکار بودند و هم دیگران را به این تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۱ راه‌ها می‌کشاندند، و بار گناهان آنان را نیز بدوش می‌کشند و به خاطر آن‌ها عذاب می‌شوند. «۱» ۲. در این آیه آمده است که ستمکاران توانایی شنیدن (سخن حق) را ندارند؛ یعنی سخن حق آن قدر سنگین است که گویی اصلًا توانایی شنیدن آن را ندارند. به عبارت دیگر، آنان عملًا چشم و گوش خود را با لجاجت و کینه‌ورزی، از کار انداخته‌اند و حقایق را درک نمی‌کنند؛ البته روشن است که این کار از آنان سلب مسئولیت نمی‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری نکنید که ستمکاران نه می‌توانند از عذاب الهی بگریزند و نه یاوری خواهند یافت. ۲. ستمکاران (کافرکیش که با دروغ بستن به خدا دیگران را منحرف می‌کنند) منتظر عذابی دو چندان باشند. ۳. سخن حق را بشنوید و حقایق را ببینید (وگرنه همین سبب گمراهی و ستمکاری و عذاب شما می‌شود). *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی هود به زیان کاری ستمکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ* لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الآخِرَةِ هُمُ الأَخْسَرُونَ آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند، و آنچه را همواره (از معبودها به دروغ) می‌ساختند، از (نظر) شان گم شد.* ناگزیر در آخرت، تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۲ تنها آنان (از همه) زیان کارترند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خسارت‌هایی که به انسان می‌رسد، گاهی مربوط به مال و گاهی مربوط به فرزندان و بستگان است، اما مهم‌ترین خسارت، همان زیان روحی است که انسان سرمایه‌ی وجودی‌اش را از کف بدهد و ورشکست شود، اما مسئولیت‌های آن را به دوش بکشد و گرفتار عذاب الهی شود؛ از این جهت است که ستمکاران در دنیا ضرر کرده و در آخرت هم از زیان کارترین مردم هستند. ۲. در فرهنگ قرآن، دنیا بازاری است که مردم فروشنده‌ی آن، و جان و مال و عمل انسان‌ها کالای این بازار است و انسان می‌تواند کالای خود را به قیمت بهشت به خدا بفروشد و سود کند و یا با قیمت ارزانی به دیگران بفروشد و زیان کار شود. ۳. زیان حقیقی و بالاترین ضرر، زیان کاری در عمر و جان انسان است که جبران‌ناپذیر است. ۴. گفتارهای ناروا و معبودهای دروغین جلوه‌ای ظاهری دارند و از آن جا که حقیقتی در بر ندارند، گم و تباه می‌شوند. ۵. در مجموع پنج آیه‌ی ۱۸ تا ۲۲ سوره‌ی هود،

یازده صفت و ویژگی برای ستمکاران دروغ‌پرداز بیان شد که عبارت‌اند از: لعنت خدا بر آنان است، راه خدا را می‌بندند، آن را کژراهه جلوه می‌دهند، منکر سرای دیگر هستند، نمی‌توانند از کیفر الهی فرار کنند، یاوری نمی‌یابند، نمی‌توانند سخن حق را بشنوند و حقایق را ببینند، به خودشان ضرر زده‌اند، هرچه را بافته بودند محو گردید و در رستاخیز زیان کارترین مردم هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری نکنید که خودتان زیان می‌بینید. ۲. شدت زیان کاری ستمکاران در رستاخیز روشن می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۳ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی هود به ویژگی‌های مؤمنان و پاداش آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۳. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ در حقیقت کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند و (با فروتنی) به سوی پروردگارشان آرام یافتند، آنان اهل بهشت‌اند؛ در حالی که آنان در آن جا ماندگارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه سه ویژگی ایمان، عمل شایسته و فروتنی را برای انسان‌های سعادتمند بیان کرده است که در برابر گروه ستمکاران زیان کار قرار دارند. ۲. ثمره‌ی ایمان، عمل شایسته است و فروتنی و تسلیم در برابر خدا و اطمینان به وعده‌های او «۱» از آثار ایمان و عمل صالح است؛ چراکه اعتقاد صحیح و عمل پاک سرچشمه‌ی این صفات عالی در درون جان انسان می‌شود. ۳. قرآن کریم از روش مقایسه‌ی گروه‌های متضاد برای تربیت انسان‌ها استفاده می‌کند. در این آیات، ستمکاران دروغ‌پرداز را در برابر مؤمنان راستین قرار داد و زیان کاری آنان و پاداش‌های اینان را بیان کرد تا ره‌نمودی برای هدایت انسان‌های دیگر باشد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌های مؤمن، شایسته کردار، تسلیم و فروتن اهل بهشت‌اند. ۲. مؤمنان نیکوکردار با فروتنی به سوی پروردگارتان بروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی هود مؤمنان راستین و ستمکاران دروغ‌پرداز را با مثالی مناسب مقایسه می‌کند و می‌فرماید: ۲۴. مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ مثال این دو گروه [مؤمنان و ستمکاران ، همانند نابینا و ناشنوا، و بینا و شنواست؛ آیا (این دو) در مثال مساویند؟! آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تشبیه معقولات به محسوسات یکی از روش‌های بیان مطالب و ساده کردن آنها برای عموم مردم است. قرآن با استفاده از این روش حقایق مهم و حساس را به روشنی بیان کرده و برای تربیت انسان‌ها از روش مقایسه و پرسش هم استفاده کرده است. ۲. در آیه‌ی بیستم سوره‌ی هود بیان شده است که «ستمکاران دروغ‌پرداز و کافرکیش، نمی‌توانند (سخن حق) را بشنوند و (حقایق) را ببینند.» و در آیه‌ی فوق آنان را به انسان‌های نابینا و ناشنوا تشبیه کرده که نمی‌توانند حقایق اطراف خود را به خوبی درک کنند. آری؛ ستمکاران در اثر تعصب و خودپرستی، چشم و گوش حقیقت‌بین خود را از دست داده‌اند و نمی‌توانند حقایق مربوط به ماورای طبیعت و ایمان را درک کنند. ۳. در این آیه مؤمنان راستین به انسان‌های بینا و شنوا تشبیه شده‌اند که با چشم و گوش باز، هر حرکتی را می‌بینند و هر صدایی را می‌شنوند و حقایق تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۵ را درک می‌کنند و راهی به سوی سعادت و جهان غیب می‌گشایند. ۴. مثال زدن به نابینایان و ناشنوایان به معنای توهین به این افراد روشن‌دل و نیکوسرشت نیست. این یک مثال عرفی است و چه بسا انسان‌های نابینایی که چشم عقل و دل آنها به نور ایمان بینا می‌شود، در حالی که انسان‌های به ظاهر بینا و شنوا، حقایق را نمی‌بینند و نمی‌شنوند. پس معیار برتری انسان‌ها بر همدیگر داشتن چشم و گوش ظاهری نیست، بلکه درک حقایق و معرفت و ایمان و کردار نیک است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاران هم چون نابینایان و ناشنوایان هستند و مؤمنان هم چون انسان‌های بینا و شنوا که حقایق را درک کرده‌اند. ۲. از مثال‌های قرآن پند بگیرید و بیدار شوید. ***

سرگذشت نوح(ع)

قرآن کریم در آیات بیست و پنجم و بیست و ششم سوره‌ی هود به رسالت و برنامه‌های نوح پیامبر علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۵ و ۲۶. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ* أن لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ و بیقین

نوح را به سوی قومش فرستادیم (گفت): «در حقیقت من برای شما هشدارگری روشن‌گرم.* که جز خدا را نپرستید؛ [چرا] که من از عذاب روزی دردناک بر شما می‌ترسم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت نوح علیه السلام از پیامبران بزرگ خداست که تاریخ زندگانی و مبارزات او در راه توحید، در سوره‌های مختلف قرآن بیان شده است. «۱» قیام تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۶ نوح در برابر مستکبران عصر خویش و فرجام عذاب‌آلود آنان، آموزه‌ای برای همه‌ی انسان‌هاست. ۲. پیامبران الهی هشدار دهنده و مژده دهنده‌اند، اما در این آیه و برخی آیات دیگر «۱» بر «هشدار دادن» آنان تأکید شده است؛ چرا که ضربه‌های بیدار کننده‌ی انقلاب را باید با اعلام خطر و هشدار شروع کرد و اصولًا انسان تا احساس خطر نکند، حرکت نخواهد کرد. ۳. هشدار پیامبران در مورد انحرافات فکری، مثل شرک و انحرافات عملی و گناهان و آلودگی‌های خودِ انسان است و از این روست که مردم را با عذاب الهی بیم می‌دهند. ۴. «مُبین» به معنای روشن و روشن‌گر است و این تعبیر در آیه‌ی فوق می‌رساند که پیام نوح علیه السلام، واضح و روشن‌گر بوده است. ۵. از برنامه‌های همه‌ی پیامبران الهی این است که مردم را به توحید فرا می‌خوانند و از شرک بازمی‌دارند «۲». این اساس همه‌ی برنامه‌هاست. اگر مردم همه‌ی بت‌های درونی و بیرونی، هوس‌ها، دنیاپرستی‌ها و خودخواهی‌ها را کنار بگذارند و جز خدا را نپرستند، زندگی بشریت سامان می‌یابد. ۶. از تعبیر نوح علیه السلام که می‌فرمود: «من از روز دردناکی بر شما بیمناکم.»، «۳» متوجه می‌شویم که پیامبران دل‌سوز و خیرخواه بشریّت‌اند و هشدار دادنشان به مردم به خاطر نجات آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظیفه‌ی رهبران الهی و مبلغان دینی هشدارگری و روشن‌گری است. ۲. هدف اصلی پیامبران فراخواندن به توحید است. ۳. رهبران الهی دل‌سوز انسان و خواهان نجات بشریت هستند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی هود به واکنش سران قوم نوح علیه السلام و ایرادهای آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَراً مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ و اشرافِ قومش که کفر ورزیدند، گفتند: «تو را جز بشری هم چون خودمان نمی‌بینیم؛ و (نیز) مشاهده نمی‌کنیم، که از تو پیروی کنند، جز کسانی که، آنان در ابتدای نظر، فرومایگان ما هستند. و برای شما هیچ فضیلتی نسبت به خودمان نمی‌بینیم، بلکه گمان می‌کنیم که شما دروغگویید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَلَأ» به معنای افراد چشم پرکن، یعنی صاحبان زر و زور، اشراف، سران و ثروتمندان است که در هر جامعه‌ای سرچشمه‌ی اصلی فساد و تباهی هستند و پرچم مخالفت با پیامبران را به دوش می‌کشند. ۲. «اراذِل» به معنای موجودات پست و حقیر است. اشراف، این کلمه را به مستضعفانی می‌گفتند که به نوح علیه السلام گرویده بودند. پیامبران الهی همیشه حامی محرومان، فقرا و مستضعفان بودند و از این رو آنان زودتر ایمان می‌آوردند و مستکبران که معیار شخصیت را زر و زور می‌انگاشتند، تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۸ محرومان را اراذل می‌خواندند. «۱» ۳. «بادِیَ الرأی» به معنای افراد ظاهربین و بی‌مطالعه است که با یک نظر عاشق چیزی می‌شوند و در اینجا این کلمه را اشراف به جوانان پیرو نوح علیه السلام می‌گفتند؛ چراکه آن جوانان تعصب ناروا نداشتند و پاک‌دلانی بودند که حقایق را زود درک می‌کردند و به نوح علیه السلام ایمان می‌آوردند. «۲» ۴. از این آیه یک مطلب جامعه‌شناختی استفاده می‌شود که در جوامع انسانی معمولًا سران و اشراف و ثروتمندان مخالف راه پیامبران بودند و مستضعفان و محرومان حامی راه خدا می‌شدند. ۵. از آیه این مطلب روان‌شناختی نیز استفاده می‌شود که معیار شخصیت در نظر گروه‌ها متفاوت است؛ از نظر مستکبران و اشراف، معیار شخصیت زر و زور است و هر که محروم است پست و حقیر است، اما از نظر دین، معیارِ شخصیت ایمان، تقوا، علم و مجاهدت است. ۶. اشراف و سران قوم نوح می‌پنداشتند که پیامبر باید از جنس فرشتگان باشد و از این رو ادعای نبوّت نوح را دروغ‌گویی می‌پنداشتند، در حالی که انسان دردهای آدمی را بهتر درک می‌کند و یک انسان معصوم می‌تواند الگوی دیگران باشد، اما فرشتگان چنین نیستند. ۷. کافران قوم نوح یک ایراد از نوح و یک اشکال از پیروان او و ایرادی نیز از هر دو گرفتند که عبارت‌اند از: الف) نوح که انسان است، چرا ادعای نبوت می‌کند! ب) پیروان نوح انسان‌های حقیر و جوانان ناآگاه هستند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۰۹ ج) نوح و پیروانش بر ما برتری ندارند.

در آیات بعدی پاسخ نوح علیه السلام به این اشکالات خواهد آمد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اشراف و ثروتمندان، معمولًا خار راه رهبران الهی هستند. ۲. اشراف خود را برتر می‌بینند و با دیده‌ی حقارت به مؤمنان می‌نگرند و به جای استدلال گمانه‌زنی می‌کنند. ۳. شیوه‌ی مخالفان رهبران الهی را بشناسید (و از آنان پیروی نکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی هود به پاسخ جامع و منطقی نوح علیه السلام به مخالفانش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِن رَبِّي وآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِندِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (نوح) گفت: «ای قوم [من ! آیا به نظر شما اگر من بر دلیل روشنی از پروردگارم باشم، و از نزدش رحمتی به من داده باشد، و بر شما مخفی مانده باشد، آیا شما را بدان الزام کنیم، در حالی که شما نسبت به آن ناخشنودید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شاید این آیه به هر سه ایراد مخالفان نوح علیه السلام که در آیه‌ی قبل مطرح شد پاسخ می‌دهد: الف) مخالفان می‌گفتند: نوح که انسان است چرا ادعای نبوت می‌کند؟ او در پاسخ می‌گوید: من انسان هستم اما برای اثبات ادعای نبوت دلایل و معجزه آورده‌ام. ب) مخالفان می‌گفتند: پیروان شما انسان‌های حقیر و ناآگاه هستند. او می‌گوید: دلایلی از طرف پروردگار آورده‌ام که بر شما پوشیده ماند ولی آنان درک کردند و ایمان آوردند، پس شما ناآگاه هستید نه آنان. ج) مخالفان می‌گفتند: شما بر ما برتری ندارید. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۰ او می‌گوید: کدام برتری از این بالاتر که خدا مرا مشمول رحمت خود ساخته است! ۲. پاسخ نوح علیه السلام بسیار نرم بیان شده است؛ از طرفی به مخالفان خطاب مهرآمیز می‌کند و می‌گوید: «ای قوم من!» و از طرف دیگر، نمی‌گوید شما دلایل مرا نفهمیدید یا در برابر نبوّت من لجوج هستید، بلکه می‌گوید: «دلایل و رحمت الهی بر شما مخفی مانده است.» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقام نبوّت، رحمتی الهی است. ۲. دعوت رهبران الهی و مبلغان دینی باید همراه با دلیل روشن باشد. ۳. فهم و پذیرش دلایل دینی تحمیلی نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی هود پاسخ‌های دیگر نوح علیه السلام به مخالفانش را حکایت می‌کند و با اشاره به مناعت طبع رهبران الهی و نادانی مخالفان آنها می‌فرماید: ۲۹. وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُم عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُم مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْماً تَجْهَلُونَ و ای قوم [من ! از شما هیچ مالی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداش من جز بر [عهده خدا نیست. و من، کسانی را که ایمان آورده‌اند، طرد نمی‌کنم؛ [چرا] که آنان پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد؛ و لیکن من شما را گروهی می‌بینم که نادانی می‌کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه پاسخی به بهانه‌جویی‌ها و ایرادهای قوم نوح است که در آیه‌ی ۲۷ همین سوره بدانها اشاره شد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۱ ۲. یکی از ایرادهای مخالفان به پیروان نوح آن بود که آنان افرادی حقیر، جوان و فقیر هستند. نوح علیه السلام به آنان پاسخ می‌دهد: اولًا، من از شما مال و ثروتی برای خود یا آنان نخواستم. ثانیاً، من کسانی را که به ملاقات پروردگار می‌رسند بر شما نادانان ترجیح می‌دهم و آنان را طرد نمی‌کنم. ۳. آیه به خوبی نشان می‌دهد که پیامبران الهی در فکر ثروت‌اندوزی نبودند. این معیار شناخت مدعیان دروغین از رهبران راستین الهی است. مدعیان دروغ‌گو، معمولًا به دنبال اهداف مادی و ثروت‌اندوزی هستند و نمی‌توانند این همه سختی را بدون پاداش مادی به جان بخرند و همین دلیل حقانیّت نوح علیه السلام بود. ۴. «جَهْل» گاهی در برابر علم و گاهی در برابر عقل به کار می‌رود و در این جا به معنای دوم است؛ یعنی مخالفان نوح افرادی نادان هستند که معیار فضیلت را گم کرده‌اند و آن را در ثروت، مقام و سن افراد جست و جو می‌کنند و دلیل دیگر نادانی آنها این است که گمان می‌کنند پیامبر باید فرشته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی‌توجهی پیامبران به ثروت‌اندوزی، یکی از نشانه‌های حقّانیّت آنان است. ۲. رهبران الهی نباید به خاطر جلب رضایت طبقه‌ی مرفّه، طبقه‌ی محروم باایمان را از خود برانند. ۳. مخالفت با رهبران الهی نشانه‌ی نادانی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی هود بار دیگر به پیامد طرد مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. وَيَا قَوْمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ و ای قوم [من ! اگر آن (مؤمن) ان را طرد کنم، چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می‌دهد؟ آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طرد انسان‌های مؤمن کار ساده‌ای نیست؛ زیرا این افراد در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند و در آن جا هیچ کس

نمی‌توانـد طردکننـده را یاری کنـد و علاوه بر آن، در این جهان نیز همین مؤمنان محروم هستند که دین خـدا را یاری می‌کننـد. ۲. واژه‌ی «تـذکّر» در مواردی به کار می‌رود که قبلًا انسان از طریق فطرت یا آموزش، با موضوعی آشـنا باشـد، سـپس آن موضوع را به یاد آورد. «۱» قوم نوح نیز، در حقیقت، به فطرت خویش پشت کرده و یـاد خـدا و قیامت را فراموش کرده بودنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از خواب غفلت بیـدار شوید. ۲. اگر مؤمنان مستضـعف را برانیـد، بی‌یاور و گرفتار قهر الهی می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی هود بار دیگر دفاع نوح پیامبر از مؤمنان محروم را بیان می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۳۱. وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْراً اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذاً لَمِنَ الظَّالِمِينَ و به شـما نمی‌گویم که منـابع الهی نزد من است؛ و (نیز) از (آنچه از حسّ) پوشـیده آگـاه نیستم، و نمی‌گویم که من فرشـته‌ام؛ و به کسانی که در نظر شـما خوار می‌آینـد نمی‌گویم: خـدا هیـچ خیری به آنان نخواهـد داد؛ خـدا به آنچه در جان‌هایشان است، آگاه‌تر است؛ [چرا] که من در این صـورت تفسـیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۱۳ قطعاً از سـتمکارانم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه پاسخ دیگری به ایرادهـای مخالفـان نوح است که در آیه‌ی ۲۷ همین سوره بیان شد. مخالفان گفتند: شـما بر ما برتری ندارید. نوح پاسـخ می‌دهـد: (من نمی‌گویم که گنجینه‌هـای علم خـدا نزد من است و من از غیبت آگاهم. اگر انتظار داریـد من گنجینه‌های خـدا و علم غیب او را در اختیار داشته باشم، انتظاری بیهوده است و من امتیازی جز از طریق وحی نـدارم). مخالفان می‌گفتند: تو بشـری مثل ما هستی (پس چرا ادعـای نبـوت می‌کنی؟)! نوح در پاسـخ می‌گویـد: من نمی‌گویم که فرشـته‌ام (بلکه انسـانی هسـتم که بر من وحی می‌شود). «۱» ۲. آگـاهی از علم غیب دو گـونه است: الـف) آگـاهی مطلق و بـدون قیـد و شـرط، که این مخصوص خـداست. ب) آگاهی محدود، یعنی به اندازه‌ای که خدا مصلحت می‌بیند و در اختیار پیامبران و اولیای خود قرار دهد. در این آیه، علم غیب مطلق از پیامبران نفی شـده است، اما در برخی دیگر از آیات، علم غیب محـدود برای رسولان اثبات شده است. «۲» پس علم غیب بالذات و مطلق مخصوص خـداست و دیگران هر چه دارنـد بالعرض و محدود و از ناحیه‌ی خداست. ۳. در این آیه بار دیگر اشاره شـده که اشـراف و سـرمایه‌داران قوم نوح، با چشم حقارت به یاران نوح می‌نگریسـتند؛ چراکه معیار برتری را ثروت، مقام و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۴ سن می‌دانسـتند، در حالی که پیروان نوح جوانانی انقلابی و فقیر بودند. در عصر پیامبر اسلام و جهان کنونی نیز طرف‌داران رهبران الهی، معمولًا جوانان پاک‌باخته‌اند که مورد تهمت و اهانت مسـتکبران قرار می‌گیرند. در ادیان الهی معیار برتری انسان‌ها علم، ایمان، فـداکاری و پارسایی است. ۴. این آیه نشـان می‌دهـد که پیـامبران الهی در مقام غُلو و بزرگ‌نمایی خود نبودند بلکه واقعیات را همان گونه که بود بیان می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخنان غلوآمیز در مورد رهبران الهی روا نیست و خودشان هم چنین ادعاهایی ندارند. ۲. طرد مؤمنان فقیر (و جوانان انقلابی) نوعی سـتمکاری است. ۳. در مورد این که خدا در آینده چگونه بـا افراد رفتار می‌کنـد، پیش‌داوری نکنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی و دوم سوره‌ی هود به پاسـخ توهین‌آمیز مردم به نوح علیه السلام و تهاجم تبلیغاتی آنان و درخواست عذاب اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۲. قَالُوا يَانُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ گفتند: «ای نوح! واقعاً با ما مجادله کردی و بر مجادله با ما افزودی! پس اگر از راستگویانی، آنچه را (از عذاب) به مـا وعـده می‌دهی برای ما بیاور.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سـخنان مخالفـان نوح اشـاره به آن بود که به دلایل تو وقعی نمی‌نهیم و از تهدیـدهای تو نمی‌ترسـیم و بیش از این حاضـر نیستیم سـخنان تو را بشـنویم. آری؛ آنان با اعلام کفایت مذاکرات، خواسـتار عذاب الهی شدنـد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۵ این روش سـخن گفتن در برابر نـوح علیه السـلام، نوعی بی‌ادبی و توهین همراه با لجـاجت و تعصب است که از نادانی سرچشـمه می‌گیرد. ۲. از این آیه و سـخنان نوح علیه السـلام در آیـات دیگر قرآن «۱» استفاده می‌شود که او مـدتی طولانی برای هـدایت مردم کوشـید و از هر فرصتی برای ارشاد آنان اسـتفاده کرده به طوری که مخالفان اظهار خستگی می‌کردند. ۳. اشـراف و مخالفان نوح علیه السـلام دست به تهاجم تبلیغاتی علیه نوح زدنـد و سـخنان منطقی و پندهای او را «جـدال» و ستیز نامیدند «۲» و به صورت کنـایه‌آمیزی او را دروغ‌گو خواندنـد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. پیـامبران الهی در دعوت خود

پایدار و پی‌گیر هستند. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی آماده‌ی تهاجم تبلیغاتی مخالفان باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی هود به وعده‌ی مشروط عذاب و ناتوانی مخالفان اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۳. قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللَّهُ إِن شَاءَ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (نوح) گفت: «تنها خدا، اگر بخواهد آن (عذاب) را برای شما می‌آورد؛ در حالی که شما عاجز کننده (خدا) نیستید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مُعجزین» از ماده‌ی «اعجاز» و به معنای ناتوان ساختن دیگری است. این واژه گاهی در مورد مانع کار دیگری شدن و گاهی در مورد فرار از چنگال تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۶ دیگری به کار می‌رود که هر دو به معنای ناتوان ساختن طرف مقابل است. آیه‌ی فوق می‌تواند به هر کدام از این معانی باشد. «۱» ۲. نوح علیه السلام با تعبیر «اگر خدا بخواهد»، اشاره کرد که عذاب الهی در اختیار من نیست و من تنها فرستاده و پیام‌آور او هستم و وعده‌های او را بیان می‌کنم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مجازات گمراهان به دست خداست. ۲. عذاب الهی را درخواست نکنید که اگر فرا برسد گریزناپذیر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی هود بار دیگر تأکید می‌کند که همه‌ی کارها به دست خدا و فرجام انسان به سوی اوست و می‌فرماید: ۳۴. وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ اگر من بخواهم که شما را نصیحت کنم، در صورتی که خدا بخواهد شما را (به خاطر گناهانتان) گمراه سازد؛ نصیحت من سودی برای شما نخواهد داشت، [زیرا] او پروردگار شماست؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گاهی «خدا می‌خواهد انسان گمراه شود»؛ یعنی گاهی انسان اعمالی انجام می‌دهد که نتیجه‌ی آن انحراف و گمراهی است؛ مثل اصرار بر گناه و لجاجت با حق، که پرده‌ای بر فکر انسان می‌افکند، به طوری که دیگر حقایق را نمی‌بیند و گمراه می‌شود. این آثار را خدا در این اعمال گذاشته است و از تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۷ این روست که گمراه کردن به خدا نسبت داده می‌شود، وگرنه این اعمال با اختیار از خود انسان سر می‌زند و جبری نیست. «۱» ۲. تعبیر «هو ربُّکم» بیان کننده‌ی این حقیقت است که خدا پرورش دهنده و تربیت کننده‌ی شماست و کار مربّی آن است که هر کس را طبق خواست و در جهت استعداد، افکار و اعمالش پرورش می‌دهد؛ پس او دوست شماست و دشمنی با شما ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت و نصیحت‌پذیری انسان هم به دست خداست. ۲. فرجام شما به سوی خداست (پس مراقب اعمال خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی هود با دفاع از وحی و اشاره به خلافکاری مخالفان می‌فرماید: ۳۵. أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ آیا (مشرکان) می‌گویند: « (او) به دروغ آن را (به خدا) نسبت داده است.»؟! بگو: «اگر من آن را به دروغ نسبت دهم، پس (سزای) خلافکاری‌ام تنها بر عهده من است؛ و [لی من نسبت به آنچه شما خلاف می‌کنید غیر متعهدم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این آیه دو احتمال داده‌اند: نخست آن که این آیه درباره‌ی خود نوح علیه السلام و از زبان اوست؛ زیرا آیات قبل و بعد آن نیز سخنان نوح علیه السلام است. دوم آن که این آیه یک جمله‌ی معترضه است؛ یعنی مطلبی است که در تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۱۸ مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و از زبان او حکایت شده و مربوط به آیات قبل و بعد نیست. «۱» از قراین نیز همین استفاده می‌شود. ۲. واژه‌ی «اجرام» از ماده‌ی «جُرم» و در اصل به معنای چیدن میوه‌ی نارس است، سپس به هر کار ناخوشایندی نیز گفته شده است. به گناه نیز جرم می‌گویند؛ چون گناه انسان را از پیوند با خدا جدا می‌سازد و هم چون میوه‌ی نارسی است که زیان دارد. ۳. مقصود آیه آن نیست که سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله یا نوح علیه السلام تهمت است، بلکه آن است که این سخنان مشتمل بر استدلال‌های متعدد است و اگر فرضاً از طرف خدا هم نباشد، گناهش بر گردن ماست، ولی استدلال‌های عقلی به جای خود ثابت است و هر کس با آنها مخالفت کند، گرفتار خلافکاری و گناهی مستمر خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به گوینده‌ی سخن کاری نداشته باشید (به محتوای آن توجه کنید، که اگر عالی باشد، مخالفت با آن نوعی جرم و خلافکاری است). ۲. رهبران الهی از خلافکاری‌های مردم بیزاری بجویند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی هود با اعلام ناامیدی از نجات قوم نوح به او دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: ۳۶. وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ تفسیر قرآن

مهر جلد نهم، ص: ۲۱۹ و به سوی نوح وحی شد که حتماً: «جز کسانی که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، (کس دیگری) از قوم تو ایمان نخواهد آورد؛ پس، از آنچه همواره انجام می‌دهند، اندوهگین مباش! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات پیشین به مرحله‌ی اول انقلاب نوح علیه السلام اشاره داشت؛ یعنی مرحله‌ی تبلیغ و ارشاد و استدلال، که بر ملت نوح مؤثر واقع نشد و در سالیان دراز تلاش نوح تعداد اندکی ایمان آوردند. اما این آیه و آیات بعدی اشاره به مرحله‌ی دوم انقلاب نوح دارد، که مرحله‌ی پایان یافتن دوران تبلیغ و آماده شدن برای تصفیه‌ی عمومی جامعه از کافران لجوج است، کافرانی که امیدی به هدایت آنان نیست. ۲. این آیه در حقیقت از اخبار غیبی است که در اختیار نوح علیه السلام گذاشته شده است و به نوح خبر می‌دهد که در آینده هیچ کس از قوم تو ایمان نمی‌آورند. آری؛ پیامبران براساس وحی و دستورالعمل الهی حرکت می‌کردند و خدا از این طریق برخی اخبار آینده را در اختیار آنان می‌گذاشت. ۳. از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که عذاب‌های الهی، از جمله طوفان نوح، جنبه‌ی انتقامی ندارد، بلکه به منظور تصفیه‌ی نوع بشر و باقی ماندن صالحان است؛ یعنی مستکبران فسادگری که امیدی به نجات و ایمان آنها نیست، از میان می‌روند و جای خود را به انسان‌های بالنده و مؤمن می‌دهند؛ چرا که هر موجودی برای هدفی آفریده شده و چنان چه کاملًا از هدفش منحرف شود، دلیلی برای بقا ندارد و نابود می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تبلیغ، دل‌سوزی و غم‌خواری برای کسانی سزاوار و لازم است که امیدی به ارشادشان باشد. ۲. اگر خدا از ملتی ناامید شود، آنان را رها می‌کند تا گرفتار عذاب شوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۰ قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی هود با اعلام نابودی ستمکاران، فرمان ساخت کشتی به نوح می‌دهد و می‌فرماید: ۳۷. وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ و زیر نظر ما و (براساس) وحی ما، کشتی را بساز؛ و درباره کسانی که ستم کردند با من سخن مگوی، [چرا] که آنان غرق شدنی هستند!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از جمله‌ی «کشتی را در برابر دیدگان ما بساز.»، آن است که تمام تلاش‌های تو در مورد ساختن کشتی در حضور ماست؛ پس با فکر راحت به کار ادامه بده. آری؛ پیامبر طبق برنامه‌ی وحی و تحت نظر الهی کار می‌کند. ۲. از واژه‌ی «وَحْينا» استفاده می‌شود که نوح برنامه‌ی کشتی‌سازی را از وحی و فرمان خدا می‌آموخت و البته باید چنین باشد؛ چون او نمی‌دانست که عظمت سیلاب چه اندازه است تا کشتی مناسب آن را بسازد. ۳. شفاعت پیامبران و تقاضای عفو آنان برای مردم، در همه‌ی شرایط پذیرفته نمی‌شود و اگر گروهی ستمکار شرایط بخشش را نداشته باشند، و عذاب آنها حتمی شده باشد، شفاعت پیامبر هم در مورد آنان پذیرفته نمی‌شود. ۴. در این آیه، ابتدا سخن از ساختن کشتی و آماده‌سازی زمینه‌ی نجات نوح و یاران اوست و سپس از عذاب و غرق شدن مخالفان سخن گفته می‌شود و این نشانه‌ی آن است که لطف خدا بر خشم او مقدم است. ۵. کشتی‌سازی از صنایعی است که با عنایت الهی و به دست نوح پیامبر پایه‌گذاری شد، یا رشد کرد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی کشتی نجات امت را فراهم می‌سازند. ۲. در مورد ستمکاران لجوج شفاعت و وساطت نکنید (که سودی ندارد). *** قرآن کریم در آیات سی و هشتم و سی و نهم سوره‌ی هود به مسخره کردن اشراف، حضرت نوح را به خاطر ساختن کشتی، و پاسخ‌های تهدیدآمیز نوح علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۸ و ۳۹. وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُم كَمَا تَسْخَرُونَ* فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ و (نوح) کشتی را با زیرکی می‌ساخت، و هرگاه اشرافی از قومش بر او می‌گذشتند، او را ریشخند می‌کردند؛ (نوح) گفت: «اگر ما را ریشخند می‌کنید، پس در حقیقت ما (نیز) شما را همین‌گونه که مسخره می‌کنید، ریشخند خواهیم کرد.* و در آینده خواهید دانست چه کسی عذابی که رسوایش سازد، او را در رسد؛ و عذابی پایدار بر او فرود آید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَلأ» به معنای اشراف و ثروتمندان مستکبری است که نوح و یاران مستضعف او را تحقیر و ریشخند می‌کردند که چرا بدون دریا کشتی می‌سازند و نجّاری می‌کنند، «۱» اما نوح پیامبر از آنان به سختی دفاع می‌کند و اشراف را تهدید می‌نماید. ۲. این آیه نشان می‌دهد که نوح علیه السلام در برابر مخالفان و ریشخند آنان استقامت می‌ورزید و با پشتکار کامل به ساختن کشتی ادامه می‌داد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۲ ۳. به مخالفان نوح علیه

السلام گوشزد شد که به زودی سیلاب می‌آید و شما سراسیمه به هر سو می‌دوید و در میان امواج فریاد می‌کشید و التماس می‌کنید ولی آن روز مؤمنان غفلت و جهل شما را ریشخند می‌کنند. ۴. مشکلات مؤمنین زودگذر است، اما مجازات الهی که دامن مشرکان و کافران را می‌گیرد، خوارکننده و پایان‌ناپذیر است و این دو با هم قابل مقایسه نیستند. ۵. کشتی‌سازی در زمان نوح پیشرفت نکرده بود و قاعدتاً این کشتی بسیار بزرگ بود و ساختن آن سالیان زیادی طول کشید، تا بتواند مؤمنان و برخی حیوانات را در خود جای دهد و در برابر امواج کوه‌پیکر مقاومت کند. ۶. مقابله به مثل در ریشخند مانعی ندارد؛ چراکه جزای بدی، مثل آن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشـمنانِ پیامبران منطق نداشتند و از این رو کارهای آنان را مسخره می‌کردنـد. ۲. از حملات تبلیغاتی دشـمن نهراسید و مقابله به مثل کنیـد و آنان را از قیامت بترسانیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی هود به نشانه‌های شـروع عذاب قوم نوح و نجات مؤمنان و حفظ نسل حیوانات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. حَتَّی إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ تا آنگاه که فرمان (عذاب) ما فرا رسـید، و تنور فوران کرد! (به نوح) گفتیم: «از هر [حیوانی، یـک جفت دوتایی و خانواده‌ات و کسانی را که ایمان آورده‌انـد، در آن (کشتی) حمل کن؛ مگر کسـی که قبلًا در باره او سـخن رفته است.» و [لی جز انـدکی با او ایمان نیاوردنـد. تفسـیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۲۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «تَنُّور» همان تنور فارسی است؛ یعنی محلی که در آن آتش می‌افروزند و نان می‌پزند و مقصود از آن در این آیه، یا آن است که سطح آب زمین بالا آمـد به طوری که از درون تنورهای مردم جوشیدن گرفت و این یک نشانه‌ی عـذاب بود تا نوح و یارانش آمـاده‌ی سوار شـدن بر کشتی شونـد؛ همـان طور که در برخی احـادیث آمـده است. «۱» و یـا این که مقصود یـک معنـای کنـایی و مجازی است؛ یعنی تنور خشم پروردگار فوران پیدا کرد و شعله‌ور شد. «۲» البته هر دو معنا در آیه قابل جمع است و ممکن است هر دو معنا مقصود باشـد. ۲. خانـدان و مؤمنان نوح نجات یافتنـد، اما زن و فرزنـد او که ایمان نیاوردند، غرق شدند؛ چراکه شـرط سوار شـدن بر کشتی، ایمـان بود. در مورد فرزنـد نوح در آیات بعـدی مطالبی بیان خواهـد شـد. ۳. در احـادیث، محلّ زنـدگی نوح علیه السـلام و قومش نزدیک کوفه معرفی شده است. نوح در این منطقه نهصد و پنجاه سال عمر کرد و مردم را به راه حق فرا خواند. «۳» ۴. در سالیان دراز تبلیغ حضرت نوح، جز گروهی اندک، به او ایمان نیاوردند که طبق روایات تعداد آنها هشتاد نفر یا کم‌تر بود. «۴» و این نشان‌دهنده‌ی زحمات طاقت‌فرسای نوح و ناسپاسـی قوم اوست. ۵. به نوح دسـتور داده شد که از هر جفت نر و ماده، بر کشتی سوار کنـد؛ و او تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۴ از حیوانـات و درختـان به صورت جفت به کشتی برد. «۱» هـدف از این کار، حفظ نسل حیوانات در زمین یا در آن منطقه‌ی بلا زده بود و شایـد بتوان گفت اولین کسـی که اقـدام به حفظ محیط زیست و نسـل حیوانات کرد، نوح پیامبر علیه السلام بود. ۶. طبق احادیث، کشتی نوح علیه السـلام بسیار بزرگ بود و طول آن را ۶۰۰ متر و عرض آن را ۴۰۰ متر و ارتفاع آن را ۴۰ متر حکایت کرده‌اند، «۲» بنـابراین، این کشتی می‌توانست افراد و حیوانات زیادی را در خود جای دهـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمـان، عامل نجات از عـذاب است. ۲. به حـفظ محیط زیست و نسل حیوانات توجه کنیـد. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۵ حیوانات در قرآن الف) نام‌های حیوانات در قرآن: پرسـتو (فیل، ۳)، شتر (انعام، ۱۴۲– ۱۴۵؛ حج، ۳۷؛ واقعه، ۵۵؛ تکویر، ۴؛ مرسلات، ۳۳؛ یوسف، ۶۵؛ اعراف، ۴۰ و ۱۷۳ و مائده، ۱۰۳)، پشه (بقره، ۲۶)، استر (نحل، ۸)، گاو (انعام، ۱۴۴؛ بقره، ۶۴ و ۶۸ و یوسـف، ۴۳)، مـار کوچـک و بزرگ (: اژدها حجر، ۲۷؛ طه، ۲۰ و اعراف، ۱۰۷)، ملخ (اعراف، ۳۳)، الاغ (جمعه، ۵؛ مدثر، ۵۰ و نحل، ۸)، ماهی (اعراف، ۱۶۳ و کهف، ۶۳)، خوک (مائده، ۶۰ و بقره، ۱۷۳)، اسب (آل‌عمران، ۱۴؛ ص، ۳۱ و عادیات، ۱)، گرگ (یوسـف، ۱۳)، مگس (حـج، ۷۳)، گوسـفند (انعام، ۱۴۳؛ ص، ۲۳ و ۲۴ و انعـام، ۱۶۴)، گوسـاله (بقره، ۵۱)، موش (سبأ، ۱۶)، عنکبـوت (عنکبوت، ۴۱)، شـیر درنده (مدثر، ۵۱)، شـپش (اعراف، ۱۳۳)، سـگ (اعراف، ۱۷۶)، بز (انعـام، ۱۴۳)، زنبور عسل (نحل، ۶۸)، مورچه (نمل، ۱۸) و هدهد (نمل، ۲۰). ب) نـام برخی سوره‌های قرآن برگرفته از نام حیوانات: بقره (گاو)، نحـل (زنبور عسـل)، نمل (مورچه)، عنکبوت، عادیات (اسب‌ها)، فیل و انعام (چهارپایان). تفسـیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۲۶ ج)

فواید حیوانات: ۱. تغذیه از گوشت حیوانات (مائده، ۱)؛ ۲. تغذیه از شیر و ماست و ... (نحل، ۱۶)؛ ۳. تغذیه از صید دریا (نحل، ۱۴ و مائده، ۹۶)؛ ۴. ساخت پوشاک از پشم و موی پوست حیوانات (نحل، ۵)؛ ۵. استفاده از حیوانات در میدان نبرد (انفال، ۶۰)؛ ۶. باربری و سواری بر حیوانات (نحل، ۷– ۸)؛ ۷. استفاده از عسل شفابخش (نحل، ۹– ۶۸)؛ ۸. حیوانات مایه‌ی عبرت و نشانه‌ی خدا هستند (مؤمنون، ۲۱ و نور، ۴۵). تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۷ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی هود فرمان سوار شدن بر کشتی نوح و رمز حرکت آن را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ و (نوح) گفت: «در آن (کشتی) سوار شوید، که روان شدنش و ایستادنش به نام خداست؛ قطعاً پروردگارم بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رمز حرکت و توقف کشتی نوح، «بسم اللّه» بوده است؛ یعنی یاد خدا و استمداد از او را فراموش نکنید. ۲. در احادیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که «هر کار مهمی که بدون نام خدا شروع شود، نافرجام است». «۱» آری؛ بردن نام خدا، تشریفات نیست، بلکه انگیزه و هدف است و به کار رنگ خدایی می‌بخشد. هر کاری که با انگیزه‌ی الهی نباشد و هدف آن مادی باشد، تمام شدنی است، اما هدف‌های الهی، هم چون ذات پاک خدا، جاودان است. ۳. شیعه و اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که اهل بیت من هم چون کشتی نوح هستند؛ هر کس بر آن سوار شود، نجات یابد و هر کس از آن تخلّف ورزد، هلاک شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۸ آری؛ همان طور که نوح وسیله‌ای برای نجات مردم داشت، پیامبر اسلام نیز وسیله‌ای برای نجات مردم دارد که آن اهل بیت علیهم السلام هستند. هر کس به هنگام طوفان‌های فکری، عقیدتی و اجتماعی به اهل بیت علیهم السلام پناه ببرد، به ساحل نجات می‌رسد. ۴. در این آیه به رحمت و آمرزش الهی اشاره شده است؛ یعنی خدا، به مقتضای رحمتش، کشتی نجات در اختیار شما گذاشت و به مقتضای آمرزشش، از لغزش‌ها و گناهان شما می‌گذرد. ۵. از این آیه و آیه‌ی قبل استفاده می‌شود که در برنامه‌های الهی، رعایت سلسله مراتب یک اصل است؛ یعنی نخست خدا به نوح فرمان سوار شدن بر کشتی می‌دهد و سپس او به مردم دستور می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نام خدا، رمز حرکت است (آن را فراموش نکنید). ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی مردم را به کشتی نجات فراخوانند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و دوم سوره‌ی هود به حرکت کشتی و سخنان نوح با فرزند ناخلف اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲. وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ و آن (کشتی)، آنان را در موجی هم چون کوه‌ها، روان ساخت. و نوح، فرزندش را در حالی که در کناری بود، ندا داد: «ای پسرکم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در مورد سرگذشت سیلاب نوح است و به زمانی اشاره دارد که تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۲۹ آب از زمین جوشش کرد و بارش باران‌های شدید شروع شد «۱» چنان که گویی در دشت و کوه اقیانوسی به وجود آمد و بادهای شدید موج‌های «۲» کوه پیکری پدید می‌آورد که بر هم می‌غلتیدند و به سینه‌ی کشتی نوح برخورد می‌کردند اما کشتی هم‌چنان به پیش می‌رفت. ۲. نوح چهار فرزند به نام‌های سام، حام، یافث و کنعان داشت که همگی جز کنعان ایمان آوردند و با پدر بر کشتی نشستند. البته طبق برخی احادیث، کنعان فرزند همسر نوح بود و فرزند واقعی او نبود. «۳» پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد (سعدی) ۳. کنعان فرزند نوح بود و این وظیفه‌ی نوح را دو چندان می‌کرد؛ از این رو سعی کرد که حتی در آخرین لحظات او را هدایت کند و وظیفه‌ی پدری و تربیت فرزند را به اتمام برساند. البته برخی مفسران هم بر آن‌اند که کنعان منافقانه خود را کنار کشیده، نه در صف مؤمنان بود و نه در صف کافران و همین سبب می‌شد که نوح گمان کند که او پشیمان شده است. «۴» یا این که احتمالًا سخنان نوح با فرزندش قبل تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۰ از حرکت کشتی و ظاهر شدن امواج کوه‌پیکر بود، چون بعید بود بعد از آن کسی نجات یابد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برخورد با امواج پرتلاطم، همراه رهبران الهی باشید تا نجات یابید. ۲. انسان نسبت به فرزندانش وظیفه‌ی سنگین‌تری دارد و باید بیش‌تر از دیگران در هدایت آنان بکوشد. ۳. رهبران الهی مراقب فرزندان خویش باشند که منحرف نشوند. ۴. هم‌نشینی با کافران خطرناک است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و سوم سوره‌ی

هود بار دیگر به گفتمان نوح و فرزندش و حاکمیت ضابطه بر رابطه اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۳. قَالَ سَآوِی إِلَی جَبَلٍ یَعْصِمُنِی مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْیَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَن رَحِمَ وَحَالَ بَیْنَهُمَا الْمَوْجُ فَکَانَ مِنَ الْمُغْرَقِینَ (پسر نوح) گفت: «بزودی به سوی کوهی که مرا از آب حفظ می‌کند پناه می‌برم!» (نوح) گفت: «امروز هیچ نگهدارنده‌ای در برابر فرمان خدا نیست؛ مگر کسی که (خدا بر او) رحم کند!» و موجی میان آن دو حایل شد، و (پسر) از غرق‌شدگان گردید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد طوفان نوح دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول آن است که سیلاب همه‌ی کره‌ی زمین را فرا گرفت. این مطلب موافق ظاهر برخی آیات «۲» و گزارش‌های تاریخی و زمین‌شناسی است که از دوران باران‌های سیلابی یاد می‌کنند، و برخی احادیث نیز مؤید این مطلب است. دیدگاه دوم آن است که سیلاب فقط منطقه‌ی خاورمیانه را فراگرفت نه تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۱ همه‌ی زمین را؛ چراکه قوم نوح در منطقه‌ی کوفه‌ی عراق و اطراف آن زندگی می‌کردند؛ و واژه‌ی «ارض» نیز در قرآن گاهی به معنای منطقه‌ی وسیع یا سرزمین خاص آمده است. «۱» و علاوه بر آن، طوفان نوح برای مجازات قوم سرکش او بود و هیچ دلیلی در دست نیست که دعوت نوح به همه‌ی کره زمین رسیده باشد؛ پس دلیلی برای مجازات بقیه‌ی مردم زمین وجود نداشته است. البته هدف قرآن بیان سرگذشت عبرت‌آموز نوح علیه السلام و قوم اوست و جهانی یا منطقه‌ای بودن آن تأثیری در آموزه‌های تربیتی آن ندارد. «۲» ۲. فرزند نوح به کوه پناه برد تا از عذاب الهی بگریزد. او به اشتباه می‌پنداشت که کوه می‌تواند مانع اراده‌ی الهی شود؛ مانند کسانی که می‌پندارند ثروت، مقام و قدرت‌های جهانی و نیروی جسمی و فکری انسان می‌تواند پناهگاه خوبی برایشان باشد، در حالی که همه‌ی قدرت‌های مادی ناتوان و متزلزل هستند و بهترین پناهگاه، خودِ خداست که هیچ گاه متزلزل و نابود نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع خواست خدا شود. ۲. در برنامه‌های الهی، ضابطه و قانون حاکم باشد، نه رابطه و خویشاوندی. ۳. به جای پناه بردن به قدرت‌های مادی به دامن رحمت الهی پناه ببرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۲ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی هود به پایان یافتن عذاب قوم نوح اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۴. وَقِیلَ یَا أَرْضُ ابْلَعِی مَاءَکِ وَیَا سَمَاءُ أَقْلِعِی وَغِیضَ الْمَاءُ وَقُضِیَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَی الْجُودِیِّ وَقِیلَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِینَ و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن!» و آب فرو کاست، و کار پایان یافت، و (کشتی) بر (کوه) جُودی قرار گرفت؛ و گفته شد: «قوم ستمکار (از رحمت خدا) دور باد!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه را فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین آیه‌ی قرآن گفته‌اند؛ چراکه عبارات آن کوتاه، زنده، رسا و دل‌نشین است؛ و حتی در تاریخ اسلام آمده است که گروهی از کفّار قریش خواستند به مبارزه با قرآن برخیزند و آیاتی مانند آن بیاورند؛ آنها پس از آماده‌سازی مقدمات، هنگامی که به این آیه رسیدند، با تعجب به هم نگاه کردند و مأیوس و منصرف شدند. «۱» ۲. مدت سرگردانی کشتی نوح را از هفت روز تا شش ماه و زمان آن را از آغاز ماه رجب تا پایان ماه ذی الحجه، یا از دهم ماه رجب تا روز عاشورا گفته‌اند. «۲» ۳. طبق احادیث، کشتی نوح به نقاط مختلفی رفت و حتی سرزمین مکه و اطراف کعبه را سیر کرد. «۳» ۴. «جُودی» نام محلی است که کشتی نوح بر فراز آن پهلو گرفت و در مورد آن چند دیدگاه وجود دارد: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۳ الف) برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود از جُودی، هر کوه یا زمین محکم است. ب) برخی دیگر بر آن‌اند که جُودی نام کوهی است نزدیک شهر مُوصل عراق، یا در حدود شام (سوریه‌ی فعلی) و یا نزدیک «آمد» یا الجزیره «۱» در شمال عراق؛ و حتی نام آن را «کاردین» یا «کاردو» در لهجه‌ی کردی و جوردی در زبان یونانی گفته‌اند. و نیز حکایت شده که تا زمان بنی عباس، تخته‌پاره‌های کشتی نوح در قلّه‌ی این کوه باقی بود و آنچه در احادیث اسلامی حکایت شده که محل پهلو گرفتن کشتی نوح، موصل یا نزدیک کوفه بوده موافق همین دیدگاه است. «۲» ج) برخی صاحب‌نظران نیز محل کوه جودی را عربستان و در قلمرو قبیله‌ی طیّ دانسته‌اند. د) در قاموس کتاب مقدس (تورات و انجیل) نیز گفته‌اند که محل به خاک نشستن کشتی نوح کوه‌های آرارات است؛ یعنی کوه ماسیس که بین رود ارس و دریای وان و ارومیه، در ارمنستان واقع است. «۳» البته برخی صاحب‌نظران می‌گویند این مطلب از قرن پنجم پیدا شده و ناشی از خطای در ترجمه‌ی تورات است «۴» که «اکراد» را «آرارات» ترجمه کرده‌اند.

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پایان یافتن عذاب به فرمان خداست (همان طور که شروع آن به فرمان اوست). ۲. ستمکاری نکنید که از رحمت الهی دور می‌شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۴ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی هود به درخواست مؤدبانه‌ی نوح در مورد فرزندش اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۵. وَنَادَی نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِی مِنْ أَهْلِی وَإِنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْکَمُ الْحَاکِمِینَ و نوح پروردگارش را ندا در داد و گفت: «پروردگارا! براستی پسرم از خاندان من است؛ و حتماً وعده تو (در مورد نجات خانواده‌ام) حقّ است؛ و تو داورترین داورانی!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از وعده‌ی الهی در این آیه، همان چیزی است که در آیه‌ی چهلم همین سوره آمده بود که «ما به نوح فرمان دادیم که از هر نوعی از حیوانات، یک جفت بر کشتی سوار کن، و همچنین خانواده‌ات را، جز آن کسی که به فرمان خدا محکوم است.» البته نوح فکر می‌کرد که همه‌ی خانواده، از جمله فرزندش کنعان، نجات می‌یابند مگر همسر مشرک او که غرق می‌شود. «۱» ۲. فرزند نوح با حالت نفاق، وضعیت نامشخصی داشت و هنگامی که در میان امواج قرار گرفت، عاطفه‌ی پدری نوح را به جوش آورد و او را به یاد وعده‌ی الهی، در مورد نجات خانواده‌اش انداخت؛ از این رو نوح به صورتی مؤدبانه از خدا درخواست نجات او را کرد. ۳. نوح علیه السلام در هنگام غرق شدن فرزندش اعتراض نکرد و نگفت که باید او را نجات می‌دادی چرا که وعده کرده بودی، بلکه با حالتی مؤدبانه، با یادآوری وعده‌ی الهی در مورد نجات خانواده‌اش، فرزندش را به عنوان مصداق مشخص کرد و سپس حکم نهایی را به خدا واگذار کرد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هم چون پیامبران الهی در سخن گفتن با خدا و هنگام طرح درخواست‌ها مؤدب باشید. ۲. وعده‌های خدا حق است و تحقّق می‌یابد. ۳. حکم و داوری نهایی را به خدا واگذار کنید که خدا برترین داور است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی هود با هشدار به نوح علیه السلام، فرزندش را غیرشایسته می‌خواند و می‌فرماید: ۴۶. قَالَ یَانُوحُ إِنَّهُ لَیسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِی مَا لَیسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُکَ أَن تَکُونَ مِنَ الْجَاهِلِینَ (خدا) فرمود: «ای نوح! در حقیقت او از خانواده تو نیست؛ [چرا] که او (دارای) کرداری غیر شایسته است! پس آنچه را هیچ علمی بدان نداری، [از من مخواه؛ در واقع من به تو پند می‌دهم که [مبادا] از نادانان باشی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه آمده است که «فرزند نوح عمل ناشایست» است؛ یعنی او آن قدر در انجام اعمال ناشایست به پیش رفت که گویی عین آن عمل ناشایست شد؛ و این نوعی مبالغه در گفتار است. «۱» پسر کو رها کرد رسم پدر تو بیگانه خوان و مخوانش پسر (فردوسی) ۲. تعبیر این آیه به (عمل ناشایست) فرزند نوح علیه السلام اشاره دارد که سراپا غرق در فساد و تباهی بود، پس گناه او ساده و سطحی نبود و امکان شفاعت تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۶ در مورد او وجود نداشت. ۳. برخی احتمال داده‌اند که فرزند ناصالح نوح، فرزندی نامشروع بود. اما در این آیه رابطه‌ی فرزند بودن او نفی نشده است، بلکه فقط گفته شده که کردار و عمل این فرزند از تو فاصله گرفته است. و در احادیث نیز از امام رضا علیه السلام حکایت شده است که او فرزند پدرش بود، اما هنگامی که گناه کرد، خدا او را از پدرش نفی کرد. سپس فرمودند: همین گونه، کسانی که از ما باشند ولی اطاعت خدا را نکنند، از ما نیستند. «۱» ۴. در احادیث نیز، همانند این آیه، پیوند مکتب و عقیده اصل، و پیوندهای خویشاوندی فرع شمرده شده است؛ برای مثال، در مورد سلمان فارسی، که از نژاد عرب نبود، فرمودند: «او از ما اهل بیت است.»، ولی در مورد برخی دیگر افراد آمده است که از ما نیستند و یا مسلمان نیستند، که در این جا به برخی احادیث اشاره می‌کنیم: الف) از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس که با برادر مسلمانش خیانت و تقلّب کند از ما نیست. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۷ ب) همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که بدانید کسی که مردم او را به خاطر دوری از شر او گرامی می‌دارند، از من نیست. ج) از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس مال مؤمنی را به گناه بخورد، دوست من نیست. د) از امام کاظم علیه السلام حکایت شده که هر کس هر روز به حساب خویش نرسد، از ما نیست. ه) از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس صدای انسانی را بشنود که فریاد می‌زند «ای مسلمانان کمکم کنید.» و پاسخ نگوید، مسلمان نیست. «۱» ۵. این آیه به نوح علیه السلام اندرز داده که «از افراد نادان مباش.» اما در حقیقت این

نصیحت که در قرآن نقل شده، برای همه‌ی انسان‌هاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیوند مکتبی مقدم بر پیوند خویشاوندی است. ۲. در صف نادانان قرار نگیرید (و هم چون آنان سخن نگویید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی هود به پاسخ عذرخواهانه‌ی نوح علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۷. قَالَ رَبِّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَسْأَلَکَ مَا لَیْسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِی وَتَرْحَمْنِی أَکُن مِنَ الْخَاسِرِینَ (نوح) گفت: «پروردگارا! براستی من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی را که بدان هیچ علمی ندارم، بخواهم؛ واگر مرا نیامرزی، و بر من رحم نکنی، تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۸ از زیان کاران خواهم بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عوامل متعددی موجب شد که نوح علیه السلام برای فرزندش طلب نجات نماید: اولًا، فرزند ناخلف نوح، وضع مشخصی نداشت و منافقانه برخورد می‌کرد؛ او گاهی با مؤمنان و گاهی با کافران بود؛ ثانیاً، احساس مسئولیت شدید نوح در برابر فرزند و عاطفه‌ی پدری و علاقه‌ی طبیعی او سبب شد که از خدا درخواست نجات او را بکند؛ «۱» و ثالثاً نوح فکر می‌کرد که منظور از وعده‌ی نجات خانواده‌اش (که در آیه‌ی چهلم سوره‌ی هود ذکر شده است)، همه‌ی خانواده، جز همسر بی‌ایمان اوست؛ لذا در مورد فرزندش درخواست نجات داشت. بنابراین، اگر نوح می‌دانست که فرزندش کافر شده و مشمول وعده‌ی نجات نیست، هرگز تقاضای بخشش او را نمی‌کرد، همان طور که در مورد همسرش درخواست نجات نکرد و در مورد کافران دیگر نفرین سختی کرد. «۲» ۲. درخواست نوح علیه السلام برای نجات فرزندش گناه نبود، اما موقعیت رسالت ایجاب می‌کرد که بیش از این مراقب گفتار خود باشد. این درخواست نوعی ترک اولی برای او بود و از این رو از خدا تقاضای بخشش کرد. ۳. این آیه ادب پیامبران را در برابر پروردگار به نمایش می‌گذارد که در برابر هشدار الهی، سراسیمه به او پناه برده، تقاضای آمرزش و رحمت می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از خشم خدا به خود خدا پناه ببرید که بیمه کننده‌ی انسان است. ۲. بدون آمرزش و رحمت الهی، انسان زیان کار می‌شود. ۳. چیزی را که به جوانب آن آگاهی ندارید، از خدا نخواهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۳۹ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی هود به نوح مژده‌ی سلامتی و برکت می‌دهد و می‌فرماید: ۴۸. قِیلَ یَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَکَاتٍ عَلَیْکَ وَعَلَی أُمَمٍ مِمَّن مَعَکَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ یَمَسُّهُم مِنَّا عَذَابٌ أَلِیمٌ گفته شد: «ای نوح فرود آی، با سلامتی از طرف ما و برکاتی که بر تو و بر گروه‌هایی است، که با توانند. و امّت‌هایی (از نسل آنان هستند) که بزودی برخوردارشان خواهیم ساخت، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنان می‌رسد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اثر سیلاب عظیم و عذاب الهی، سرزمین قوم نوح درهم کوبیده شد و طبعاً مراتع و باغ‌ها ویران شد و ممکن بود نوح و یارانش زندگی سختی در پیش داشته باشند، اما به آنها امید داده شد که درهای برکات الهی به روی آنان گشوده خواهد شد. ۲. پس از سیلاب، باتلاق‌ها و مرداب‌هایی پیدا می‌شود که سلامتی انسان را به خطر می‌اندازد؛ از این رو به قوم نوح اطمینان داده شد که خطری شما را تهدید نمی‌کند و محیطی سالم خواهید داشت. ۳. «اُمَم» جمع امت است. این تعبیر یا اشاره به گروه‌های حیواناتی است که در کشتی همراه نوح بودند و یا اشاره به انسان‌های همراه اوست که هر کدام منشأ قبیله و امتی شدند. ۴. بر اساس این آیه، برنامه‌ی دادن نعمت به ملت‌ها و امتحان و مجازات سرکشان هم‌چنان ادامه خواهد داشت. این واقعیت هم اکنون نیز در میان کشورهای سرمایه‌داری غرب و مستکبران جهان به چشم می‌خورد که هر چه خدا نعمت به آنان می‌دهد سپاس گزاری نمی‌کنند، بلکه گرفتار غفلت و فساد و ستمکاری می‌شوند؛ در نتیجه عذاب الهی در دنیا به صورت‌های تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۰ مختلف هم چون جنگ‌های جهانی آنها را گرفتار کرد و در آخرت به وسیله‌ی آتش دوزخ، دامان آنان را خواهد گرفت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سنّت و روش خدا بر دادن نعمت (و امتحان) و مجازات استوار است. ۲. پالایش انسانیت و انتخاب اصلح نوع انسانی «۱» منحصر در قوم نوح نیست و در آینده نیز ادامه می‌یابد. ۳. با رهبران الهی باشید تا سلامت و برکات الهی شامل حال شما شود. ***

سرگذشت هود(ع)

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی هود اشاره‌ای کلی به سرگذشت نوح می‌کند و با نتیجه‌گیری از آن می‌فرماید: ۴۹. تِلْکَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَیْبِ نُوحِیها إِلَیْکَ مَا کُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُکَ مِن قَبْلِ هذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِینَ این [مطلب از خبرهای بزرگ غیب است در حالی که آن را به سوی تو وحی می‌کنیم؛ (و) پیش از این، هیچگاه تو و قومت، این‌ها را نمی‌دانستید. پس شکیبایی کن! [چرا] که فرجام (نیک) برای پارسایان (خودنگهدار) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بیان سرگذشت واقعی و بدون تحریف پیامبران، تنها از طریق وحی ممکن است، وگرنه تاریخ پیشینیان آن قدر با افسانه‌ها آمیخته است که شناخت حق از باطل در آن ممکن نیست. ۲. پیامبران الهی از طریق وحی الهی از غیب آگاه می‌شدند، ولی اندازه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۱ آن به خواست خدا بستگی داشت. ۳. این آیه با اشاره به سرگذشت نوح و مشکلات او، به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد و او را به شکیبایی دعوت می‌کند؛ یعنی بیان این سرگذشت‌ها هم درس و آموزه‌ای برای مسلمانان و هم سبب تسلّی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و آنان است تا در مبارزه با طاغوت‌ها آماده‌تر شوند و از مشکلات نهراسند و به پیروزی نهایی امیدوار باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیان سرگذشت صحیح پیامبران پیشین، نشانه‌ی حقانیّت قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله است. ۲. فرجام نیک و پیروزی نهایی از آنِ پارسایان خودنگه‌دار و شکیباست. ۳. از سرگذشت حضرت نوح عبرت بگیرید و در راه حق شکیبا باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی هود با اشاره به رسالت توحیدی حضرت هود علیه السلام برای قوم عاد می‌فرماید: ۵۰. وَإِلَی عَادٍ أَخَاهُمْ هُوداً قَالَ یَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ و به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ شما جز دروغ پردازان نیستید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هود پیامبری بود که برای ارشاد قوم عاد فرستاده شد. سرگذشت این پیامبر الهی در قرآن مکرر آمده است. بخشی از آن در آیات ۶۵ تا ۷۲ سوره‌ی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۲ اعراف بیان شده «۱» و در این سوره نیز مطالبی در مورد این پیامبر می‌خوانیم. به مناسبت همین آیات است که این سوره را «هود» نامیده‌اند. ۲. در این آیه از هود پیامبر با عنوان «برادر قوم عاد» یاد شده است و این تعبیر در مورد صالح، شعیب، نوح و لوط پیامبر نیز به کار رفته است؛ «۲» شاید بدین سبب که هود از قوم عاد بود و عرب همه‌ی افراد قبیله را برادر می‌خواند و یا آن که هود رفتاری برادرانه با قوم خود داشت. ۳. پیام هود و رسالت او در «توحید و نفی شرک» خلاصه می‌شود و این منطق و هدف همه‌ی پیامبران الهی «۳» و ریشه‌ی همه‌ی اصلاحات است؛ چراکه توحید منشأ وحدت جامعه و همکاری و ایثار؛ و شرک منشأ پراکندگی، تعارض، خودکامگی‌ها و انحرافات است. ۴. پیامبران الهی به سوی توحید معبود و توحید کلمه و توحید در عمل و توحید جامعه فرا می‌خواندند، تا انسان‌های موحد هم چون قطره‌ای در دریای جامعه حل شوند و جامعه‌ای انسانی و واحد پدید آید. «۴» ۵. بت‌پرستی، نوعی تهمت و دروغ بستن بر خداست؛ زیرا بت‌ها قدرتی ندارند و موجوداتی بی‌ارزش‌اند و چه تهمتی بالاتر از این که برای چنین موجوداتی این همه مقام قایل شوند. اساساً بت‌پرستی نوعی خیال‌پرستی تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۳ است؛ چراکه غیر از خدا معبودی وجود ندارد تا پرستش شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید پیام اساسی پیامبران الهی است. ۲. پرستش غیر خدا، تهمتی بیش نیست. ۳. رفتار رهبران الهی و مبلغان دینی با مردم، برادرانه باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی هود به بی‌نیازی هود پیامبر از مردم اشاره کرده و با دعوت مردم به خردورزی می‌فرماید: ۵۱. یَاقَوْمِ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی الَّذِی فَطَرَنِی أَفَلَا تَعْقِلُونَ ای قوم [من ! از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداشِ من، جز بر [عهده کسی که مرا آفریده، نیست؛ آیا (غافلید) و خردورزی نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هود پیامبر علیه السلام به قوم خود اعلام کرد که خروش او برای رسیدن به مقام و ثروت نیست و این یکی از نشانه‌های رهبران راستین الهی است که از مردم بی‌نیازند و فقط از خدا پاداش می‌طلبند. ۲. رهبران بشریت، به ویژه رهبران مذهبی از مردم چیزی درخواست نکنند، وگرنه آزادی خود را از دست می‌دهند و نیازها هم چون زنجیری آنان را تحت فشار قرار می‌دهد و به کژراهه می‌کشاند و یا در معرض تهمت قرار می‌دهد. از این روست که در اسلام صندوق بیت المال تشکیل شده تا رهبران دینی و مبلغان مذهبی از آن

استفاده کنند و نیازمند مردم نباشند. ۳. این آیه مردم را تشویق می‌کند که در حالات هود بیندیشند تا بفهمند که اگر او پیامبر نبود، دعوت به خود می‌کرد و به دنبال مقام و ثروت می‌رفت و حال که چنین نیست، پس فردی پاک‌باخته است که برای اطاعت فرمان حق تلاش می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی، هدف مادی و سودجویانه ندارند. ۲. با خردورزی به حقانیّت پیامبران پی ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی هود به رابطه‌ی امور معنوی با برکات مادی زندگی بشر اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۲. وَیَاقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُم مِدْرَاراً وَیَزِدْکُمْ قُوَّةً إِلَی قُوَّتِکُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِینَ و ای قوم [من ! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید، تا (بارانِ) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد؛ و شما را نیرویی بر نیرویتان بیفزاید. و خلافکارانه روی بر نتابید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مِدرار» در اصل به معنای ریزش شیر از پستان است و به همین مناسبت به ریزش باران از آسمان نیز مدرار گفته شده است. جالب آن است که در آیه نمی‌فرماید: باران را از آسمان بر شما می‌بارد، بلکه می‌فرماید: آسمان را پی در پی بر شما فرو می‌ریزد؛ یعنی آن قدر باران می‌بارد که گویی همه‌ی آسمان در حال ریزش است. ۲. این آیه به پیوند مسائل معنوی و مادی اشاره دارد و استغفار و توبه را مایه‌ی بارش باران و آبادانی و افزایش نیروها معرفی می‌کند. البته این رابطه کاملًا مجهول و ناشناخته نیست و با دقت در جامعه‌های بشری روشن می‌شود که هر گاه جامعه‌ای آلوده به گناه، هوس، خیانت، دزدی، جنگ و ستمکاری شود، آن جامعه رو به ویرانی می‌رود و جامعه‌ای که با روح توحیدی و همکاری و انفاق شکل گیرد، رو به آبادی می‌رود و پربرکت می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۵ ۳. مقصود از اضافه شدن نیروها در این آیه، یا فزونی نیروی انسانی جامعه و یا فزونی نیروهای مادی، علاوه بر نیروهای معنوی است؛ البته تعبیر آیه مطلق است و شامل هرگونه افزایش نیروی مادی و معنوی می‌شود. ۴. هود پیامبر علیه السلام مردم و قوم خود را به استغفار و توبه فرا می‌خواند. این مطلب اشاره دارد که توبه‌ی همگانی مردم و تحوّل جامعه، زمینه‌ساز امداد الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسائل معنوی و اخلاقی، تأثیرات سازنده‌ای در زندگی مادی و رشد اقتصادی بشر دارد. ۲. استغفار نمایید و به خدا توجه کنید که سبب آبادی زندگی مادی شما می‌شود. *** قرآن‌کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی هود به بهانه جویی‌های قوم عاد اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۳. قَالُوا یَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَیِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِکِی آلِهَتِنَا عَن قَوْلِکَ وَمَا نَحْنُ لَکَ بِمُؤْمِنِینَ گفتند: «ای هود! هیچ دلیل روشنی برای ما نیاورده‌ای، و ما به خاطر سخن تو، معبودان (و بت‌های) مان را ترک نمی‌کنیم؛ و ما تصدیق کننده تو نیستیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این حقّ طبیعی هر ملّتی است که از مدعی نبوّت، دلیل و معجزه بخواهند تا اثبات شود که او نبی واقعی است نه مدعی دروغین پیامبری. از این رو پیامبران الهی با دلایل روشن و معجزات به سوی مردم می‌رفتند. هود نیز این گونه بوده است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۶ اما قوم عاد مردمی لجوج و سرکش بودند و از این رو به دلایل هود توجه نمی‌کردند و یا معجزات او را سحر می‌شمردند و او را متّهم به جنون می‌کردند و با این بهانه‌ها اصرار داشتند که بر بت‌پرستی خود باقی بمانند. ۲. مقصود قوم عاد از نفی «بَیّنه»، یا نفی دلیل عقلی است (در صورتی که هود پیامبر مردم را به طرف توحید و نفی شرک فرا می‌خواند، و این مطلب دلایل عقلی داشت)؛ و یا نفی معجزه بود، که باید گفت اثبات توحید و نفی شرک مطلبی منطقی و عقلی است و محتاج معجزه نبود «۱» (هر چند حضرت هود معجزات هم داشته است.) ۳. شرک و بت‌پرستی که خلاف فطرت و عقل است نیاز به دلیل دارد؛ یعنی این مشرکان قوم عاد بودند که می‌بایست برای اثبات حقانیت شریکان خدا دلیل می‌آوردند، ولی آنان بر عکس عمل می‌کردند و از هود دلیل می‌خواستند. ۴. این آیه به خوبی نشان می‌دهد که قوم عاد مردمی لجوج و بهانه‌جو بودند که به دنبال دلیل و معجزه نبودند و از این رو با اصرار می‌گفتند: ما براساس سخنان تو (هر چند منطقی باشد) دست از معبودها (و بت‌هایمان) برنمی‌داریم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی بدانند که مشرکان در برابرشان سرسختانه موضع گیری و بهانه‌جویی می‌کنند (پس آماده باشند). ۲. از برخورد منفی قوم عاد با پیامبرشان درس عبرت بگیرید (و راه آنان را نپویید). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۷ قرآن کریم در آیات پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم سوره‌ی هود تهمت مشرکان به هود پیامبر و پاسخ

کوبنده‌ی او را بیان کرده، می‌فرماید: ۵۴ و ۵۵. إِن نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّی بَرِیءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ* مِن دُونِهِ فَکِیدُونِی جَمِیعاً ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ (درباره تو چیزی) جز این نمی‌گوییم که: «بعضی معبودان ما، سوء قصدی به (عقل) تو کرده‌اند.» (هود) گفت: «در حقیقت من خدا را به گواهی می‌گیرم، (شما نیز) گواه باشید که من نسبت به آنچه غیر از او، شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم.* پس همگی برای من نقشه بکشید؛ سپس [مرا] مهلت مدهید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم عاد می‌پنداشتند که بت‌های سنگی و چوبی که جان و شعور ندارند، می‌توانند عقل کسی را بگیرند. آنان بدون هیچ دلیلی به هود پیامبر تهمت جنون می‌زدند. ۲. همواره مخالفان در برابر دلایل و معجزات پیامبران الهی به آنان تهمت جنون می‌زدند؛ زیرا آنان سنت‌شکن بودند و با خرافات مبارزه می‌کردند. این تهمتی است که به همه‌ی مصلحان جهان و مردان نیک‌اندیش و انقلابی می‌زدند. ۳. هود پیامبر علیه السلام پاسخی کوبنده و منطقی به مشرکان داد؛ یعنی صریحاً اعلام کرد که من به جنگ بت‌ها برخاسته‌ام و از آنان بیزارم؛ پس اگر آنها قدرتی دارند، همگی برای من نقشه بکشید تا مرا نابود کنید و مهلتم ندهید «۱» و همین مبارزه‌طلبی هود دلیل حقانیّت او بود. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان (در طول تاریخ) به مردان الهی تهمت می‌زدند، ولی رهبران الهی از آنان نمی‌هراسیدند. ۲. رهبران الهی با استقامت و صراحت در برابر شرک و خرافات موضع‌گیری کنند و آنها را نفی نمایند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی هود با اشاره به قدرت بی‌پایان و عدالت خدا و توکّل هود بر او می‌فرماید: ۵۶. إِنِّی تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ رَبِّی وَرَبِّکُم مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذُ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ [چرا] که من، بر خدا، پروردگار من و پروردگار شما، توکّل کرده‌ام؛ هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که او، زمامش را گرفته است. به درستی که پروردگار من بر راه راست است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ناصِیه» در اصل به معنای موی جلوی سر است، و «گرفتن موی پیش سر» کنایه از تسلّط بر چیزی است، چون در این هنگام قدرت مقاومت از او سلب می‌شود؛ یعنی خدا بر همه‌ی جنبندگان مسلّط است و هیچ موجودی در برابر او تاب مقاومت ندارد. «۱» ۲. تعبیر «پروردگار من بر راه مستقیم است.»، تعبیر زیبایی در مورد قدرت آمیخته با عدالت پروردگار است؛ چراکه قدرتمندان غالباً زورگو و ستمگرند و از جاده‌ی عدالت خارج می‌شوند، اما خدا با همه‌ی قدرت بی‌پایانش، بر طریق عدالت، نظم و حساب است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۴۹ ۳. این آیه در حقیقت هشداری به مشرکان قوم عاد است. هود پیامبر اعلام می‌کند من بر پروردگار جهانیان که همه‌ی قدرت‌ها به دست اوست، تکیه دارم، پس مواظب باشید که حمله به من، حمله به پروردگار جهانیان است. ۴. نکته‌ی جالب این است که هود علیه السلام بر پروردگار بودن خدا برای خودش و مشرکان تأکید می‌کند تا نشان دهد که پروردگار آنها بت‌ها نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با توکل بر خدا می‌توان در برابر همه‌ی مستکبران جهان ایستاد. ۲. خدا بر همه چیز تسلّط دارد و قدرت او بر عدل استوار است. ۳. هرگاه دشمنان از قهر سخن گفتند، شما هم از قدرت بی‌همتای الهی سخن بگویید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی هود اعلام می‌کند که هود مأمور به وظیفه است و با هشدار به مخالفان می‌فرماید: ۵۷. فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُکُم مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَیْکُمْ وَیَسْتَخْلِفُ رَبِّی قَوْماً غَیْرَکُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَیْئاً إِنَّ رَبِّی عَلَی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیظٌ و اگر روی بر تابید، پس یقیناً آنچه را بدان به سوی شما فرستاده شده بودم، به شما رساندم؛ و پروردگارم گروهی غیر از شما را جانشین [شما] می‌کند؛ و هیچ چیزی به او زیان نمی‌رسانید؛ [چرا] که پروردگارم بر هر چیزی نگهبان است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هود پیامبر علیه السلام به قومش اشاره کرده که من مأمور به وظیفه‌ام و پیام خود را به شما رساندم و همین انجام وظیفه پیروزی من است؛ پس اگر شما دعوت مرا نپذیرید، شکستی برای من به شمار نمی‌آید. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۰ ۲. در این آیه به این سنت و قانون آفرینش اشاره شده است که هرگاه ملتی لیاقت هدایت و نعمت‌های الهی را نداشته باشند، خدا آنها را از میان برمی‌دارد و ملّتی لایق به جای آنان می‌نشاند. ۳. خدا «حفیظ»، یعنی نگه‌دارنده‌ی همه چیز و همه‌ی حساب‌هاست، نه فرصت را از دست می‌دهد و نه دوستان و موقعیت‌ها را فراموش می‌کند؛ حساب چیزی از علم او بیرون نیست و او بر هر چیز مسلّط است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران مأمور به وظیفه‌اند، نه مأمور به نتیجه. ۲.

رهبران الهی از روی گردانی مردم نهراسند، ولی به آنان اتمام حجّت کنند. ۳. ملت‌های ناسپاس اگر قدر نعمت‌ها و رهبران الهی را ندانند، خدا ملتی دیگر جانشین آنان می کند. ۴. مخالفان نمی‌توانند به خدا زیانی برسانند؛ چراکه خدا نگه‌دارنده‌ی حساب همه چیز است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی هود به عذاب قوم عاد و نجات هود پیامبر و مؤمنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۸. وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُوداً وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُم مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ و هنگامی که فرمان (عذاب) ما فرا رسید، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از جانبمان نجات دادیم؛ و آنان را از عذابی سخت، نجات بخشیدیم. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران بر آنانـد که در تاریخ دو گروه با عنوان قوم عاد بوده‌اند: نخست قبیله‌ای از انسان‌های ماقبل تاریخ که در عربستان زندگی می کردند، سپس خود و آثارشان از میان رفتند و در قرآن از آنها با عنوان «عادٍ الاولی یاد می‌شود. «۱» و دوم قوم عادی که در حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در سرزمین «احقاف» یا «یمن» زندگی می کردند و انسان‌هایی بلندقامت و پرقدرت و جنگ‌آور بودند. آنان در سرزمین آباد و سرسبز و پیش‌رفته‌ای زندگی می کردند. اما هنگامی که غرور و غفلت و شرک دامان آنان را گرفت و با هود پیامبر درگیر شدند و او را تکذیب کردند، گرفتار عذاب الهی شدند. عذاب قوم عاد آن بود که طوفان شدید و کوبنده‌ای به مدت هفت شب و شش روز بر آنان مسلّط شد «۲» و قصرهایشان را درهم کوبید و اجسادشان بر زمین افتاد؛ اما هود و مؤمنان که حدود چهار هزار نفر بودند، نجات یافتند و این درس عبرتی برای آیندگان شد. ۲. تعبیر «نَجّینا» (ما نجات دادیم) دوبار در این آیه تکرار شده است. برخی مفسران قرآن بر آنانـد که این تعبیر در مرحله‌ی اول اشاره به نجات از مجازات دنیا و در مرحله‌ی دوم اشاره به رهایی از عذاب آخرت است. شاهد این تفسیر آن است که تعبیر «عذاب غلیظ» معمولًا در مورد عذاب آخرت به کار می‌رود. «۳» ۳. نکته‌ای که این آیه بدان اشاره دارد این است که مؤمنان همراه پیامبر نجات یافتند؛ یعنی آنان علاوه بر ایمان، همراه پیامبر و حامی و پیرو او بودند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نزول عذاب و نجات از آن به دست خداست. ۲. لطف خدا شامل حال پیامبرش و مؤمنان می‌شود و از عذاب نجات می‌یابند. ۳. ایمان آورید و همراه رهبران الهی باشید، تا اهل نجات گردید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی هود به گناهان قوم عاد اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۹. وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ و این (قوم) «عاد» بود که نشانه‌های پروردگارشان را انکار کردند؛ و فرستادگانش را نافرمانی نمودند، و از فرمانِ هر زورگوی ستیزه‌گر پیروی کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جبّار» در مورد سرزنش و ستایش هر دو به کار می‌رود «۱» در این آیه به معنای سرزنش به کار رفته است، یعنی کسی که پیرو فرمان عقل نیست و دیگران را به پیروی خود مجبور می‌سازد و یا می‌خواهد نقص‌های خود را با ادعاهای تکبرآمیز جبران کند. ۲. «عَنید» به کسی گفته می‌شود که فوق‌العاده با حق مخالف است و این صفت مستکبران و طاغوت‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۳ ۳. «رُسُل» به صورت جمع آمده است، با این که هود، پیامبر قوم عاد بود؛ این بدان سبب است که همه‌ی پیامبران به سوی یک واقعیت و هدف، یعنی توحید، دعوت می کنند و انکار یک پیامبر در حکم انکار همه‌ی پیامبران است؛ و یا این که هود مردم را به ایمان به پیامبران پیشین نیز فرا می‌خوانـد و آنان انکار می کردند. البته هر دو احتمال در تفسیر آیه قابل جمع است. ۴. قوم عاد به خاطر سه گناه گرفتار عذاب الهی شدند: الف) انکار آیات و نشانه‌های پروردگار؛ ب) مخالفت با پیامبران؛ ج) پیروی از ستمگران و دشمنان حق. البته این سه گناه همراه هم است؛ یعنی اگر کسی آیات الهی را پذیرفت، پیرو پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود و با ستمگران مخالفت می کند و اگر کسی منکر آیات الهی شد، از پیامبران پیروی نمی کند و دنباله‌رو ستمگران و طاغوت‌ها می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت قوم عاد عبرت بگیرید و راه آنان را نپویید (که فرجامی عذاب‌آلود دارد). ۲. انکار آیات الهی و نافرمانی در برابر رهبران الهی و پیروی از جبّاران، موجب سقوط و علت نزول عذاب الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی هود به قوم عاد لعنت می‌فرستد و می‌فرماید: ۶۰. وَأُتْبِعُوا فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَاداً كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْداً لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۴ و در این دنیا و روز رستاخیز، لعنتی در پی

آنان روانه شده است. آگاه باشید که (قوم) عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان، عاد (یعنی) قوم هود (از رحمت خدا) دور باد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «بُعداً» در مورد قوم عاد، ثمود، مَدْین، ستمگران و کافران آمده است «۱» و نفرین شعارگونه‌ای است در مورد کسانی که گناه بزرگی مرتکب شده و بدین خاطر از رحمت خدا دور شده‌اند. این تعبیر شامل دوری از رحمت خدا، سعادت، و خیر و برکت می‌شود و در حقیقت بازتاب فکر و عمل آنهاست که در درون از خدا و خلق دور شده‌اند. ۲. در این آیه، قوم عاد با دو عنوان «عاد» و «قوم هود» معرفی شده‌اند. این علاوه بر تأکید، اشاره به آن دارد که آنان همان کسانی هستند که هود، پیامبر دلسوزشان را ناراحت کردند و بدین سبب از رحمت خدا دور شدند. ۳. در آیه‌ی قبل آمده بود که قوم عاد از فرمان هر ستمگر دشمنِ حق پیروی می‌کردند و در این آیه آمده است که لعنت الهی به دنبال آنان خواهد آمد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروی از ستمگران حق‌ستیز، لعنت الهی را در دنیا و آخرت به دنبال دارد. ۲. کفر نورزید که دوری از رحمت الهی را به دنبال دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۵ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی هود سرگذشت صالح پیامبر علیه السلام را بیان می‌کند که به توحید و توبه فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۶۱. وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ و به سوی (قوم) «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. او شما را از زمین پدید آورد؛ و سازندگی آن را به شما وا گذاشت. پس از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید، [چرا] که پروردگار من نزدیک، [و] اجابت کننده (درخواست‌ها) است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم «ثَمُود» در سرزمین «وادِی القُری ، بین مدینه و شام زندگی می‌کردند و شغل آنان کشاورزی و باغداری بود. حضرت صالح پیامبر برای هدایت این قوم برانگیخته شد و برای آنان شتری به عنوان معجزه آورد، که آن را کشتند «۱» و به همین سبب در اثر عذاب صیحه‌ی آسمانی از پای درآمدند و صالح و مؤمنان قوم ثمود نجات یافتند. در آیات متعددی از قرآن به سرگذشت این پیامبر الهی اشاره شده است. «۲» ۲. برنامه و هدف اساسی صالح، همان برنامه‌ی اصولی همه‌ی پیامبران، یعنی فرا خواندن به توحید و نفی شرک بود؛ چون ریشه‌ی تمام سعادت‌های بشر توحید، و ریشه‌ی تمام رنج‌ها و انحرافات شرک است. ۳. در این آیه از «صالح» به عنوان برادر قوم ثمود یاد شده است؛ یا به خاطر تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۶

سرگذشت صالح(ع)

آن که صالح از نژاد عرب و اهل قبیله‌ی ثمود بود و یا به خاطر آن که رفتاری برادرانه با آنان داشت. ۴. مقصود از پیدایش انسان‌ها از زمین، آن است که آفرینش غیر مستقیم همه‌ی انسان‌ها از خاک است؛ یعنی گیاهان، گوشت حیوانات و پدر و مادر که عوامل حیات انسان هستند، همه از عناصر خاک بر آمده‌اند؛ و یا مقصود آن است که نسل همه‌ی انسان‌ها به آدم علیه السلام بازمی‌گردد، که او از خاک آفریده شده است. ۵. پیدایش وجود عالی انسان با این خلقت بدیع، از خاکِ بی‌مقدار و بی‌ارزش، خود از عجایب هستی و نشانه‌ی آفریننده‌ای داناست و از این روست که عقل اجازه نمی‌دهد انسان غیر خدا را بپرستد. ۶. تعبیر «اسْتَعْمَرَكُم» و استعمار، در اصل به معنای واگذاری آبادی و سازندگی زمین به دیگران است؛ یعنی خدا وسایل سازندگی و آبادانی زمین را در اختیار انسان گذارده است. «۱» ۷. «استعمار» از واژه‌های زیبای فرهنگ بشری است که مفهوم آن تغییر یافته و تحریف شده است. در جهان کنونی، استعمار به معنای تسلّط قدرت‌های جهانی بر سیاست، اقتصاد و دستگاه نظامی ملت‌های ضعیف است که منتهی به غارت سرمایه‌های حیاتی آن کشورها می‌شود. پدیده‌ی شوم استعمار در چند قرن اخیر سرنوشت سیاهی برای بسیاری از ملت‌های جهان رقم زده است؛ «۲» و در دهه‌های اخیر چهره‌های جدید استعمار فرهنگی و تبلیغاتی رخ نموده است و تهاجم فرهنگی عظیمی از طرف تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۷ مستکبران جهان‌خوار، علیه ملت‌های مظلوم جهان شروع شده است که بیداری و

هوشیاری جوانان این کشورها می‌تواند این توطئه‌ی جدید استعمارگران را خنثی سازد. ۸. این آیه نمی‌فرماید که خدا زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می‌فرماید: عمران و سازندگی زمین را به شما وا گذاشت. و این مطلب در مورد همه‌ی نسل‌های بشر صادق است؛ خدا زمین مساعد و آب و نیرو و عمر طولانی در اختیار انسان گذاشته است تا به سازندگی زمین بپردازد. ۹. برای سازندگی و عمران، باید به ملت مجال داد و کارها و وسایل را در اختیار آنها گذاشت، تا خودشان اقدام به سازندگی کنند. ۱۰. قوم ثمود زمین‌های آباد و باغ‌های پر نعمت داشتند و کشاورزی‌شان پیش‌رفت کرده بود و خدا به آنان عمرهای طولانی و اندام‌های قوی داده بود، به طوری که در دل کوه‌ها و از سنگ‌ها خانه‌های محکم می‌ساختند. ۱۱. خدا نزدیک و پاسخ‌گوی بشر است؛ البته نزدیکی خدا به معنای حضور او در همه جا و همیشه است؛ او جسم نیست و مکان ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلّغ دین از خود مردم (منطقه) باشد و رفتاری برادرانه با آنان داشته باشد. ۲. فلسفه‌ی پرستش خدا، سپاس آفرینش و نعمت‌های اوست. ۳. خدا می‌خواهد شما زمین را آباد کنید و به سازندگی آن بپردازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی هود به پاسخ شک‌آفرین قوم ثمود اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۲. قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوّاً قَبْلَ هذَا أَتَنْهَانَا أن نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۸ گفتند: «ای صالح! براستی پیش از این، در میان ما، مایه‌ی امید بودی؛ آیا ما را منع می‌کنی که آنچه را پدرانمان می‌پرستند، بپرستیم؟! در حالی که ما قطعاً در مورد آنچه ما را به سوی آن فرا می‌خوانی، در شکی تردیدآمیز هستیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان قوم ثمود کوشیدند تا از یک عامل روان‌شناختی برای تأثیرگذاری بر صالح پیامبر استفاده کنند. آنان مقام و موقعیت گذشته‌ی صالح را به او یادآوری کردند که مورد مشورت و خیرخواه و دل‌سوز و امید آینده‌ی جامعه بود، ولی اینک با ادعای نبوّت همه‌ی این‌ها در معرض خطر قرار گرفته است. آنها می‌خواستند بدین وسیله در صالح تردید ایجاد کنند و او را به سوی خود منحرف سازند. ۲. مشرکان کارهای نیاکان خود را مقدّس و صحیح می‌شمردند و حاضر نبودند از تقلید آنان دست بردارند و یا حتی در مورد آنها تردید و فکر نمایند؛ و بدین وسیله شرک و خرافه‌پرستی را توجیه می‌کردند. ۳. شک و تردید اگر مقدمه‌ی پژوهش و تحقیق در عقاید باشد، نیکو و کمال‌آفرین است، اما اگر سبب رکود و دودلی و توقف شود، مطلوب نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام‌آوران الهی و رهبران دینی از کسانی باشند که در میان مردم، سابقه‌ای نیکو دارند. ۲. مخالفان دین برای منحرف کردن رهبران الهی از عوامل روان‌شناختی کمک می‌گیرند (پس مراقب باشید). ۳. مشرکان، مقلّد کورکورانه‌ی عقاید خرافی نیاکان خود هستند (و همین سبب انحراف آنان می‌شود). تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۵۹ ۴. مخالفان دین، تردیدآفرین هستند (برای پاسخ‌گویی به تشکیک‌های آن‌ها آماده باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی هود به پاسخ منطقی صالح پیامبر علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۳. قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِن رَبِّى وَآتَانِى مِنْهُ رَحْمَةً فَمَن يَنْصُرُنِى مِنَ اللَّهِ إنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِى غَيْرَ تَخْسِيرٍ (صالح) گفت: «ای قوم [من ! آیا به نظر شما اگر من بر دلیل روشن (معجزه‌آسایی) از طرف پروردگارم باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد، اگر (باز هم) نافرمانی او کنم، پس چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می‌کند؟! و (شما) جز زیان بر من نمی‌افزایید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل دیدیم که مشرکان در مورد دعوت صالح پیامبر تردید می‌کردند؛ در این آیه به این نکته اشاره شده است که من با دلیل روشن و معجزه به سراغ شما آمده‌ام، پس در کار من تردید نکنید. ۲. پیروی کورکورانه از عقاید خرافی نیاکان و مخالفت با پروردگار، سبب زیان کاری انسان می‌شود و مجازات الهی را در پی دارد. ۳. نبوّت یک رحمت ویژه‌ی الهی است که به برخی بندگان عطا می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی دلیل روشن بیاورند و پیام‌آور رحمت باشند. ۲. رضایت مخلوق را به قیمت خشم خدا نخواهید، که در آن صورت هیچ یاوری نخواهید داشت و زیان خواهید کرد. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۰ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی هود با اشاره به معجزه‌ی صالح پیامبر و هشدار او می‌فرماید: ۶۴. وَيَا قَوْمِ هذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ و ای قوم [من ! این ماده شتر خداست، در حالی که

برای شـما نشانه‌ای است؛ پس رهایش کنیـد در زمین خـدا بخورد، و هیـچ بـدی به آن نرسانید، که عذابی زودهنگام شـما را خواهد گرفت!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ناقَه» در اصل به معنای شتر ماده است. در این جا به شتر معجزه‌ی صالـح پیامبر، «شتر الهی» گفته شده است تا نشان دهد که این شتر معمولی نیست و ویژگی‌های خاصی دارد و نشانه و معجزه است. «۱» در آیات دیگر قرآن آمده است که آب آن منطقه را سـهم‌بندی کردند و یک روز سـهم شتر و یک روز سهم مردم بود؛ «۲» یعنی یا این شتر آب زیادی می‌خورد و یا هنگامی که وارد آبشـخور می‌شـد حیوانات دیگر جرئت نمی‌کردنـد بدان محل نزدیک شوند. در احادیث آمده است که این شتر به صورت معجزه‌آسایی پدید آمد و از عجایب آفرینش بود. ۲. «آیه» به معنای نشانه است. این واژه گاهی به آیات قرآن و گاهی به معجزات الهی گفته می‌شود، چراکه همه‌ی آنها نشانه‌ی خـداست؛ و در این آیه در مورد معجزه به کار رفته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گاهی حیوانات معجزه و نشانه‌ی حقانیّت رهبران الهی می‌گردنـد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۱ ۲. پس از آمدن معجزه و اتمـام حجّت، برخلاـف برنـامه‌ی الهی عمـل نکنیـد که به عـذاب الهی گرفتـار می‌شویـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی شـصت و پنجم سوره‌ی هود به مخالفت مشرکان با معجزه‌ی صالـح و نزدیک شـدن عـذاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۵. فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ و (لی قوم ثمود) آن [شتر] را از پای در آوردند؛ و (صالح) گفت: «سه روز در خانه‌هایتان بهره‌مندگردیـد؛ (که‌بعـد آن عـذاب است.) این وعـده‌ای بی‌دروغ است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «عَقَرُوهـا» در اصـل به معنای اساس و ریشه‌ی چیزی است و از آن جـا که در هنگـام کشتن و نحر شـتر، اصـل وجودش برچیـده می‌شود، در این جـا به معنـای از پـای در آوردن شتر به کـار رفته است. البته گـاهی به معنـای پی کردن شتر یـا قطع کردن دست و پـای آن می‌آیـد که آنهـا نیز به همین معنا بازمی‌گردد. ۲. شتری که صالـح پیامبر به صورت معجزه آورده بود، باعث بیـداری مردم و گرایش آنها به صالـح می‌شـد؛ از این رو گروهی از سرکشان قوم ثمود توطئه کردنـد که شتر را نابود کننـد و سرانجام نیز یکی از آنان با ضـربه‌ای آن را از پای درآورد. ۳. جـالب آن است که طبق احـادیث، یـک نفر شتر را از پـای در آورد، ولی در این آیه این کار به همه‌ی مخالفان نسبت داده شـد؛ به خاطر آن که اسـلام رضایت باطنی به هر کاری را به منزله‌ی شـرکت در آن کار می‌دانـد؛ چون هر تفسـیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۶۲ کس اقـدام به کـاری می‌کنـد به نیروی جمع دلگرم است. «۱» ۴. در حـدیثی از امام رضا علیه السـلام حکایت شـده که هرگاه کسـی در مشـرق کشـته شود و دیگری در مغرب بدان راضـی باشد، او نیز در پیشـگاه خدا، شریک قاتل به شمار می‌آید. «۲» ۵. در حـدیث دیگری می‌خوانیم که پس از پیروزی جنـگ جمـل، یکی از یـاران امـام علی علیه السـلام گفت: «چقـدر دوست داشـتم که برادرم در این جا بود.» و حضـرت فرمود: «آیا برادرت میل به ما داشت؟» آن مرد گفت: «آری.» حضـرت فرمود: «او هم با ما در این میدان شاهد (و شـریک) بوده است و حتی افرادی در لشکر ما شرکت داشتند که هنوز در پشت پدران و در رحم مادران هستند، اما به زودی گـذشت زمان آنان را به دنیا می‌فرسـتد و قـدرت ایمان با نیروی آنان افزایش می‌یابد.» «۳» ۶. این که به قـوم ثمود سه روز مهلت داده شـد، یـا به خـاطر آن بود که بتواننـد توبه کننـد، یـا اهرمی برای فشـار روحی عـذاب بر آنان بود و یا برای اثبات حقانیّت صالـح پیـامبر بـود کـه از غیـب خبر می‌داد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. مخـالفت بـا معجزات پیـامبران، عـذاب الهی را در پی دارد. ۲. هشـدارهای الهی را دروغ نپندارید. ۳. هر کس به کار خلاف دیگران راضـی شود، شـریک آنان به شمار می‌آید. *** تفسیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۶۳ قرآن کریم در آیه‌ی شـصت و شـشم سوره‌ی هود به نجات صالـح پیامبر و مؤمنان قومش از عـذاب اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۶۶. فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحاً وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ و هنگـامی که فرمـان (عـذاب) مـا فرا رسـید، صالـح و کسانی را که با او ایمان آورده بودنـد، به رحمتی از جانبمان نجات دادیم، و از رسوایی آن روز، (رهایی بخشـیدیم)؛ [چرا] که تنها پروردگارت نیرومند [و] شکست‌ناپذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رحمت الهی نسبت به مؤمنان زیاد است، به طوری که قبل از فرود آمـدن عـذاب، همه‌ی مؤمنان را به مکان امنی منتقل می‌کند و نجات می‌دهد. آری؛ اگر مؤمنان به وظایف خود عمل کننـد، گرفتار عذاب نمی‌شوند. «۱» ۲. مجازات سرکشان کافرکیش تنها جنبه‌ی مادی ندارد،

بلکه شامل جنبه‌ی معنوی نیز می‌شود؛ یعنی خواری و بدنامی آنان در تاریخ ثبت می‌شود. «۲» ۳. در این آیه به قدرت شکست‌ناپذیر خدا اشاره شد، تا نشان دهد که هیچ قدرتی توانایی مقابله بااراده‌ی حق را ندارد و نجات مؤمنان برای او آسان است. ۴. این آیه نوعی تسلّی خاطر به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ چراکه فرمود: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۴ «پروردگار تو قوی و شکست‌ناپذیر است.» و این اشاره به آن است که او می‌تواند با مخالفان تو نیز این گونه رفتار کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا پیامبران و مؤمنان را از عذاب نجات می‌دهد. ۲. ایمان آورید و همراه رهبران الهی باشید، تا اهل نجات شوید و خوار نگردید. *** قرآن کریم در آیات شصت و هفتم و شصت و هشتم سوره‌ی هود به عذاب ستمکاران قوم ثمود و کفر آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۷ و ۶۸. وَأَخَذَ الَّذِینَ ظَلَمُوا الصَّیْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِی دِیَارِهِمْ جَاثِمِینَ* کَأَن لَمْ یَغْنَوْا فِیهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ کَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْداً لِثَمُودَ و کسانی را که ستم کرده بودند، آن بانگ (مرگبار) فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پای درآمدند!* (آنچنان نابود شدند که) گویا در آن (خانه‌ها) ساکن نبودند! آگاه باشید که (قوم) ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند، هان، (قوم) ثمود (از رحمت پروردگار) دور باد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «صَیْحه» در اصل به معنای صدای عظیمی است که معمولًا از دهان انسان یا حیوان بیرون می‌آید، ولی شامل هر صدای عظیمی می‌شود. ۲. در قرآن کریم آمده است که قوم ثمود، قوم لوط «۱» و قوم شعیب، «۲» به وسیله‌ی صیحه‌ی آسمانی مجازات شدند. این عذاب چیزی شبیه شکستن دیوار صوتی به وسیله‌ی هواپیماهاست تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۵ که گاهی سبب بیهوشی انسان‌ها و شکسته شدن شیشه‌ها می‌شود؛ البته اگر امواج صوتی شدیدتر شود، می‌تواند تأثیرات شدیدتری بر اعصاب، مغز و قلب انسان بگذارد و سبب مرگ او شود. ۳. در این آیه آمده بود که قوم ثمود به وسیله‌ی صیحه مجازات شدند، اما در برخی آیات دیگر اشاره شده که این قوم به وسیله‌ی صاعقه مجازات شدند؛ از این جا روشن می‌شود که وسیله‌ی عذاب آنان، صاعقه‌ای همراه با صدای عظیم (صیحه) بوده است. ۴. «جاثِمین» در اصل به معنای نشستن بر زانو و نیز به معنای افتادن به رو آمده است. این تعبیر نشان می‌دهد که صیحه سبب مرگ آنان شده بود، اما اجساد بی‌جان آنها بر روی زمین افتاده بود. از برخی احادیث نیز استفاده می‌شود که آتش صاعقه آنان را سوزاند. ۵. تعبیر «یَغْنَوا» یا به معنای اقامت در یک مکان و یا به معنای بی‌نیازی است. «۱» این تعبیر درباره‌ی قوم ثمود به معنای آن است که چنان طومار زندگی آنها درهم پیچید که گویا هرگز ساکنان آن سرزمین نبودند. ۶. مقصود از ستمکاری قوم ثمود در این جا، ستم به مردم یا ظلم به صالح پیامبر و یا ستم به خودشان است، چراکه شرک نوعی ستم به خویشتن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نتیجه‌ی ستمکاری، عذاب الهی است. ۲. کفر نورزید که سبب دوری از رحمت خداست. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۶

ماجرای ابراهیم(ع) و فرشتگان

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی هود به ملاقات (فرشتگان) فرستاده‌ی خدا با ابراهیم علیه السلام اشاره می کند و می‌فرماید: ۶۹. وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِیمَ بِالْبُشْرَی قَالُوا سَلَاماً قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِیذٍ و بیقین فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند؛ گفتند: «سلام!» (او نیز) گفت: «سلام!» و بی‌درنگ گوساله‌ای بریان شده آورد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگذشت ابراهیم علیه السلام در آیات متعددی از قرآن حکایت شده است. «۱» در این جا به ملاقات او با فرشتگانی اشاره شده که برای دو کار مهم آمده بودند: نخست، برای مژده‌رسانی به ابراهیم علیه السلام که دارای فرزندی خواهد شد؛ و دوم، برای عذاب قوم لوط. ۲. در احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که آن فرشتگان چهار نفر بودند: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و کروبیل. «۲» ۳. در احادیث آمده است که بشارتی که در این آیه به ابراهیم علیه السلام داده شد، در مورد تولد اسماعیل و اسحاق بود «۳» و این در حالی بود که ابراهیم علیه السلام در کهن‌سالی بود و هنوز فرزندی نداشت. ۴. در هنگام برخورد با دیگران، ادب گفتن سلام است و پاسخ آن بدون تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۷ فاصله لازم است، به طوری که در این آیه بین سلام و پاسخ

آن حرف عطف نیز فاصله نشد. ۵. یکی از آداب مهمان‌داری آن است که غذا را هر چه زودتر برای مهمان آماده کنند؛ چراکه مهمان هنگامی که از راه می‌رسد گرسنه و خسته است. ۶. از آداب مهمان‌داری آن است که غذا را خود صاحب‌خانه برای مهمان ببرد، و غذای نیکو و زیاد برای مهمان فراهم سازد و مهمان را نزد غذا فرانخواند بلکه غذا را به حضور او ببرد. ۷. بریان کردن یک گوساله برای مهمانان، «۱» یا به خاطر مهمان‌نوازی ابراهیم علیه السلام بود و یا به خاطر آن که تعداد مهمان‌ها و دوستان و خدمت‌گزاران خانه‌ی او زیاد بود. ۸. فرشتگان الهی ممکن است به صورت انسان درآیند، به طوری که شناخت آنها و تمیز آنان از انسان‌های معمولی مشکل باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ادب گفتار، سلام کردن است. ۲. پذیرایی با غذای خوب و مهمان‌نوازی از اخلاق پیامبران است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی هود به هراس ابراهیم علیه السلام از رفتار غیرطبیعی فرشتگان و روشن شدن هدف آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۰. فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ و هنگامی که دید دست‌هایشان به سوی آن (غذا) دراز نمی‌شود، آنان را نشناخت (و بیگانه شمرد) و از آنان (در دل) احساس ترس کرد! تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۸ (فرشتگان) گفتند: «نترس، [چرا] که ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از آداب و رسوم نیک گذشتگان این بود که اگر غذای کسی را می‌خوردند، حرمت نان و نمک او را نگه می‌داشتند و اگر واقعاً قصد سوئی نسبت به دیگری داشتند، از غذای او نمی‌خوردند؛ از این رو، هنگامی که فرشتگان از غذای ابراهیم علیه السلام نخوردند، نسبت به آنان بدگمان شد. ۲. برخی مفسران نوشته‌اند که لوط علیه السلام هر چند پیامبر بود، اما تحت نظر ابراهیم علیه السلام بود؛ از این رو فرشتگانی که برای هلاکت قوم لوط مأمور شده بودند، نخست نزد ابراهیم علیه السلام آمدند و به او خبر دادند و این نوعی رعایت سلسله مراتب است. ۳. لازم است مهمان از غذای صاحب‌خانه بخورد، وگرنه ممکن است سبب ناراحتی و بدگمانی او شود و اگر هم به دلیلی نخواست از غذای او بخورد، دلیل آن را بیان کند تا نگرانی برطرف شود. ۴. صاحب‌خانه هنگامی که احساس ترس یا ناراحتی از مهمان کرد، آن را در دل پنهان کند (تا او متوجه و ناراحت نشود). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مهمانان اسباب نگرانی صاحب‌خانه را فراهم نسازند. ۲. رفتار و اهداف مهمان را زیر نظر داشته باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی هود به مژده‌ی تولد اسحاق و یعقوب اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۱. وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۶۹ و زن او ایستاده بود، و خندید (و عادت ماهیانه شد)؛ و وی را به اسحاق مژده دادیم، و (نیز) بعد از اسحاق به یعقوب (مژده دادیم.) نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ضَحِكَت» در اصل به معنای اثری است که در هنگام انبساط شدید، در باطن هویدا می‌شود که گاهی به صورت خنده ظاهر می‌شود. «۱» در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است «۲» و برخی لغویین نیز احتمال داده‌اند «۳» که این واژه در این جا به معنای عادت ماهیانه باشد. «۴» برخی دیگر گفته‌اند که خنده و عادت ماهیانه همزمان برای ساره اتفاق افتاد و این نشانه‌ای برای حامله شدن این زن کهن‌سال بود. «۵» ۲. اگر مقصود آیه خنده‌ی ساره همسر ابراهیم علیه السلام باشد، شاید این خنده به خاطر وحشت یا تعجب از مجازات قوم لوط، یا رفتار مهمان‌ها در نخوردن غذا و رفع خطر از ابراهیم و یا به خاطر مژده‌ی فرزند بوده باشد. ۳. گفته‌اند که ساره برای عبادت یا خدمت به مهمانان و یا برای نظارت بر رفت و آمدها و گفت و گوها در آن مجلس ایستاده بود. ۴. این که قرآن از ایستادن همسر ابراهیم یاد کرده است، شاید برای اشاره به آن باشد که سزاوار نیست زن در کنار مردان بیگانه بنشیند و یا مقصود آن است که همسر انسان در هنگام مهمان‌داری آماده به خدمت می‌ایستد. ۵. گاهی خدا اخبار غیبی را در اختیار پیامبرانش قرار می‌دهد. ۶. نام برخی پیامبران از پیش تعیین و خبر داده می‌شد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۰ ۷. در این آیه دو مژده به ساره داده شد؛ یکی تولد اسحاق و دیگری تولد نوه‌اش یعقوب؛ یعنی این نعمت بر شما مستمر خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی فرشتگان الهی، مأموران مژده‌رسان هستند که حتی با غیر پیامبران سخن می‌گویند. ۲. تولد اسحاق و یعقوب با بشارت الهی همراه بود. ۳. در هنگام مهمانداری، همسر آماده‌ی خدمت باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی هود به تعجب ساره از

مژده‌ی تولـد فرزنـد اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۷۲. قَالَتْ یَا وَیْلَتَی ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهـذَا بَعْلِی شَیْخاً إِنَّ هـذَا لَشَیءٌ عَجِیبٌ (همسر ابراهیم) گفت: «ای وای بر من! آیـا در حالی که من پیرزنم، و این شوهرم پیرمرد است می‌زایم؟! قطعاً این چیزی شگفت‌آور است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ساره همسـر ابراهیم از جوانی عقیم بود «۱» و طبق حکایات تاریخی، در هنگامی که فرشـتگان مژده‌ی فرزند به او دادنـد، نود سال یا بیش‌تر، و همسـرش ابراهیم نیز حـدود صـد سال یا بیش‌تر داشت. «۲» بنـابراین، سـاره حق داشت که از مژده‌ی تولد فرزند تعجب کند. ۲. «بَعْل» در اصل به کسـی گفته می‌شود که بـدون نیاز به دیگران بتواند بر پای خود بایسـتد و از آن جا که شوهر می‌تواند مخارج خود را به تنهایی تأمین تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۱ کند، به او بَعْل می‌گویند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کهن‌سالان از بچه دار شـدن ناامیـد نباشـند، کـه لطـف الهی عجیب است. ۲. از کارهـای خـدا تعجب نکنیـد (که بر هر کـاری تواناست). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و سوم سوره‌ی هود به هشدار فرشـتگان در مورد تعجب ساره اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۳. قَالُوا أَتَعْجَبِینَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَـةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْـلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیـدٌ مَجِیـدٌ (فرشـتگان) گفتنـد: «آیـا از کـار خـدا تعجب می‌کنی؟! رحمت خدا و برکاتش بر شـما خاندان (رسالت) باد، [چرا] که او ستوده [و] بزرگوارست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رحمت و برکـات الهی در خـانواده و نسـل ابراهیم علیه السـلام جلوه‌گر شـد و پیامبران بسـیاری از نسل اسـحاق علیه السـلام (مثل پیامبران بنی اسـرائیل) و پیامبری از نسل اسـماعیل علیه السلام (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) پدید آمدند. ۲. «حمید» به معنای کسی است که کردارش پسـندیده و سـتوده است. این نام خدا اشاره به نعمت‌های فراوان خدا بر بندگان دارد که در برابر آن، او را حمد و سـتایش کنند. ۳. «مجیـد» به معنـای بزرگواری است که از فراوانی خیر و بخشـش حاصل تفسیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۷۲ می‌شود و به کسی گفته می‌شود که حتی قبل از استحقاق، نعمت می‌بخشد و از این رو عجیب نبود که به ابراهیم علیه السلام فرزندی ببخشد. «۱» ۴. زنان معمولی نیز می‌توانند به مقامی برسند که مخاطب فرشتگان قرار گیرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نعمت‌های الهی تعجب نکنید که خدا ستوده کردار و بزرگوار است. ۲. اهل بیت رهبران الهی، مشمول رحمت و برکات الهی می‌شوند. *** قرآن کریم در آیات هفتـاد و چهارم و هفتاد و پنجم سوره‌ی هود به گفت و گوی ابراهیم علیه السـلام در مورد نجات قوم لوط و صـفات او اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۴ و ۷۵. فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَی یُجَادِلُنَا فِی قَوْمِ لُوطٍ* إِنَّ إِبْرَاهِیمَ لَحَلِیمٌ أَوَّاهٌ مُنِیبٌ و هنگـامی که ترس از ابراهیم برفت، و مژده (فرزنـد) به او رسـید، [دربـاره قوم لوط بـا ما مجادله می‌کرد؛* [چرا] که مسـلماً ابراهیم، بردبار، بسـیار غمخوار [و] بازگشت کننـده (به سوی خـدا) بود! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی اول به مجـادله و گفت و گوی ابراهیم علیه السـلام در مـورد نجـات قـوم لـوط، و آیه‌ی دوم به سـبب این گفت و گـو اشـاره کرده است. یعنی مجـادله و گفت و گوی ابراهیم، مجـادله‌ی نیکـویی بـود؛ چراکه او احتمـال می‌داد هنوز عـذاب الهی قطعی نشـده و احتمـال شـفاعت و نجـات قوم لوط وجود دارد و به خـاطر بردباری و دل‌سوزی اقـدام به گفت و گو در این مورد کرد. ۲. ابراهیم علیه السـلام بسیار به فکر مردم بود و سعی می‌کرد با گفت و گو عـذاب آنان را بردارد. ۳. در این آیه، مجـادله و گفت و گوی ابراهیم علیه السـلام با فرشـتگان را مجادله با خـدا معرفی کرده و فرموده است ابراهیم بـا ما مجادله کرد. تفسـیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۷۳ ۴. از تحلیـل آیات و احادیث «۱» به دست می‌آیـد که ابراهیـم علیه السـلام در دو بخش بـا فرشـتگان گفت و گـو کرد: بخش اول مربـوط به مؤمنـان قـوم لـوط بـود که وجـود آنـان را به فرشـتگان یادآوری کرد و آنها گفتنـد که لوط و خانواده‌اش، جز همسـرش، نجات می‌یابند؛ «۲» و بخش دوم گفت و گـوی ابراهیم علیه السـلام در مورد بقیه‌ی قوم لوط بود که این گفتمان ثمری نـداشت؛ چراکه عذاب الهی حتمی شده بود. «۳» ۵. «حلیم» در اصل به معنای بردباری در راه رسیـدن به یک هدف مقدس است و «اوّاه» به معنای کسـی است که فراوان آه می‌کشد؛ یا به خاطر ترس از مسئولیت‌های خود و یـا به خـاطر مشکلاتی که دامن مردم را گرفته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی دل‌سوز و مـدافع ملت هستند. ۲. هرگاه به کسـی انتقاد کردید، صـفات خوب او را هم یادآور شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و ششم سوره‌ی هود به حتمی بودن عـذاب قوم لوط اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۶. یَاإِبْرَاهِیمُ أَعْرِضْ عَنْ هـذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّکَ وَإِنَّهُمْ آتِیهِمْ عَذَابٌ غَیْرُ

مَرْدُودٍ ای ابراهیم! از این (گفت و گو) روی گردان، [چرا] که بیقین فرمان (عذاب) پروردگارت فرا رسیده است، و در حقیقت عذابی غیر قابل برگشت برای آنان خواهد آمد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عذاب قوم لوط حتمی شده بود؛ چرا که آنان افرادی همجنس‌باز و لجوج بودند؛ و هنگامی که عذاب الهی حتمی شد برگشت‌ناپذیر است. ۲. تعبیر «ربّک» در این آیه نشان می‌دهد که عذاب الهی جنبه‌ی انتقامی ندارد، بلکه از صفت رُبوبیّت پروردگار که نشانه‌ی تربیت و پرورش بندگان است، سرچشمه گرفته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرگاه عذاب حتمی شد، حتی شفاعت پیامبران، مانع اجرای آن نمی‌شود. ۲. در مورد همجنس‌بازان لجوج وساطت و شفاعت نکنید که عذاب آنان حتمی است. ***

سرگذشت لوط(ع)

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی هود به ملاقات فرشتگان با لوط پیامبر علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۷. وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطاً سِیءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعاً وَقَالَ هذَا یَوْمٌ عَصِیبٌ و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند، به خاطر (آمدن) آنان ناراحت شد؛ و به جهت آنان دست (قدرتش از حمایت کوتاه گشت و دل) تنگ شد؛ و گفت: «این روز سختی است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در احادیث «۱» حکایت شده که لوط مشغول کار در مزرعه‌ی خود بود که تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۵ ناگهان فرشتگان الهی را به صورت جوانانی زیبا دید که به سراغ او می‌آیند و مایل‌اند مهمان او باشند. او که مردی مهمان‌نواز بود، از حضور این جوانان زیبا در شهری که گرفتار انحراف جنسی بودند، ناراحت بود و مشکلات و آبروریزی را پیش‌بینی می‌کرد. ۲. «ذَرْع» به معنای قلب یا خُلق است؛ یعنی از این مهمان‌های ناخوانده دلش گرفت و ناراحت شد. «۱» برخی مفسران این واژه را به معنای «ناراحتی به خاطر سنگینی حادثه‌ای» دانسته‌اند که تمام راه‌های چاره‌ی آن بسته شده باشد. آری؛ لوط به خاطر مهمانان دل‌تنگ و ناراحت شد و گفت این روز سخت و پرحادثه‌ای است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر مهمانان خود احساس مسئولیت کنید. ۲. رهبران جامعه نگران افراد (غریب) شهر باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی هود به هجوم همجنس‌بازان قوم لوط به طرف فرشتگان جوان‌نما اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۸. وَجَاءَهُ قَوْمُهُ یُهْرَعُونَ إِلَیْهِ وَمِن قَبْلُ کَانُوا یَعْمَلُونَ السَّیِّئَاتِ قَالَ یَاقَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِی هُنَّ أَطْهَرُ لَکُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِی ضَیْفِی أَلَیْسَ مِنکُمْ رَجُلٌ رَشِیدٌ و قوم او به سراغش آمدند، در حالی که به سوی او شتاب می‌کردند، و پیش از آن همواره [کارهای بد انجام می‌دادند؛ (لوط) گفت: «ای قوم تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۶ [من ! اینان دختران من‌اند، در حالی که آنان برای شما پاکیزه‌ترند؛ پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و [مرا] در مورد میهمانانم خوار مَسازید؛ آیا در میان شما مردی هدایتگر نیست؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. لوط پیامبر علیه السلام هنگامی که با فرشتگان جوان‌نما ملاقات کرد و آنان خواستند مهمان او شوند، مقداری آنان را معطل کرد که شب فرا رسد تا دور از چشم همجنس بازان آنها را به خانه آورد و حتی در راه به آنان گوشزد کرد که مردم این شهر منحرف هستند، تا مهمانان حساب کار خود را بکنند. اما هنگامی که به خانه آمدند، همسر لوط که زن بی‌ایمانی بود، پنهانی به همجنس‌بازان خبر داد که جوانانی خوش‌رو مهمان لوط شده‌اند؛ و گروهی از همجنس‌گرایان قوم لوط به طرف خانه‌ی لوط پیامبر هجوم آوردند. ۲. مقصود لوط از «دختران» در این آیه، یا دختران حقیقی خود او بودند، که حاضر بود آنها را به عقد مردان در آورد تا از آبروی خود و مهمانان دفاع کند و یا دختران مردم بودند، که دختران امت در حقیقت دختران پیامبر هستند. البته احتمال اول با ظاهر آیه سازگارتر است. ۳. لوط به مردم کافر پیشنهاد کرد که با دختران او ازدواج کنند؛ یا به خاطر این که در آیین او مانعی برای ازدواج زن مؤمن با مرد کافر نبود و یا این که منظور لوط ازدواج مشروط بود؛ یعنی مردان کافر اگر مؤمن می‌شدند می‌توانستند با دختران او ازدواج کنند. ۴. مقصود از این که گفت: «دختران من برای شما پاکیزه‌ترند»، آن نبود که همجنس‌بازی پاک است و اینان پاکیزه‌ترند، بلکه این تعبیری است که در عربی برای مقایسه‌ی دو کار خوب و بد به کار می‌رود؛ همان طور که در فارسی، مثلًا در مورد سرعت زیاد

می گوییم: «دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.» و این بدان معنا نیست که هرگز نرسیدن خوب است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۷ ۵. این که لوط گفت: «آیا در میان شما مردی رشید نیست؟» اشاره به این حقیقت است که وجود یک مرد هدایت یافته در میان یک ملت، برای جلوگیری از انحراف کارساز است؛ و این نقش رهبران و رادمردان الهی را در جوامع بشری نشان می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همجنس گرایان بی‌حیا هستند و با شتاب به سوی گناه می‌روند. ۲. اگر خواستید مردم را از گناه منع کنید، نخست راه پاک و حلال را به آنها معرفی کنید. ۳. پیشنهاد ازدواج از طرف پدر دختر مانعی ندارد. ۴. ازدواج با جنس مخالف، راه صحیح و پاک است، نه همجنس گرایی. ۵. مهمان‌نواز باشید و از مهمانان دفاع کنید. ۶. همجنس‌بازی با مردانگی و رشادت سازگار نیست. ۷. همجنس‌بازی در ادیان گذشته نیز ممنوع و منفور بود. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی هود به سخنان بی‌شرمانه‌ی همجنس‌بازان قوم لوط اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۹. قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (قوم لوط) گفتند: «بیقین می‌دانی هیچ حق (و تمایل) ی به دختران تو نداریم؛ و قطعاً تو خواسته ما را می‌دانی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این که همجنس گرایان قوم لوط گفتند: «ما به دختران لوط حق نداریم.»، یا به خاطر آن بود که انحراف آنان به حدّی رسیده بود که حق را باطل و باطل را حق می‌شمردند؛ یعنی ازدواج با دختران پاک لوط را حق نمی‌دانستند اما همجنس گرایی را حق می‌پنداشتند و این به سبب عادت تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۸ کردن آنها به گناه بود. و یا به خاطر آن بود که همجنس گرایان می‌دانستند که کافران حقّ ازدواج با زنان مؤمن را ندارند و از آن جا که حاضر نبودند ایمان آورند اقرار می کردند که حقّی در مورد دختران لوط ندارند. البته آنان میلی هم به این ازدواج نداشتند؛ چون گرفتار انحراف همجنس گرایی بودند. ۲. این آیه به یکی از اسرار ممنوعیت همجنس‌بازی اشاره کرده و آن این که همجنس گرایی مسیر طبیعی غریزه‌ی جنسی انسان را از جنس مخالف به همجنس خود تغییر می‌دهد و این سبب می‌شود که کم‌کم تمایل انسان به جنس مخالف از میان برود یا ضعیف شود و پس از مدتی قادر به آمیزش طبیعی نباشد که این انحراف، ادامه‌ی نسل بشریت را در خطر قرار می‌دهد. و از این روست که اسلام با پدیده‌ی همجنس‌بازی به شدت برخورد و آن را از گناهان کبیره معرفی کرده است که مجازات آن در برخی شرایط اعدام است. ۳. در حدیثی حکایت شده که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا خدا همجنس‌بازی مردان را حرام کرد؟ فرمودند: اگر آمیزش مردان با پسران حلال می‌بود، مردان از زنان بی‌نیاز می‌شدند و این باعث قطع نسل انسان و در نتیجه تعطیل شدن آمیزش طبیعی می‌شد و مفاسد زیاد (اخلاقی و اجتماعی) به بار می‌آورد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همجنس گرایان بی‌شرم هستند و گاهی درخواست خود را علناً اعلام می کنند. ۲. همجنس گرایی نکنید که شما را نسبت به راه طبیعی و صحیح ارضای غریزه‌ی جنسی (یعنی ازدواج با جنس مخالف) بی‌میل می کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۷۹ قرآن کریم در آیه‌ی هشتادم سوره‌ی هود به آرزوی دردمندانه‌ی لوط اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۰. قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (لوط) گفت: «ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم! یا به تکیه‌گاهی محکم پناه می‌بردم، (تا با شما مقابله کنم.)» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. لوط پیامبر علیه السلام آرزو می کرد که قدرت و امکاناتی داشت که می‌توانست امر به معروف و نهی از منکر کند و با همجنس‌بازان مبارزه نماید. ۲. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که آیه اشاره به امام عصر «عج» و یاران اوست. «۱» البته این گونه احادیث به نوعی مصداق آیه را مشخص می‌سازد؛ یعنی لوط آرزوی مردانی نیرومند و حکومتی پرقدرت همانند حکومت جهانی امام عصر علیه السلام را داشت که با انحراف و همجنس گرایی مبارزه کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لوط پیامبر علیه السلام در میان ملت خود غریب بود. ۲. اگر نتوانستید جلوی گناه را بگیرید، در اندیشه‌ی نیرو و تکیه‌گاهی باشید که شما را به هدف برساند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و یکم سوره‌ی هود به نزدیک شدن عذاب الهی برای قوم لوط و نجات خانواده‌اش اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۱. قَالُوا يَالُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸۰ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (فرشتگان) گفتند: «ای لوط! در واقع ما فرستادگان

پروردگـار توایم؛ (دست آنـان) به تو نخواهـد رسـید، پس در پـاره‌ای از شب، خـانواده‌ات را حرکت ده، و هیـچ یـک از شـما روی برنگرداند، مگر زن تو؛ [چرا] که آنچه به آنان رسد، به او (نیز) خواهد رسید؛ در واقع وعده‌گاه آنان صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟!» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. لوط پیـامبر که بـا فرشـتگان جوان‌نمـا در خـانه‌ی خود مورد هجوم هم‌جنس‌بـازان قرار گرفته بود، به شدّت ناراحت بود، ولی هنگامی که فرشتگان خود را فرستادگان الهی معرفی کردند، قلب سوخته‌ی لوط تسکین یافت و متوجه شد کـه لحظه‌ی نجـات از چنـگ ظالمـان فرار رسـیده است. ۲. فرشـتگان به لـوط گفتنـد: «آنـان به تـو دست نمی‌یابنـد (و آسـیبی به تو نمی‌رساننـد.)» در حالی که هـدف هم‌جنس‌بازان، فرشـتگان جوان‌نما بودند. این مطلب یا به خاطر آن است که فرشـتگان خود را از لوط جدا نمی‌دانستند و یا می‌خواستند اشاره کنند که ما فرشته هستیم و عدم دست‌رسی آنان به ما مسلم است و حتی آنان به تو هم آسیبی نمی‌رسانند. ۳. در آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی قمر می‌خوانیم که هم‌جنس‌بازان قصـد تجاوز به میهمانان لوط را داشـتند، اما چشم‌های آنـان نابینـا شـد و قـدرت حمله را از دست دادنـد؛ و در برخی احـادیث حکایت شـده که یکی از فرشـتگان مشتی خاک به صورت هم‌جنس‌گرایان پاشـید و آنان نابینا شدند. «۱» ۴. مفسـران قرآن در مورد جمله‌ی «هیـچ کس به پشت سـر توجه نکند.» چند احتمال داده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸۱ الف) هیچ کس به پشت سر نگاه نکند، که مقدمات عذاب شروع خواهد شد. ب) هیچ کس به فکر وسایل و اموال خود نباشـد و تنها خود را از مهلکه نجات دهید. ج) هیچ یک از خانواده‌ی لوط از این قافله عقب نماند. البته ممکن است که همه‌ی این احتمالات مقصود آیه باشـد و جمع آنهـا مانعی نـدارد. ۵. در مورد اسـتثنای همسر لوط، دو احتمال وجود دارد: نخست آن که همه‌ی خاندان لوط به پشت سـر نگاه نکردند، مگر همسر او که از این فرمان تخلّف کرد و گرفتار عذاب شـد. دوم آن که لوط مأمور شـد همه‌ی خانواده‌اش را از شـهر بیرون ببرد، مگر همسـرش را، که در شـهر باقی مانـد و گرفتار عذاب شد. «۱» ۶. به لوط دستور داده شد که شبانه از شهر خارج شود «۲» و عذاب تا صبح به تأخیر افتاد. در مورد علت تأخیر عذاب الهی تا صـبح، چنـد احتمال وجود دارد: الف) برای آن که لوط و خانواده‌اش فرصت یابنـد تا از شـهر بیرون بروند. ب) برای آن که شاید هم‌جنس‌گرایان که کور شـده بودنـد، این مطلب را برای مردم حکایت کننـد و آنان از خواب غفلت بیـدار شوند و به سوی خدا باز گردنـد. ج) برای آن که خـدا نمی‌خواست در دل شب به قوم لوط شبیخون بزنـد و آنان را عـذاب کنـد. باش تا صـبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸۲ ۷. خویشاوندی با پیامبر، معیار نجات از عذاب نیست، بلکه معیار نجـات، ایمان است و از آن جا که همسـر لوط، مؤمن نبود گرفتار عـذاب شـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خـدا هم‌جنس گرایان هتّاک را تحمّل نمی‌کنـد و آنان را عـذاب می‌نماید. ۲. خـدا از رهبران الهی دفـاع می‌کنـد و مؤمنان را از عـذاب نجات می‌دهـد. ۳. در نظام ارزشی اسلام، ضوابط بر روابط حاکم است. ۴. پیونـد خویشاوندی با رهبران الهی بدون پیوند مکتبی، موجب نجات نمی‌شود. *** قرآن کریم در آیات هشـتاد و دوم و هشتاد و سوم سوره‌ی هود به کیفیت عذاب قوم لوط اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۲ و ۸۳. فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِن سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ* مُسَوَّمَةً عِنـدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ و هنگامی که فرمان (عـذاب) مـا فرا رسـید، آن (شـهر) را زیر و زبر گردانیـدیم؛ و سـنگ [هایی از جنس گِلِ لایه لایه، بر آنان بارانـدیم!* در حالی که (سـنگ‌ها) نزد پروردگـارت نشانـدار بودنـد؛ و آن، از سـتمکاران دور نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم لوط گرفتار انحراف جنسـی بودنـد و همه چیز را دگرگون می‌ساختنـد و از این رو عذابی متناسب با گناه آنان فرود آمد و شـهرهای آنان را زیر و رو کرد. آنان بارانی از سخنان رکیک بر سر مردم می‌ریختند، و از این رو بارانی از تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸۳ سنگ بر آنان فرو ریخت. «۱» ۲. باریـدن سـنگ‌های گِلی پس از زیر و رو شدن شـهر، یا به خاطر تشدید عذاب آنها بود، به طوری که آثار آنها از زمین محو شود و یـا به خـاطر آن بود که هر کس از عـذاب اولیه نجات یافت، از میان برود. «۲» ۳. نشان‌دار بودن سـنگ‌ها، یا به خاطر آن بود که روشن شود این‌ها سـنگ‌های معمولی نیست و از این رو برخی گفته‌اند آنها شـباهتی به سـنگ‌های زمینی نداشتند؛ و یا برای آن بود که هر کـدام از این سـنگ‌ها برای فردی معین و نقطه‌ای خـاص نشـانه‌گیری شـده بود. ۴. قوم لوط سـتمکار بودنـد؛ زیرا آنان با

هم‌جنس‌بازی، هم به خود ستم می‌کردند و هم به ایمان و اخلاق انسانی جامعه و هم به میهمانان لوط پیامبر. ۵. هر گروه هم‌جنس‌گرا و ملت ستم پیشه‌ای ممکن است سرنوشت قوم لوط را پیدا کند و زیر باران سنگ‌ریزه‌ها یا باران بمب‌ها و فشارهای اجتماعی از پای در آید. ۶. در مورد اخلاق قوم لوط در تاریخ آمده است که در محافل آنان انواع منکرات و اعمال زشت و فحش‌های رکیک و کف‌زنی و قمار و بازی‌های بچه‌گانه وجود داشت و پرتاب سنگ به عابران و استفاده از انواع آلات موسیقی در میان آنان مرسوم بود تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸۴ و در جامعه، بدن خود را برهنه می‌نمودند. «۱» آری؛ اکنون نیز در جهان غرب کشورهایی وجود دارند که به راه قوم لوط گام می‌نهند و حتی هم‌جنس‌بازی را قانونی اعلام می‌کنند. «۲» اما طبق وعده‌ی الهی، ان شاء الله به زودی گرفتار انواع عذاب‌ها می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا هم‌جنس‌گرایان هتّاک را متناسب با گناهانشان عذاب می‌کند. ۲. انحراف جنسی (هم‌جنس بازی) نکنید که نوعی ظلم است. ۳. ستمکاری (و هم‌جنس‌گرایی) موجب عذاب ملت‌ها می‌شود. ***

سرگذشت شعیب(ع)

قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و چهارم سوره‌ی هود به سرگذشت شُعیب پیامبر و هدف توحیدی و اندرزهای او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۴. وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْباً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّى أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ و به سوی (مردم) «مَدْيَن» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. پیمانه و ترازو را کم مگذارید، [چرا] که من شما را در نیکی (و ثروت فراوان) می‌بینم؛ و در حقیقت من از عذابِ روزی فراگیر، بر شما می‌ترسم! نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸۵ ۱. «مَدْيَن» نام شهر و قبیله‌ی شعیب پیامبر علیه السلام بود که در مشرق خلیج عقبه قرار داشت و مردم این شهر، که از فرزندان اسماعیل علیه السلام بودند، با لبنان، مصر و فلسطین تجارت داشتند. «۱» امروزه این شهر را «مَعان» می‌خوانند. آنان راه توحید را رها کردند و گرفتار شرک و بت‌پرستی شدند و برای رونق بازار خویش کم‌فروشی و تقلّب می‌کردند و خدا شعیب پیامبر صلی الله علیه و آله را به سوی آنان فرستاد تا آنان را هدایت کند. ۲. هدف و رسالت شعیب پیامبر علیه السلام، توحید و نفی شرک بود همان هدفی که همه‌ی پیامبران به دنبال آن بودند و زیربنای هرگونه اصلاح اجتماعی و اخلاقی جامعه‌ی انسانی است. ۳. «مِکیال» به معنای پیمانه و «میزان» به معنای ترازو است و کم کردن آنها به معنای کم‌فروشی و تقلّب و نپرداختن حقوق مردم و نوعی استثمار و ظلم به آنان است. ۴. پیامبران الهی در کنار امور اعتقادی و اخلاقی مردم، به امور اقتصادی آنان نیز توجه می‌کردند و با فساد اقتصادی مبارزه، و وضع جامعه را اصلاح می‌کردند. ۵. مفسران در مورد منظور شعیب علیه السلام از جمله‌ی «انّی اریکم بِخیرٍ» دو احتمال داده‌اند: نخست آن که، «من خیرخواه شما هستم» و اندرزهای من سبب خیر و برکت در تجارت و کاهش قیمت‌ها می‌شود. دوم این که، «من شما را دارای نعمتی فراوان می‌بینم.»؛ بنابراین دلیلی ندارد که کم‌فروشی کنید. ۶. «مُحیط» به معنای فراگیر است؛ یعنی روزی که (عذاب آن) فراگیر تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۸۶ است. این مطلب می‌تواند اشاره به عذاب آخرت یا مجازات‌های فراگیر دنیا باشد. ۷. تعبیر «اخاهُم» در مورد شعیب، یا اشاره به آن است که او از قبیله‌ی «مَدْيَن» بود و یا به آن که او رفتاری برادرانه و خیرخواهانه با مردم داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف شعیب (هم چون پیامبران دیگر) دعوت به توحید و نفی شرک بود. ۲. رهبران الهی با فساد اقتصادی جامعه مبارزه کنند. ۳. معاد عامل بازدارنده از گناه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و پنجم سوره‌ی هود به فساد اقتصادی مردم مدین و هشدار شعیب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۵. وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ و ای قوم [من ! پیمانه و ترازو را بر طبق دادگری، کاملًا ادا کنید؛ و به مردم [از روی ستم چیزهایشان را کم مدهید؛ و در زمین تبهکارانه فساد مکنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «بَخسْ» به معنای کم کردنِ

ظالمـانه است. البته کم کردن اموال افراد و ملت‌هـا در هر عصـری صورت‌هـای مختلفی دارد؛ ماننـد کم کردن از پیمانه و ترازو، وام دادن و ربـا گرفتن و اقسام اسـتثمار مردم، که همه‌ی صورت‌های آن محکوم است. ۲. فساد در جامعه شکل‌های گوناگون دارد؛ «۱» گـاهی به صورت کم فروشـی تفسیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۸۷ و گـاهی تغییر میزان‌هـا و مقیاس‌هـای اجتماعی، گاهی از طریق عیب گذاشـتن بر اموال و اشـخاص و یـا تجـاوز به آبرو، نـاموس و جان مردم است. ۳. بر قراری نظـام اقتصادی عادلانه در اسـلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و انحرافات اقتصادی سرچشـمه‌ی فساد در جامعه می‌شود. ۴. دستور عدالت اقتصادی، تنها شامل حال مؤمنـان نیست بلکه شامل همه‌ی مردم می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از اهـداف پیامبران، برقراری عدالت اقتصادی برای همه‌ی مردم است. ۲. در تمام شـئون اقتصادی و حقوق مردم چیزی از آنان کم نگذارید. ۳. رهبران الهی با فسادگری و انحرافات اقتصادی مبارزه کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و ششم سوره‌ی هود ادامه‌ی سخنان شعیب را در مورد اصلاحات اقتصادی مردم مدین بیان می‌کند و می‌فرماید: ۸۶. بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِن كُنتُم مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ذخیره الهی برای شـما بهتر است؛ اگر مؤمن باشـید. و من بر شـما نگهبان نیستم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «بَقیـةُ اللَّه» به معنـای «ذخیره‌ی الهی» است. این تعبیر یـا اشاره به سود حلال و انـدک است که به فرمـان خـدا باقی می‌مانـد، یا اشاره به آن است که به دست آوردن مال حلال سـبب دوام و بقای نعمت است و یـا اشـاره به ثواب‌هـای معنوی است که همیشه باقی می‌مانـد. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۸۸ ۲. جمله‌ی «اگر شما مؤمن باشـید»، اشاره به آن است که این حقایق را تنها کسانی درک می‌کنند که به خدا و حکمت دستوراتش ایمان داشته باشند. ۳. در حـدیثی از امام باقر علیه السـلام حکایت شده که فرمود: نخستین سـخنی که مهدی علیه السلام پس از قیام خود می‌گوید: همین آیه‌ی «بَقیةُ اللَّهِ خیرٌ لکم ان کنتُم مُؤمنین» است. سـپس می‌فرماید: من ذخیره‌ی الهی و حجّت او و جانشین او برای شما هستم. و هیچ کس بر مهـدی علیه السـلام سـلام نمی‌کنـد مگر این که می‌گویـد: «السـلام علیک یا بقیةُ اللّهِ فی أرضه». «۱» این گونه احـادیث در حقیقت بیان بطن آیه است؛ یعنی هر چند این آیه در مورد قوم شـعیب است و ذخیره‌ی الهی به معنای سرمایه‌ی اقتصادی آنان است، اما مفهوم «ذخیره‌ی الهی» جامع و وسـیع است که در عصـرهای بعـد مصـداق‌های دیگری می‌یابـد؛ از جمله هر موجود مفیدی که از طرف خـدا برای بشـر ذخیره شـده باشـد؛ از این رو تمـام پیـامبران و امامان و رهبران راستین و حتی سـربازانی که پس از پیروزی در جهاد برای ملت باقی می‌ماننـد، بَقیـةُ اللّهِ و ذخیره‌ی الهی هسـتند. «۲» و روشن‌ترین و کامل‌ترین مصـداق ذخیره‌ی الهی، امام مهـدی علیه السـلام هسـتند که برای پیروزی نهایی حق بر باطل باقی مانده‌اند و از این رو «بَقیةُ اللّه» لقب شایسـته‌ی آن حضرت است. تفسیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۲۸۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سـرمایه‌ی اندک و حلال و پاداش‌های معنوی، بهتر از درآمدهای بسـیاری است که حرام باشـد. ۲. پیـامبران نگهبـان مردم نیسـتند و چیزی را بر آنـان تحمیـل نمی‌کننـد. *** قرآن کریـم در آیـه‌ی هشـتاد و هفتم سوره‌ی هود پاسخ بی‌اساس و تمسـخرآمیز مردم مدین به شعیب را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۸۷. قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلاتُكَ تَأْمُرُكَ أن نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أو أن نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لأنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (مخالفان) گفتنـد: «ای شـعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهـد کـه (بگـویی:) آنچـه را پـدرانمان می‌پرستیدنـد، ترک کنیم؛ یـا این که در اموالمـان، آنچه را می‌خـواهیم انجـام [ن] دهیم؛ براستی که تو بردبـار [و] هـدایتگری!» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. پاسـخ مردم مـدین به سـخنان شـعیب چند چیز بود: الف) آنان در مورد دعوت به توحید و نفی شـرک گفتند: این مخالفِ روش پدران ماست؛ و خواسـتند بر تقلید کورکورانه از پدرانشان باقی باشند. ب) آنان در مورد اصلاحات اقتصادی و مبارزه با فساد و کم فروشی گفتند: این مطلب مخالف اقتصاد آزاد و آزادی اقتصادی ماست. ۲. مخالفان شـعیب بر روی نماز او تأکید کردند. این مطلب یا بدان سبب است که شعیب بسیار نماز می‌خوانده و مخالفان رابطه‌ی نماز و نهی از منکر را درک نمی‌کردند؛ و یا این که واژه‌ی نماز اشاره به مذهب شعیب بود؛ چرا که نماز سمبل دین است. ۳. نماز انسان را به یاد خـدا و دادگاه عـدل او می‌انـدازد و حسّ مسـئولیت و تقوا و حق‌شناسـی را در انسان زنده می‌کند؛ نماز غبار خودپسـندی و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۰ خودپرستی را از صـفحه‌ی دل می‌شوید و انسان را به عالم قدس و پاکی متوجه می‌کند و از این

روست که انسان را از شرک وبت‌پرستی و فساد اقتصادی و کم‌فروشی باز می‌دارد و نیز برخی از احکام نماز هم چون غصبی نبودن لباس، مانع فساد اقتصادی و کم‌فروشی و تقلّب می‌شود. آری؛ نماز انسان را از کارهای زشت و منکرات دور می‌سازد. «۱» ۴. مخالفان شعیب احتمالًا جمله‌ی: «تو به راستی بردبار و رشید هستی.» را برای تمسخر او گفتند و یا این که به راستی شعیب را این گونه یافته بودند و فکر می‌کردند مخالفت با خرافات و گناهان و عقاید گذشتگان با این صفات شعیب ناسازگار است. ۵. در ادیان پیشین نیز نماز بوده است؛ البته احتمالًا شکل و کمیت و کیفیت آن با نمازی که در اسلام است متفاوت بوده است. ۶. فسادگران اقتصادی، خواهان نظام اقتصادی کاملًا آزاد هستند تا هر گونه ستم و اجحافی که در حق مردم بنمایند. آنان هر گونه قانون‌مداری و عدالت اقتصادی را مانع راه خود می‌بینند، در حالی که آزادی مطلق سرمایه‌داری سبب فساد و فقر می‌شود و لازم است که امور اقتصادی جامعه تحت ضوابط و قوانین حساب شده‌ای باشد. ۷. ریشه‌ی انحراف اقتصادی آن است که انسان نعمت‌های الهی را «مال خود» بداند و برای خود، آزادی مطلق برای تصرف در آن قایل باشد، در حالی که در منطق دینی، ثروت مشروع، ذخیره‌ی الهی و از آن خداست که آن را به صورت امانت به بشر سپرده است. «۲» پس این خداست که حق دارد قوانین و شرایط تصرف در آن را مشخص کند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در معرض ریشخند مخالفان هستند (ولی صبور باشند). ۲. فسادگران اقتصادی، به دنبال آزادی بی قید و شرط اقتصادی هستند (تا هرگونه فسادی انجام دهند). ۳. رهبران الهی با تقلید کورکورانه‌ی مردم از نیاکانشان مخالفت کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی هود به اصلاح‌طلبی شعیب و منطق قوی او اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۸. قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِن رَبِّى وَرَزَقَنِى مِنْهُ رِزْقاً حَسَناً وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِى إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (شعیب) گفت: «ای قوم [من ! آیا به نظر شما اگر من بر دلیل روشنی از پروردگارم باشم، و از طرفش روزی نیکویی به من روزی کرده باشد، (آیا باز هم دست از دعوت خود بردارم؟) و [من نمی‌خواهم، که در مورد آنچه شما را از آن منع می‌کنم، با شما مخالفت کنم (و آن را مرتکب شوم، زیرا) تا آن جا که می‌توانم، جز اصلاح نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به (عنایت) خدا نیست؛ تنها بر او توکّل کردم؛ و تنها به سوی او باز می‌گردم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شعیب پیامبر علیه السلام در این سخنان می‌خواهد بیان کند که انگیزه‌ی او معنوی، انسانی، تربیتی و اصلاح‌طلبی است و خدا برای او حقایقی را بیان کرده که دیگران نمی‌دانند. ۲. تعبیر «یا قوم» در سخنان شعیب در این آیه و آیات قبل، سه بار تکرار شد. این تعبیر برای انگیزش عواطف مردم در راه حق است؛ بدین معنا که من از شما و شما از من هستید. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۲ ۳. قوم شعیب او را متهم می‌کردند که قصد سودجویی شخصی دارد، از این رو شعیب اشاره کرده که خود به آنچه می‌گوید عمل می‌کند و اگر مردم را از شرک و فساد اقتصادی و کم فروشی منع می‌کند، خودش نیز این کارها را انجام نمی‌دهد. ۴. «اصلاح» در اصل به معنای «سلامت از فساد و تباهی» است. این واژه شامل اصلاح در جسم، عقیده و عمل می‌شود؛ «۱» از این رو می‌توان گفت که «اصلاح» در این آیه شامل تمام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فکری، اخلاقی، فرهنگی و اعمال فردی می‌شود. ۵. یکی از اهداف پیامبران و رهبران دینی «اصلاح» است. اصلاح همه جانبه‌ی عقیده، اخلاق، کردار مردم و روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان، همگی از اهداف رهبران دینی است. ۶. اصلاح‌طلبی چند شرط دارد: الف) رعایت توانایی اصلاح‌گر و قدرت تغییر شرایط؛ ب) توکّل بر خدا و درخواست توفیق از او؛ ج) عمل کردن اصلاح طلبان بر طبق اصلاحاتشان. ۷. نبوّت بر اساس دلیل روشن پایه‌گذاری شده است. ۸. مقصود از «رزق نیکو» در آیه، یا روزی حلال و یا معرفت و یا نبوّت است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصلاح‌طلبان واقعی، پیامبران و رهبران الهی هستند. ۲. روزی نیکوی انسان از طرف پروردگار تأمین می‌شود. ۳. پیامبران برای مسائل مالی شخصی قیام نمی‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۳ ۴. رهبر قبل از دیگران اهل عمل باشد. ۵. توکل و تلاش به همراه هم باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی هود به اندرزهای هشدارآمیز شعیب اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۹. وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِى أَن يُصِيبَكُم مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ

صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنكَم بِبَعِيدٍ و ای قوم [من ! مخالفت با من شما را وادار نکند، که (عذابی) به شما برسد، همانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید؛ و قوم لوط از شما دور نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شعیب پیامبر علیه السلام در این آیه به این نکته‌ی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اشاره می‌کند، که گاهی افراد یا گروه‌هایی در جامعه به خاطر کینه ورزی با دیگران و یا تعصب نسبت به چیزی، تمام مصالح خویش را نادیده می‌گیرند و خود را گرفتار عذاب می‌کنند، در حالی که انسان عاقل و واقع‌بین کسی است که حق را حتی از دشمن بشنود و بپذیرد. ۲. درباره‌ی عبارت «قوم لوط از قوم شعیب دور نیستند»، چند احتمال وجود دارد: الف) اشاره به آن باشد که فاصله‌ی زمانی دو قوم از یک‌دیگر زیاد نبود. ب) اشاره به آن باشد که فاصله‌ی مکانی شهر «مَدین» که محل زندگی قوم شعیب بود از سرزمین قوم لوط زیاد نبود چرا که هر دو در منطقه‌ی شامات (یعنی حوالی فلسطین، لبنان و سوریه‌ی فعلی) زندگی می‌کردند. ج) اشاره به آن باشد که قوم لوط و قوم شعیب هر دو فسادگر بوده‌اند؛ یکی انحراف جنسی داشت و یکی انحراف اقتصادی و هر دو نظام اجتماعی و تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۴ فضایل اخلاقی جامعه را تباه می‌ساختند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفت با رهبران الهی فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۲. به خاطر مخالفت با یک فرد، سرنوشت خود و جامعه را به آتش نکشید. ۳. از سرنوشت عذاب‌آلود اقوام گذشته عبرت بگیرید. ۴. رهبران الهی و مبلغان دینی با هشدار و بیان نمونه‌های محسوس، مردم را بیدار و هدایت کنند تا از عذاب الهی نجات یابند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نودم سوره‌ی هود به دو راهکار نجات قوم شعیب اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۰. وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّی رَحِيمٌ وَدُودٌ و از پروردگارتان، آمرزش بخواهید؛ سپس به سوی او باز گردید؛ [چرا] که پروردگارم مهرورز [و] دوستدار (بندگان) است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که مردم «مَدْین» گرفتار شرک و کم‌فروشی بودند، نخست شعیب علیه السلام از آنان خواست که طلب آمرزش و استغفار کنند، تا از گناهان پاک شوند و آمادگی حضور در پیشگاه خدا را پیدا کنند و آن گاه به سوی او باز گردند. ۲. «وَدُود» صیغه‌ی مبالغه است و اصل آن به معنای محبت و دوستی است که دارای آثار مستمر باشد؛ بنابراین این واژه به معنای آن است که خدا «بسیار دوست‌دارِ بندگان» است و این دوستی او پایدار و دارای آثار و برکات است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبر دینی در کنار بیان انحرافات و هشدارها، راه حل‌ها را نیز ارائه کند و راهکار اصلاح را به مردم نشان دهد. ۲. به سوی خدا باز گردید که خدا مردم را بسیار دوست دارد (و از استغفار و توبه‌ی آنان استقبال می‌کند). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی هود به پاسخ‌های توهین‌آمیز و تهدیدآمیز قوم شعیب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۱. قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيراً مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفاً وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، به طور عمیق نمی‌فهمیم، و قطعاً ما تو را در میان خود کم‌توان می‌بینیم؛ و اگر قبیله‌ی کوچکت نبود، حتماً سنگسارت می‌کردیم! و تو برای ما (قدرت) شکست‌ناپذیری نیستی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخنان شعیب پیامبر علیه السلام در برابر مخالفان، منطقی و پندآموز بود اما پاسخ‌های مردم مَدْین حکایت از نوعی لجاجت، جهل و تهدید می‌کرد. ۲. آنان می‌گفتند که ما بسیاری از سخنان تو را عمیقاً درک نمی‌کنیم؛ یعنی سخنان تو باارزش نیست که ما بخواهیم در مورد آنها تفکّر کنیم و آنها را ملاک عمل قرار دهیم؛ پس خود را خسته نکن. ۳. مخالفان، شعیب را فردی ضعیف می‌شمردند و این گونه به او توهین می‌کردند و اشاره می‌نمودند که تو توانایی اجرای سخنان و هشدارهایت را تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۶ نداری. ۴. «رَهْط» به گروه سه یا هفت یا ده و حد اکثر چهل نفری گفته می‌شود. این تعبیر مخالفان در مورد قبیله و خویشاوندان شعیب نیز نوعی تحقیر او بود؛ یعنی می‌خواستند بگویند: فامیل تو نیز اندک‌اند و قدرتی ندارند؛ ولی ما به احترام آنان، تو را سنگ‌باران نمی‌کنیم.» ۵. مخالفان شعیب گروهی خودبین و خودخواه بودند و دیگران را افرادی ضعیف و حقیر می‌پنداشتند و از همین رو در برابر پیامبرشان موضع گرفتند و سرانجامِ بدی پیدا کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان پیامبران منطق و دلیل نداشتند و با توهین و تهدید با آنها برخورد می‌کردند. ۲. رهبران و مبلغان دینی آمادگی شنیدن اهانت‌های مخالفان را داشته باشند (که این روش آنهاست). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی هود به

پاسخ منطقی و هشدار دهنده‌ی شعیب به مخالفان اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۲. قَالَ یَا قَوْمِ أَرَهْطِی أَعَزُّ عَلَیْکُم مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَکُمْ ظِهْرِیّاً إِنَّ رَبِّی بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِیطٌ (شعیب) گفت: «ای قوم [من ! آیا قبیله‌ی کوچک من، نزد شما عزیزتر از خدا است؟! در حالی که (فرمان) او را [ترک کرده و] پشت سرتان انداخته‌اید! در حقیقت پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید، احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان شعیب در بخشی از سخنان تهدیدآمیز خود گفتند: «اگر قبیله‌ی کوچک تو نبود، حتماً تو را سنگسار می‌کردیم.» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۷ و شعیب پاسخی منطقی به آنان داد و گفت: اگر شما رعایت قبیله‌ی کوچک مرا می‌کنید، چرا به خاطر خدای بزرگ سخنانم را نمی‌پذیرید؟ آیا قبیله‌ی کوچک من از خدای بزرگ در نظر شما عزیزترند؟ ۲. از آن جا که مردم مَدْین شعیب را تهدید کردند، او نیز پاسخ تهدیدآمیزی به آنان داد و گفت: «پروردگار من به اعمال شما احاطه دارد.»، پس مراقب کارهای خود باشید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به سخنان خدا بی‌توجهی نکنید. ۲. بیش از آن که رعایت اقوام، احزاب و گروه‌ها را بکنید، خدا را عزیز بدارید و برای او حساب باز کنید. ۳. خدا به همه‌ی اعمال انسان‌ها احاطه دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی هود به استقامت شعیب و هشدار او به مخالفانش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۳. وَیَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَی مَکَانَتِکُمْ إِنِّی عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن یَأْتِیهِ عَذَابٌ یُخْزِیهِ وَمَنْ هُوَ کَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَکُمْ رَقِیبٌ و ای قوم [من ! هر چه مقدور شماست انجام دهید، که من (هم) انجام می‌دهم. در آینده خواهید دانست چه کسی عذابی که رسوایش سازد، او را در رسد، و چه کسی است که او دروغگوست! و نگهبان (منتظر) باشید، که من (هم) با شما نگهبان (ومنتظر) م!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شعیب علیه السلام به مخالفان اشاره می‌کند که شما با قدرت و ثروت خود در انتظار پیروزی بر من باشید و من نیز در انتظارم که عذاب دردناک الهی به تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۸ زودی شما گمراهان را فراگیرد. «۱» ۲. در واقع شعیب به قوم خود گفت: من به وظیفه‌ی خود عمل می‌کنم و در انتظار امداد الهی می‌مانم و حتی اگر شما ایمان نیاورید باز هم استقامت می‌کنم؛ پس هر کاری می‌توانید، انجام دهید. «۲» البته این سخنان شعیب نشانه‌ی اعتقاد راسخ او به راه خویش و شجاعت اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تهدید مخالفان را با تهدید پاسخ دهید. «۳» ۲. رهبران الهی پایدار و شجاع در میدان عمل بمانند. *** قرآن کریم در آیات نود و چهارم و نود و پنجم سوره‌ی هود به فرجام عذاب‌آلود ستمکاران مَدْین و نجات شعیب و مؤمنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۴ و ۹۵. وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّیْنَا شُعَیْباً وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِینَ ظَلَمُوا الصَّیْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِی دِیَارِهِمْ جَاثِمِینَ* کَأَن لَمْ یَغْنَوْا فِیهَا أَلَا تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۲۹۹ بُعْداً لِمَدْیَنَ کَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ و هنگامی که فرمانِ (عذاب) ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمتی از جانب‌مان نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، آن بانگ (مرگبار) فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پا در آمدند!* (آنچنان نابود شدند که) گویا در آن (خانه‌ها) ساکن نبودند! آگاه باشید، (مردم) مَدْین (از رحمت خدا) دور باد، همان گونه که (قوم) ثمود دور شدند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «صَیْحه» به معنای هرگونه صدای عظیم است و این صدای عظیم که سبب نابودی مردم گناهکار مَدْین شد، احتمالًا به همراه صاعقه یا مانند آن بود و یا امواج صوتی عظیمی بود که سبب مرگ آنان شد. «۱» ۲. از تحلیل سرگذشت شعیب و پیامبران دیگری که بیان شد، استفاده می‌شود که آنان در برنامه‌ی خود چند مرحله را می‌گذراندند: الف) نخست مردم را به سوی خدا فرا می‌خواندند و از شرک و گناه منع می‌کردند و در این مرحله به آگاه ساختن جامعه و اندرز می‌پرداختند. ب) در مرحله‌ی دوم که سرسختی مخالفان و بی‌اعتنایی آنان به اندرزها را می‌دیدند، اتمام حجّت می‌کردند و به آنان هشدار می‌دادند که عذاب الهی در راه است. ج) در مرحله‌ی سوم عذاب الهی فرا می‌رسید و ستمکاران گمراه را نابود می‌ساخت و مؤمنان راست‌کردار به راه کمال و سعادت می‌رفتند. ۳. در این آیه آمده است که مردم «مَدْین» ستمکار بودند. آنان با شرک ورزیدن، به خودشان ظلم می‌کردند؛ با کم‌فروشی به دیگران ستم می‌نمودند و نیز با لجاجت و توهین به حضرت شعیب ستم می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام ستمکاران عذاب‌آلود است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۰ ۲. عذاب الهی نابود کننده است. ۳. ایمان آورید و همراه رهبران الهی باشید تا نجات یابید. ***

سرگذشت موسی(ع)

قرآن کریم در آیات نود و شـشم و نود و هفتم سوره‌ی هود به سـرگذشت موسـی و فرعون اشاره کرده، می‌فرمایـد: ۹۶ و ۹۷. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ* إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ و یقیناً موسـی را با نشانه‌های (معجزه آسـای) مـان و دلیلی آشـکار،* به سوی فرعون و اشـراف او فرسـتادیم، و [لی اشـراف از فرمـان فرعون پیروی کردنـد؛ در حالی که فرمان فرعون، هـدایتگر نبود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی هود شامل سـرگذشت تعـداد زیادی از پیامبران الهی است. در این سوره سرگـذشت نوح، هود، صالح، لوط، ابراهیم و شـعیب علیهم السـلام را مرور کردیم و اینک، در هفتمین قسـمت، سـرگذشت موسـی علیه السـلام را می‌خوانیم. در قرآن مکرر (در بیش از سی سوره و بیش از صد بار) به سرگذشت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل و مبـارزات آنها با فرعونیان اشاره شـده است. ۲. ویژگی مهم سـرگذشت موسـی علیه السـلام مبـارزات او با طاغوت زمان و حکومت جبّار فرعون است که در این آیه نیز به این مطلب اشاره شـده است. ۳. واژه‌ی «آیـات» به معنـای «نشانه‌ها» ست و در این جا مقصود معجزات روشن موسی (هم چون عصا) است. ۴. «سُلطان» در اصل به معنای تسلّط است که گاهی به معنای تسلّط ظاهری و گاهی به معنای تسلّط منطقی است. در این جا نیز به همین معنای دوم است؛ یعنی دلایلی روشن‌گر که مخالفان را در بن‌بست قرار می‌دهـد و هیچ راهی برای فرار آنان باقی نمی‌گـذارد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۱ ۵. مقصود از «مَلأ» شخصیت‌های چشم پرکن هم چون اشراف و اطرافیان ستمکاران‌اند که در واقع تو خالی‌اند. ۶. «رَشید» در اصل به معنای هدایت به سوی خیر و صلاح است که در برابر گمراهی قرار می‌گیرد؛ و شامل هـدایت در امور دنیوی و اخروی می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسولان الهی، دارای دلایل و نشانه‌هـای معجزه‌آسا بودنـد. ۲. دلایـل شـما روشـن و روشـن‌گر باشـد. ۳. یکی از اهـداف پیـامبران، نجـات مردم از دسـت طاغوت‌هاست. ۴. طاغوت‌ها و رهبران باطل هدایتگر بشر نیستند. *** قرآن کریم در آیات نود و هشتم و نود و نهم سوره‌ی هود به پیشوایی فرعون برای فرعونیان در روز رسـتاخیز و سرنوشت شوم آن‌ها در دنیا و آخرت اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۸ و ۹۹. يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ* وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ روز رسـتاخیز (فرعون) در پیشـاپیش قومش خواهـد رفت، و آنـان را وارد آتش می‌کنـد؛ و کسـانی که وارد شده‌انـد، چه بـد ورودگـاهی (برای آنان) است!* (فرعونیان) در این [دنیا] و روز رسـتاخیز، لعنتی در پی آنان روانه شده است. و آنچه که (به آنان) بخشـیده شد، چه بد عطایی است! نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. رسـتاخیز، جهـانی است که کردار مـا در آن جـا مجسّم می‌شود و خوش تفسیر قرآن مهر جلـد نهم، ص: ۳۰۲ بختی‌هـا و بـدبختی‌های مـا در قیامت، پرتـوی از کارهـای مـا در دنیـاست. از این رو در آیه‌ی قبـل آمـده بود: فرعون در دنیـا رهـبر ستمکـاران و گمراهـان قـوم خـویش بود؛ و در این آیه آمـده است که او در آخرت نیز پیشوای آنـان است و آنهـا را به سوی آتش رهبری می‌کند. «۱» ۲. رهبران باطل به جای آن که پیروان خود را به سوی چشـمه‌ی گوارایی از آب زلال و باغ‌های بهشتی ره‌نمون شونـد، آنها را به طرف آتش سوزان جهنم می‌برنـد. ۳. هر کس پیرو رهـبری باشـد، از او بهره‌ای می‌برد، و رهـبری او برایش سودی دارد، امـا پیروی از رهبران باطـل و فرعون‌ها نتیجه و پاداش بـدی به دنبال دارد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبر ستمکاران در آخرت نیز جلودار پیروان خود است و آنـان را به سوی آتش هـدایت می‌کنـد. ۲. پیرو طاغوت‌ها نباشـید که فرجامی عذاب‌آلود و لعن‌آمیز دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـدم سوره‌ی هود در یـک جمع‌بنـدی از سـرگذشت‌های پیامبران می‌فرمایـد: ۱۰۰. ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ این [مطالب از اخبار بزرگ آبادی‌هاست! آن را برای تو حکایت می‌کنیم، که برخی از آنها (هنوز) بر پاست و (برخی) دِرو شده‌انـد، (و تفسـیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۳ آثارشـان از میان رفته است.) نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قائم» اشاره به شـهرها و آبادی‌هایی است که از اقوام پیشـین به جا مانـده است؛ ماننـد سـرزمین مصـر که جایگاه فرعونیان بود، ولی هنوز اهرام خیره کننـده‌اش باقی است. ۲. «حَصـید» به معنای «درو شده» است و به سـرزمین‌هایی اشاره دارد که به کلی ویران گشته

است؛ هم چون سرزمین قوم نوح که زیر آب رفت و سرزمین قوم لوط که زیر و زبر و سنگباران شد. «۱» ۳. در قرآن تمام اخبار و ریزه کاری‌های داستان مردمان و شهرهای گذشتگان نیامده است، بلکه قسمتی از سرگذشت آنان که مایه‌ی رشد و پندآموزی است، مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو قصه‌های قرآن خسته کننده نیست. ۴. خدا برای پیامبرانش سرگذشت و داستان‌های صادق گذشتگان را بیان می کند؛ پس قصه گویی و گزارشگری یکی از روش‌های هدایت است. ۵. قصه‌های قرآن چند ویژگی مهم دارد: الف) دل نشین و جذّاب است. ب) پندآموز و هشداردهنده است. ج) بخش مهم مطالب و گزارش‌های تاریخی را بیان می کند، نه همه‌ی آنها را و از این رو ملال‌آور نیست. د) برخی قصه‌های قرآن اخبار غیبی است؛ از این رو دلیل حقانیّت پیامبر است. ه) سنت‌ها و قوانین الهی را در بستر تاریخ به نمایش می گذارد. و) الگوسازی می کند. ز) صادق و واقعی است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا برای انسان اخبار واقعی را در قالب قصه بیان می کند. ۲. به سرگذشت اقوام هلاک شده و آثار آنان توجه کنید (و عبرت بگیرید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و یکم سوره‌ی هود با اشاره به عوامل هلاکت اقوام پیشین می‌فرماید: ۱۰۱. وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلكِن ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِی یَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مِن شَیْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّکَ وَمَا زَادُوهُمْ غَیْرَ تَتْبِیبٍ و (ما) به آنان ستم نکردیم؛ و لیکن (آنان) بر خودشان ستم کردند؛ و هنگامی که فرمان (عذاب) پروردگارت فرا رسید، معبودانشان که، غیر از خدا می‌خواندند، پس هیچ چیزی از (عذاب) را از آنان دفع نکردند؛ و جز زیان و هلاکت بر آنان نیفزودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دو عامل نابودی ملت‌ها عبارت‌اند از: الف) ظلم به خویشتن؛ ب) شرک و پناه بردن به غیر خدا. البته در حقیقت عامل دوم به عامل اول بازمی گردد؛ چون هرگونه شرک، ظلم به خویشتن است. ۲. مقصود از «ظلم به خویشتن» آن است که اقوام پیشین راه هدایت را رها کردند و به راه گمراهی و شرک رفتند و سرمایه‌های خود را هدر دادند و بدین ترتیب، به خود ستم نمودند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری ننمایید که اقوام پیشین در اثر ظلم به خویشتن نابود شدند. ۲. خدا ستمگر نیست (پس عوامل ستمکاری و نابودی را در درون خود تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۵ جست و جو کنید). ۳. شرک و بت‌پرستی از عوامل زیان کاری و هلاکت انسان است. ۴. (غیر خدا را نپرستید که) معبودان دروغین نمی‌توانند مانع عذاب الهی شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوم سوره‌ی هود به قانون الهی در مورد مجازات ستمکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۲. وَكَذلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ و اینچنین است (سخت) گیری پروردگار تو، هنگامی که (بر مردم) آبادی‌ها، در حالی که آنها ستمگرند، (سخت) گیری می کند؛ براستی که (سخت) گیری او دردناک [و] شدید است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «ظلم»، معنای وسیع آن است که شامل همه‌ی گناهان می‌شود، که مصداق بارز آن ظلم به خویشتن و شرک است. ۲. ستمکاری شهر و آبادی به معنای ستمکاری اهل و مردم آن شهرهاست، ولی گویا آنان آن قدر در بیدادگری فرو رفته‌اند که گویی شهر یک پارچه ستم شده است. ۳. مؤاخذه و مجازات ستمکاران، یکی از شئون ربوبیّت خداست؛ یعنی بدین وسیله مردم را تربیت می کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر قوم و ملتی دست به ستمکاری بزند (و به راه‌نمایی پیامبران توجه نکند)، عذاب الهی آن را به سختی فرو می گیرد. ۲. قانون الهی مجازات ستمکاران عمومی است و همه‌ی ملت‌ها را شامل می‌شود (و شما نیز از آن مستثنا نیستید). تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۶ ۳. ستمکاری نکنید تا از عذاب سخت الهی نجات یابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی هود به ویژگی‌های قیامت اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۳. إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الآخِرَةِ ذلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ قطعاً در این [سرگذشت‌ها] نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت بترسد! آن روزی است که مردم برای آن گردآوری می‌شوند، و آن روزی است که مورد مشاهده (همگان) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرای آخرت و عذاب‌هایش با این جهان و مجازات‌هایش قابل مقایسه نیست. آن سرا از هر نظر وسیع‌تر و عظیم‌تر است و از این روست که مؤمنان با دیدن عذاب‌های دنیوی تکان می‌خورند و عبرت می گیرند و راه خود را بازمی‌یابند. ۲. همه‌ی مردم در دادگاه عمومی قیامت گرد می‌آیند و آن را مشاهده می کنند. ۳. تعبیر «لَهُ النَاس» در این آیه بدان معناست که رستاخیز تنها ظرف اجتماع مردم

نیست، بلکه هدف و مقصد سیر تکاملی انسان‌هاست که به سوی آن پیش می‌روند. «۱» ۴. از تعبیر «مجموع» در این آیه می‌توان استفاده کرد که مردم اگر خودشان هم به طرف قیامت نیایند، آنها را گرد می‌آورند؛ یعنی امری دل خواه و اختیاری نیست. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرگذشت‌های اقوام پیشین درس عبرتی است برای کسانی که از آخرت می‌ترسند. ۲. از عذاب رستاخیز هراسناک باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی هود به محدودیت تأخیر زمان قیامت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۴. وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِاَجَلٍ مَعْدُودٍ و (ما) آن (قیامت) را، جز تا سرآمد مشخص شده‌ای، به تأخیر نمی‌اندازیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تأخیر محدود زمان رستاخیز برای آزمایش و پرورش انسان‌هاست تا برنامه‌های پیامبران اجرا شود و آخرین حلقه‌های تکامل جهان ظاهر گردد و سپس پایان آن اعلام شود. ۲. تعبیر «مَعدُود» به معنای محدود و شمرده شده است و به نزدیک بودن رستاخیز اشاره دارد؛ زیرا هر چیزی که قابل شمارش باشد، محدود و نزدیک است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دیری نخواهد پایید که قیامت از راه می‌رسد (پس برای آن روز آماده شوید). ۲. زمان قیامت مشخص شده است (هرچند غیر از خدا، کسی از آن اطلاعی نداشته باشد). ۳. اگر کاری را به تأخیر انداختید، مدت و زمان آن را مشخص سازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۸ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجم سوره‌ی هود مردم را به دو گروه سعادتمندان و شقاوتمندان تقسیم می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۵. یَوْمَ یَأْتِ لَا تَکَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِیٌّ وَسَعِیدٌ روز (رستاخیز) که فرا رسد، هیچ کس جز با رخصت او سخن نمی‌گوید؛ پس برخی از آنان بدبخت و (برخی) نیک بختند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سعید» از ماده‌ی «سعادت» و به معنای فراهم بودن اسباب نعمت است و واژه‌ی «شقی» از ماده‌ی «شقاوت» و به معنای فراهم بودن اسباب گرفتاری و مجازات است. ۲. دو گروه شدن انسان در رستاخیز ربطی به مسئله‌ی جبرگرایی ندارد، بلکه شقاوت و سعادت چیزی جز نتیجه‌ی کردار، گفتار و افکار انسان در دنیا نیست. اگر شقاوت و سعادت ذاتی باشد و جبرگرایی را بپذیریم، با آیات قرآن ناسازگار است و اصولًا تعلیم و تربیت انسان و فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی لغو و بیهوده می‌شود و عذاب و ثواب نیز بی‌فایده و نوعی ظلم به شمار می‌آید. پس این آیه به طور کلی خبر می‌دهد که انسان‌ها چون اختیار دارند و برخی راه سعادت و برخی راه گمراهی را می‌پیمایند، در نتیجه، در رستاخیز دو گروه سعادتمند و بدبخت خواهند بود. ۳. برخی از آیات قرآن سخن گفتن انسان‌ها در رستاخیز را نفی می‌کند «۱» اما از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که مردم در رستاخیز می‌توانند با رخصت الهی سخن بگویند. به خاطر آن که مردم در رستاخیز مراحل و مواقف مختلفی را تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۰۹ می‌پیمایند؛ در برخی مراحل هیچ پرسش و پاسخی انجام نمی‌شود و بر دهان انسان مهر می‌نهند و اعضای بدنش سخن می‌گویند و در برخی مراحل با رخصت الهی سخن می‌گوید و به گناهان خود اعتراف می‌کند. ۴. سخن گفتن انسان‌ها در رستاخیز ممکن است به همین صورت معمولی، یعنی سخن گفتن با دهان «۱» و یا به صورت کشف اسرار و بروز و ظهور مطالب باشد؛ یعنی سخنان او همان بازتاب اعمال اوست که ظاهر می‌شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخن گفتن در رستاخیز بدون رخصت الهی ممکن نیست. ۲. مردم در رستاخیز به دو گروه اساسی تقسیم می‌شوند، سعادتمندان و شقاوتمندان (شما جزء کلامین گروه هستید؟). ۳. تا دیر نشده در اندیشه‌ی سعادت خود باشید و گفتنی‌ها را بگویید.

***

رستاخیز

قرآن کریم در آیات صد و ششم و صد و هفتم سوره‌ی هود به سرنوشت عذاب‌آلود شقاوتمندان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۶ و ۱۰۷. فَأَمَّا الَّذِینَ شَقُوا فَفِی النَّارِ لَهُمْ فِیهَا زَفِیرٌ وَشَهِیقٌ* خَالِدِینَ فِیهَا مَا دَامَتِ السَّماوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّکَ إِنَّ رَبَّکَ فَعَّالٌ لِمَا یُرِیدُ و امّا کسانی که بدبخت شدند، پس در آتش‌اند؛ در حالی که برای آنان در آن جا، فریاد و ناله‌ای است!* [و] در آن جا تا هنگامی که آسمان‌ها و زمین برپاست ماندگارند، جز آنچه پروردگارت بخواهد؛ [چرا] که پروردگارت آنچه را بخواهد انجام

می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «زَفیر» در اصل به معنای بار سنگین است که بر دوش می‌گیرند و سبب ناله می‌شود و در این جا به معنای فریادکشیدنی است که با بیرون دادن نَفَس همراه باشد؛ و «شَهیق» در اصل به معنای طولانی بودن است و در این جا به معنای ناله‌ی همراه با فرو بردن نَفَس است و این دو واژه نشان دهنده‌ی فریاد و ناله‌ی کسانی است که از شدت عذاب، ناراحتی همه‌ی وجود آنان را پر کرده است. ۲. «خالدین» در اصل به معنای هر نوع بقای طولانی است و در این جا همراه با قید «تا آسمان‌ها و زمین بر پاست» آمده است. برخی از مفسران بر آنانـد که این تعبیر در ادبیات عرب کنایه از ابدیت و جاودانگی است. «۱» اما برخی دیگر برآنانـد که تعبیر «خالدین» در آیه‌ی فوق به معنای جاودانگی نیست؛ چراکه آسمان‌ها و زمین ابدی نیستند و روزی انرژی خورشید پایان می‌یابد و زمین ویران می‌گردد. «۲» ۳. مفسران قرآن در مورد جمله‌ی استثنای «مگر آنچه پروردگارت بخواهد.»، احتمالات متعددی داده‌اند، از جمله این که: الف) این جمله برای بیان قدرت خداست؛ یعنی این که گفته شد مجازات شقاوتمندان در آتش، جاودانی است، به معنای جبر و محدود شدن قدرت پروردگار نیست، بلکه قدرت و اراده‌ی خدا بر همه چیز حاکم است. ب) این جمله مربوط به مؤمنان خطاکاری است که در گروه شقاوتمندان جای گرفته و وارد آتش می‌شوند، ولی مستحق عذاب جاودانه نیستند و پس از مدتی با اراده‌ی الهی نجات می‌یابند. ۴. ممکن است این پرسش مطرح شود که مجازات ابدی با گناهان تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۱ محدود در عمر کوتاه انسان چه تناسبی دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت: اولًا در رستاخیز تنها کسانی به عذاب جاویدان گرفتار می‌شوند که گناه، فساد، کفر و شرک تمام وجود آنان را فرا گرفته باشد و راه‌های نجات را به روی خود بسته باشند و مجازات‌های رستاخیز نیز اثر طبیعی و نتیجه‌ی اعمال انسان‌هاست که دامانشان را می‌گیرد. و ثانیاً، رابطه‌ی بین گناه و کیفر، رابطه‌ی کیفی است نه رابطه‌ی کمّی و زمانی؛ یعنی مقدار زمان مجازات متناسب با کیفیت گناه است و از این روست که در قوانین دنیایی نیز، برای عمل قتل که ممکن است در یک لحظه انجام شده باشد، زندان ابد در نظر گرفته می‌شود. ۵. تعبیر «شَقَوا» فعلِ معلوم است؛ یعنی انسان‌های شقاوتمند به دست خود بدبخت می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام شقاوتمندان ماندگاری در آتش است، مگر (در مورد خطاکارانی) که خدا بخواهد آنان را نجات بخشد. ۲. مراقب باشید شقاوتمند نگردید که شقاوتمندان با ناله و فریاد در دوزخ قرار می‌گیرند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی هود با اشاره به بهشتی بودن سعادتمندان می‌فرماید: ۱۰۸. وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا ما شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ و امّا کسانی که نیکبخت شدند، پس در بهشت‌اند، در حالی که در آن جا تا هنگامی که آسمان‌ها و زمین برپاست، ماندگارند، جز آنچه پروردگارت بخواهد. (این) بخششی قطع ناشدنی است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد جمله‌ی استثنای «مگر آنچه را پروردگارت بخواهد.» چند احتمال وجود دارد؛ از جمله این که: الف) نشان دهنده‌ی قدرت نامحدود پروردگار باشد. ب) در مورد مؤمنان خطاکاری باشد که به صف سعادتمندان پیوسته‌اند، ولی باید در آغاز به دوزخ بروند و پاک شوند و سپس به صف بهشتیان بپیوندند. ۲. تعبیر «سُعِدوا» به صورت فعل مجهول آمده است؛ یعنی «کسانی که سعادتمند شدند». این تعبیر شاید اشاره به آن باشد که سعادتمندی بستگی به تلاش انسان و عوامل دیگری هم‌چون توفیق الهی دارد، هر چند زمینه‌های توفیق نیز به دست خود انسان فراهم می‌شود. ۳. در حدیثی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حکایت شده که مقصود از بهشت و جهنم در این آیه، ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و ولایت دشمنان آنهاست. «۱» البته روشن است که این گونه احادیث بیان بطن آیه است؛ یعنی هر کس ولایت آل محمد را در دنیا داشته باشد، گویی در بهشت است؛ چون در قیامت بهشتی است. ۴. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: سعادتمند کسی است که از سرنوشت دیگران پند بگیرد و شقاوتمند کسی است که فریب هوای نفس و غرورش را بخورد. «۲» ۵. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که چهار چیز از اسباب سعادت و چهار چیز از اسباب شقاوت است: اما چهار چیزی که از اسباب سعادت است عبارت‌اند از: همسر تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۳ شایسته، منزل وسیع، همسایه‌ی شایسته و مرکب خوب. و

چهار چیزی که اسباب شقاوت است عبارت‌اند از: همسایه‌ی بد و همسر بد و خانه‌ی تنگ و مرکب بد. «۱» آری این عوامل و اسباب، در زندگی مادی و معنوی انسان نقش مؤثری دارند و می‌توانند از عوامل پیروزی یا شکست باشند. ۶. در حدیث دیگری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که از نشانه‌های شقاوت آن است که قطره‌ی اشکی از چشم انسان نریزد و سنگ‌دل شود و حرص شدیدی در تحصیل روزی و اصرار بر گناه داشته باشد. «۲» از مجموع این احادیث استفاده می‌شود که سعادت و شقاوت انسان، اختیاری است و بستگی به اعمال او دارد، نه به امور خرافی و شانس و جبر. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام سعادتمندان بهشت جاودان است. ۲. تلاش کنید از سعادتمندان باشید که سعادتمندان در بهشت ماندگارند و نعمت‌های آنان قطع نمی‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نهم سوره‌ی هود به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تسلّی می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۹. فَلَا تَکُ فِی مِرْیَةٍ مِمَّا یَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا یَعْبُدُونَ إِلَّا کَمَا یَعْبُدُ آباؤُهُم مِن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِیبَهُمْ غَیْرَ مَنقُوصٍ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۴ پس در مورد (باطل بودنِ) آنچه که آنان می‌پرستند، در تردید مباش. (آنان) پرستش نمی‌کنند، جز همان گونه که پیش از [آن] پدرانشان می‌پرستیدند؛ و قطعاً ما نصیبشان را ناکاسته، به طور کامل به آنان خواهیم داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلداری و تسلّی خاطر می‌بخشد که از انبوه مشرکان و بت‌پرستی آنان نهراسد و در شکست آنان تردیدی نداشته باشد و به امدادهای الهی مطمئن باشد. ۲. آیه این واقعیت را مجسّم می‌کند که سرگذشت‌ها و مجازات‌های پیشینیان اسطوره نبود، بلکه سنتی ابدی است که برای همه‌ی انسان‌ها اجرا می‌شود، هرچند ممکن است مجازات مشرکان یا نسل‌های ستمکار آیندگان به نوعی دیگر اجرا شود؛ همان طور که خدا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنان قدرتی عطا کرد که مشرکان و ستمکاران را درهم شکست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی از انحراف مردم، دچار تزلزل و تردید نشوند. ۲. ریشه‌های شرک را در تقلیدهای کورکورانه از نیاکان جست و جو کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دهم سوره‌ی هود به برخورد مردم با تورات و مهلت دادن به آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۰. وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ وَلَوْلَا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِی شَکٍّ مِنْهُ مَرِیبٍ و یقیناً به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و در آن اختلاف شد؛ و اگر نبود، سخن (سنت‌گونه‌ا) ی که از طرف پروردگارت (در مورد آزمایش و اتمام حجت بر آنان) از پیش مقرر شده بود، حتماً در میان آنان داوری می‌شد. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۵ و قطعاً آنان در مورد آن (کتاب) در شکی تردیدآمیز هستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مُریب» در اصل به شکی گفته می‌شود که بعداً پرده از روی آن کنار می‌رود و به یقین تبدیل می‌شود؛ بنابراین، در این آیه مقصود آن است که به زودی پرده از روی حقانیّت دعوت تو و عذاب الهی برداشته می‌شود و حقیقت امر بر آنان ظاهر می‌گردد. «۱» ۲. این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله تسلّی خاطر می‌دهد که اگر مردم مکه در مورد قرآن به اختلاف و بهانه‌جویی پرداختند، ناراحت نباش؛ زیرا در مورد تورات نیز چنین کردند. ۳. تأخیر عذاب مخالفان پیامبر، به خاطر مصالحی از نظر تعلیم و تربیت و هدایت بود. قانون و سنت الهی آن است که تا مردم را آزمایش نکند و حجت را بر آنان تمام ننماید، آنان را عذاب نمی‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از اختلافات مردم نگران نباش که این چیز تازه‌ای نیست و در تاریخ سابقه داشته است. ۲. خدا براساس سنت‌هایش به مخالفان مهلت می‌دهد. ۳. قانون‌گذاران، قوانین خود را رعایت کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و یازدهم سوره‌ی هود با بیان یک قانون کلی در مورد جزای اعمال، می‌فرماید: ۱۱۱. وَإِنَّ کُلًّا لَمَّا لَیُوَفِّیَنَّهُمْ رَبُّکَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا یَعْمَلُونَ خَبِیرٌ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۶ و قطعاً پروردگارت به هر کدام (نتیجه) اعمالشان را به طور کامل به آنان خواهد داد؛ [چرا] که او به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه نگفته است: «پاداش اعمالشان را به آنان می‌دهیم.»، بلکه فرمود: «اعمالشان را به آنان می‌دهیم.» این اشاره‌ای به تجسّم اعمال در قیامت است؛ یعنی در حقیقت پاداش و کیفر قیامت، همان اعمال تغییر شکل داده‌ی انسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نتیجه‌ی اعمال انسان‌ها به صورت کامل به آنان می‌رسد. ۲. خدا را ناظر برکردار خود بدانید (و مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوازدهم سوره‌ی هود چهار دستور مهم در مورد پایداری به پیامبر صلی الله علیه و آله

می‌دهد و می‌فرماید: ۱۱۲. فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ پس همان گونه که فرمان داده شدی پایداری کن! و کسانی که با تو (به سوی خدا) باز گشتند، (نیز پایداری کنند.) و طغیان مَکنید، [چرا] که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «فاستَقِم» از ماده‌ی «قیام» گرفته شده و به معنای طلب قیام است؛ یعنی در خود آن چنان حالتی ایجاد کن که سستی در تو راه نیابد. بسیار صبر باید، تا آن طبیب دل را در کوی دردمندان، روزی گذر بباشد (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۷ ۲. در این آیه چهار دستور اساسی به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شده است: الف) در میان جامعه‌ی عقب مانده و مشرکان لجوج و دشمنان زیاد استقامت کن، تا جامعه‌ای سالم و سربلند و با ایمان بسازی. ب) استقامت تو با انگیزه‌ی الهی و برای اجرای فرمان او باشد، نه به خاطر قهرمان شدن یا کسب ثروت و مقام. ج) همراهان خود را نیز به استقامت فرا خوان. د) در پایداری خود، اعتدال را رعایت کن، تا گرفتار افراط و تفریط و طغیان نگردی و از حدود الهی تجاوز نکنی. ۳. از ابن عباس مفسر بزرگ قرآن و شاگرد امام علی علیه السلام حکایت شده که هیچ آیه‌ای شدیدتر و مشکل‌تر از این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود نیامد و هنگامی که یاران از ایشان پرسیدند که چرا موهای شما سفید و آثار پیری در شما نمایان شده است، گفت: سوره‌ی هود و واقعه مرا پیر کرد. «۱» ۴. این آیه فرمانی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و آموزه‌ای برای تمام رهبران الهی، بلکه همه‌ی مسلمانان دیروز و امروز و فرداست که به این چهار فرمان الهی عمل کنند تا بر دشمنان پیروز شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام این آیه برای رهبران الهی، استقامت، اخلاص، رهبری مؤمنان و عدم سرکشی است. ۲. رهبر مسلمانان در پایداری پیش‌گام باشد. ۳. خدا به کارهای شما بیناست (پس مراقب کردار خود باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۸ قرآن کریم در آیه‌ی صد و سیزدهم سوره‌ی هود در مورد تکیه بر ستمگران هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۱۳. وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُم مِن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ و به سوی کسانی که ستم کردند، متمایل نشوید، که آتش [دوزخ به شما خواهد رسید! در حالی که جز خدا هیچ سرپرستی برای شما نیست؛ سپس یاری نخواهید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «لاـ تَرکَنُوا» از ماده‌ی «رُکن» به معنای ستون یا دیواره‌هایی است که ساختمان را سر پا نگه می‌دارد. این واژه در اصل به معنای میل به سوی چیزی، آرامش یافتن با آن است، سپس به معنای اعتماد و تکیه کردن بر چیزی به کار رفته است. «۱» ۲. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آیه‌ی فوق به دوستی، نصیحت و اطاعت ستمگران معنا شده است. «۲» و در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که این بدان معناست که شخصی نزد سلطان (ستمگر) بیاید و دوست داشته باشد که او زنده بماند تا دست داخل جیب خود کند و به او بخششی بنماید. روشن است که این گونه احادیث، موارد و مصادیق آیه را مشخص می‌سازد. ۳. مقصود از «ستمگران» در آیه‌ی فوق، تمام کسانی هستند که در جامعه دست به ظلم و فساد می‌زنند و از مردم بهره‌کشی ظالمانه می‌کنند، که مشرکان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از مصادیق آنها بودند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۱۹ البته این واژه شامل کسانی که گناه کوچک شخصی مرتکب شده‌اند نمی‌شود، مگر آن که در مورد همان گناه و ظلم کوچکش بر او تکیه و اعتماد شود. ۴. میل و تکیه بر ستمگران نکردن، بدان معناست که اولًا، در ستم‌هایش شرکت نکنید؛ ثانیاً، در مورد آنچه مایه‌ی ناتوانی جامعه‌ی اسلامی و از دست دادن استقلال و خودکفایی است، بر آنان تکیه نکنید و ثالثاً، نسبت با آنان دوستی و از آنان اطاعت نکنید. البته روابط تجاری یا علمی براساس حفظ منافع مسلمین و استقلال آنها اشکالی ندارد و به معنای تکیه بر آنان نیست و در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این روابط وجود داشته است. ۵. فلسفه و حکمت ممنوعیت تکیه و میل به ستمگران آن است که این امر: الف) سبب تقویت ستمگران و گسترش دامنه‌ی ظلم آنان می‌شود. ب) کم‌کم فرهنگ ستمکاری را در جامعه تشویق می‌کند و زشتی گناه را می‌زداید. ج) سبب وابستگی جامعه به ستمکاران می‌شود و استقلال و آزادی جامعه را از بین می‌برد. د) سبب دوستی و همکاری با ستمگران می‌شود و کم‌کم انسان در زمره‌ی آنان قرار دهد. ۶. یکی از معیارهای گناه کبیره آن است که برای آن وعده‌ی آتش داده شده باشد؛ از این جا روشن می‌شود که میل به ستمکاران و همکاری و دوستی و تکیه بر آنان از گناهان کبیره است. ۷. از طرفی، در

قرآن کریم آمده است که اطاعت از اولی الامر، یعنی امام و رهبر مسلمانان، واجب است و از طرف دیگر این آیه اشاره دارد که میل به ستمکاران و اطاعت از آنان حرام است؛ پس روشن می‌شود که امام و رهبر مسلمانان باید عادل باشد، نه ستمگر. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرگونه دوستی و وابستگی و تکیه بر ستمگران داخلی و خارجی ممنوع است. ۲. میل و تکیه بر ستمگران نکنید که سبب بی‌یاور شدن انسان و گرفتاری او در آتش می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهاردهم سوره‌ی هود به برخی نمازها و ویژگی گناه‌زدایی آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۴. وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ [چرا] که نیکی‌ها، بدی‌ها را (از میان) می‌برند؛ این یادآوری، برای یادآوران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «دو طرف روز» اشاره به نماز صبح و مغرب است که در طرف اول و آخر روز قرار گرفته‌اند. ۲. تعبیر «زُلَفاً» به معنای نزدیک است. این تعبیر در این آیه به قسمت‌های آغاز شب اشاره می‌کند که نزدیک به روز است؛ بنابراین بر نماز عشاء منطبق می‌شود. ۳. در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره شده است که آیه‌ی فوق نماز صبح، مغرب و عشا را بیان می‌کند. «۱» ۴. این آیه در میان نمازهای واجب پنج‌گانه فقط به سه نماز اشاره کرد. لزومی ندارد در یک آیه‌ی قرآن همه‌ی نمازها یادآوری شود. در قرآن طبق تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۱ مناسبت، گاهی از نماز ظهر «۱» و گاهی به همه‌ی نمازها «۲» و گاهی به سه نماز اشاره شده است. ۵. آیه‌ی فوق به یک قانون کلی در مورد تأثیر اعمال نیک در از میان رفتن آثار اعمال بد و گناهان بیان کرده است. ۶. نماز یکی از مصداق‌های روشن این آیه است که سبب از بین رفتن گناهان می‌شود. در حدیثی از سلمان فارسی حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله شاخه‌ی خشکی را تکان داد تا تمام برگ‌هایش ریخت، سپس فرمود: هنگامی که مسلمان وضو بگیرد و خوب وضو بگیرد، سپس نمازهای پنجگانه را به جا آورد، گناهان او فرو می‌ریزد، همان گونه که برگ‌های این شاخه فرو ریخت. و آن گاه آیه‌ی فوق را تلاوت کرد. «۳» و در حدیث دیگری، امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت می‌کند که نمازهای پنج‌گانه برای امت من هم چون نهر آب جاری است که بر در خانه‌ی یکی از شما باشد. آیا گمان می‌کنید، اگر کثافتی در تن کسی باشد، سپس پنج بار در روز در آن نهر غسل کند، چیزی از آن بر جسد او خواهد ماند؟ به خدا قسم! نمازهای پنج‌گانه برای امت من چنین است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۲ ۷. هرگاه انسان کار زشت یا گناهی انجام دهد، نوعی تاریکی در روح و روان او ایجاد می‌شود، و کار نیکی مثل نماز، روح انسان را لطیف می‌کند و تیرگی‌های گناه را می‌شوید. ۸. در احادیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: این آیه امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن است. «۱» البته در برخی احادیث، آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی نساء امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن معرفی شده است. این مطلب منافاتی با حدیث بالا ندارد؛ زیرا هر کدام از این آیات به زاویه‌ای نظر دارد و از همان جهت امیدبخش‌ترین آیه است. یعنی آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی نساء به امید آمرزش به وسیله‌ی توبه، و این آیه به امید آمرزش به وسیله‌ی نماز اشاره دارد. ۹. همه‌ی افراد از تذکرات الهی بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه افرادی که توجه می‌کنند تأثیر می‌پذیرند. ۱۰. این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌کند و به او فرمان نماز می‌دهد، اما در حقیقت، مقصود، پیامبر و تمام مسلمانان هستند؛ چراکه نمازهای واجب مخصوص ایشان نیست. ۱۱. سرّ تکرار نماز: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش، تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان بیاد بکند، با تلقینات و تکرارها بیش‌تر در نفس انسان نقش پیدا تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۳ می‌کند. نکته‌ی تکرار ادعیه و تکرار نماز در هر روز چندین دفعه و همیشه، این است که انسان با گفتن و شنیدن، خود انسان قرائت می‌کند و می‌شود این آیاتی که سازنده است، مثل سوره‌ی مبارکه‌ی حمد که یک درس سازنده است. انسان باید این‌ها را تکرار کند و تلقین کند و نفس را حاضر کند برای شنیدن. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نماز صبح و مغرب و عشا واجب است. ۲. با نیکی‌ها، بدی‌ها را از بین ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پانزدهم

سوره‌ی هود بار دیگر دستور شکیبایی می‌دهد و می‌فرماید: ۱۱۵. وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ و شکیبایی کن! [چرا] که در حقیقت خدا پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «صبر» یک اصل کلی و اساسی اسلامی است و هیچ کار نیکی بدون شکیبایی ممکن نیست؛ از این رو در پایان آیه به پاداش نیکوکاران اشاره می‌کند و البته صبر، خود یکی از روش‌های نیکوست. ۲. آیه‌ی فوق خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است و پس از دستور نماز آمده است، اما آیه یک مفهوم کلی و جامع را بیان می‌کند که شامل صبر در برابر مشکلات، گناهان و شکیبایی در انجام عبادات می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در کارها شکیبا باشید که روشی نیکو و پاداشمند است. ۲. پاداش نیکوکاران را بپردازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شانزدهم سوره‌ی هود به عوامل تباهی جامعه‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۶. فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ و چرا در گروه‌های پیش از شما، صاحبان ذخیره (خرد و فضیلت) نبودند، که از فساد در زمین منع کنند؟! مگر اندکی از کسانی که نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم کردند، به دنبال آنچه در آن کامرانی یافتند، رفتند، و خلافکار بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. معمولًا عرب تعبیر «صاحبان ذخیره» را برای صاحبان فضیلت و نیکان و پاکان به کار می‌برد؛ چراکه این انسان‌ها معمولًا چیزهای نیکو را ذخیره می‌کنند. این افراد در جامعه مسئولیت بیش‌تری دارند و لازم است نهی از منکر کنند؛ چون منکرات و فساد و پیامدهای منفی آنها را می‌شناسند و توانایی مبارزه با آن‌ها را دارند. ۲. پیروی از هوس، لذّت‌پرستی و عیش و نوش‌های بی‌قید و شرط، سرچشمه‌ی انواع انحرافات در طبقات مرفه جامعه می‌شود؛ چراکه پرداختن به این امور انسان را از ارزش‌های اصیل انسانی و درک واقعیت‌های اجتماعی بازمی‌دارد و غرق در گناه می‌سازد. ۳. در این آیه به این اصل اساسی جامعه‌شناختی اشاره شده که هرگاه تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۵ گروهی اندیشمند پاک نهاد و متعهد در جامعه حضور داشته باشند و رهبری فکری و عملی مردم را در مبارزه با مفاسد به عهده بگیرند، آن جامعه به تباهی کشیده نمی‌شود، اما هرگاه بی‌تفاوتی و سکوت در برابر عوامل فساد حاکم شد، آن جامعه گرفتار بلا و تباهی می‌شود؛ هم چون بدن انسانی که گلبول‌های سفید خود را از دست بدهد و میکرب‌ها بر آن تسلط یابند. ۴. در این آیه به افراد شایسته و صالح کمی که در اقوام پیشین بودند اشاره شده است؛ افرادی هم‌چون خانواده‌ی نوح و لوط و مؤمنانی که از آنان پیروی کردند، اما به سبب تعداد بسیار اندکشان توفیق اصلاح کلی جامعه را نیافتند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رمز سقوط ملت‌ها، بی‌تفاوتی در نهی از منکر بود. ۲. بیش‌ترین مسئولیت در جلوگیری از فساد، متوجه صاحبان علم و قدرت و فضیلت است. ۳. جوامعی گرفتار عذاب شدند که افراد مصلح آن در اقلّیت بودند. ۴. خدا دل‌سوزان مصلح جامعه را در هنگام عذاب نجات می‌دهد. ۵. فساد، ستمکاری، لذّت‌پرستی و خلافکاری از عوامل تباهی جامعه است. ***

قانون الهی:شهرهایی که اصلاح گر دارندهلاک نمیشوند

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفدهم سوره‌ی هود به یک قانون کلی در مورد نجات ملت‌ها از نابودی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۷. وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ و پروردگارت، هرگز آبادی‌ها را در حالی که مردم آن جا اصلاح‌گرند، ستمگرانه هلاک نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در هر جامعه‌ای معمولًا ظلم و فساد وجود دارد، اما مهم آن است که عموم مردم اصلاح‌طلب باشند که در این صورت خدا به آنان مهلت می‌دهد، ولی اگر جامعه‌ای گرفتار فساد شود و اهل آن مصلح نباشند، نابود خواهد شد. ۲. با توجه به تفاوت معنای مصلح و صالح، از این آیه استفاده می‌شود که جامعه‌های انسانی ممکن است به چند صورت باشند: الف) جامعه‌ی گرفتار فساد که افراد مصلح و صالح نداشته باشد؛ این جامعه تباه خواهد شد. ب) جامعه‌ای که گرفتار فساد شود و افراد صالح و شایسته در آن باشند، اما مصلح و اصلاح‌گر نباشند؛ این جامعه نیز رو به نابودی خواهد رفت. ج) جامعه‌ای که گرفتار فساد و ستم شود، ولی افرادی اصلاح‌طلب در آن باشند، که در این صورت

آن جامعه در مسیر اصلاح گام برمی‌دارد و به حیات خود ادامه می‌دهد. ۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که منظور از اصلاح در آیه‌ی فوق، انصاف مردم نسبت به یک‌دیگر است. «۱» روشن است که این گونه احادیث مصداق‌های آیه را بیان می‌کنند و مفهوم اصلاح در این آیه شامل همه‌ی اصلاحات سیاسی، اقتصادی، نظامی، اخلاقی و فرهنگی می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصلاح‌گران، مایه‌ی نجات جامعه از نابودی هستند. ۲. خدا جوامع بشری را که اصلاح‌طلب نباشند نابود می‌کند. ۳. برای نجات جامعه، صالح بودن کافی نیست، مصلح بودن لازم است. *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۷ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هیجدهم سوره‌ی هود به قانون الهی وجود تفاوت‌ها در میان مردم اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۸. وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، حتماً [همه مردم را یک امّت قرار می‌داد؛ و [لی پیوسته اختلاف کنندگانند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هیچ مانعی نداشت که خدا اجباراً همه‌ی انسان‌ها را یک‌نواخت و مؤمن بیافریند، اما سنت آفرینش بر آن است که انسان‌ها از نظر ساختمان روحی، جسمی، فکری و سلیقه‌ها مختلف آفریده شده‌اند و بر اساس آزادی اراده می‌توانند راه‌های متفاوتی را انتخاب کنند. ۲. اگر خدا همه‌ی انسان‌ها را یک‌نواخت می‌آفرید و مجبور به ایمان می‌کرد، این ایمان و وحدت ارزش نداشت و دلیل بر شخصیت افراد نبود و وسیله‌ای برای تکامل و استحقاق پاداش و ثواب نمی‌شد؛ چراکه بر اساس اختیار، انتخاب و اراده‌ی انسان‌ها نبود. ۳. اختلافات انسان‌ها در زمینه‌ی جسمی، فکری، سلیقه‌ها به همراه آزادی اراده، زمینه‌ساز رشد و تکامل انسان‌ها و در راستای هدف خلقت انسان است و ارزش و امتیازات انسان نسبت به فرشتگان و حیوانات در همین موارد است. «۱» ۴. هنگامی که تفاوت و آزادی اراده آمد، اختلافات طبیعی در بین بشر پیدا می‌شود و این سبب می‌شود که گروهی حق و گروهی باطل را بپذیرند و انسان‌هایی ارزشمندند که در این میدان از رحمت الهی استفاده می‌کنند و آزادانه کمال می‌یابند. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون و سنت الهی براساس آزادی و تفاوت و اختلاف انسان‌ها بنا گردیده است. ۲. انتظار نداشته باشید (بدون لطف الهی) اختلافات طبیعی انسان‌ها تمام شود. ***

رحمت الهی هدف آفرینش

قرآن کریم در آیه‌ی صد و نوزدهم سوره‌ی هود به یکی از اهداف آفرینش انسان‌ها اشاره کرده و با هشدار به آنها می‌فرماید: ۱۱۹. إِلَّا مَن رَحِمَ رَبُّکَ وَلِذلِکَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّکَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ مگر کسی که پروردگارت (بر او) رحم کند؛ و برای همین آنان را آفرید. و سخن (سنت‌گونه) پروردگارت به اتمام رسیده، که: قطعاً جهنّم را از (سرکشان) جن و انسان‌ها همگی پُر خواهم کرد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وسیله‌ی رفع اختلافات بین مردم، رحمت پروردگار است؛ یعنی کسانی که روابط اجتماعی خود را بر اساس رحمت و محبت بنیان می‌گذارند و رو به سوی رحمت‌آفرین می‌کنند و گوش به فرمان او می‌سپارند، اختلافاتشان به دوستی و همکاری مبدّل می‌شود.» ۲. برخی مفسران از آیه استفاده کرده‌اند که هدف خلقت انسان‌ها رحمت است و برخی دیگر استفاده کرده‌اند که هدف آفرینش انسان‌ها وحدت تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۲۹ است. «۱» البته این دو تفسیر با هم قابل جمع است، چون وحدت یکی از مصادیق رحمت الهی است. ۳. در آیات قرآن کریم اهداف متعددی برای آفرینش انسان بیان شده است: الف) پرستش: «من انسان‌ها و جنیان را نیافریدم، مگر برای این که پرستش کنند.» «۲» ب) رحمت الهی: مثل آیه‌ی فوق. ج) آزمایش مردم: « (آن خدایی) که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می‌کنید.» «۳» د) ملاقات پروردگار: «ای انسان تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات می‌کنی.» «۴» ه) به سوی خدا رفتن: «ما از خداییم و به سوی او می‌رویم.» «۵» هر کدام از این آیات یکی از اهداف یا ابعاد هدف خلقت انسان را بیان می‌کند و از مجموع این آیات استفاده می‌شود که آفرینش انسان دارای اهداف متعددی است که برخی مقدمه‌ی برخی دیگر است، ولی هدف نهایی همان رجوع به سوی خدا و ملاقات رحمت بی‌کران اوست. ۴. البته هدف خلقت انسان در حقیقت به خود انسان باز

می گردد، نه به خدا؛ یعنی هدف مخلوق است نه خالق؛ چراکه خدا موجودی بی‌نهایت و بی‌نیاز است پس کمبود و هدفی در خارج از ذات خود ندارد تا برای آن چیزی را بیافریند و اگر انسان را آفریده برای کمال و رشد خود انسان است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۰ ۵. در جمله‌ی آخر این آیه به این سنّت الهی اشاره شده که خدا جهنّم را از انسان‌ها و جنیان سرکش و خلافکار پر خواهد کرد. البته این به معنای جبر نیست و کسی مجبور نیست که به جهنّم برود، بلکه هر کس از دایره‌ی رحمت الهی خارج شد و به هدایت و راهنمایی پیامبران کفر ورزید، به دست خود راهی جهنّم می‌شود. ۶. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که مقصود از «کسانی که مورد رحمت قرار می گیرند.»، در آیه‌ی فوق، آل محمد علیهم السلام و شیعیان آنها هستند. «۱» روشن است که این گونه احادیث در صدد تعیین مصداق‌های آیه است که آل محمد علیهم السلام و شیعیان آنها رحمت‌پذیر و حق‌پذیرند، اما مفهوم آیه محدود و محصور نیست. ۷. جهنّم ظرفیت محدودی دارد که ممکن است پر شود؛ البته ممکن است تعبیر «پر شدن جهنّم» کنایه از فراوانی انسان‌های دوزخی باشد. ۸. جنّیان نیز مانند انسان‌ها تکلیف و کیفر و پاداش دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فلسفه‌ی خلقت بشر، (پذیرش و دریافت) رحمت الهی است. ۲. تنها راه برچیده شدن اختلافات و رسیدن به نقطه‌ی وحدت، لطف و رحمت پروردگار است. ۳. یکی از سنت‌های الهی آن است که جهنّم را از انسان‌ها و جنّیان خلافکار پر کند (پس مواظب رفتار خود باشیم). *** تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۱ اهداف آفرینش جهان و انسان از منظر قرآن کریم، جهان برای خدمت به انسان آفریده شده است؛ پس هدف آفرینش جهان، به کمال رسیدن انسان است و اهداف آفرینش انسان، همان اهداف آفرینش جهان به شمار می‌آید. الف) اهداف آفرینش انسان در قرآن: ۱. عبادت: (ذاریات، ۵۶)؛ ۲. رحمت: (هود، ۱۱۹)؛ ۳. علم: (طلاق، ۱۲)؛ ۴. ملاقات پروردگار: (انشقاق، ۶)؛ ۵. آزمایش: (ملک، ۲). در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که «خدای بزرگ بندگان را نیافرید جز آن که او را بشناسند و هنگامی که او را بشناسند عبادتش کنند و هنگامی که بندگی او را کردند از بندگی غیر او بی‌نیاز شوند.» «۱» تذکر: استاد شهید مطهری سفارش می‌کند که هدف خلقت را از اهداف پیامبران بشناسیم «۲» (ما اهداف بعثت پیامبران را در جلد اول بیان کردیم) ب) اهداف اصلی و فرعی: مقصود از هدف خلقت در این جا هدف خالق نیست، چون هدف داشتن او مستلزم نقص است، پس مقصود هدفِ فعل او، یعنی غایت و اهداف انسان است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۲ هدف اصلی همان کمالِ نهایی انسان، یعنی نزدیکی به خدا و لقاء اللّٰه است. اهداف فرعی و اصلی انسان را می‌توان بدین صورت نشان داد: علم و معرفت آزمایش عبادت (نقطه‌ی شروع) (تکامل بخش) (بستر حرکت) نزول رحمت ملاقات الهی (زمینه‌ساز) (هدف نهایی) تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۳ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیستم سوره‌ی هود به نتایج چهارگانه‌ی مطالعه‌ی سرگذشت پیشینیان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲۰. وَكُلّاً نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ و هر [یک از اخبار بزرگ فرستادگان (الهی) را برای تو حکایت می کنیم، چیزی که به وسیله آن دلت را استوار می گردانیم؛ و در این (اخبار) حق و پند و یادآوری برای مؤمنان، به تو رسیده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که دشمنان اسلام سرسخت و بی‌رحم بودند، لازم بود که قرآن با بیان سرگذشت‌های متنوع «۱» اقوام سرکش پیشین، به تثبیت قلب و تقویت روحیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازد. این یکی از روش‌های تربیتی قرآن برای آموزش و پرورش پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است. ۲. هدف قرآن از بیان سرگذشت اقوام و پیامبران گذشته، قصه‌گویی و سرگرمی نیست، بلکه داستان‌هایی هدف‌دار است که مقصود آن بیان مجموعه‌ای از بهترین درس‌های زندگی برای انسان‌هاست. ۳. اهداف قصه‌های قرآن عبارت‌اند از: الف) یادآوری درس‌های تلخ و شیرین زندگی پیشینیان برای پند و اندرز دادن به مؤمنان؛ ب) بیان حقایق و واقعیت‌های تاریخی؛ ج) دلداری و تقویت روحیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله (و مؤمنان). تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قصه‌های قرآن هدف‌دار است. ۲. قصه‌های قرآن حقیقی، آرامش‌بخش، پندآموز و یادآور است. ۳. از شیوه‌ی قصه‌گویی هدف‌دار، برای تربیت افراد استفاده کنید. *** قرآن کریم در آیات صد و بیست و یکم و صد و بیست و دوم سوره‌ی هود دشمنان

اسلام را به مبارزه می‌طلبد و می‌فرماید: ۱۲۱ و ۱۲۲. وَقُل لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكَمْ إِنَّا عَامِلُونَ* وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ و به کسانی که ایمان نمی‌آورند، بگو: «هر چه مقدور شماست، انجام دهید؛ که ما (هم) انجام می‌دهیم!* و منتظر باشید که ما (هم) منتظریم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در سوره‌ی هود سرگذشت هفت تن از پیامبران پیشین و مبارزات آنها با مخالفانشان بیان شد. در برخی از این قصه‌ها می‌خواندیم که پیامبران مخالفان توحید را به مبارزه می‌طلبیدند که هر کار می‌توانند بکنند و در انتظار عذاب الهی باشند. «۱» در این آیه نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که هم چون پیامبران پیشین عمل کند. ۲. در این آیه اشاره شده که شما مخالفان توحید در انتظار خام پیروزی باشید و ما نیز در انتظار عذاب الهی برای شما و شکست شما هستیم. البته این گونه سخنان که به صورت امر آمده است، برای تهدید مخالفان است. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۵ ۳. تهدید یکی از روش‌های تربیتی است که برای انسان‌های لجوج که استدلال و پند و اندرز به حال آنان سودی ندارد به کار می‌رود، تا شاید بیدار شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام هر چه می‌توانند بکنند، (که هیچ زیان عمده‌ای به اسلام و رهبری آن نمی‌توانند بزنند). ۲. مخالفان اسلام منتظر عذاب الهی و شکست باشند. ۳. از مخالفان اسلام هراس به دل راه ندهید و عملًا با آنان مقابله کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی هود به سه قسم توحید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۳. وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ و نهان آسمان‌ها و زمین، فقط از آنِ خداست؛ و همه‌ی کارها تنها به سوی او بازگردانده می‌شود؛ پس او را پرستش کن؛ و بر او توکّل نمای؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن مسئله‌ی علم غیب را دو گونه بیان کرده است: گاهی علم غیب را مخصوص خدا می‌داند، همان طور که در این آیه آمده است؛ و گاهی بخشی از علم غیب را به پیامبران و حتی غیر پیامبران نسبت می‌دهد؛ همان طور که در مورد مادر موسی علیه السلام می‌خوانیم که به او وحی شد تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۶ و برخی اخبار غیبی در اختیار او گذاشته شد. «۱» البته قسم اول آیاتِ مربوط به علم غیب ذاتی است که مخصوص خداست، اما قسم دوم آیاتِ مربوط به علمِ غیبِ عرضی است که خدا به صورت محدود در اختیار برخی پیامبران و بندگان خاصش قرار می‌دهد. ۲. توحید صفاتی سبب توحید در عبادت است؛ یعنی اگر پرستش به خاطر پناه بردن به معبود، در مورد حل مشکلات است، چنین کاری در مورد کسی شایسته است که همه‌ی نیازهای بشر را بداند و از اسرار غیب باخبر باشد و او تنها خداست، پس فقط او شایسته‌ی پرستش است. ۳. این آیه در دو جمله‌ی کوتاه به تمام سرّ عبودیت انسان به درگاه خدا اشاره کرده است. عبادت (اعم از عبادات معمولی یا تفکر) آغاز این سیر است؛ و توکّل، یعنی واگذاری و سپردن همه چیز به دست خدا و تکیه بر او، که نوعی فنا به شمار می‌آید، آخرین نقطه‌ی سیر است. ۴. اگر دستور خدا بر عبادت نبود: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: اگر نبود امر خدای تبارک و تعالی، نمی‌دانم که چطور به خودمان جرأت می‌دادیم که مدح کنیم خدا را، ستایش کنیم ... غایت کمال انسان‌ها بر این بوده است که بفهمند عاجزند، ادراک کنند که عاجزند که عبادت خدا بکنند ... و اگر اجازه نبود که انسان وارد بشود بر عبادات، همه‌ی عبادات، انسان خجالت تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۷ می‌کشید که بایستد در مقابل خدا و بخواهد در مقابل خدا او را تمجید کند، انسان کوچک‌تر از این است که بایستد در مقابل خدا و خدا را تمحید کند، تمجید کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عالم اسرار غیب جهان و مرجع همه‌ی کارها خداست. ۲. خدا را بپرستید و بر او توکّل کنید که او از کسی غافل نمی‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۳۹

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوهٔ، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی

الحسن، انتشارات شریف رضـی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمـد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔالدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجـاز قرآن، محمدحسین طباطبـائی، قم، بنیـاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمـد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسـلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۰ مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الـدین عبـدالرحمن بـن ابی‌بکر السـیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمـد بن علی طبرسـی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیـخ مفیـد، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّٰه علی العباد، شیـخ مفیـد، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبـار، محمـد بن حسن شیـخ طوسـی، دارالکتب الاسـلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شـیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسـلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شـیخ طوسـی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمـد بن نعمـان، کنگره جهانی هزاره مفیـد قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسـیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسـکری علیه السـلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسـیر لکتاب اللّٰه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعـهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۱ ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمـد بن علی بن حسین بن موسی بن بـابویه قمی، انتشـارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحیـد، محمـد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسـین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجـدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیـانه، محمود صـافی، دار الرشـید دمشق و موسـسه الامیـان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشـعثیات)، محمـد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شـیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشـارات جامعه مدرسـین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبـدالغنی، ترجمه دکـتر اسـد اللّٰه مبشـری، قرآن و علم امروز، مؤسـسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الـدرّ المنثور فی تفسـیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السـیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السـلام)، امام رضا علیه السـلام، انتشـارات خیـام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشـی، بـدر الـدین محمـد بن عبـداللّٰه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی سـتحقی التقـدیم، علی بن یونس نباطی بیاضـی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشـرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نـذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السـنهٔ و الادب، عبدالحسین

احمـد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکـافی، ثقـهٔ الاسـلام کلینی، محمـد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمـد بن ابی عبداللّه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسـند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۲ ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمـد راغب اصفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمـد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔ‌اللّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۳ ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمـد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمـد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۴ ق) قم، انتشارات

بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیةاللّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفة، الطبعة الثانیة. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۵ ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۶ ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفة، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف

الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۷ فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزههٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۸ القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ

للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرة النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبة العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبة اللَّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۴۹ خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمة للطباعة والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدة الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبة الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیة اللَّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللَّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۵۰ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایة الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیة قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیة اللَّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش

فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی‌وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد نهم، ص: ۳۵۱ ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرهٔ، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،

گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».